

بنام خداوند جان آفرین کهیم سخن در زبان آفرین

فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی

فصلنامه‌ی علمی - تخصصی
سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: سازمان بسیج اساتید استان مازندران مدیر مسئول: حبیب‌الله حلیمی جلودار سردبیر: سعید خزائی قائم مقام سردبیر: مرتضی علویان مدیر داخلی: سید نورزاد نبوی جلودار کارشناس اجرایی: سید میثم میرصلحدار ویراستار: محبوبه سبزی‌علی‌پور مترجم: حسین قاسمی صفحه‌آرا: مرتضی انصاف‌منش چاپ و صحافی: موسسه نواندیشان تفکر خلاق شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال تارنما: www.fustj.ir رایانامه: Norooz1347@yahoo.com Bj.softpower@yahoo.com Faslnameh_s@yahoo.com	هیئت تحریریه: سعید خزائی - دانشیار دانشگاه تهران اصغر افتخاری - دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) سهراب صلاحی - استادیار دانشگاه امام حسین (ع) خبرالله پروین - دانشیار دانشگاه تهران احمد احمدپور - استاد دانشگاه مازندران عسگر جانعلی‌زاده - دانشیار دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل داود دومیری گنجی - دانشیار دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل مهدی رهبری - دانشیار دانشگاه مازندران مرتضی علویان - استادیار دانشگاه مازندران حبیب‌الله حلیمی جلودار - استادیار دانشگاه مازندران علی‌اکبر جعفری - استادیار دانشگاه مازندران
---	--

فهرست

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری با رویکرد آینده‌پژوهی

محمد رحیم عیوضی، عین‌الله کشاورز ترک / ۱

درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی

مهدی فاتح‌راد، محمدرضا جلیوند / ۲۷

از موج سوم تا فلر تا موج چهارم و پیش‌بینی‌های موثر بر عصر مجازی

امیر هوشنگ حیدری، مونس کشاورز / ۵۳

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا (نمونه‌پژوهی: قطر)

محسن خلیلی، جهانگیر حیدری، حسین اصغری‌ثانی / ۷۷

آینده‌پژوهی روابط جنبش امل و حزب الله لبنان

هادی معصومی زارع / ۱۲۳

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران به منظور دستیابی به چشم‌انداز آینده بر

اساس مدل برایشون

احسان شریفی، آیدا مهاجری / ۱۵۳

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری با رویکرد آینده‌پژوهی

دکتر محمد رحیم عیوضی*، عین‌الله کشاورز ترک**

تاریخ وصول: ۹۲/۷/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۵

چکیده

از آنجا که آینده‌پژوهی دانشی ارزش‌بنیان می‌باشد، لذا ارتباطی دوسویه با انسان‌شناسی، جامعه و فرهنگ ملت‌ها دارد. آینده‌پژوهی فرهنگی نیازمند توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های اعتقادی می‌باشد. از این حیث ریشه‌یابی نسبت بین برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام توسعه شهری و آینده‌پژوهی (آینده‌سازی) ضرورت می‌یابد. هدف از تشریح این نسبت نیز چشم‌انداز آینده است که مؤید نظام شهری با مختصات و نمادهای اسلامی - ایرانی است. با توجه به هدف مقاله که تبیین جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری با رویکرد آینده‌پژوهی است، یک روش تحقیق کیفی - کمی برای آن برگزیده شده است. پژوهش حاضر دارای دو بخش اصلی است، گام اول بررسی مبانی نظری می‌باشد، در این مرحله مبانی و مفاهیم نظری تدوین شده است، سپس در گام دوم، کاربرد مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی در راستای تدوین الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام توسعه شهری بر مبنای مدل یابی ساختاری تفسیری، تجویز شده است.

واژه‌های کلیدی: آینده‌پژوهی، سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده، الگوی فرآیندی،

مدل‌سازی ساختاری تفسیری

* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، گروه آینده‌پژوهی

** دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

مقدمه

فرهنگ واژه‌ای است که از پیچیدگی بالایی برخوردار است، برای فهم آن نیازمند ساده‌سازی و شفاف‌سازی هستیم، این ساده‌سازی در تحقیق بر اساس تعریف فرهنگ، تبیین کارکردهای و شیوه عمل در قلمرو مکانی و زمانی صورت پذیرفته است. بر مبنای پیچیدگی بالای آن از بعد موضوعی، به صورت لایه‌ای تعریف شده است. از بعد "زمان" گذشته، حال و آینده را در بطن خود دارد. لایه اعتقادات و باورها، ریشه در گذشته، لایه رفتارها بر مبنای کارکردهای فرهنگ، ریشه در زمان حال و لایه ارزشها، مطلوبیت فردی و اجتماعی ریشه در زمان آینده دارد، به طور مثال در حوزه روش‌های آینده‌پژوهی، اخذ نظرات خبرگان در روش‌هایی مانند طوفان فکری، دلفی، سناریو و... در راستای تبیین آینده‌های مطلوب نیز اشاره به لایه ارزش‌ها و مطلوبیت فردی (آینده) دارد. در جمع‌بندی "فرهنگ" عبارت است از؛ رفتارهایی که بر پایه اعتقادات و باورها در راستای خلق و تقویت ارزش‌ها در سه بعد زمانی گذشته، حال و آینده صورت می‌پذیرد. با این رویکرد تعریف ویلیامز از فرهنگ "یک روش کلی زندگی" نیز قابل تحلیل است که زندگی بر مبنای اعتقادات و باورها در راستای آینده‌سازی بر پایه ارزش‌ها و رفتارهای روزمره افراد حاصل می‌گردد.

با وجود رویکردها و روش‌های متعدد مرتبط با برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی، اکنون الگوی فرآیندی که بتواند به صورت گام به گام، سطح تحلیل شهر و ملی را پیوند دهد وجود ندارد؛ لذا مساله اصلی عبارت است از تبیین الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری با رویکرد آینده‌پژوهی می‌باشد، که با ساختار اجرایی کشور نیز قابلیت انطباق داشته باشد. برای پاسخگویی به مساله تحقیق، ابتدا رویکردهای و روش‌های مختلف کاربردی شناسایی و بررسی شدند. سپس این مبانی و روش‌ها با مدل‌سازی ساختاری تفسیری، با هم ترکیب شدند. حال در ارتباط با مساله فوق سؤال این است که الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری بر پایه مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی چه مختصاتی دارد؟ در راستای تبیین سؤال و تشریح مساله فوق، نیازمند بررسی و تحلیل مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی می‌باشیم. زیرا مبانی و روش‌های

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۳

آینده‌پژوهی می‌تواند امکان تبیین جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری را فراهم نماید. نتیجه پژوهش، عبارت است از الگوی سیستم فرآیندی برنامه‌ریزی فرهنگی شده که نظر خبرگان، آن را تایید می‌کند.

۱. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف مقاله که تبیین جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری با رویکرد آینده‌پژوهی است، یک روش تحقیق کیفی - کمی برای آن برگزیده شده است. پژوهش حاضر دارای دو بخش اصلی است. بخش بررسی و تحلیل مبانی نظری برای گام اول، مناسب‌ترین روش تحقیق کیفی تشخیص داده شد در این مرحله مبانی تدوین شده است، برای گام دوم کاربرد مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی فرهنگی تدوین الگوی سیستم فرآیندی بر مبنای مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تبیین و تحلیل شده است. اطلاعات بدست آمده از خبرگان با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)^۱ تحلیل شده‌اند. مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از روشهای طراحی سیستم‌ها، به ویژه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است. مدل‌سازی ساختاری تفسیری، رویکردی است که با بهره‌گیری از ریاضیات، رایانه، و نیز مشارکت متخصصان، به طراحی سیستم‌های بزرگ و پیچیده می‌پردازد (وارفیلد^۲، ۱۹۷۶:۳۴۵).

مدل‌سازی ساختاری تفسیری توسط وارفیلد (۱۹۷۴، ۱۹۷۶، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲) معرفی و توسعه داده شد. این تکنیک افراد و گروهها را قادر می‌سازد که روابط پیچیده بین تعداد زیادی عناصر را در یک موقعیت پیچیده تصمیم‌گیری، ترسیم کنند. (چاران و دیگران^۳ ۲۰۰۸:۳۶۸). این تکنیک، مدل‌های ذهنی ناپیوسته و غیرشفاف را به مدل‌های قابل مشاهده خوب تعریف شده تبدیل می‌کند (سیج^۴، ۱۹۷۷). این تکنیک می‌تواند به عنوان ابزاری برای نظم بخشیدن و جهت دادن به پیچیدگی روابط بین متغیرها عمل کند.

1. Interpretive Structural Modeling (ISM)
2. Warfield, J. N., 1976.
3. Charan, P. Shankar, R and Baisya, R.K.
4. Sage

روش نمونه‌گیری در این گام، روش نمونه‌گیری هدفمند است. خبرگان مختلفی برای پوشش دادن به این معیارها و شاخص‌ها بررسی شدند که در نهایت مشخص شد که با مجموعه خبرگان ۱۲ نفر تمام شاخص‌های تخصصی و کیفی پوشش داده می‌شود. لازم به ذکر است تعداد اعضای کمیته شرکت‌کننده در مدل‌سازی ساختاری تفسیری بین ۴ تا ۱۴ نفر پیشنهاد شده است، بررسی بر روی تحقیقاتی که روش‌شناسی مدل‌سازی ساختاری تفسیری را انتخاب کرده‌اند، این امر را تایید می‌نماید (اصغرپور، ۱۳۸۲:۱۳۱).

۲. مفاهیم و مبانی برنامه‌ریزی و فرهنگ

برنامه‌ریزی به تنهایی از پویای کافی برخوردار نمی‌باشد، با توجه به توسعه علم و فناوری و کاهش توجه به انسان در عصر مدرن، ماهیت برنامه‌ریزی را در تقابل با انسان معاصر قرار داده است و از پویایی آن کاسته است. هنگامی که به بررسی تکامل مکاتب مدیریت و برنامه‌ریزی می‌پردازیم در می‌یابیم سیر تکامل به سوی توجه به نیازهای انسانی پیش رفته است و از سوی دیگر به پیچیدگی‌ها و توسعه فناوری توجه دارد؛ حال سرعت توسعه فناوری‌های نو به اندازه‌ای است که میزان توجه به مبانی انسانی در مقابل آن ناچیز و کم رنگ است و حس می‌گردد که منشاء برنامه‌ریزی برای فناوری است نه انسان، که نشان از عدم پویایی برنامه‌ریزی در عصر مدرن دارد.

از سوی دیگر عاملی که می‌تواند این پویایی را احیاء نماید فرهنگ بر خواسته از انسان و سیر تکاملی او می‌باشد. در رویکرد ایرانی اسلامی ورود مبانی فرهنگی و اخلاقی در نظام برنامه‌ریزی شهری باید مورد توجه قرار گیرد، جهت عملیاتی نمودن این رویکرد نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی شده، با نگاهی آینده پژوهانه می‌باشیم. لذا تحقیق حاضر به دنبال بررسی رابطه فرهنگ و برنامه‌ریزی می‌باشد تا ابعاد تاثیر آن بر شهر را نیز تحلیل نماید.

۲-۱. ماهیت فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای است که کاربردهای زیادی دارد، به این دلیل که برای توصیف چیزهای بسیار متفاوتی به کار برده می‌شود. این امر ممکن است به سردرگمی بزرگی منجر شود.

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۵

چنین وضعیتی نیازمند این امر است زمانی که درباره «فرهنگ» صحبت می‌کنیم، باید دقیقاً روشن کنیم مفهوم فرهنگ در نزد ما به چه معناست. در ادامه به مبانی هستی‌شناسی فرهنگ پرداخته می‌شود، این مبانی فلسفی و هستی‌شناسانه بر مبنای سوالات زیادی که در ذهن ایجاد و همواره در پاسخ به آنها با کلماتی مانند، مبهم، بی‌نهایت و... قرار داده می‌شود، و یا مباحثی که "امر مسلم"، "امر بدیهی" و "امر طبیعی" فرض می‌شود تبیین شده است. هر آن چه که به مثابه‌ی امر مسلم، بدیهی یا طبیعی به ما عرضه می‌شود، به نوعی، محصول انباشتگی زمانی در مکان است. لذا نیازمند شفاف‌سازی ماهیت و تعریف فرهنگ می‌باشد که در ادامه به آن پرداخته شده است.

۲-۲. ماهیت برنامه‌ریزی

ماهیت برنامه‌ریزی با عمل اجتماعی بیشترین ارتباط را دارد. در راستای شناخت واقعیت، نیازمند کنش با پدیده‌های اجتماعی می‌باشیم. در تبیین جایگاه نظام برنامه‌ریزی در ایران و ارتباط آن با چرایی و جایگاه توسعه در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته را می‌توان در گام اول به عنوان مصداق عملی برنامه‌ریزی طرح نمود. ریشه‌ی این واقعیت اجتماعی در حوزه برنامه‌ریزی را در چند دهه گذشته می‌توان در مبانی اقتصاد سیاسی کشور و به عبارتی اتکاء مدیریت کشور به اقتصاد نفتی جستجو نمود.

برنامه‌ریزی متأثر از تحولات دهه اخیر و پافشاری بر گرایش‌های مبتنی بر جنسیت، قومیت و منطقه‌گرایی و ارائه ایده‌های نظری جدید در علوم اجتماعی در وضعیت آشفته‌ای قرار دارد. در تبیین آینده برنامه‌ریزی شهری در ایران به اعتبار آن که با پیچیده‌ترین پدیده هستی یعنی "شهر" سروکار دارد، بسنده کردن به معنای تجربی علم به معنای نادیده گرفتن و عدم حضور مبانی ارزشی و فرهنگی جامعه می‌باشد. با این مبانی، برنامه‌ریزی موضوعیت و کارایی بیشتری یافته است. در ادامه، هدف نظریه برنامه‌ریزی در شرایط کنونی می‌تواند، ورود مبانی ارزشی و فرهنگی و تجربه‌ای مرتبط با آن در این حوزه و کاربردی کردن و انتشار نتایج آن باشد. و منجر به تبیین عمل اجتماعی برنامه‌ریزی در حوزه عدالت اجتماعی و توجه به نقش انسان در این عرصه می‌گردد. از طرف دیگر، مبانی

عدالت اجتماعی در جهان در سال‌های اخیر با کاستی‌هایی جدی روبرو است که در نتیجه برنامه‌ریزی موضوع مورد تاکید باقی خواهد ماند (اقوامی مقدم، ۱۳۸۹:۷).

۳-۲. فلسفه فرهنگ و آینده‌پژوهی

فلسفه فرهنگ را می‌توان، «دانش عهده‌دار تبیین، تحلیل و تعلیل عقلانی احکام کلی فرهنگ» دانست. از آنجا که فلسفه فرهنگ متصدی مطالعه عقلانی فرهنگ است، می‌تواند در شمار دانش‌های فلسفی قرار گیرد. روش تحقیق در فلسفه فرهنگ، عقلانی و رویکرد مطالعاتی آن فرانگر و قضاوتی و مسائل آن، احکام کلی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی می‌باشد. مسائل فلسفه فرهنگ، احکام کلی (مباحث هستی‌شناختی، گونه‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، روش‌شناختی، قاعده‌شناختی) فرهنگ است (رشاد، ۱۳۹۰: ۴-۶).

بر این مبنا، رویکردی نو در حوزه هستی‌شناسی فرهنگ ارائه می‌گردد که بر اساس معرفت‌های نوینی بر پایه رویکرد "تصورپردازی از آینده" حاصل شده است. این‌گونه استدلال در حوزه هستی‌شناسی فرهنگ، در تدوین آینده‌های ممکن و محتمل کاربرد دارد. در ادامه عناوین کلیدی، مبانی فلسفی فرهنگ به شرح ذیل می‌باشد:

- کل‌نگری
- ارزش بنیان و آینده‌سازی
- پایداری و پویایی
- انسان محور و جامعه‌زا بودن
- تفاوت در فرهنگ‌ها، تنوع فرهنگی
- رویکرد پیوند مکان - فرهنگ

مفهوم اولیه، که از فرهنگ ارائه شد، مفهومی ساده بود که در صورت جست و جو برای توسعه لایه‌های فرهنگ و ارتباط عملی در برنامه‌ریزی با نگاهی آینده‌پژوهانه است. این مفهوم از نظر فلسفی منسجم بوده و از سه عنصر اصلی تشکیل شده است:

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۷

- فرهنگ به عنوان "شیوه زندگی کل جامعه" که در برگیرنده "اصول رفتار، پوشش، زبان، آداب و رسوم مذهبی، هنجارهای رفتاری و باورها" می‌باشد (یونگ، ۲۰۰۸).
- فرهنگ که در زمینه‌های تاریخی و میراث فرهنگی ناملموس در نظر گرفته می‌شود و
- فرهنگ که در ارتباط با محیط، میراث فرهنگی ملموس و چشم‌انداز فرهنگی در نظر گرفته می‌شود (یونگ، ۲۰۰۸).

با این وجود، اکنون جا دارد که از تعریف ساده ارائه شده با ارائه یک هستی‌شناسی عمیق‌تر از فرهنگ دفاع گردد. این هستی‌شناسی نشانگر مناسبتی است که، این تعریف لایه‌ای و آینده‌نگرانه از آن گرفته شده بود. و باید بتواند پاسخ به مسائل فلسفی مهم که به ماهیت فرهنگ مربوط شده و به واسطه وجود یا عدم وجود میراث طبیعی ایجاد می‌شود، بپردازد. یکی از مباحث مهم در حال حاضر در این خصوص است که تا چه حد می‌توان متصور بود که محیط طبیعی (کالبد) بر فرهنگ در گذر زمان، تاثیر دارد.

آینده‌پژوهی^۱ شاخه‌ای از علوم انسانی است که با ویژگی‌های انسانی جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد؛ از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده‌پژوهی دانشی ارزش‌بنیان است (مالاسکا^۲، ۲۰۰۳، ۱۳) و ارتباطی دو سویه با جهان‌بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد. ارتباط فرهنگ و آینده‌پژوهی مستلزم توجه به فضای کالبدی بر مبنای سطح تحلیل شهر در راستای تدوین الگوهای اسلامی، ایرانی است.

"ارزش" به عنوان مطلوبی که در زمان حال منجر به آینده‌سازی می‌شود، به عنوان عامل پیونددهنده حال به آینده است که در بطن فرهنگ می‌باشد، که به عنوان مفروضات پایه‌ای این رویکرد هستی‌شناسی فرهنگ طرح شده‌اند. در مفهوم‌شناسی زمان در هستی‌شناسی فرهنگ، به عنوان یک عامل مستقل در نظر گرفته می‌شود که در محدودیت

1. Futures Studies
2. Pentti Malaska

مادی عمل می‌نماید. خارج از این عالم مادی، ماهیت زمان متفاوت می‌باشد، علت آن، کمتر بودن محدودیت‌ها می‌باشد.

۲-۴. الگوی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده

مفهوم ارائه شده "فرهنگی‌سازی" و "سیستم فرهنگی شده" نشانگر ارزش مطالعات برنامه‌ریزی و به کارگیری برنامه‌ریزی در جوامع می‌باشد. از طریق در کنار هم قرار دادن اصول برنامه‌ریزی و فرهنگ و شکل دهی یک رابطه سودمندتر، ارزش شناخته نشده "فرهنگ" می‌تواند به تغییر ساختار برنامه‌ریزی کمک کند. برای رسیدن به این منظور، یک الگوی برنامه‌ریزی مبتنی بر فرهنگ و "سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده" (یونگ، ۲۰۰۸) بررسی و تحلیل شده است.

منظور از واژه جدید، فرهنگی‌سازی^۱ استفاده بازتابی^۲، انتقادی، اخلاقی و بکارگیری فرهنگ در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و نیز در برنامه‌ریزی راهبردی غیرفضایی^۳ می‌باشد. خوش‌بینی اجتماعی در حیطه فرهنگ امری بسیار مهم می‌باشد. ویژگی‌های عمیق و مؤثر فرهنگ نیز کمتر در معرض تاثیرپذیری از دستکاری سیاست‌های رسانه‌ای قرار داشته و بر این اساس، فرهنگ می‌تواند به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی قاطعانه‌تر^۴ قرار گیرد. این نوع برنامه‌ریزی می‌تواند انگیزه‌ای برای مشارکت جوامع باشد؛ زیرا عملکردی است که از طریق آن جوامع آسان‌تر مورد شناسایی قرار می‌گیرند (یونگ، ۲۰۰۸). از نظریات، اصول، شناخت‌ها و مثال‌های برنامه‌ریزی زیادی در روند طرح سیستم فرهنگی شده استفاده شده است که منابع زیر را دربر می‌گیرند:

1. Culturisation
2. Reflexive
3. Non-spatial

۴. این نکته بر مدت زمان برنامه‌ریزی نیز اشاره دارد که در حوزه‌هایی که زمان در حوزه برنامه‌ریزی بلند مدت در نظر گرفته می‌شود، رویکرد مبنایی انسان‌شناسی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. ریشه‌های آینده‌پژوهی به محوریت انسانی آینده‌شناسی توجه دارد که در افق زمانی چشم‌اندازها را مد نظر قرار می‌دهد.

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۹

- نظریه فرهنگی؛
 - نظریه برنامه‌ریزی؛
 - «ساندرکوک، (طرح پست مدرن)؛ هیلی (استفاده از مواد زیباشناختی)؛
هایدن (ارزش حافظه عمومی و چشم‌انداز)؛ لانداری (جعبه ابزار و خلاقیت)؛
هاکز (ستون چهارم پایداری)».
 - دیدگاه متون مربوط به اصلاح برنامه‌ریزی، شهرسازی و ایجاد خلاقیت؛
(براتی، ۱۳۹۰؛ یونگ، ۲۰۰۸).
 - شیوه‌های کنترل^۲ و نظارت بین‌المللی، سیاست‌گذاری توسعه و برنامه‌ریزی جهانی؛
و
 - رویکردهای کنونی برنامه‌ریزی راهبردی.
 - رویکرد آینده‌پژوهی.
- منابع گسترده و متنوع در نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده، در جدول ۱ نشان داده شده‌اند. این منابع در برگیرنده موارد طرح شده در بالا می‌باشند.

جدول ۱- نهادهای پشتیبان نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده

سطح تحلیل	سیاست نظارتی	شیوه‌های جهانی
بین‌المللی	بانک جهانی - یونسکو Wcc	برنامه‌ریزی راهبردی
ملی	دستور کار ۲۱ منشورهای بین‌المللی	توسعه پایدار مدیریت محل دو - فرهنگی
شهر	سازمان‌های تجاری و مردم نهاد دولت دولت محلی	رصد فرهنگی بازاریابی مکان مدل نقشه فرهنگی راهبرد گردشگری فرهنگی

1. aesthetic materials
2. Governance

۵-۲. شکل‌دهی جدید برنامه‌ریزی شهری بر پایه رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده و آینده‌پژوهی

برنامه‌ریزی شهری تا کنون توانسته است در فرآیند مقابله با چالش‌ها و مسایل جامعه، مراحل تکاملی را در پیش رو داشته باشد. موضوعاتی مانند تخریب گسترده محیط زیست، رشد ناهمگون شهرها و گرمایش زمین (اسلاتر، ۲۰۰۸) از مصادیقی هستند که نیاز به همگرایی برنامه‌ریزی شهری و آینده‌پژوهی را ضروری می‌نمایند. لذا هدف اصلی آینده‌پژوهی بهبود آزادی و سطح رفاه بشریت و افزایش امید به آینده‌ای مطلوب است (وندل بل، ۲۰۰۳: ۹۵)، شرایط موجود شهرهای کشور، وضعیت خطرناکی است. لذا برنامه‌ریزی شهری در کشور نیازمند بازنگری می‌باشد. چرا نسخه موجود امکان حل مشکلات و مسائل را ندارد. بنابراین با وجود روند تکامل برنامه‌ریزی شهری و برخی دستاوردهای ضرورت توجه به رویکردهای جدید مانند، برنامه‌ریزی فرهنگی شده و آینده‌پژوهی اهمیت افزون تری یافته است.

۶-۲. بومی‌سازی آینده‌پژوهی بر پایه فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی در جامعه

رویکرد بومی‌سازی مبتنی بر پرداختن به موضوعات و مسائل خاص یک جامعه قلمداد می‌شود. حال آن که مهمتر از این مطلب ایجاد مبانی معرفتی و روشناختی، حل این مسائل در جامعه باید بومی گردد. به عبارتی در نگرش‌ها بر پایه مباحث جامعه‌شناختی و ارزشی هر جامعه‌ای نیاز به دانش بومی ضرورت می‌یابد. از این طریق مسائل خاص یک جامعه نیز با تحلیل عمیق‌تر و پایدارتر حل می‌گردد. با توجه به اینکه در حوزه آینده‌پژوهی مبانی معرفتی و روش‌شناختی به عنوان مبدا ورودی حل مسائل و مشکلات با رویکرد آینده محور مد نظر قرار می‌گیرد، لذا رهیافت بومی‌سازی آینده‌پژوهی منطبق بر ورود مبانی ارزشی، فرهنگی در درون متن برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد و بر اساس این رهیافت هم مسائل و مشکلات در جامعه حل می‌گردد و هم مبانی معرفتی و روشی تولید می‌شود که منجر به بومی‌سازی الگوها، مدل‌ها، روش‌ها و فرآیندهای آینده‌پژوهی می‌گردد. در حوزه کنش با واقعیت‌های اجتماعی، بومی‌سازی آینده‌پژوهی بر اساس فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۱۱

تحقق می‌یابد. در جامعه اسلامی - ایرانی مبانی ارزشی از جایگاه و قوت بالایی برخوردار می‌باشند، در غرب این مبانی در حداقل‌ها سیر می‌نماید، مبانی معرفتی فرهنگ که بر آن تاکید شد، در صورت شناخت صحیح و پیاده‌سازی مناسب در نظام برنامه‌ریزی به عنوان یک نیروی محرک و پیشران فرصت ساز عمل خواهد نمود.

۷-۲. تحقق برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی از طریق کنش با واقعیت‌های اجتماعی

نظریات و مشاهدات علمی تحت تأثیر ذهنیت مشاهده‌گر می‌باشد و ذهنیت مشاهده‌گر نیز از محدودیت عالم هستی، مکان و فضا تأثیر می‌پذیرد. این دو تأثیر در کنش با واقعیت‌های اجتماعی امکان نمود پیدا می‌کند. در شیوه‌های استدلالی کنونی امکان شناخت منشاء تأثیر بر عالم هستی مادی و کنترل آن مهیا نمی‌باشد، ولی از طریق تعامل با پدیده‌های اجتماعی می‌توان به بخشی از نتایج مورد نظر دست یافت. بنابراین مشاهداتی که علم بر اساس آن شکل می‌گیرد، به ذهنیت انسان و ابعاد مکانی وابسته است. به عبارتی ذهنیت‌های شکل گرفته بخصوص در عرصه‌های اجتماعی از تنوع و تفاوت‌هایی برخوردار می‌باشند.

در این میان برنامه‌ریزی بیشترین تعامل را با عرصه عمل اجتماعی دارا می‌باشد، ورود مبانی حوزه انسان و مکان در عرصه برنامه‌ریزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارتی برنامه‌ریزی فرهنگی شده این تفاوت‌های نگرشی و کالبدی را مد نظر قرار می‌دهد و ارتباط تنگاتنگی با آینده‌پژوهی و توسعه پایدار را در درون خود دارد. مرتبط‌ترین عرصه با این مباحث حوزه برنامه‌ریزی شهری می‌باشد.

۳. روش‌ها و مبانی آینده‌پژوهی متناسب با برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری

ارائه چشم‌اندازهای نو بر مبنای روش‌های آینده‌پژوهی در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهر در سطح تحلیل شهر و ملی، مد نظر قرار گرفته است، در مطالعات آینده‌پژوهی تلاش‌های بسیار زیادی در مورد مواجهه پیش‌دستانه با آینده در تصمیم‌گیری‌ها شده است، در ادامه رویکردها و روش‌های انتخاب شده به شرح ذیل می‌باشند:

- رویکرد تحلیل ذینفعان
- رویکرد نقشه فرهنگی
- رویکرد دیده‌بانی و رصد فرهنگی
- رویکرد علائم ضعیف
- رویکرد سناریو
- رویکرد چشم‌انداز

این رویکردها و روش‌ها به عنوان ورودی فرآیند تحقیق بررسی شده‌اند، روش‌هایی که بیشترین تناسب با برنامه‌ریزی فرهنگی شده را داشته‌اند مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در ادامه بر مبنای روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط میان این روشها بررسی خواهد شد، و در نهایت الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی پیشنهاد می‌گردد. دانش بشری برای برنامه‌ریزی فرهنگی در جامعه روش‌های متعددی را خلق و استفاده کرده است. این روش‌ها و رویکردها بر مبنای امکان استفاده آن‌ها در سیستم فرآیندی بررسی و تحلیل می‌شوند و زیرفرآیندهای مناسب برای استفاده در سیستم فرآیندی مذکور تعیین می‌شوند. لازم است خاطر نشان شود که هدف این بخش بررسی کامل روش‌ها نیست، بلکه هدفمندانه به مفاهیم می‌پردازد.

۱-۳. مراحل تدوین الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی

یافته‌های حاصل بر اساس مدل‌سازی ساختاری - تفسیری، تبیین جایگاه جدید سیستم فرآیندی برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی می‌باشد که برای این امر مهمترین کار، خلق الگوی فرآیندی بود. در ادامه الگوی فرآیندی ارائه شده است. بعد از بررسی هر کدام از رویکردها، تحلیل تجمیعی و پایانی، در سه گام خلاصه شده است.

- این تحلیل به فرآیندهای فرعی رویکردهای بررسی شده پرداخته و مشخص می‌کند هر کدام از رویکردها به چه مسایلی پرداخته‌اند و موضوع محوری هر کدام چیست؟

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۱۳

- لزوم ترکیب آنها در یک فرآیند جامع و نقاط قابل تکمیل رویکردها پرداخته می‌شود، وقتی تمام روش‌ها و رویکردها مورد بررسی در کنار هم و با هم قرار می‌گیرند، نقاط قابل استفاده و نقاط قابل تکمیل هر کدام بیشتر و بهتر قابل شناسایی هستند.
- کسب ایده‌های محوری از رویکردهای مختلف برای سیستم فرآیندی برنامه‌ریزی فرهنگی شده

با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری، یک جواب اولیه را فراهم می‌کند که آن را باید در عرصه عمل به کار بست تا نقاط مبهم و ضعف احتمالی آن روشن شود. در ادامه گام‌های تدوین الگوی سیستم فرآیندی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. شناسایی و تعریف اجزای تشکیل‌دهنده سیستم فرآیندی.
۲. تعیین رابطه بین اجزای سیستم (معناداری، تقدم و تأخر).
۳. تبیین تعامل بین اجزای سیستم توسط خبرگان بر مبنای پرسش‌نامه طراحی شده، بر اساس تکنیک الگوسازی ساختاری - تفسیری.
۴. تعیین ماتریس مجاور، که حاوی اطلاعات لازم در مورد اجزاء، روابط میان آنها و ساختار نموداری سیستم.
۵. محاسبه ماتریس دسترسی بر مبنای نظریه اویلر
۶. افزایش سیستم فرآیندی به سطوح مختلف، در راستای شفاف‌سازی نقش هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده و تعامل طرفین آنها (خداد حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۰).

۱-۱-۳. شناسایی و تعریف اجزای تشکیل‌دهنده الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده

در ابتدا رویکردهای منتخب مورد بررسی قرار گرفتند و سپس موضوع محوری و فرایندهای تأثیرگذار هر کدام مشخص شدند، در ادامه این فرایندها در راستای تبیین سیستم فرآیندی ارائه شده بررسی و تحلیل شده‌اند.

جدول ۲- شناسایی و تعریف عوامل تاثیرگذار بر الگوی سیستم فرایندی

<p>هدف این فرآیند شناخت ذینفعان، دسته‌بندی ذینفعان، تعیین مختصات ذینفعان (قدرت، مشروعیت و فوریت و...) و اهمیت تقاضاهای ذینفعان مختلف است. اگر فرآیند فرعی تحلیل ذینفعان به درستی صورت گیرد می‌توان در گام‌های بعدی، مشارکت شهروندان و مسئولیت‌پذیری را بالا برد.</p>	<p>۱. شناسایی و تحلیل ذینفعان</p>
<p>در این فرآیند، محدوده مکانی، با توجه به ارتباط گسترده و معنی دار با مؤلفه فرهنگ مد نظر قرار گرفته است، محدوده زمانی (افق زمانی)، محدوده مکانی بر مبنای نقشه فرهنگی شهر قابل تحلیل است.</p>	<p>۲. تعیین محدوده مکانی- زمانی</p>
<p>برای تدوین نقشه فرهنگی شهری، روش‌های متعددی ذکر شده است در این روش، توجه به بعد فضا - مکان با رویکرد تحلیل شبکه‌ای و رویکرد ارزش مینا ضروری است.</p>	<p>۳. تدوین نقشه فرهنگی شهر</p>
<p>بعد از تدوین نقشه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری با بررسی صحت، اعتبار، ارتباط نقشه فرهنگی با محدوده زمانی و مکانی اطمینان حاصل کند که برنامه‌های شهری تدوین شده مناسب هستند و به دنبال توسعه پایدار و شهر خلاق با نگاه فرهنگی و آینده‌پژوهی می‌باشند.</p>	<p>۴. برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری</p>
<p>سندی است شامل مطالعات فنی و کارشناسی که مبین پیش‌بینی و اعمال الزامات و استانداردهای فرهنگی در هر نوع طرح، تصمیم و اقدام کلان اقتصادی، سیاسی، حقوقی - قضایی، اجتماعی و فرهنگی متناسب با مقتضیات و شرایط جامعه می‌باشد. به عنوان مقدمه و پیش نیاز استقرار برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری می‌باشد، که اولویت‌ها را مورد بررسی ویژه قرار می‌دهد.</p>	<p>۵. پیوست فرهنگی</p>
<p>سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که به نوع عملکرد یک نهاد اجتماعی در امور فرهنگی استیلا دارند. به این اعتبار منظومه‌ای سازمان یافته از اهداف نهایی درازمدت، میان برد، قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد.</p>	<p>۶. سیاست‌گذاری فرهنگی (شهری - ملی)</p>

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۱۵

<p>بر مبنای سیاستگذاری فرهنگی تدوین تجویزهای کارآمد معطوف به تغییر اجتماعی باید مد نظر قرار گیرد. به عبارتی در این مرحله جمع‌بندی سطح تحلیل شهر بر مبنای شناسایی مولفه‌های و محورهای کلیدی می‌تواند به عنوان ورودی رصد فرهنگی مدنظر قرار گیرد.</p>	<p>۷. تجویزها (شناسایی مولفه‌های و محورهای کلیدی)</p>
<p>رصد فرهنگی، مطالعه مسائل و پدیده‌های فرهنگی از دید تغییر فرهنگ می‌باشد. رصد فرهنگی، یافتن مسائل فرهنگی، مطالعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای موجود، در حال ظهور یا رو به رشد و در حال زوال و تغییر می‌باشد. رصد فرهنگی به عنوان پیونددهنده سطح تحلیل شهر به ملی در نظر گرفته شده است.</p>	<p>۸. دیده بانی و رصد فرهنگی</p>
<p>علائم ضعیف در واقع علائم مربوط به پدیده‌ای است که به طور نسبی کمتر معلوم بوده، به‌طور ضعیف احساس شده و یا این که به طور ناچیز توزیع شده است. علائم ضعیف، علائمی کیفی هستند که برای درک آن‌ها باید به تقویت این علائم پرداخت. یک از نتایج رصد فرهنگی شناسایی و تقویت علائم ضعیف در سطح تحلیل ملی می‌باشد.</p>	<p>۹. شناسایی علائم ضعیف</p>
<p>در بیشتر تحقیقات مرتبط با آینده، اولین بخش از فعالیت مطالعه آینده را تشکیل می‌دهند. روند عبارتست از تغییرات منظم، مستمر و یا دوره‌ای در پدیده‌ها در طول یک بازه‌ی زمانی. تغییرات مذکور ممکن است به شکل کیفی یا کمی باشد.</p>	<p>۱۰. شناسایی روندهای و پیش‌ران‌های فرهنگی</p>
<p>نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور با طی گام‌های چهارگانه‌ی زیر تهیه و تدوین می‌شود. ۱. تدوین و تصویب چشم‌انداز فرهنگی کشور، ۲. مهندسی فرهنگ کشور، ۳. مهندسی فرهنگی کشور، ۴. مدیریت راهبردی فرهنگی کشور. مراحل رصد فرهنگی و نقشه فرهنگی شهر در فرآیند ترسیم شده پیش‌نیاز نقشه مهندسی فرهنگی کشور می‌باشند.</p>	<p>۱۱. تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور</p>
<p>برای خلق سناریوها، روش‌های متعددی ذکر شده است اما فصل مشترک تمام روش‌ها، این است که آینده‌های چندگانه متعددی که پیش روی قرار دارد به صورت منظم و شفاف، صورت‌بندی می‌شود.</p>	<p>۱۲. خلق سناریوها</p>

۱۳. ارزیابی سناریوها	بعد از خلق سناریوها، فرایند فرعی ارزیابی سناریوها به این موضوع می‌کوشد که با بررسی صحت، اعتبار، ارتباط سناریو اطمینان حاصل کند که سناریوهای طراحی شده مناسب هستند.
۱۴. تدوین چشم انداز ملی فرهنگی شده	یکی از ورودی‌های تدوین چشم انداز ملی توسط سیستم فرآیندی ایجاد می‌شود و استفاده از این الگو منجر به تدوین چشم‌انداز ملی فرهنگی شده می‌گردد.
۱۵. اقدامات شکل‌دهنده و کنترلی	اقدامات شکل‌دهنده، اقداماتی هستند که امکان رخداد آینده مطلوب را افزایش می‌دهند و اقدامات کنترلی اقداماتی هستند، که امکان رخداد آینده نامطلوب را کاهش می‌دهند. اقدامات شکل‌دهنده و کنترلی می‌توانند برای تاثیر بر خطاها، پیامدها و مفروضات طراحی شوند.

بعد از بررسی و تحلیل رویکردها و روش‌ها و فرآیندهای فرعی این رویکردها، سرانجام ۱۵ فرآیند فرعی استخراج شده‌اند که بوسیله پرسشنامه روابط پیش‌نیازی و تقدم و تاخر منطقی آنها را مشخص شده است. نقش خبرگان تعیین روابط پیش‌نیازی و تقدم و تاخر است. در ترکیب این روش‌ها و رویکردها با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری عناصر و مولفه‌های مختلف یک سیستم را بر اساس یک رابطه تعریف شده در یک نظم منطقی، به تصویر کشیده است. در ادامه بر مبنای مراحل ذکر شده الگوی سیستم فرآیندی نهایی بر مبنای نظر خبرگان ترسیم شده است.

۳-۱-۲. تعیین رابطه محتوایی (بافتاری) بین اجزای مدل

پس از انتخاب عوامل و اجزای تشکیل‌دهنده مدل، تعریف یک یا چند رابطه محتوایی (بافتاری) بین اجزای آن ضروری است. رابطه بافتاری یعنی ارتباط مفهومی بین اجزای متشکل الگو، به گونه‌ای که از نظر معنا و محتوا متناسب با اهداف سیستم فرآیندی باشد. در این تحقیق رابطه بین فرآیندها از نوع رابطه تعریفی و زمانی است. بدین معنا که خبرگان باید نظر بدهند که فرآیند فرعی a تقدم زمانی دارد یا ضرورت دارد برای فرآیند فرعی b. یا خروج فرآیند a، ورودی فرآیند b است.

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۱۷

۳-۱-۳. تشخیص تعامل بین اجزای مدل

تشخیص تعامل میان اجزای سیستم توسط خبرگان انجام شد. هر کدام از خبرگان پرسشنامه‌ای را تکمیل کردند که بر اساس آن پرسشنامه تعیین می‌شد که از نظر آنان بین هر دو فرآیند فرعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ خبرگان می‌توانستند از چهار نماد استفاده کنند که هر نماد یک معنای خاص دارد:

- V این معنا را می‌دهد که فرآیند فرعی a متقدم است بر فرآیند فرعی b .
- A این معنا را می‌دهد که فرآیند فرعی b متقدم است بر فرآیند فرعی a .
- X این معنا را می‌دهد که فرآیند فرعی b و a هم زمان هستند.
- O این معنا را می‌دهد که فرآیند فرعی b و a نامربوط هستند.

۳-۱-۴. محاسبه ماتریس دسترسی (قابلیت دستیابی)

پس از تشکیل ماتریس ساختار یافته خود تعاملی ماتریس قابلیت دستیابی باید ایجاد گردد. بدین ترتیب که به جای درایه‌های v, A, X و O به ترتیب $1, 0, 1$ و 0 قرار داده و به جای درایه‌های متناظر آنها در قطر پایینی به ترتیب $0, 1, 1$ و 0 قرار می‌گیرد. همچنین تمامی درایه‌های قطر اصلی این ماتریس برابر با یک می‌باشد. ماتریس فوق را ماتریس قابلیت دستیابی اولیه می‌نامند.

پس از تشکیل ماتریس قابلیت دستیابی اولیه سازگاری درونی یا میزان انتقال پذیری آن باید کنترل و بررسی گردد. بدین منظور دو رویکرد در این رابطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش از رویکرد دوم که همان استفاده از قوانین ریاضی می‌باشد، بهره برده می‌شود. در این روش ماتریس قابلیت دستیابی اولیه را به توان $(k+1)$ می‌رسانند بطوری که K عددی بزرگتر یا مساوی یک می‌باشد. همچنین عملیات به توان رساندن می‌بایستی طبق قاعده بولن صورت گیرد. در این پژوهش k برابر ۳ می‌باشد.

جدول ۳- ماتریس دسترسی نهایی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲
۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۴
۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱۲
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱۳
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱۴
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱۵

۳-۱-۵. تعیین اولویت و سطوح عوامل

به منظور تعیین سطوح عوامل می‌بایستی مجموعه‌های دستیابی و پیش نیاز برای هر یک از عوامل ایجاد گردد. سپس عناصر مشترک این دو مجموعه استخراج می‌گردد. عواملی که مجموعه‌های دستیابی و مشترکشان یکی باشد، بالاترین سطح را اخذ می‌کنند. پس از حذف این عوامل فرآیند فوق تکرار می‌گردد تا در نهایت تمامی عوامل سطح‌بندی گردند. بر اساس نتایج، عوامل در ۸ سطح تقسیم‌بندی می‌شوند.

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۱۹

جدول ۴- جدول تناوب اول

مجموعه مشترک	مجموعه متقدم	مجموعه متاخر	جزء
۱,۲	۱,۲	۱_۱۵	۱
۲	۱,۲	۲_۱۵	۲
۳	۱,۲,۳	۳_۱۵	۳
۴,۵	۱,۲,۳,۴,۵	۴_۱۵	۴
۴,۵	۱,۲,۳,۴,۵	۴_۱۵	۵
۶,۷	۱_۷	۶_۱۵	۶
۷	۱_۷	۷_۱۵	۷
۸,۹	۱_۹	۸_۱۵	۸
۹	۱_۹	۹_۱۵	۹
۱۰	۱_۱۰	۱۰_۱۵	۱۰
۱۱	۱_۱۱	۱۱_۱۵	۱۱
۱۲_۱۵	۱_۱۵	۱۲_۱۵	۱۲
۱۲_۱۵	۱_۱۵	۱۲_۱۵	۱۳
۱۲_۱۵	۱_۱۵	۱۲_۱۵	۱۴
۱۲_۱۵	۱_۱۵	۱۲_۱۵	۱۵

بعد از تعیین مجموعه متقدم و متاخر هریک از اجزای سیستم براساس ماتریس دسترسی، اجزایی از سیستم که دارای این شرط باشد: $R(S_i) = R(S_i) \cap A(S_i)$ تعیین می‌شدند. اجزای واقع در یک سطح، مجموعه متاخرشان با اشتراک مجموعه متقدم و متاخرشان برابر است. پس از تعیین اجزایی که این شرط را داشتند آنها از جدول حذف شدند. مراحل قبل آن قدر تکرار شد که کلیه اجزای سطوح مختلف مدل مشخص شد. در تناوب اول عناصر

۲۰ ■ فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، شماره ۸

۱۲ و ۱۳، ۱۴، ۱۵ به خاطر مساوی بودن دو مجموعه متقدم و اشتراک متقدم و متاخر یک لایه تشخیص داده شده و از جدول حذف شدند.

جدول ۵- جدول تناوب هشتم

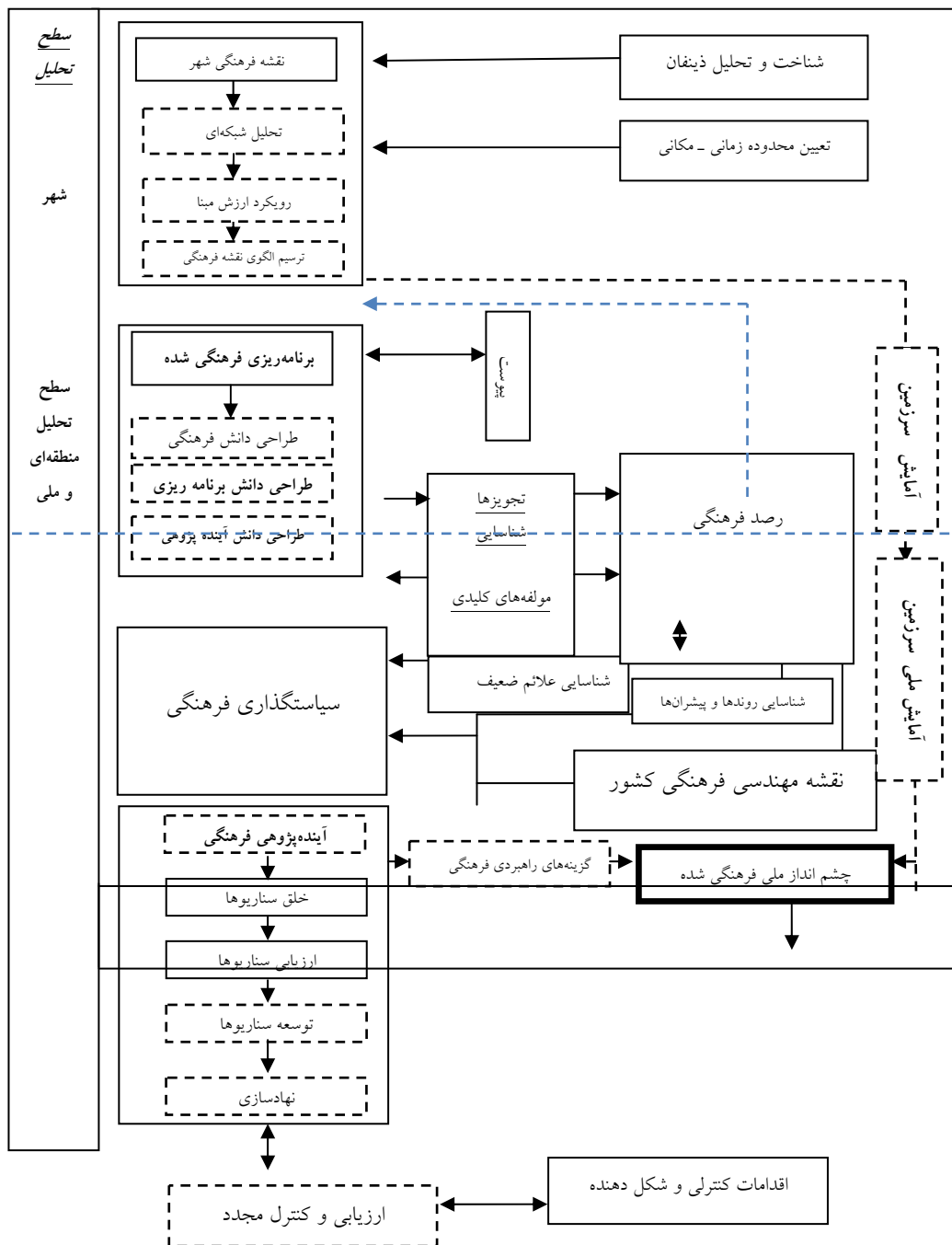
جزء	مجموعه متاخر	مجموعه متقدم	مجموعه مشترک
۱	۱-۲	۱,۲	۱,۲
۲	۲	۱,۲	۲

که عناصر ۱,۲ به خاطر مساوی بودن دو مجموعه متقدم و اشتراک متقدم و متاخر آخرین لایه تشخیص داده شده و از جدول حذف شد. بر اساس سطح‌بندی مدل و روابطی که خبرگان تعیین کردند، ترسیم الگو فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی آمده است.

۳-۱-۶. ترسیم الگوی سیستم فرآیندی

به منظور رسم الگو و گراف جهت دار، به ازای هر درایه aij از ماتریس قابلیت دستیابی نهایی که مقدارش یک باشد، یک پیکان از عامل i به عامل j رسم می‌شود. شکل شماره ۱ نمودار نهایی را نشان می‌دهد. در ادامه بر مبنای نتایج به دست آمده و افزودن بخشی از توضیحات و فرآیندهایی که جهت ساده‌سازی حذف شده بودن و بر اساس اخذ نظر نهایی خبرگان، الگوی نهایی به شرح ذیل می‌باشد.

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۲۱



شکل ۱- الگوی نهایی سیستم فرآیندی برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی

طراحی الگوی فرآیندی با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری، یک جواب اولیه را فراهم می‌کند که تلاش شده بر مبنای مطالعات و نظر خبرگان نقاط مبهم و ضعف احتمالی آن برطرف گردد. تدوین الگو بر مبنای مساله پژوهش کل نگرانه و در سطوح شهر، منطقه‌ای و کلان ملی می‌باشد لازم به ذکر است که برای استقرار آن نیازمند پیش نیازها و ساختارهای جدید می‌باشیم که می‌توان تغییرات در یک دهه گذشته جامعه شهری را نیز در این راستا قلمداد نمود.

۴. کاربردهای الگو در حوزه‌های دیگر

ورود در حوزه روش شناختی آینده‌پژوهی منجر به ایجاد خلاقیت و نوآوری گردیده است. هر بخش از این مبانی تولید شده می‌تواند کاربردهای متنوعی داشته باشد. به طور مثال، بررسی "عدم قطعیت" در عرصه فرهنگ و برنامه‌ریزی منجر به تبیین رویکرد پارادوکسیکال در حوزه تفکر راهبردی و برنامه‌ریزی سناریو شده است. با توجه به اهمیت مبانی معرفتی و روشی در عرصه آینده‌پژوهی شیوه حل مساله در این پژوهش نیز از این جنس بوده که منجر به ایجاد درک عمیق گردیده است.

با توجه به رویکرد کل‌نگری در این عرصه، الگوی سیستم فرآیندی می‌تواند به عنوان پیش‌نیاز تدوین و طراحی نظام ملی نوآوری فرهنگی و محصولات فرهنگی نیز قلمداد گردد. این الگو در حوزه آشتی آینده‌نگاری منطقه‌ای و برنامه‌ریزی شهری نیز گام برداشته است. با بینش ایجاد شده امکان ارائه یک الگوی کاربردی را فراهم نموده است. بر اساس مطالب ارائه شده نتایج در قالب طرح‌های اقدام و پیشنهادات به شرح ذیل می‌باشند:

۱. رویکرد انتقادی به برنامه‌ریزی شهری و آینده‌نگاری منطقه‌ای
۲. تبیین ضرورت آینده‌پژوهی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری
۳. فرهنگ‌سازی به منظور ترویج و گسترش آینده‌پژوهی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری
۴. پیاده‌سازی و استقرار فرآیند آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی فرهنگی شده در شهر

الگوی فرآیندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری ■ ۲۳

۵. تقویت ارتباط برنامه‌ریزی شهری و چشم‌انداز ملی از طریق آینده‌نگاری منطقه‌ای و آمایش سرزمین
۶. جایگاه مبانی و آموزه‌های اسلام در خصوص برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری
۷. طراحی نظام ملی نوآوری محصولات فرهنگی و تدوین نظام نوآوری ملی فرهنگی
۸. ارتباط منسجم و پیوسته برنامه‌ریزی شهری با چشم‌انداز ملی از دو منظر آمایش سرزمین، رصد فرهنگی و نقشه مهندسی فرهنگی کشور
۹. خلق الگوی رصد فرهنگی و شبکه ملی رصد فرهنگی

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد مهمترین روند در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و ساختار مدیریتی شهر در ایران عنصر آینده‌پژوهی فرهنگی شهری می‌باشد، البته این رابطه دوسویه و تعاملی است. در تحلیل جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی در گام اول نیازمند توجه به مبانی روش شناختی و تدوین روشها و الگوهای بومی می‌باشیم که مبانی فرهنگ وارد ابعاد برنامه‌ریزی گردد و بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده نیازمند ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی نیز می‌باشیم این ساختارها در ابعاد سطح کلان تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور و رصد فرهنگی بر مبنای مزیت‌های منطقه‌ای می‌باشد، سطح تحلیل شهر نیازمند یک برنامه جامع با رویکرد آینده‌پژوهی است که نظام مدیریت شهری نیز باید با آن منطبق شود و چشم‌انداز شهر بر اساس مبانی سیستم فرهنگی شده تدوین گردد. مشاهده می‌کنیم ورود در مبانی روش شناختی برنامه‌ریزی منجر به ایجاد و پیشنهاد الگوهای جدید و تغییرات ساختارهای اجرایی و ایجاد رویکردهای جدید می‌گردد. ورود فرهنگ در متن برنامه‌ریزی در سطوح مکانی و مقیاس‌های مختلف زمانی می‌تواند منجر به ایجاد الگوی اسلامی - ایرانی گردد، این مبانی ارزشی و فرهنگ در برنامه‌ریزی منجر به ایجاد ضرورت رویکرد آینده‌پژوهی در جامعه می‌گردد.

در الگوی فرایندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی تلاش شد، ضعف نظام برنامه‌ریزی شهری بر مبنای عدم توجه به ۲ مؤلفه فرهنگ و آینده‌پژوهی (آینده‌سازی) مد نظر قرار گیرد و ارتباط و پیوند سطح تحلیل شهری، منطقه‌ای و ملی در گام‌هایی مشخص و تبیین گردد. تحقق آینده‌پژوهی، نیازمند طی کردن گام‌هایی است. در گام اول تدوین مبانی نظری، روش‌شناختی و معرفت‌شناختی می‌باشد، سپس راهبردهایی جهت گذار از وضع موجود به وضع مطلوب باید تدوین گردد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اجلالی، پرویز (۱۳۷۹)، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران: نشر آن.
۲. اصغرپور، مجدمجواد (۱۳۸۲)، تصمیم‌گیری گروهی و نظریه بازی‌ها با نگرش تحقیق در عملیات، تهران: دانشگاه تهران.
۳. پیران، پرویز (۱۳۸۰)، فرهنگ شهری. فصلنامه مدیریت شهری.
۴. جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۶)، شهر و مدرنیته. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
۵. خداد حسینی، سید حمید و همکاران (۱۳۹۰)، طراحی الگوی فرآیندی تدوین راهبردی پابرجا در شرایط عدم قطعیت، مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۵.
۶. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹)، اوتویی و عصر جدید، تهران: نشر ساقی.
۷. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، فلسفه فرهنگ، مجله راهبرد فرهنگ، شماره ۱۳-۱۲.
۸. عنایت‌ا...، سهیل (۱۳۸۸) تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۹. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، فرهنگ و شهر، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری با تکیه بر مطالعات شهر تهران، انتشارات تیسرا و اداره کل مطالعات فرهنگی و اجتماعی تهران.
۱۰. مرکز ملی آمایش سرزمین (۱۳۸۵)، راهنمای مطالعات آمایش سرزمین، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه.
۱۱. معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۷)، راهنمای عملی برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات پیام.
۱۲. مودن جامی، محمدمهدی (۱۳۸۹)، الگوی نقشه فرهنگی شهر تهران، تهران: دانشگاه دفاع ملی، نشر شهر، چاپ اول.

1. Abram, S. (2010), 'Culture and Planning. Aldershot, Ashgate.
2. Bell, Wendell. (2003), Foundation of Futures Studies: History, Purposes and Knowledge, Transaction Publishers.
3. Bianchini, F. (19۹۹), 'cultural planning, town planning', in Creed, C.H.(Eds): social town planning, Rutledge, London.
4. Binti Wan Zakaria, F. (2010) Futures Studies in Contemporary Islamic and Western Thought, The University of Birmingham.
5. Castells, M. (1998), The Rise of the Network Society, The Information Age: Economy, Society and Culture, vol 1 (Oxford: Blackwell).
6. Castells, M. (1998), The Rise of the Network Society, The Information Age: Economy, Society and Culture, vol 1 (Oxford: Blackwell).
7. Castells, M. (2003), 'The New Historical Relationship Between Space and Society', in Cuthbert (ed.).

8. Charan, P., Shankar, R and Baisya, R.K. (2008) Analysis of interactions among the variables of supply chain performance
9. Inayatullah, Sohail. (2007), *Questioning the Future (Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation)*, Tamkang University, 3th Ed.
10. Jameson, F. (1984), 'Postmodernism, The Cultural Logic of Late Capitalism', *New Left Review*, vol. 146, 53-92.
11. Kuosa, Tuomo. (2011), *Practicing Strategic Foresight in Government*. S. Rajaratnam School of International Studies, Nanyang (Singapore).
12. Malaska, Pentti. (2003), *Futures and Penetration to the Futures*, *Acta Futura Fennica*, Helsinki, pp. 353-361.
13. measurement system implementation, *Business Process Management Journal*, 14(4): 512-529
14. Sage, A.P., (1977) *Interpretive Structural Modeling: Methodology for Large-Scale Systems*, 91-164, McGraw-Hill: New York
15. Sandercock, L. (2000). 'When Strangers Become Neighbours: Managing Cities of Difference.' *Planning Theory & Practice* 1(1): 13-30.
16. Sandercock, L. (2006). 'Cosmopolitan Urbanism: A love song to our mongrel cities'. In J. Binnie, J. Holloway, S. Millington and C. Young *Cosmopolitan Urbanism*. London, Routledge: 37-52.
17. Smart, B. (1993), *Postmodernity* (London: Routledge).
18. Warfield, J. N. (1976) *Societal Systems: Planning, Policy, and Complexity*. New York: Wiley Interscience
19. Williams, R. (1966), *Culture and Society, 1780-1950* (England: Penguin).
20. Young, G. (2008), *Reshaping Planning with Culture*, Aldershot: Ashgate.

درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی

مهدی فاتح راد*، محمدرضا جلیوند (نویسنده مسئول)**، لیلا نصرالهی وسطی***

تاریخ وصول: ۹۲/۷/۲ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۰

چکیده

توجه به آینده و تأثیرات آن در زندگی انسان از مهمترین مباحثی است که حس کنجکاوی انسان را برمی‌انگیزد. با ظهور علوم تجربی و عقلانی، کنجکاوی در آینده به پژوهش در آینده تبدیل شده و مفاهیمی چون آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری را به ارمغان آورده است. با توجه به اینکه تحلیل آینده یکی از موارد محیط‌شناسی در مباحث استراتژیک محسوب می‌شود و تحولات علمی این مبحث در روند علمی مباحث استراتژیک نقش دارد. هدف از روش‌شناسی آینده‌پژوهی، اکتشاف، ایجاد و آزمون آینده‌های مطلوب و محتمل به منظور بهبود تصمیمات می‌باشد. لذا در این نوشتار، برآنیم تا به ضرورت و اهداف انجام مطالعات آینده‌پژوهانه، مبانی معرفت‌شناسانه آینده‌پژوهی، و روش‌های موجود در حوزه آینده‌پژوهی و طبقه‌بندی روش‌ها، و در نهایت عوامل ضروری برای موفقیت در پیاده‌سازی مطالعات آینده‌پژوهی در مرحله تصمیم‌گیری پرداخته شود. در این نوشتار با مروری بر مقالات و کتب موجود در حوزه آینده‌پژوهی، تلاش می‌شود تا شناخت هر چه بیشتری از روش‌های پیش‌بینی در آینده‌پژوهی فراهم آید.

* استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف

** دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده علوم و فنون نوین، دانشگاه تهران

(rezajalilvand@ut.ac.ir)

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۱. مقدمه

آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازند. آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که چگونه از دل تغییرات (یا عدم تغییرات) "امروز"، واقعیت "فردا" تولد می‌یابد. آینده‌پژوهی را معادل لغت لاتین "futures studies" گرفته‌اند. کلمه‌ی جمع "futures" به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از روش‌شناسی‌ها و به جای تصور "فقط یک آینده"، گمانه‌زنی‌های سیستماتیک و خردورزانه، در مورد نه فقط "یک آینده" بلکه "چندین آینده‌ی متصور" مبادرت می‌شود. آینده‌پژوهی، اصول و روشهای مطالعه و سپس تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی و اقدام در خصوص علوم و فناوری مرتبط با آینده است. آینده‌پژوهی، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه‌ی آینده را مطرح و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید. لذا، آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است. گرچه گفته شده "آینده‌پژوهی به موضوع خاص، دوره و یا واحدی اطلاق می‌شود که به بررسی جنبه‌های مختلف تفکر آینده می‌پردازد؛ ولی با توجه به این که آینده‌پژوهی یک حوزه‌ی تحقیقاتی چندرشته‌ای می‌باشد که به توصیف و توضیح و ارائه دید وسیع به پدیده‌های اجتماعی و فرآیندهای تغییر و توسعه‌ی حوزه‌های مختلف فعالیت بشر می‌پردازد (مظفری، ۱۳۸۸).

۲. تاریخچه آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی تاریخچه‌ای به بلندای جنگ جهانی دوم تا دوران معاصر دارد. البته باید یادآور شد که اندیشه پیرامون آینده از آغاز شکل‌گیری تمدن بشر فعالیت محوری زنان و مردان بوده است از همان لحظه‌ای که بشر موجودی ناطق و اندیشمند پنداشته شد در پی کشف و شناسایی آینده بود و از همان دوران کوشید برای آینده خود برنامه‌زیری کند. برای معرفی سیر تحول تاریخی آینده‌پژوهی، گستره وسیعی از جریان‌های اصلی و خاستگاه‌های گوناگونه را باید شمرد. بررسی کامل تاریخچه آینده‌پژوهی و نیازمند تلاشی گسترده و

معرفی صدها جریان، سازمان و... است. برنامه‌ریزان ملی روش‌هایی برای آینده‌اندیشی ابداع کردند تا به کمک آن‌ها وظایف خود را بهتر انجام دهند و به این ترتیب توانستند جنگ جهانی اول را مدیریت کنند، بر رکود اقتصادی بزرگ چیره شوند، تحولات اجتماعی را در روسیه کمونیستی، ایتالیای فاشیستی و آلمان نازی هدایت کنند و در نهایت راهبردهایی برای اداره جنگ جهانی دوم و نیز بازسازی جهان پس از جنگ بیابند. از بدو شکل‌گیری، آینده‌پژوهی تکیه بر مبنای فلسفی و فرهنگی ویژه و متفاوتی داشته است که به‌عنوان خاستگاه‌های ریشه‌ای این رشته نویدید محسوب می‌شوند. این مبانی فلسفی متفاوت موجب پیدایش رویکردهای متفاوتی به آینده‌پژوهی شده‌اند. به‌طور کلی سه رویکرد فلسفی نسبت به آینده وجود دارد: رویکرد نخست از نیاز به تغییر شتابان و آگاهی از مقصد جهان ناشی می‌شود (گودت^۱، ۲۰۱۱). این رویکرد شامل داده‌هایی از گذشته و حال است که راهی به سوی آینده‌های متحمل را به تصویر می‌کشد و کمک می‌کند که تشخیص دهیم اندیشه شکل گرفته است که چیزی در حال تغییر است. این رویکرد شناخت آن ایده که مبتنی بر استنباط و سنگین ساختن کاربرد شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی است، به گونه‌ای گسترده از پایان جنگ جهانی دوم تا اواخر دهه ۱۹۶۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و اکنون دوباره به عنوان رویکرد به میزان قابل توجهی از فلسفه جان لاک سرچشمه می‌گیرد و بر داده‌های تجربی تکیه دارد. رویکرد دوم، بازتاب بر طنین آرمان شهرها یا مدینه فاضله است؛ از نظر آینده‌پژوهی این رویکرد به مفهوم آن است که آینده بر پایه‌ی چیزی ساخته می‌شود که ما آرزوی تحقق آن را داریم. در حالی که رویکرد شناخت آینده در پی شناسایی آینده‌های محتمل است، رویکرد دوم به دنبال دست یافتن به آرزوها و آرمان‌ها است. شایسته است این رویکرد را رویکردی مبتنی بر دیدگاه‌ها بدانیم، زیرا در پی تبدیل حال به آینده با استفاده از یک دیدگاه با چشم‌انداز است. بنیان فلسفی این رویکرد از سوی لایبنیتس فراهم شده و براساس این ایده شکل گرفته است که چیزی باید تغییر کند. این رویکرد باید بسیار پراهمیت باشد. آینده‌پژوهان نباید تنها به رویدادهای محتمل بیاندیشند، بلکه باید به رویدادهای مطلوب نیز توجه داشته

باشند. ما باید نیروهایی را که بر ما اعمال می‌شوند، بشناسیم، در غیر این صورت تنها به چیزهایی خواهیم اندیشید که پیش از این روی داده‌اند و در نتیجه، تغییر هیچ‌گاه رخ نمی‌دهد. رویکرد سوم آینده‌پژوهی، آمیزه‌ای از دو رویکرد نخستین است. در این سطح از نگرش که افراد آینده را به منابعی که پروژها می‌نگرند، بدان معنا که آنها به دنبال بر عهده گرفتن اجرای پروژه‌هایی هستند که واقعیت را مطابق با شاخص‌های آرایه شده از سوی آرمان شهرها تغییر خواهند داد و این کار به وسیله‌ی الگوها و از طریق چشم‌اندازهای تدوین شده انجام می‌دهند و در همین حال داده‌های تجربی را بر اساس روندهای گذشته و شرایط حال در نظر می‌گیرند. این رویکرد سوم بر اساس دانش احتمالات و رویدادهای محتمل و چشم‌اندازی از رویدادهای مطلوب بر روی الگوها و ایده‌آل‌ها اعمال می‌شود. در این جا ما شاهد ظهور و پیدایش گزینه به عبارت دیگر، علاقه‌ی ناظر هستیم. بر اساس همین اندیشه است که چیزی می‌تواند تغییر یابد. از میان رویدادهای احتمالی و ممکن و مطلوب است که واقعیت پدید می‌آید و به بیان دیگر ترکیب یا هم‌افزایی این سه گونه از رویداد است که واقعیت را می‌سازد. پروژه‌ای که ظاهر می‌شود بر اساس ارزیابی‌های به عمل آمده از گزینه‌های محتمل، ممکن و مطلوب خواهد بود. بهتر است این رویکرد را پروژه‌ای بنامیم. شاید آبخور این اندیشه و نگرش، فلسفه‌های غیر غربی باشد، اما هنوز پژوهشی در این حوزه‌ی مهم به انجام نرسیده است تا بنیان‌های فلسفی این نگرش را آشکار کند (گودت، ۲۰۱۱).

۳. ضرورت و اهمیت آینده‌پژوهی

نیروهای طبیعی، اجتماعی و سیاسی، اکتشافات علمی، و نوآوری‌های تکنولوژیکی تعیین‌کننده آینده هستند. اما مادامی که توانایی انسان افزایش می‌یابد، انتخاب‌های ما به نحو فزاینده‌ای آینده را شکل می‌دهد. جامعه نمی‌تواند آینده را تحت کنترل داشته باشد اما می‌تواند بر مسیر تاریخ تأثیرگذار باشد (گلن^۱، ۱۹۹۹). تمام اعمال اختیاری انسان به دنبال ضرورت‌ها و جهت برطرف کردن نیازها و حل چالش‌ها بوده و یا به منظور پیشگیری از

1. Glenn

خطرات آینده صورت می‌گیرد. پیتز دراکر در کتاب "کنترل آشوب و هرج و مرج" اعتقاد دارد که یکی از مهم‌ترین مهارت‌های مدیریتی در کنترل دوران آشوب، آینده‌نگری است. اگر آینده‌پژوهی بیشتری انجام ندهیم، با مشکلات روزافزونی در تصمیم‌گیری‌ها مواجه خواهیم شد. تصمیم‌های خوب بستگی کامل به دورنگری دارد. زندگی امروزی با گذشته بسیار متفاوت است؛ در این دنیای پرتغییر، دیگر سنت‌های قدیمی آینده ما را شکل نمی‌دهند؛ بلکه ما خود باید آینده‌ی خودمان را خلق کنیم تا بتوانیم خود، سازمان و جامعه را در برابر تغییرات جهانی آماده سازیم. شرایط جدید جهانی فرصت‌های بی‌شماری برای جوامعی که برای دورنگری اهمیت قائلند ایجاد کرده است، اما برای جوامعی که از آینده‌نگری بهره‌ای نبرده‌اند این شرایط جدید حاوی تغییرات عمیق و درهم شکسته شدن فاجعه‌وار ساختار آنها می‌باشد. آینده و آینده‌پژوهی بسیار مهم و ضروری است، چون نمی‌توانیم به وقوع پیوستن آن را به تعویق بیندازیم. فرصت‌ها، تهدیدها و ریسک‌ها در اتاق انتظار نمی‌نشینند تا ببینند ما آماده‌ایم یا نه و بعد به وقوع پیوندند؛ بلکه کاملاً برعکس، در بیشتر اوقات، زمانی که ما کمترین آمادگی را داریم آنها اتفاق می‌افتند. تنها پاسخی که ما نسبت به این حوادث داریم همان تفکر رو به جلو و آماده بودن در بهترین حالت ممکن برای مواجهه با آنهاست. بنابراین باید خطاب به تمامی افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها گفت: آینده‌جائی است که بقیه‌ی زندگی خود را در آن خواهید گذراند؛ از آن جا که این یک حقیقت می‌باشد، آیا بهتر نیست قبل از پا گذاشتن به این وادی جدید، آن را بشناسید؟ نگرستن به آینده، هر اندازه هم که دشوار باشد، هم ضروری است و هم وسوسه‌انگیز و جذاب. ضروری است چرا که خطرها، چنان زیادند که حتی تلاش و کوشش اندک برای آینده‌نگری بهتر از عدم تلاش و تکاپو است؛ وسوسه‌انگیز و جذاب است، زیرا ما موجودات بشری، کنجکاو و درگیر احساسات و مجذوب چالش‌ها هستیم (مظفری، ۱۳۸۸). هر کشور و جامعه به عنوان عضوی از جامعه‌ی جهانی، در مسیر و روند جهانی شدن و بلکه جهانی‌سازی است، و چنانچه با آگاهی و شناخت شرایط آینده‌ی جهان، چشم‌انداز روشنی از فردای خود نداشته و در راه رسیدن به آرمان‌هایش سهیم و مؤثر نباشد؛ منفعلانه در امواج خروشان و عظیم جهانی غوطه‌ور می‌شود. امروز تغییرات با نرخ سریعتری به وقوع می‌پیوندد. تغییرات فناوری و متعاقباً تغییر

در دیگر جنبه‌های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر؛ لزوم درک بهتر از تغییرات و آینده را برای دولت‌ها، کسب و کارها، سازمانها و مردم ایجاب می‌کند. تفکر در باره‌ی آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان، امری ضروری است. واکنش بدون تفکر به آینده، امکان‌پذیر است اما کنش، امکان‌پذیر نیست؛ چرا که عمل نیاز به پیش‌بینی دارد. بدین ترتیب تصویرهای آینده (آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیش‌ران‌های اقدامات فعلی ما هستند. دگرگونی و پیشرفتهای چشمگیری که در حوزه‌های مختلف زندگی بشر به وقوع پیوسته، تنها یکی از دلایلی است که ضرورت آینده‌نگری را توجیه می‌کند. دلیل دیگر آن، انقباض و کوچکتر شدن دنیای ماست. از آنجا که فناوری جدید، ما را در یک اکوسیستم واحد قرار می‌دهد، ما در معرض نیروهایی قرار گرفته‌ایم که یک تا دو دهه‌ی پیش نمی‌توانستند ما را تحت تأثیر قرار دهند. اکنون این تأثیر به گونه‌ای کاملاً محسوس وجود دارد. آینده‌پژوهی، معرفی است که ما را از غافلگیری در مقابل این عوامل نجات می‌دهد؛ پس اگر قصد داشته باشیم آینده‌ی خود را با دستهای خودمان شکل دهیم، به چنین دانشی نیاز داریم. یادگیری و آموزش دادن درباره‌ی آینده، مبنای اساسی برای ساختن جهانی بهتر را تأمین می‌کند. ما نمی‌توانیم بدون توجه به یادگیری وسیع و تحولات توسط افراد در اطراف و اکناف جهان، به آینده‌ی مثبت دست یابیم. عدم قطعیت نهفته در آینده برای بعضی، توجیه‌کننده‌ی عدم دوراندیشی آنان است و برای عده‌ای دیگر، منبعی گران بها از فرصت‌ها. لذا بهتر است سازمان‌های زیرک و چابک در کنار مدیریت ریسک به مقوله‌ی آینده‌پژوهی نیز توجه بیشتری داشته باشند تا با استفاده از مسیرهایی که این علم در اختیارشان می‌گذارد، راهبرد معطوف به آینده‌سازی را شناسایی نموده و با سهولت بیشتری به آینده‌های مطلوب خود برسند (مظفری، ۱۳۸۸). یکی از دلایل استفاده روزافزون از آینده‌پژوهی آن است که زمان پیوسته در حال تغییر است. در عصر کشاورزی، هدف پیش‌بینی زمان تکرار چرخه فصول برای انجام فعالیت‌های کشاورزی بود. در عصر صنعتی، هدف پیش‌بینی نحوه ایجاد کارایی تکنولوژیکی بود. در

عصر اطلاعات نیز هدف تعیین اینکه که چه احتمالات و مطلوبیهایی وجود دارد، و نیز کدام فعالیت از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. شاید مهمترین دلیل استفاده از آینده‌پژوهی، کمک به تعیین آنچه نمی‌دانیم، اما باید بدانیم، می‌باشد تا بتوانیم تصمیمات هوشمندانه‌تری اتخاذ کنیم. به عنوان مثال ممکن است که ما سناریویی را بنویسیم تا نحوه وقوع یک آینده خاص را مشاهده کنیم. در فرآیند نوشتن، مشخص می‌شود که گذر از زمان حال به زمان آینده به راحتی میسر نیست. یکی از تبلیغات انجمن آینده جهان بیان واضح و مختصر دلایل تفکر در مورد آینده می‌باشد (گلن، ۱۹۹۹):

- ✓ موفقیت در حرفه و کار
- ✓ آمادگی در برابر تغییرات
- ✓ انتخاب آینده خود
- ✓ اتخاذ تصمیمات بهتر
- ✓ کمک به کودکان، نوه‌ها و...
- ✓ اجتناب از بلایا و سوانح
- ✓ استفاده هرچه بیشتر از فرصتها
- ✓ درک جهان امروز
- ✓ افزایش اعتماد به نفس
- ✓ گسترش افق‌های پیش روی خود

آینده‌پژوهی دارای چندین پیش فرض فلسفی می‌باشد که تمامی آینده‌پژوهان باید آنها را بپذیرند (گلن، ۱۹۹۹):

۱. نمی‌توان از آینده آگاه شد اما می‌توان برخی از آینده‌های محتمل را شناخت.
۲. ممکن است سیاست احتمال وقوع یک رویداد یا شرایط در آینده را تغییر دهد و پیامدهای سیاست را می‌توان پیش‌بینی نمود.
۳. می‌توان درجه‌بندی‌هایی را در مورد احتمالات و آگاهی پیشین^۱ انجام داد. می‌توان طلوع آفتاب را با اطمینان بیشتری نسبت به افزایش شاخص بورس در بازار سهام پیش‌بینی نمود.

۴. نباید به یک روش صرف اعتماد نمود؛ استفاده از چندین روش می‌تواند به بهبود پیش‌بینی کمک کند، و
۵. انسانها نسبت به گذشته تأثیر بیشتری بر آینده خواهند گذاشت.

۴. هدف از انجام مطالعات آینده‌پژوهانه

هدف از آینده‌پژوهی کشف، خلق و آزمون منظم آینده‌های محتمل و مطلوب، تصمیمات را بهبود بخشد. آینده‌پژوهی به تحلیل این موضوع می‌پردازد که این شرایط چگونه نتایج اجرای سیاستها و اقدامات را تغییر می‌دهد. آینده‌پژوهی را می‌تواند در مقیاسی وسیع و یا کوچک، در آینده‌ای نزدیک یا دور انجام شود. آینده‌پژوهی یک علم نیست؛ و نتایج مطالعات صورت گرفته به روش‌های استفاده شده و مهارت‌های محققان بستگی دارد. روش‌های آینده‌پژوهی می‌تواند کاملاً کمی یا کیفی باشد. کسب وکارها از آینده‌پژوهی برای افزایش شناخت و درک بازارهای آینده استفاده می‌کنند. رهبران اجتماعی از آن در جهت توسعه و آزمون دیدگاه‌های مطلوب و محتمل از آینده بهره می‌برند. چشم اندازهای آینده^۱ به تدوین سیاستها، استراتژی‌ها و برنامه‌هایی کمک می‌کند که شرایط آینده محتمل و مطلوب را در ردیفی نزدیکتر قرار می‌دهد (گلن، ۱۹۹۹). ادوارد کورنیش^۲ بنیانگذار و رهبر انجمن آینده جهان^۳ می‌گوید: مهم‌ترین هدف از آینده‌شناسی را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: درک کنیم که با تداوم روندهای امروز، در آینده چه روی خواهد داد و تصمیم بگیریم که آیا چنین آینده‌ای برای ما مطلوب است یا نه؟ و اگر نیست، بکوشیم آن را تغییر دهیم. به عبارت دیگر، آینده‌شناسی در پی محتمل ساختن آینده‌های مرجح یا مطلوب و توجه به آینده‌های ممکن است که علی‌رغم تردید در وقوعشان، تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد. هدف عمده‌ی آینده‌پژوهان، حفظ و گسترش بهره‌وری و رفاه بشریت و ظرفیت‌های ادامه‌ی حیات بر روی کره‌ی زمین است. آینده‌پژوهان این هدف را شخصاً با کاوش‌های منظمی که به منظور کشف انتخاب‌های مختلف برای آینده صورت می‌گیرد، دنبال می‌کنند؛ آنان به تفکر معطوف به آینده می‌پردازند و می‌کوشند تا تصویرهای بدیل تازه‌ای از آینده بیافرینند: اکتشاف دور اندیشانه‌ی ممکنات، بررسی منظم احتمالات، و

1. Future visions
2. Edvard Kornish
3. World Future Society

ارزیابی اخلاقیِ مرجحات (تافلر، ۱۹۷۸). به عبارت دیگر، هدف آینده‌نگران، کشف یا ابداع، بررسی، ارزشیابی و پی‌شرو نهادن تصویر آینده‌ای ممکن، محتمل و بهتر است. آنان در پی آنند که دریابند چه چیز می‌تواند باشد، چه چیزی ممکن است و چه چیزی ناممکن که باشد. آینده‌نگران تلاش می‌کنند از طریق پیشنهاد تفکری آینده‌نگر برای آینده‌ای بدیل، تصمیم‌گیری، انتخاب خط‌مشی‌های هدفمند و طراحی عمل اجتماعی را هر چه بیشتر عاقلانه و مؤثر سازند. یکی از مأموریت‌های آینده‌پژوهی این است که، به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده (ایده‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، باورها و علاقه‌شان را نسبت به آینده) محک زده و شفاف نمایند تا کیفیت تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند، بهبود یابد؛ دیگر این که آینده‌پژوهی درصدد کمک به مردم است تا تصویرها و اقدام‌های کنونی خود را از حد کوشش‌های فقط منفعلانه فراتر برده، تا آینده را پیش‌بینی کرده و سپس بر پایه پیش‌بینی‌های (درست) طرح‌های عملی خود را اجرا کرده و به پیش ببرند. هدف، پیش‌گویی کشف ناشناخته‌ها و گاهی بالاحص شناخت آینده است، که از دیرباز و به روش‌های گوناگونی در همه‌ی فرهنگ‌ها وجود داشته است. البته، هر چه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم اولاً، این آینده‌پژوهی‌ها بیشتر علمی و تدقیقی شده و ثانیاً، کاربردی و هدفدار می‌گردد؛ اهمیت، نقش‌ها و مأموریت‌های بیشتری پیدا می‌کند که برخی جدیتر و مهم‌تر و بعضی از اولویت‌های کمتری برخوردار می‌باشند. از مهم‌ترین هدف‌هایی که مطالعات آینده‌نگری بر آن استوار شده عبارتند: مطالعه آینده‌های ممکن، آینده‌های محتمل، تصورات گذشته از آینده و دلایل و پیامدهایشان. بنیادهای دانش به بررسی این که بر چه اساسی می‌توان درباره‌ی آینده اطلاعات و دانش کسب کرد، بنیادهای اخلاقی تفکر آینده‌نگرانه بررسی نقش و اهمیت ارزش‌ها در تفکر آینده‌شناسانه؛ ارائه‌ی مبنایی برای تفسیر گذشته و حال یا جهت دادن به حال؛ ادغام دانش و ارزش برای طراحی کنش اجتماعی؛ افزایش مشارکت دموکراتیک در تصور و طراحی آینده. در واقع آینده‌پژوهان می‌کوشند تا با تصور و ترسیم آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و ارائه‌ی اطلاعات و آگاهی‌های نسبتاً دقیق، بستری را فراروی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران جامعه فراهم نمایند تا آنها بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایشان با نگاه به آینده و پیش‌بینی روندهای آتی عمل نموده و از فرصت‌ها، امکانات و منابع موجود تا حد امکان استفاده کرده و با اطمینان بیشتری

گام بردارند. بنابراین می‌توان گفت: یادگیری برای بینش مندی و بازنگری بینش‌های مرتبط با آینده، و آنگاه اقدام به طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری رایج است، که قلب آینده‌پژوهی و آینده‌کاوی را تشکیل می‌دهد (مظفری، ۱۳۸۸). فناوری برتر، هدف بسیاری از مؤسسات آینده‌پژوهی است. جهان امروز این اصل را به عنوان اصلی پذیرفته است که سکون و تکرار و رجوع به گذشته اصل نیست، بلکه حرکت و تغییر و پیشرفت اصل است، و اصل با واقعیت متغیر نسبی موجود در زمان و مکان است؛ به این ترتیب است که دنیای امروز را غوغای ترقی و پیشرفت فرا گرفته است. هنگامی که مردم درک بهتری از تغییر به دست آورند، برای تأثیرگذاری مثبت بر آینده‌ای که در حال تکوین است، فرصت‌های بیشتری خواهند داشت. یکی از مهمترین عوامل تغییر و مؤثرترین عوامل شکل دهنده‌ی آینده، پدیده‌ی فناوری است. بنابراین یکی از ابزارهای جدید و با ارزش‌ترین ابزار برنامه‌ریزی در سیاست علمی، پیش‌بینی تکنولوژیک است. پیش‌بینی تکنولوژی، صرف نظر از جاذبه‌های علمی، دارای جنبه‌های اقتصادی نیز هست. در گزارش آینده‌ی جهان نوشته شده: تکنولوژی‌های جهان در سال ۲۰۲۰، تکنولوژی‌هایی خواهند بود که در حال حاضر به مسئله وجود دارند. مسئله این است که تعیین کنیم در آینده کدام یک از تکنولوژی‌های موجود کاربردهای تجاری سودمندی خواهند داشت و کدام، فاقد این ویژگی خواهند بود. پیش‌بینی تکنولوژی، به منظور استفاده در تدوین سیاست آتی علم و تکنولوژی و همچنین یافتن خطوط راهبردی فعالیت‌های علمی و تکنولوژیک در بخش خصوصی است (مظفری، ۱۳۸۸). البته تکنولوژی یا اقتصاد، تنها اهداف آینده‌نگری و آینده‌پژوهی نیستند، بلکه اصل، ایجاد و اشاعه‌ی یک فرهنگ است؛ فرهنگ نگاه و امید به آینده. آینده‌شناسی نه مدعی است که می‌تواند آینده را به طور قطعی پیش‌بینی کند و نه درصدد رؤیا بافی برای سرگرم کردن مردم یا مدیران و سازمان‌هاست، و نه صرفاً یک ابزار برای کشف فرصت‌های تجاری، دفاعی، صنعتی و فناورانه می‌باشد، بلکه ابزاری برای آفرینش یک فرهنگ شکوفای اجتماعی یا سازمانی است که از آن به "فرهنگ امید" تعبیر می‌شود. این فرهنگ با هنجارها و ارزش‌های متفاوتی سروکار دارد. این فرهنگ، جامعه بشری و وضعیت آینده‌ی نسل‌ها را دگرگون می‌سازد. آینده‌پژوهی ادراک و غلبه بر نیروهای دراز مدت تغییر را هدف قرار می‌دهد، زیرا که این نیروها بر اشخاص و بشریت تأثیر می‌گذارند.

۵. مبانی معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی

یکی از عمده‌ترین چالش‌هایی که پس از نطفه بستن آینده‌پژوهی به عنوان یک رشته پیش روی آن قرار گرفت این بود که در عصری که تحت سلطه بازمانده پوزیتیویسم منطقی^۱ قرار داشت، پروژه‌های آینده‌پژوهی از نظر معرفت‌شناختی عجیب و نابهنجار تلقی می‌شد و به طور کامل با استانداردهای غیرمنعطف علمی تحمیل شده توسط جریانهای^۲ (خط فکری) پوزیتیویستی سازگار نبود. علیرغم پیشرفتهای قابل‌تحمیلی که در حوزه تئوری، روش‌شناسی و کاربردها رخ داد، سایه‌ای بر آینده‌پژوهی افکنده شد به این علت که از نظر معرفت‌شناسی در معرض این اتهام قرار دارند که جریان‌های فکری فلسفی آنها به مقدار زیادی به اعتبار و صلاحیت آن به عنوان یک رشته آسیب می‌رساند. حتی در پی عقب نشینی پوزیتیویسم (پارادایم غالب)، شرایط به گونه‌ای بود که نوعی سوء عملکرد را در خود داشت. تعجب آور نیست که بسیاری از محققان برجسته در حوزه آینده‌پژوهی بر این باورند که به معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی پرداخته نشده و در شرایط فکری فعلی، تلاش در جهت توسعه آن به یکی از اولویتهای اصلی آینده‌پژوهی بدل گشته است (عنایت‌الله^۳، ۱۹۹۲). آینده‌پژوهی باید اعتبارنامه معرفت‌شناسانه^۴ خود را به صورت واضح و مستحکم تدوین نموده و نفوذ و مشروعیتش را که توسط پوزیتیویسم منطقی آسیب دیده را در مقابل جامعه محققان طلب نماید. بدون شک منبع اصلی آسیبی که توسط پوزیتیویسم منطقی به مبانی معرفت‌شناسانه آینده‌پژوهی وارد شده است، نه روش‌شناسی غیرمنعطف آن و نه تجربه‌گرایی افراطی^۵ آن بوده است بلکه نظریه معروف و تاثیرگذار تبیین (تفسیر)^۶ آن می‌باشد. اصل تئوری حاکی از آن است که تبیین و پیش‌بینی رویدادها از نظر منطق و روش‌شناسی یکسان هستند. درست است که پوزیتیویستها به توسعه یک نظریه تبیینی علاقمند هستند و نه نظریه پیش‌بینی، اما به علت تأکید بر وجود تقارن منطقی میان این دو، نظریه کامل و قیاس‌پذیر^۷ پیش‌بینی به شکلی طبیعی و بر اساس مفاهیم موجود در نظریه

-
1. Logical positivism
 2. mainstreams
 3. Inayatullah
 4. Epistemological Credentials
 5. Ultra-empiricism
 6. Theory of explanation
 7. Analogous

تبیین پدیدار گردید. این مدل و رابطه میان پیش‌بینی و تبیین که در آن مورد تاکید می‌باشد، طی دو دهه مقبولیت و نفوذ گسترده‌ای پیدا کرده و به زیربنایی برای معرفت‌شناسی و نظریه علوم بدل گشت. تلاش در جهت نزدیک نمودن هر چه بیشتر این دو نظریه به یکدیگر در قالب یک چارچوب مفهومی غیرمنعطف، منجر به محدود شدن قلمرو آنها شده و به مشروعیت بسیاری از روشها، فعالیتها، و رویکردهای مربوط به آنها لطمه وارد می‌سازد.

در مورد تبیین باید گفت که اگرچه مدل برای بسیاری از انواع مهم تبیین‌های علمی مناسب است، اما نمی‌توان آن را برای تمامی علوم به کار برد. به طور قطع مدل نمی‌تواند شرح کاملی از تبیین باشد و پیامدهای بازدارنده^۱ آن برای تحقیقات علمی قابل‌تحسین است. تحمیل کردن پیش‌بینی به عنوان مفهومی زیربنایی و معیاری برای تبیین مدل معرفت‌شناسانه پوزیتیویستی^۲، استانداردهایی را تعیین نموده که بسیاری از رشته‌ها به طور طبیعی نمی‌توانند به آنها دست یابند. همچنین این استانداردها به طور قراردادی به خارج از قلمرو حقیقی علم واگذار شدند. این امر منجر به بروز بحث‌ها و منازعات طولانی بی‌مورد و ناراحت کننده در تمامی رشته‌هایی شد که تحت تأثیر آن معیار مرزبندی^۳ قرار گرفتند، بحث‌های بی‌حاصلی که تا به امروز موجی از آشوب را در رشته‌هایی مثل علوم سیاسی یا جامعه‌شناسی به پا کرد. اما تأثیر مدل بر پیش‌بینی حتی بدتر هم شد. گسترش اعتقاد به همسانی^۴ فرآیندهای علمی پیش‌بینی کننده و تبیین کننده در مراحل اولیه به تلاش‌های انجام شده در راستای نشان دادن وجوه تمایز میان ماهیت و پتانسیل‌های فرآیندهای پیش‌بینی کننده و فرآیندهای تبیین کننده لطمه وارد کرد. این وضعیت ادامه می‌یابد تا در آینده پژوهی به شکلی قوی احساس شود. شایان ذکر است که این امر به علت پذیرش مدل پوزیتیویستی توسط این رشته نبود. به خاطر پیچیدگی تفکر در مورد آینده، آینده پژوهان هیچ‌گاه رسماً (به طور جدی) این مدل را نپذیرفته‌اند. اما خارج از قلمرو نظریه پردازان و محققان آن، رشته آینده‌پژوهی هنوز هم توسط مبانی معرفت‌شناسانه‌ای ادراک می‌شود که ریشه در مدل پوزیتیویستی دارد. در حقیقت مشروعیت و جایگاه آینده‌پژوهی به شیوه

-
1. Straightjacket
 2. Positivist epistemological model
 3. Demarcation criterion
 4. identity

مدیریت آن بستگی دارد به نحوی که در گردهمایی‌های مربوط به روش‌شناسی علمی و معرفت‌شناسی برای خود اعتبار و ارزشی ایجاد نماید. واقعیت آن است که عدم تقارن معرفت‌شناسانه^۱ میان تبیین و پیش‌بینی به اندازه کافی شناخته نشده است و غالباً خارج از قلمرو این رشته و در حوزه معرفت‌شناختی یا نظریه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. به علاوه، آینده‌پژوهان هنوز به این نتیجه نرسیده‌اند که تمایز میان آنها به اندازه کافی قانع‌کننده می‌باشد. بحث‌های مربوط به روش‌شناسی خاص پیش‌بینی-موضوعی که به خاطر استثنائات^۲ (اعتراضات) بسیار اندکی توسط خود فیلسوفان علم نادیده انگاشته شد- در ورود به جریان‌های معرفت‌شناسانه و بحث‌های مربوط به فلسفه دانش ناکام ماند. در این راستا مهمترین مانع افسانه حکمرانی علوم اجتماعی بود که بر این موضوع تاکید داشت که تبیین و پیش‌بینی، فرآیندهای متقارنی^۳ هستند یا باید فرآیندهای متقارنی باشند. جالب آنکه، امروزه نیز همانند ۳۰ سال گذشته، جدا کردن مدل‌های پیش‌بینی از مدل‌های تبیینی و ایجاد فضایی برای بحث‌های ناب معرفت‌شناسانه^۴ برای جامعه آینده‌پژوهی در اولویت قرار دارد. در مقاله‌ای که در سال ۱۹۶۴ توسط هلمر و رسچر^۵ نوشته شده، آمده است:

"مادامی که افراد بر این باورند که تبیین و پیش‌بینی از نظر روش‌شناسی همسان هستند، تاکید بیشتر بر مسائل تبیینی یک رشته منطقی به نظر می‌رسد و تنها ابزارهایی جعلی^۶ برای اهداف پیش‌بینی قابل استفاده خواهد بود. اما زمانی که این باور مردود می‌شود، مسئله یک روش پیش‌بینی خاص به وجود می‌آید؛ مسئله‌ای که به بررسی امکان خودکنترلی^۷ فرآیندهای پیش‌بینی‌کننده ابزارهای مورد استفاده در پیش‌بینی مربوط می‌شود." طی چند دهه گذشته، آینده‌پژوهی پیشرفتهای مهمی در زمینه تئوری، روش‌شناسی و کاربردها داشته است؛ اما در زمینه ایجاد وضعیتی قانع‌کننده برای کسب مشروعیت معرفت‌شناسانه در خارج از قلمرو خود مسکوت مانده است. تکلیف روشن

-
1. Epistemological asymmetry
 2. exception
 3. symmetrical
 4. Solid epistemological argument
 5. Hellmer & Rescher
 6. forged
 7. Autonomous

است: تبدیل (ترجمه) واژگان معرفت‌شناسانه^۱ به بینش‌هایی که توسط این رشته حاصل شده و قرار دادن آنها در بحث‌ها و مناظرات مستمری که در زمینه فلسفه علم و نظریه دانش^۲ صورت می‌گیرد. این تلاشها و نبرد معرفت‌شناسانه برای آینده و جایگاه آینده‌پژوهی، امروز ضرورت بیشتری یافته‌اند. بویژه هنگامی که چند رویکرد پراکنده^۳ که دیدی وسیع‌تر و واقعی‌تر نسبت به تبیین فراهم می‌آورند و مسئله پیش‌بینی را کماکان نادیده می‌انگارند، این رویکردها به تدریج جای پوزیتیویسم منطقی را پر می‌کنند. لذا علیرغم تغییر فضای افکار فلسفی، مسئله پیش‌بینی به شدت در خطر درهم پیچیده شدن^۴ با مسئله تبیین قرار دارد و به طور ناخودآگاه طبق مدل پوزیتیویستی عمل نماید. بنابراین آنچه که امروز اهمیت بیشتری یافته، جلوگیری از درهم پیچیده شدن نظریه پیش‌بینی در نظریه تبیین و کمک به ایجاد شرایطی مناسب برای یک معرفت‌شناسی خاص و مستقل برای آینده‌پژوهی می‌باشد. به طور خلاصه، معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی را نمی‌توان به گسترش صرف نظریه پیش‌بینی تقلیل داد و موضوعاتی همچون رویدادهای خلاف واقع و داستان‌های تحلیلی مرتبط با سناریو^۵ که بر اساس ظرفیت معرفت‌شناسانه خود عمل می‌کنند، به اندازه پیش‌بینی حائز اهمیت هستند. در ادامه برخی از مواردی که در شناخت عمیق و تغییرات معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی کمک می‌کند، پرداخته خواهد شد (عباسی، ۱۳۸۵):

(۱) تغییر ماهیت واقعیت از "امری که واقع شده" به "بیان دقیق واقعیت": همین تغییر مفاهیم زیادی را در پارادایم‌های نوین آینده‌پژوهی موجب گردیده که اثرات آن را می‌توان در گرایش به روش‌های شهودی و بی‌نظم و قاعده مشاهده کرد.

(۲) پذیرش اشتباه در آینده‌پژوهی: برخی مشکل آینده‌پژوهی را در اشتباهاتی می‌دانند که در این علم رخ می‌دهد. اما با توسعه علم و نقض گردیدن بسیاری از نظریات اساسی در

1. Epistemological terms
 2. Theory of knowledge
 3. scatter
 4. Entangle
 5. Scenario-related analytic narratives

علوم مختلف موجب گردیده که امروزه مثال نقض به عنوان یک ماهیت معرفت‌شناختی در ماهیت علوم در بیاید.

۳) بررسی ذهنیت به جای عینیت: این تغییر در ماهیت مفاهیم آینده‌شناسی موجب تغییرات گسترده‌ای در روش‌شناسی این علم گردیده به طوری که در حوزه سیاست گذارانه تأثیر بسزایی داشته و این تأثیر در بخش‌های بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴) کلی‌گرایی به جای تقلیل‌گرایی: این دو مفهوم نماینده تفکر استقرایی و قیاسی می‌باشند که جای خود را در آینده‌پژوهی نیز باز کرده‌اند. آینده‌پژوهی در ابتدای امر علم اتصال اجزا برای رسیدن به کل بود اما امروزه با در نظر گرفتن کلیت مسائل در پی رسیدن به اتفاقات و راهکارهای اجرایی در سیاست‌گذاری می‌باشد.

۵) علمی نبودن از دیدگاه فلسفی، علمی بودن از دیدگاه معرفت‌شناسی: از دیدگاه فلسفی وجود سه شاخص حصول معرفت، کنترل‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی از ویژگی‌های یک علم محسوب می‌شود. از این نگاه آینده‌پژوهی شامل دو خصیصه آخر نیست و فقط موجبات حصول معرفت را ایجاد می‌کند.

۶) ماهیت توصیفی - تجویزی: آینده‌پژوهی علاوه بر نگاه توصیف محورانه خود در تمامی مراحل و فرآیندها، در انتها به گونه‌ای پیشگیرانه به تجویز مواردی از اقدام‌های عملیاتی دست می‌زند که به آن حالتی تجویزی می‌بخشد.

۶. روش‌های انجام مطالعات آینده‌پژوهانه و نحوه سازماندهی آنها

آینده‌پژوهان میان پیش‌بینی هنجاری^۱ و پیش‌بینی اکتشافی^۲ تمایز قائل شده‌اند. کار هنجاری مبتنی بر هنجارها و ارزشها می‌باشد. در واقع پیش‌بینی هنجاری به این سؤال پاسخ می‌دهد که: ما خواهان چه آینده‌ای هستیم؟ ما می‌خواهیم چه بشویم؟ به عبارت دیگر، هنگامی که رویکردهای هنجاری را به کار می‌گیریم، بررسی خود را از نقطه‌ای زمانی در آینده آغاز می‌کنیم و پرسش‌هایی را با عبارت «چگونه»^۳ می‌سازیم؛ اگر

1. Normative forecasting
2. Exploratory forecasting
3. how

رویدادها به گونه‌ای باشند که در آینده مولفه‌ی رشد، x درصد بیش از اندازه‌ی کنونی باشد، چگونه خواهد شد؟ چه چیزی ما را به سوی وضعیت y هدایت خواهد کرد؟ در مقابل، در رویکرد اکتشافی، زمان حال نقطه‌ی آغازین بررسی آینده است و با طرح پرسش کلیدی «چه می‌شود، اگر» آغاز می‌شود: چه می‌شود اگر نرخ رشد، x یا y درصد باشد؟ چه می‌شود اگر رویدادهای w یا z روی دهند؟ چه می‌شود اگر این یا آن راهبرد را دنبال کنیم؟ در واقع، پیش‌بینی اکتشافی درصدد پاسخگویی به این سؤال است که: صرف نظر از چیزهای مطلوب، چه احتمالاتی وجود دارد؟ تقسیم‌بندی کارهای آینده پژوهانه به هنجاری و اکتشافی می‌تواند هنگام استفاده در روش‌شناسی تاحدی گمراه‌کننده باشد. از تکنیک‌های متعددی می‌توان هم برای پیش‌بینی هنجاری و هم پیش‌بینی اکتشافی استفاده کرد (گلن، ۱۹۹۹). برخی از این تکنیکها بیشتر برای یکی از این دو رویکرد بکار می‌روند. ابزارهای آینده‌پژوهی اغلب از قابلیت انعطاف و سازگاری با اهداف خاص برخوردارند. علیرغم تلاشهایی که در زمینه سازماندهی روش‌های آینده‌پژوهی انجام شده است، تاکنون در زمینه شیوه صحیح سازماندهی روشهای آینده‌پژوهی اتفاق نظری حاصل نشده است. از اینرو، سازماندهی روشهای آینده‌پژوهی مطالعات بیشتری را می‌طلبد. آینده پژوهان می‌توانند تا اندازه زیادی مستقل از مشتریان، جامعه، ملت یا هرکسی کار کنند که مطالعه مورد نظر به درخواست آنها انجام می‌شود. برخی از روشهای سنتی نیز مشتریان، جامعه، ملت یا افراد ذینفع را در فرآیند مطالعه می‌گنجانند. این رویکردهای مشارکتی بر این فرض استوارند که درگیر نمودن مشتری در آینده خود برای درک و عمل نمودن طبق نتایج مطالعه امری ضروری است. روشهای آینده‌پژوهی را می‌توان به شکل زیر (جدول ۱-۱) طبقه‌بندی نمود (گلن، ۱۹۹۹). با توجه به تعدد روشهای موجود، در ادامه مهمترین و متداولترین روشها مورد بحث قرار خواهند گرفت.

درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی ■ ۴۳

جدول ۱- دسته‌بندی روش‌های آینده‌پژوهی

بر اساس رویکرد		بر اساس تکنیک		روش
اکتشافی	هنجاری	کیفی	کمی	
x	x	x	x	پویش محیطی (Environmental Scanning)
x	x	x	x	تحلیل تأثیرات متقابل (Cross Impact Analysis)
	x		x	تحلیل تصمیم (Decision Analysis)
x			x	مدل‌های تصمیم‌گیری (Decision Models)
x	x	x		دلفی (Delphi)
x	x		x	اقتصادسنجی (Econometrics)
x	x	x		حلقه آینده‌ها (Futures Wheel)
x	x	x	x	بازی‌سازی و شبیه‌سازی (Gaming and Simulation)
x	x	x		پیش‌بینی هوش‌مندانانه، ژرف‌نگری و شهود (Genius Forecasting, Vision, Intuition)
	x	x		تحلیل ریخت‌شناسی (Morphological Analysis)
	x	x		روش‌های مشارکتی (Participatory Methods)
	x	x		درخت‌های وابستگی (Relevance Trees)
x	x	x	x	سناریوها (Scenarios)
x			x	مدلسازی آماری (Statistical Modeling)
x			x	پویایی‌های سیستم (System Dynamics)
x		x		تحلیل ساختاری (Structural Analysis)
x	x	x		تحلیل زنجیره فناوری (Technology Sequence Analysis)
x			x	پیش‌بینی‌های سری‌های زمانی (Time Series Forecasts)
x		x	x	تحلیل تأثیر روند (Trend Impact Analysis)
x		x		تحلیل لایه‌ای علت‌ها (Casual Layered Analysis)
x		x		مدلسازی عاملی (Agent Modeling)
x		x		کاهش ناهمسانی زمینه‌ای (Field Anomaly Relaxation)
x	x	x		نگاشت مسیر یا ره‌نگاشت (Road Mapping)
x	x	x		متن‌کاوی (Text Mining)

بر اساس یک دسته‌بندی دیگر، روش‌های آینده‌پژوهی در پنج گروه به شرح زیر جای می‌گیرند (کراوک و اسلاتر^۱، ۲۰۱۰):

دسته اول (پایش الگوهای نوظهور): این دسته در برگیرنده روش‌های پیمایش، پایش، ردگیری و شبیه‌سازی است. فصل مشترک و شالوده این روش‌ها، مفهوم غیر قابل پیش‌بینی بودن آینده است. در واقع، آینده از تعامل نیروهای فراوانی به وجود می‌آید. از این رو پیش‌بینی نمی‌تواند با واقعیت‌های در حال دگرگونی تطابق کامل داشته باشد. از این رو فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک باید بسیار انعطاف پذیر باشد چرا که مسیر حرکت ما به سمت آینده همواره در حال تغییر است و فعل و انفعالات نیروهای مختلف و حوادث غیر منتظره مسیر حرکت را منحرف می‌کند. پس بهترین شیوه آماده شدن برای آینده، پایش مستمر و دقیق تحولات و پیشرفت‌های فناوری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

دسته دوم (برون‌یابی): بر خلاف دسته قبل، در روش‌های برون‌یابی فرض می‌شود که آینده ادامه منطقی گذشته است و نیروهای پیشران کلیدی که غیر قابل تغییرند به شیوه‌ای پیش‌بینی‌پذیر، مسیر رویدادهای آینده را تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، آینده چیزی جز تعمیم گذشته نیست و با واژه‌ها و توصیف‌هایی همچون بهتر، بیشتر، بالاتر، و قوی‌تر شناخته می‌شود.

دسته سوم (تحلیل‌های چرخه‌ای): در این روش برای درک آینده، الگوهای مشابه در رخداد‌های گذشته و تاریخی شناسایی می‌شود.

دسته چهارم (تحلیل هدف): این دسته شامل مجموعه‌ای از روش‌ها همچون تحلیل محتوی، تحلیل تأثیر متقابل، تحلیل پروانه‌های ثبت اختراع، و تحلیل ذینفعان می‌شود. تقریباً در همه این روش‌ها فرض می‌شود که رخداد‌های آینده از طریق اقدامات عامل‌های گوناگون شکل می‌گیرد.

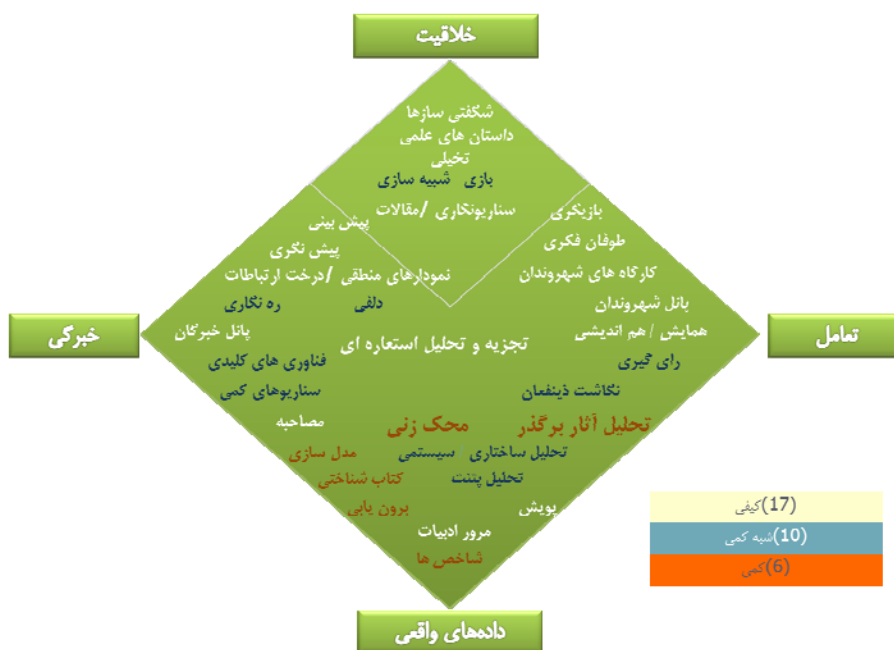
دسته پنجم (هم‌گرایی شهودی): بر این اساس بهترین شیوه برای تسلط بر آینده عبارتست از گردآوری گسترده اطلاعات و سپس تکیه بر فرآیندهای ناخودآگاه و شهودی پردازش اطلاعات و در نتیجه دست‌یابی به بینش‌ها و راهکارهایی برای عمل.

درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی ■ ۴۵

در یک دسته‌بندی دیگر، روش‌های مختلف آینده‌نگاری را می‌توان بر اساس ۴ ویژگی عمده یا به عبارت دیگر ۴ جنبه مورد تاکید، تقسیم‌بندی نمود. این ۴ جنبه عبارتند از:

- خیره‌محور
- داده‌محور
- تعامل‌محور
- خلاقیت‌محور

در شکل زیر روش‌های مختلف مورد استفاده در آینده‌نگاری‌ها بر اساس میزان نزدیکی و دوری با هر یک از ۴ جنبه فوق ارائه شده است (GFO, 2007):

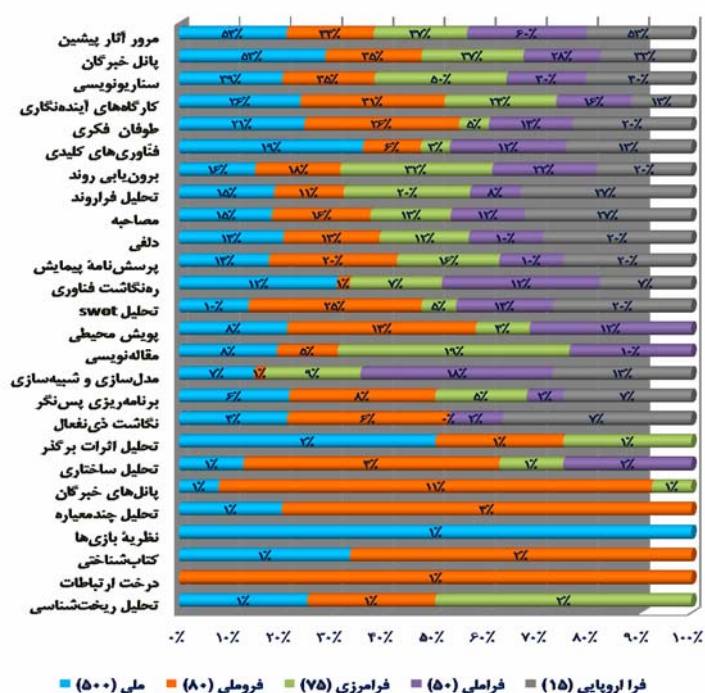


شکل ۱- تقسیم‌بندی روش‌های مورد استفاده در آینده‌نگاری بر اساس ۴ مولفه اصلی

قابلیت تکمیل اشاره به پوشش هر ۴ جنبه فوق دارد. در هر مطالعه آینده‌نگاری لازم است تا توازن لازم میان روش‌های مختلف برقرار شود. منظور از توازن آن است که در هر مطالعه آینده‌نگاری چهار جنبه مذکور توسط روش‌هایی تقویت شوند. هر روشی ممکن

است یک یا چند جنبه را تقویت کند، به همین دلیل اغلب از مجموعه‌ای از روش‌ها در آینده‌نگاری‌ها استفاده می‌شود.

معیار دیگر در انتخاب روش‌ها میزان استفاده از آن‌ها در مطالعات جهانی است. انجام آینده‌نگاری‌های مختلف در جهان نشان‌دهنده آن است که برخی از روش‌ها بیش از دیگران علاقه آینده‌پژوهان را جلب کرده‌اند؛ البته باید اذعان داشت که مطالعات مختلف بر حسب قلمرو مورد استفاده نیز متفاوت‌اند. مطالعات آینده‌پژوهی که در عرصه ملی انجام می‌شود و مطالعاتی که در سطح یک منطقه فروملی صورت می‌گیرد، هرکدام نیازمند ابزارهای مختلفی‌اند. برای نمونه، در مطالعه‌ای که در اتحادیه اروپا انجام گرفته است، میزان استفاده از روش‌های مختلف در کشورهای گوناگون ارزیابی شده است. در شکل زیر میزان استفاده از روش‌های مختلف بر حسب توزیع آن‌ها در مطالعات ملی، فروملی، فرامرزی و... آمده است.



شکل ۲- میزان استفاده از روش‌های مختلف مورد استفاده در آینده‌نگاری بر حسب قلمرو جغرافیایی مطالعه

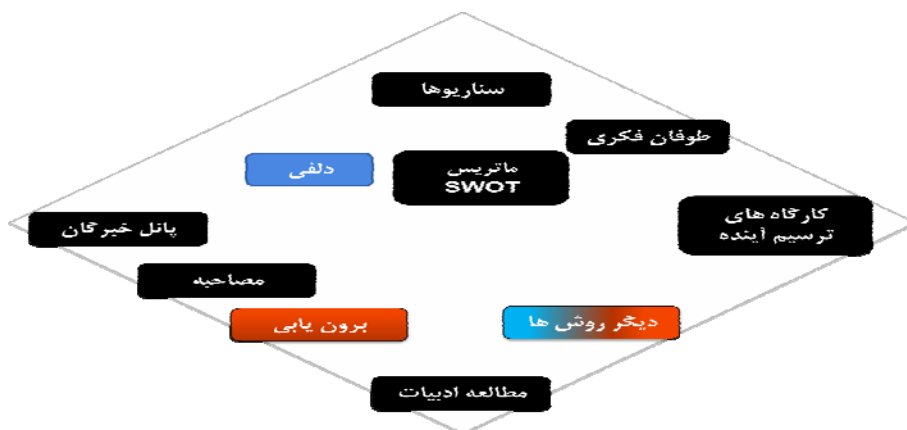
در خصوص منابع روش‌های مختلف، موارد زیر قابل توجه است:

- فقدان وجود باور به افزایش مشارکت و تعامل با گروه‌هایی خارج از خبرگان و گسترش مفاهیم مرتبط با پتروشیمی به دلیل فقدان زمینه‌های فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از روش‌های تعاملی زمانی ضرورت بالاتری دارند که آن حوزه دارای هویت فرهنگی و اجتماعی باشد.
- وجود بانک‌های اطلاعاتی در خصوص وضعیت پتروشیمی در سطح جهانی و وجود گزارش‌هایی که پیش‌بینی‌های شاخص‌های مربوط به صنعت پتروشیمی را در بردارد، امکان استفاده از روش‌های مبتنی بر داده‌های واقعی را افزایش می‌دهد. به همین دلیل بخش عمده‌ای از روش‌های انتخاب شده با تمرکز بر داده‌های واقعی بوده‌اند.
- به دلیل وجاهت شرکت ملی صنایع پتروشیمی و قابلیت دسترسی به خبرگان، لذا بهره‌گیری از روش‌های مبتنی بر خبرگی نیز مورد توجه جدی قرار گرفته است. بر این اساس داده‌های واقعی شناسایی شده با محک خبرگی خبرگان مورد بازبینی قرار می‌گیرد.

وفور استفاده از روش‌ها در مطالعات مختلف یکی از معیارهای اصلی در روش‌شناسی خواهد بود، چرا که وفور استفاده از یک روش، فواید زیر را به همراه دارد:

- امکان موردکاوی؛
- مطالعه مشکلات اجرایی و افزایش توانایی مواجهه با آن؛
- مشروعیت بالای روش‌شناسی؛
- رفع مشکلات روش‌شناسانه.

در شکل زیر ۱۰ روش پر استفاده در آینده‌نگاری‌ها آورده شده است (GFO, 2007).



شکل ۳- ده روش پر استفاده در مطالعات آینده‌نگاری

۷. جمع‌بندی

به هنگام کاربرد مطالعات آینده‌پژوهانه برای تصمیم‌گیری می‌توان پیشنهادهای ارائه نمود که انجام آنها به بهبود تصمیمات کمک خواهد نمود. انجام دقیق این پیشنهادات می‌تواند احتمال پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز آینده‌پژوهی در تصمیم‌گیری را افزایش دهد. این پیشنهادات به شرح زیر می‌باشند:

- تصمیم‌گیرندگان را مطمئن سازید که اطلاعات به افرادی داده می‌شود که می‌دانند آینده‌پژوهی چیست، به این فرآیند علاقمند می‌باشند، خواهان مشارکت در این فعالیت هستند، و تمامی افرادی که در این فرآیند درگیر می‌باشند در مورد اهداف و مأموریت این فعالیت ابهام ندارند.
- نشان دهید که آینده‌پژوهی ارتباطی رسمی با فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک دارد یا خواهد داشت و مطمئن شوید که این موضوع را تمامی افراد درگیر درک می‌کنند و درمی‌یابند که آینده‌پژوهی چهارچوبی برای بحث‌های عمیق فراهم می‌آورد نه پیش‌بینی.
- اگر تصمیم‌گیرندگان فاقد دانش کافی هستند یا پیچیدگی‌های مسائلی را که باید در مورد آنها تصمیم‌گیری کنند را درک نمی‌نمایند، در حین انجام تحقیقات برای آنها

کارگاه‌ها یا دوره‌های آموزشی برگزار کنید. استفاده مناسب از شبیه‌سازی‌ها یا مدل‌هایی که نشان‌دهنده وابستگی متقابل رویدادها، سیاست‌ها و پیامدهای اقدامات هستند، می‌تواند تفکر کلیشه‌ای^۱ را به چالش بکشانند.

- اطلاعات را نباید به برآوردهای (پیش‌بینی) کمیت‌پذیر^۲ محدود کرد، بلکه تفسیرهای ذهنی غنی‌آی از آینده‌های بدیل فراهم آورید تا احتمالات آینده برای تصمیم‌گیرندگان واقعی‌تر گردد.
- گروه‌های ذینفع^۴ گوناگون و بازیگران اصلی را در فرآیند مطالعه درگیر کنید.
- مشخص کنید که مسئولیت اقدام بر اساس اطلاعات بر عهده چه کسی است. اگر فردی وجود ندارد، این موضوع را به عنوان یک مسئله در تحقیقات مطرح کنید و اگر صلاح دانستید آن را در اخبار رسانه‌ها مطرح کنید. به طور مشابه، مشخص کنید که آیا همکاری کافی میان واحدهای مسئول وجود دارد و اگر چنین نیست، آن را نیز به عنوان یک مسئله در تحقیقات مطرح کنید.
- حداقل از یک روش مرسوم استفاده کنید که تمامی افراد درگیر در فرآیند تحقیق بتوانند آن را درک نمایند.
- اطلاعاتی را فراهم آورید که صریحاً نشان می‌دهد بحرانی در شرف وقوع است که اینرسی نهادی^۵ را به چالش می‌کشد.
- در مورد چیزهایی که احتمال وقوع آنها وجود دارد، مثل تغییرات تکنولوژیکی، آگاهی ایجاد کنید تا بتوان بر این باور که وقوع تغییر غیرممکن است غلبه کرد. در مورد موفقیت یا شکست سایر سازمانها یا کشورهایی که مشکلات مشابهی دارند و در راستای پیاده‌سازی سیاستها تلاش نموده‌اند اطلاعاتی را مهیا کنید. در صورت امکان، داستان‌های موفق الهام بخش را ذکر کنید.

1. Stereotypical thinking
2. Quantifiable projections
3. Rich subjective description
4. Interest groups
5. Institutional inertia

- انتخابها یا پیشنهادهای ساده، واضح، و دقیق ارائه کنید و آنها را با استفاده از واژه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی (و نه تکنیکی) با اهداف و استراتژی‌ها مرتبط نمایید.
- احتمال بروز تغییرات فردی، نهادی و تکنولوژیکی ضروری را شرح دهید تا بر ترس تصمیم‌گیرندگان از شکست غلبه شود.
- چنانچه اطلاعات و داده‌ها نادرست، غیرقابل اعتماد، متناقض، و یا ناکافی می‌باشد، مسئله را مطرح کنید، بهترین نظرات را جمع‌آوری نمایید، و شیوه‌هایی برای تصمیم‌گیری در محیط‌های نامطمئن پیشنهاد دهید.
- در صورت امکان، اقدامات مورد نظر مربوط به نهادها، رایزنان و تصمیم‌گیرندگان مرتبط با پیشنهادات را درج کنید.
- شاخص‌های مناسبی را با همکاری نهادهای مربوطه و در تلاش برای طراحی و اجرای پیشنهادات سیاستی توسعه داده و آنها را برای همگان قابل درک کنید.
- از تصدیق^۱ دانشمندان برجسته استفاده کنید، مثلاً از اطلاعاتی در مورد برآوردهای آنها از احتمال و ریسک‌های مرتبط با مسائل و راه‌حل‌های آنها بهره‌گیری کنید.
- شرایط پیش‌بینی شده را با و بدون در نظر گرفتن اقدامات مقتضی و به عنوان مجموعه‌ای از سناریوهای بلندمدت که از هراس‌انگیز تا مثبت رتبه‌بندی می‌شوند، توضیح دهید.
- با سایر فعالیت‌های مشابه در دولت یا صنعت، در داخل یا خارج از کشور، ارتباطاتی برقرار کنید تا دسترسی به ورودی‌های متنوع امکان‌پذیر گردد و ورودی‌ها بتوانند از طریق منابع غیرمتعارف (غیرسنتی) جریان یابند.
- در زمینه روش ارائه یافته‌ها ابتکار عمل داشته باشید تا از انباشتگی بیش از حد اطلاعات^۲ جلوگیری شود.
- علاوه بر روشهای تحلیلی‌تر، کارگاه‌هایی را در مورد هدف تحقیقات برگزار کنید تا فرصتی برای افرادی همچون تصمیم‌گیرندگان فراهم شود که بتوانند مفاهیم را در شرایط گروهی در ذهن خود انسجام بخشند.

1. Testimony
2. Information overload

درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی ■ ۵۱

- نحوه استفاده از رسانه‌ها را در فرآیند تحقیقات بررسی نمایید. به عنوان مثال، قرار دادن نتایج تحقیقات در اینترنت، برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی، برقراری ارتباط با مجامع عمومی و سایر نهادهای تحقیقاتی، و حتی بررسی نحوه عامه‌پسند کردن تحقیقات از طریق همکاری میان هنرمندان و آینده‌پژوهان در فیلم‌ها، تلویزیون و سایر رسانه‌ها.
- کار تحقیقاتی را به طور پیوسته و تجمعی انجام دهید تا آنچه که در یک بار تکرار آموخته می‌شود، در آینده نیز ادامه یابد. این امر نباید رویدادی یک‌باره باشد، بلکه باید فرآیند مستمری باشد که در آن اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری تأمین شده و نسبت به بازخوردهای حاصل از اثرات واکنش نشان داده شود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. مظفری، علی (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی، بستر عبور از مرزهای دانش، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال دوم، زمستان ۱۳۸۸.
۲. عباسی، عطاالله، (۱۳۸۵)، مفاهیم آینده‌پژوهی و تأثیرات آن بر سیاست‌گذاری، نشریه سیاست علم و فناوری، شماره ۲ و ۳، پائیز و زمستان.
3. Aligica, P. D. (2003), "Prediction, explanation and the epistemology of future studies", *Futures*, Vol. 35 pp. 1027-1040.
4. Glenn, Jerome C. (1999), "Futures Research Methodology Version 1.0", American Council for The United Nations University, The Millennium Project, ISBN: 0-9657362-2-9, Available at: <http://millennium-project.org>.
5. Global Foresight Outlook 2007 (GFO), (2007), Mapping Foresight in Europe and the rest of the World, EFMN.
6. Gordon, T. J. and Glenn, J. C. (August 1993) (Issues in Creating the Millennium Project: Initial Report from the Millennium Project Feasibility Study, United Nations University. This work was, in part, an exploration of the feasibility of conducting worldwide Delphis on issues of global importance, using scholars, futurists, and other interested and informed participants in panels that communicated by e-mail, fax, and air mail.
7. Hellmer, O. (1983), "Looking Forward: A Guide to Futures Research", Sage, Beverly Hills, CA, 1983.
8. Inayatullah, S. (1992), "Deconstructing and reconstructing the future", *Futures*, Vol. 22 pp. 2.
9. Renfro, William L. (1993), *Issues Management in Strategic Planning*. Quorum Books, Westport, p. 67.
10. Slaughter, R.A. (1996), "The Knowledge Base of Futures Studies", DOM Media, Hawthorn, Victoria, Australia.
11. Weingand, D. E. (1995), "Futures Research Methodologies: Linking Today's Decisions With Tomorrow's Possibilities", 61st IFLA General Conference - Conference Proceedings - August pp. 20-25.
12. Krawczyk, E. and Slaughter, R. (2010), New generations of futures methods, *Futures*, Vol. 42 pp. 75-82
13. Godet, M. (2011), Memory of the Future list of fundamental futures texts. Available at: <http://en.lapropective.fr/memory-of-the-future.html>

از موج سوم تافلر تا موج چهارم و پیش‌بینی‌های موثر بر عصر مجازی

امیر هوشنگ حیدری*، مونس کشاورز**

تاریخ وصول: ۹۲/۷/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۸

چکیده

تافلر روند تکامل تمدن بشر را در یک دوره زمانی بیش از ۲۸۰۰ ساله، یعنی در فاصله زمانی ۸۰۰ سال قبل از میلاد تا سال ۲۰۱۰ میلادی بررسی کرد و تمدن بشر را در این فاصله متأثر از سه موج دانست. این امواج سه گانه موجب بوجود آمدن اعصار کشاورزی، صنعتی و بالاخره عصر الکترونیک گردیدند. بررسی روند تکامل تمدن بشر و عوامل اثر بخش بر آن، می‌تواند ما را بسوی شناخت بهتر آینده و پیش‌بینی‌های موثر بر آن سوق دهد. نگارنده در این مقاله سعی دارد با اقتباس از کتاب موج سوم الوین تافلر و برخی منابع مشابه، ابتدا خواننده را مشخصات موج‌های سه‌گانه و اثر بخشی و اختلاط آنها در فضای اجتماعی بشر آشنا کند. سپس با درک بهتر از روندهای گذشته، تا حدی به عوامل سازنده تمدن آینده بشر اشاره نموده و پیش‌بینی‌های موثر بر آینده را شناسایی و معرفی کند. اصولاً پیش‌بینی‌های آینده در حال حاضر از خود نشانه‌های بجای می‌گذارند که یکی از وظایف علم و هنر آینده‌پژوهی درک و تشخیص نشانه‌های ضعیفی است که پیش‌بینی‌ها یا شگفتی‌سازهای آینده از خود بجای می‌گذارند. واژه‌های کلیدی: موج سوم، موج چهارم، آینده‌پژوهی، عصر مجازی.

* عضو هیأت علمی گروه آینده‌اندیشی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور (WWW.nrisp.ac.ir)

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند (moonika15@yahoo.com)

۱. مقدمه

الوین تافلر در کتاب موج سوم، با نگرشی ژرف و قلمی گویا و با دیدی بسیار وسیع به تحلیل گذشته، حال و آینده فن‌آوری‌های کلیدی جهان پرداخته است. او با مثال‌های فراوان و جامع، مسائل و حوادث را به زیبایی، از زوایای مختلف و در قالب‌های متفاوت، تجزیه و تحلیل و ترکیب نموده و اثری را خلق کرده که هر خواننده‌ای را وادار به تفکر و تجدید نظر در نگرش نسبت به جهان پیرامون خود می‌کند. تافلر به زیبایی، آینده جهان را به تصویر کشیده و مطرح کرده است که چگونه شیوه زندگی، تجارت و ارتباطات بر پایه نیازها و در چهارچوب فن‌آوری‌ها تغییر خواهد کرد. به عنوان مثال وی در کتاب "شک آینده" مستقیماً به سازمانهایی با ساختار مدیریت شبکه‌ای اشاره نموده و آن‌ها را بررسی و تحلیل نموده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ما هم اکنون سوار بر موج تکنولوژی در حال پیشروی به سوی آینده هستیم و اگر خود در این مسیر حرکت نکنیم، در سال‌های آینده بازار هدف و مصرف کشورهای توسعه یافته قرار خواهیم گرفت و این نحوه تجارت بر ما تحمیل خواهد شد، بدون آنکه سود اصلی آن عاید ما شود. بنابراین اهمیت تحقیق، آموزش و یادگیری برای سوار بودن بر این موج بسیار زیاد و حیاتی می‌باشد.

موج سوم خواننده را در گستره‌ای وسیع از داده‌ها و عقاید و مسائل تازه قرار می‌دهد، به نحوی که او را در تحلیل و درک آنچه در این جهان آشفته می‌گذرد یاری می‌کند. موج سوم بینش ما را نسبت به خودمان و جهان اطرافمان دگرگون خواهد ساخت. جامعه‌نگری خاص نویسنده ترکیبی تکان دهنده از همه موضوعات میباشد که بنیادی‌ترین فرضیات ما را متحول می‌سازد.

موج سوم بر این مفهوم بنا شده که تاریخ بشر دو انقلاب (موج) را پشت سر گذاشته، انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی و اکنون در داخل سومین موج، یعنی انقلاب الکترونیک قرار داریم.

موج سوم توجه ما را نه به اهمیت نظم، بلکه به اهمیت بی‌نظمی و تصادف در تکامل پدیده‌ها معطوف می‌دارد.

۲. ویژگی‌های موج سوم

موج سوم به کسانی تعلق دارد که فکر می‌کنند داستان بشری به انتها نرسیده و تازه آغاز شده است.

امروزه موجی قوی، بخشی عظیم از جهان را فرا گرفته و دنیایی عجیب و تازه برای کار و تفریح، ازدواج و پرورش اطفال، یا بازنشستگی خلق کرده است. در این فضای گیج‌کننده، بازرگانان برخلاف جریان‌های نامنظم اقتصادی شنا می‌کنند. سیاستمداران دائماً شاهد نوسانات محبوبیتشان در میان مردم هستند. دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و دیگر سازمان‌ها ناامیدانه با تورم درجنگند.

سیستم‌های ارزشی درهم می‌شکنند و فرو می‌ریزند. در همان حال قایق نجات خانواده و کلیسا و دولت با موانع و امواج خروشان در ستیزند. [۱]

با نظری سطحی به این تحولات خشونت‌آمیز، می‌توان علائم بی‌ثباتی و فاجعه را مشاهده کرد. ولی با یک دید وسیع‌تر حقایق بسیاری بر ما روشن خواهد شد و به وجود جریانی دیگر پی خواهیم برد.

تحلیل خود را چنین آغاز می‌کنیم: بسیاری از تغییر و تحولات کنونی مستقل از هم و تصادفی نیستند و همه جزئی از یک پدیده گسترده‌ترند. یعنی غروب تمدن صنعتی و طلوع تمدنی نوین. تا زمانی که به این رخدادها به صورت تغییرات مجزا بنگریم و وسعت و معنی آنها را نادیده بگیریم، قادر نخواهیم بود برای آنها پاسخ‌های منسجم و کارسازی پیدا کنیم. در این صورت تصمیمات شخصی ما بدون هدف باقی خواهد ماند و بدون برنامه، بدون امید و بدون بینش به سوی آینده پیش خواهیم رفت.

تمدن کهن که بسیاری از افراد کنونی که در قید حیات هستند در آن پرورش یافته‌اند رو به فراموشی نهاده و تمدنی نوین در حال شکوفایی است. این تمدن جدید و عمیقاً انقلابی، تمام پیش‌فرض‌ها و روش‌های کهنه تفکر، فرمول‌های قدیمی و ایدئولوژی‌های گذشته را دگرگون خواهد ساخت. همانطور که به کشف روابط تازه‌ای که در حال شکل گرفتن هستند می‌پردازیم ناگهان متوجه می‌شویم که بسیاری از همان شرایط که بزرگ‌ترین مخاطرات امروز را ایجاد کرده‌اند (مانند نابودی در جنگ هسته‌ای، رکود اقتصادی، تعصب نژادی و...) راه‌گشای امکانات شگفت‌انگیز فردا خواهند بود.

تافلر تمدن وسیع بشر را به سه قسمت یا سه گذار تقسیم‌بندی کرده است. [۱]

موج اول: عصر کشاورزی

موج دوم: عصر صنعتی

موج سوم: عصر الکترونیک

برخورد امواج بسیار حائز اهمیت است. امواج با هم برخورد می‌کنند و با هم می‌آمیزند و نتیجتاً تنش، تحول و تعارض ایجاد می‌گردد.

۳. توصیف تمدن‌ها و تداخل امواج: [۱]

در عصری که زندگی می‌کنیم تمدنی نوین در حال تکوین است و انسان‌های بی‌بصیرت سعی دارند همه جا آنرا سرکوب کنند.

موج سوم با از هم گسستن خانواده‌ها، متزلزل ساختن اقتصاد، فلج کردن سیستم‌های سیاسی و درهم شکستن ارزش‌ها به طرق گوناگون بر همه ما اثر خواهد گذاشت.

این موج تمام روابط کهنه قدرت، مزایا و حقوق ویژه نخبگان در خطر گرفتار آمده امروز را مورد سؤال قرار می‌دهد و در عین حال زمینه‌هایی را برای جنگ قدرت فردا فراهم می‌آورد.

بسیاری از وجوه تمدن موج سوم با تمدن صنعتی در تعارض است. این تمدن در عین حال که به مقدار زیاد فنی است، غیر صنعتی نیز می‌باشد بنحویکه برای تحلیل و درک مسائل جدید، به شیوه‌ای تازه برای شناخت و تحلیل مسائل نیاز داریم.

برای بررسی تاریخ، توجه به ناپیوستگی‌های آن یعنی نوآوری‌ها و گسستگی‌ها، روشی مناسب است. این روش الگوهای مهم تحول را به محض پدیدار شدن مشخص می‌کند، بطوری که بتوان بر آن تاثیر گذارد.

برخورد موج سوم با نظام‌های اقتصادی و نهادهای منسوخ موج دوم، همه کشورهای صنعتی موج دوم را دچار آشفتگی کرده است و کسانی که در نظام کشاورزی ماقبل، منافع شخصی داشتند، در برابر صنعت، مبارزه‌ای پس‌گرا را سامان دادند.

از موج سوم تا فلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۵۷

هرگاه سه موج با هم در یک جامعه پدیدار شوند و هیچ کدام هم بر جامعه مسلط نباشند، برخورد امواج پیش خواهد آمد و فهم و درک اتفاقات آتی مشکل می‌گردد. در نتیجه مردم بی هدف به دنبال شناخت خود و آینده، به هر دین و مذهب و تفکر جادویی برای هویت بخشیدن به خود پناه می‌برند.

تعارض بین گروه‌های موج دوم و سوم در حقیقت برای کسب امتیازات باقیمانده نظام صنعتی رو به زوال است.

مسائل مهم جهان از قبیل غذا، انرژی، تسلیحات و جمعیت در چهارچوب نظام صنعتی حل نشدنی است.

آیا صنعتی شدن، وسیله‌ای برای آزادی از فقر و استعمار است یا وسیله‌ای برای وابستگی دائمی است؟

در موج اول، زمین مبنای اقتصادی، زندگی، فرهنگ، ساختار خانواده و سیاست را تشکیل می‌داد، همچنین تعداد طبقات اجتماعی از قبیل اشراف، روحانیون، رعایا و رزم آوران مشخص بود.

دلیل عمده جنگ‌های قرن نوزدهم، در اصل تداخل بین امواج اول و دوم بوده است. بطور مثال، جنگ‌های شمال و جنوب آمریکا در حقیقت بر سر صنعتی شدن یا کشاورزی ماندن این قاره بود. همچنین خواستگاه صنعتی شدن، عامل اصلی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بوده است.

تمدن‌ها برای تداوم، احتیاج به انرژی دارند. انرژی موج اول عبارت بود از نیروی عضلانی حیوانات، خورشید، باد، آب، درختان و منابع احیاء شدنی در حالیکه انرژی موج دوم عبارت بود از ذغال، نفت و گاز؛ یعنی سوخت‌های فسیلی لذا استخراج منابع از زمین باعث افزایش سرعت رشد اقتصادی می‌شد.

ابزار ساخته شده در موج اول در جهت افزایش نیروی عضلانی انسانها بود در صورتیکه در موج دوم ماشین‌های تولید ابزار اختراع شدند.

موج دوم تکنولوژی را به جهتی نوین سوق داد. ماشین‌های جدید، نقشی بیش از تقویت نیروی عضلانی انسان را عهده‌دار بودند. زیرا آنها قادر به حس کردن، لمس کردن، شنیدن و دیدن، آنها با دقتی فراتر از دقت انسان بودند.

دستاورد موج دوم تولید انبوه بود. در نتیجه نحوه توزیع کالا متحول شد و دارای تکامل گردید. در ۱۸۷۱ اولین فروشگاه با صندوق دریافت و پرداخت افتتاح شد. در موج اول خانواده‌ها بصورت دسته جمعی زندگی می‌کردند و به صورت یک واحد تولیدی کار و کشاورزی داشتند ولی با تحول موج دوم، خانواده‌ها مجبور به تحرک شدند. تعلیم و تربیت کودکان تخصصی شد و مردها به کار در کارخانه‌ها پرداختند. طراحی الگوی آموزش و پرورش بر مبنای ساختار کارخانه‌ای و برای آموزش جوانان برای کار در واحدهای صنعتی بود. دروس اصلی این دوران: اطاعت محض، وقت شناسی و دقیق بودن، کار تکراری و طوطی وار بود. شرکت سهامی، اختراعی برای گسترش نظارت اجتماعی بر دو نهاد آموزش و کارخانه بود. تکنولوژی موج دوم احتیاج به سرمایه‌های کلان داشت، بنابراین شرکت‌های سهامی با وجودی، فناپذیر به وجود آمد که قابل برنامه‌ریزی بلند مدّت بود. در تکنولوژی موج دوم، تولید انبوه کارخانه به جریان یافتن انبوهی از اطلاعات نیاز داشت. و این انتقال اطلاعات به صورت شفاهی یا به کمک چاپرها امکان پذیر نبود. بنابراین اداره پست به وجود آمد و متکامل شد و همچنین تلگراف و تلفن اختراع گردید و سپس احتیاج به وسیله‌ای برای ارتباط یک مدیر با چندین هزار کارمند و یک فروشنده با چندین هزار مصرف‌کننده باعث پیدایش رسانه‌های همگانی شد. موج دوم از یک سو، نظام کاملاً یکپارچه اجتماعی ایجاد کرد و از سوی دیگر وحدت اجتماعی فرد به فرد در یک چرخه تولید و مصرف کردند را از هم درید و در نتیجه شکافی نامرئی در دوجنبه زندگی یعنی تولید و مصرف ایجاد کرد. در موج اول گروه عظیمی مصرف‌کننده تولیدات خود بودند و فقط عده اندکی به تجارت تولید مازاد، اشتغال داشتند. ولی در موج دوم اقتصاد دویاره شد. (تولیدکننده و مصرف‌کننده) هرکجا که تولیدکننده و مصرف‌کننده از هم منفک باشند، مکانیزمی به نام بازار، بین آن دو، رابطه برقرار می‌کند. افراد به جای اتکا به مهارت‌های تولیدی خود در رفع حوائج زندگی به بازار وابسته می‌شوند و در نتیجه حرص برای داشتن پول و اشیاء و کالا پیدا می‌کنند. در نتیجه علائق اجتماعی کاهش پیدا می‌یابد.

از موج سوم تافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۵۹

جدایی تولید از مصرف از یک سو در افراد یک شخصیت مطیع و منضبط و حسابگر به عنوان تولیدکننده، و از سوی دیگر یک شخصیت بی‌نظم و لذت‌بر به عنوان مصرف‌کننده ایجاد نمود.

در موج اول کارها به صورت دسته جمعی و غیر وابسته توسط افراد خانه انجام می‌شد. ولی در موج دوم مردان در کارخانه مشغول به انجام کارهای وابسته و زنجیره‌ای بودند ولی زن‌ها مشغول انجام کارهای خانه بودند. بنابراین بین زن و مرد فاصله به وجود آمد.

قواعد موج دوم ناشی از تفکیک تولید و مصرف: [۱]

۱- استاندارد کردن: از میان همه راه‌ها یک راه بهتر (استاندارد) و همچنین یک ابزار بهتر (استاندارد) در یک زمان معین (استاندارد) برای انجام هر کاری وجود دارد. استاندارد

کردن در حقیقت برای بالا بردن کارایی و بخشیدن جنبه علمی به کارها می‌باشد.
۲- تخصصی کردن: از آنجایی که استاندارد کردن باعث تنوع بیشتر در کالاها شد، تخصصی کردن باعث اتلاف وقت و نیروی کمتر در امر تولید گردید.

۳- همزمان‌سازی: هم در کارگاه‌ها و واحدهای کوچک تولیدی و هم در مقیاس کلان بین کارخانه‌ها، در رادیو و تلویزیون، بیمارستان‌ها، حمل و نقل و زمان خواب و بیداری افراد همزمان‌سازی ایجاد شد. ولی زنهایی که در خانه مشغول کار بودند به دلیل دوری از چرخه تولید و نظام بازار این مسئله را درک نمی‌کردند در نتیجه این مسئله باعث افزایش شکاف بین زن و مرد گردید.

۴- تراکم: جمعیت در شهرها متراکم شد. کار در کارخانه‌ها، تحصیل در مدارس، سرمایه در واحدهای تولیدی و سرمایه گذاری، صنعت در شهرهای صنعتی و...

۵- پیشینه‌سازی: اصل بزرگ طلبی - هرچه خط تولید یک کارخانه بزرگتر باشد، قیمت تمام شده برای محصول آن کمتر می‌باشد، در نتیجه این امر باعث ادغام کارخانه‌ها، مدارس و ساخته شدن بلندترین برج‌ها گردید.

۶- تمرکز: این شیوه نوین احتیاج به یک مدیریت نوین داشت. تمرکز یعنی جمع شدن قدرت در دست مدیران، دولت مرکزی، بانکها و...

انسجام‌دهندگان و مدیران وظیفه تعریف کارها، نقشها و پاداشها را دارند. برنامه‌ریزی، تعیین ضوابط، تشویق و تنبیه و همچنین ایجاد ارتباط بین تولید و حمل و نقل را انجام می‌دهند.

درخواست مدیریت مشارکتی درحقیقت هجوم موج سوم به هرم قدرت موج دوم بود. کلیه کشورهای موج دوم، ابتدا قدرت نخبگان موج اول را از بین بردند و سپس یک نظام صنعتی ایجاد کردند. ماشین زدگی: بنیانگذاران انقلابی موج دوم، به علت ایمان کورکورانه به قدرت ماشین، نهادهای سیاسی اختراع کردند که بسیاری از مشخصات ماشینهای صنعتی اولیه را برخوردار بودند.

انتخابات، این توهم را گسترش می‌دهد که سرنوشت و قدرت مردم دست خودشان است. این توهم امری برای بازگرداندن اعتماد به مردم است.

برای همگامی با رشد واحدهای اقتصادی موج دوم، یک واحد سیاسی نیز مورد نیاز بود.

ساخت اقتصادی جوامع موج دوم باعث یک تغییر بنیادی در آگاهی عمومی شد زیرا سطح تولید، از محلی به ملی ارتقاء پیدا کرد و افراد متوجه جهان بزرگتر شدند و از مرز روستاها فراتر رفتند.

درک نیاز جامعه صنعتی به ملی‌گرایی باعث درک مفهوم دولت ملی برای عامه مردم شد. ملت یعنی ترکیب یک نظام سیاسی منسجم با یک نظام اقتصادی منسجم.

هرم قدرت نخبگان و در راس آن ابر نخبگان باعث ایجاد بنیانهایی برای مدیریت و تمرکز مدیریت گردید و تبدیل به دولت مرکزی شد و سیاستی برای کنترل ایجاد گردید.

گسترش مرزهای سیاسی و اقتصادی باعث کسب بیشتر قدرت و ثروت بود ولی موانعی از قبیل تفاوت‌های زبانی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی بر سر راه موجود بود و در ضمن کشورهای رقیب نیز وجود داشتند.

گسترش راه آهن باعث گسترش قدرت دولت ملی در کسب اطلاعات و قدرت نظامی شد.

از موج سوم نافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۶۱

تمدن صنعتی هر کشور با تمام قدرتش از خارج تغذیه می‌شود پس مجبور است سایر کشورها را در نظام پولی ادغام کند و آن نظام را به سود خود تحت نظارت درآورد.

تمدن موج دوم نمی‌توانست در انزوا به زندگی ادامه دهد و محتاج منابع ارزان دنیای خارج بود در نتیجه مستعمرات برای تامین منابع مورد نیاز کشورهای صنعتی پدید آمدند.

تخصصی کردن در بعد بین‌المللی و بین کشورها بوجود آمد تا تمام کشورها سود ببرند ولی در عمل اینگونه نشد زیرا اکثر معاملات عادلانه نبود. یک طرف کشورهای سودجو و زورگوی موج دوم و طرف دیگر عمدتاً قبایلی که ارزش مواد خام اولیه‌ای را که در اختیار داشتند نمی‌دانستند و قدرت دفاع از خود را در مقابل تمدن صنعتی نداشتند.

از طرفی ضعف شدید قدرتهای صنعتی جنگ زده باعث می‌شد که مستعمراتشان برای کسب آزادی علیه آنها قیام کنند.

مسئولیت تجدید سازمان و انسجام مجدد نظام موج دوم بعد از جنگ جهانی دوم را کشورهای آمریکا و شوروی برعهده گرفتند.

صندوق بین‌المللی پول، کشورها را مجبور ساخت که پشتوانه پول رایج خود را دلار یا طلا قرار دهند - چیزی که آمریکا بیشترین آن را در اختیار داشت - بنابراین آمریکا فرصتی مناسب برای بدست آوردن قدرت، پیدا کرد.

بانک جهانی نیز علاوه بر دادن وام به کشورهای جنگ زده، به کشورهای صنعتی نیز وام می‌داد تا با ساخت جاده، بندر و فرودگاه، انتقال مواد خام اولیه به کشورهای صنعتی سریعتر انجام شود.

موافقت‌نامه عمومی تعرفه گمرکی و بازرگانی با هدف تعمیم تجارت آزاد، باعث بالا رفتن قدرت رقابت صنایع آمریکا در بازارهای جهانی شد و این امکان را به آمریکا داد که در کشورهای موج اول که دارای استقلال سیاسی بودند، برنامه‌ریزی کند.

بانک جهانی در صورتی وام می‌داد که کشور مورد نظر عضو صندوق بین‌المللی پول و موافقت‌نامه عمومی تعرفه گمرکی بود در حقیقت انسجام‌دهنده سه نظام مذکور فوق بود در نتیجه یک واحد انسجام دهنده اقتصاد جهانی را پدید آورد.

شوروی از نظام سرمایه‌داری آمریکا انتقاد کرد، غافل از اینکه اقتصاد خود را بر پایه جدایی تولید از مصرف بنا کرده بود و بعنوان بخشی از بازار جهانی پول، محتاج یک بازار

برای برقراری ارتباط بین تولیدکننده و مصرف‌کننده بود. از طرفی محتاج منابع اولیه و ارزان کشورهای دیگر برای صنعت خود بود. در نتیجه شوروی هم در عمل مانند آمریکا عمل می‌کرد.

شوروی در مقابل نظام منسجم آمریکایی، شورای همکاریهای دو جانبه اقتصادی را برای اروپای شرقی ایجاد کرد.

موج دوم بیشتر تکنولوژی بازرگانی را همراه داشت و شیوه‌ای جدید برای تفکر درباره واقعیت را به وجود آورد. کلیه مفاهیم خدا، عدالت، عشق، قدرت و... را از نو تعریف کرد و فرضیات قدیم درباره فضا، زمان و علیت را عوض کرد. کلیه کشورهای در حال صنعتی شدن، دو جناح چپ (فردباوری و تجارت آزاد) و راست (جمع باوری و سوسیالیسم) داشتند. موافقین و مخالفین سرمایه داری مانند کاتولیک و پروتستان که هر دو از مسیح می‌گفتند، خواهان صنعتی شدن بودند.

پیش فرض‌های واقعیت صنعتی:

- ۱- طبیعت یک شیء در انتظار استثمار شدن توسط انسان
- ۲- ثروتمندترین و قدرتمندترین افراد شایسته‌ترینند فلذا توجهی برای از میان بردن نسلها و تمدنهای وحشی وجود داشت.
- ۳- پیشرفت (تکامل): تاریخ به طور برگشت ناپذیری به سوی زندگی بهتر برای بشریت جریان دارد.

موج دوم زمان را خطی، یعنی غیر قابل برگشت می‌دانست چنانکه در گذشته به صورت دایره‌ای بود یعنی هر روز یا هر سال تکرار می‌شد و عجله‌ای برای انجام کارها در میان نبود.

تقسیم‌بندی زمان بسیار دقیق شد (ثانیه)، فضا و مکان هم تخصصی شد (محل‌های مختلف برای بانک، پلیس و...) و واحدها تعریف شدند. استفاده از نقشه تفصیلی، استفاده از خطوط در طراحی منازل، مزارع و مسیرهای حرکت مطرح شد.

در موج دوم اتم‌گرایی فلسفی همراه با اتم‌گرایی فیزیکی در جامعه و سیاست پیشرفت کرد.

از موج سوم نافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۶۳

در موج دوم تمامی کهکشانشا، جهان، مردم و جامعه قانونمند و قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی هستند.

مشکلات جدیدی نیز بوجود آمد از جمله اینکه محیط زیست دیگر تاب تجاوزات صنعتی را نداشت و دیگر نمی‌شد به سوخته‌های فسیلی اطمینان کرد. در نتیجه پیشرفت‌ها با محدودیت‌هایی صورت می‌گرفت. کشورهای صنعتی دیگر به سوخت و مواد خام اولیه و ارزان، حداقل برای چند دهه، دسترسی نداشتند و باید آنرا خریداری می‌کردند. در نتیجه کلیه سازمانهای موج دوم زیر فشار قرار گرفتند.

به مرور زمان نقش‌های اجتماعی دوباره تعریف شدند:

- کارمندان که خواستار دخالت در امر مدیریت‌اند.

- معلمین که خواستار دخالت در الگوی آموزشند.

- پلیس‌ها که خواستار دخالت در نحوه برقراری عدالتند.

بنابراین مسائلی مانند محدودیت منابع، نارسایی نظام‌ها، تعریف مجدد نقش‌ها باعث

ایجاد بحران در موج دوم شد و باعث ایجاد بی‌هویتی برای مردم گردید.

تخصص در موج دوم تحلیل و تجزیه گرانه بود نه ترکیب گرانه، یعنی همیشه بدنبال

تجزیه به عناصر اولیه بودند فلذا یک تصور پاره پاره از آینده را تداعی می‌ساخت.

دو سوم انرژی مصرفی موج دوم از نفت و گاز تهیه می‌گردید. تکنولوژی‌های جدید از

ترکیب تکنولوژی‌های گوناگون پدید آمدند. انتقال تکنولوژی و صنعت غیر اولیه و تخصصی

به کشورهای در حال توسعه باعث ایجاد احساس نیاز در آنها و در نتیجه پیشرفت

کشورهای صنعتی و ظهور علوم و تکنولوژی‌های جدید گردید. انقلاب تکنولوژیک موج

سوم باعث ورشکستگی صنایع موج دوم شد.

موج سوم نظام اقتصادی و سرمایه داری و سیاسی مخصوصی احتیاج داشت. [۱]

علمی که ستون اصلی موج سوم را تشکیل می‌دادند:

۱- الکترونیک ۲- کامپیوتر ۳- بیولوژیک

موج سوم: جایگزین کردن لوازم پرمصرف انرژی با ابزارهای جدید کم مصرف به ارمغان

آورد.

مردم در آغاز، در برابر موج سوم به دلیل ترس از عواقب بد آن (تسلط ماشین بر انسان) ایستادگی کردند. (مانند مبارزات مردم در برابر صنعت موج دوم) ولی اینبار تکنولوژی مهار شده را می‌خواهند زیرا مانند قبل فقیر و بی‌سواد نیستند.

جامعه آینده چگونه باید باشد؟ در حال حاضر طرحها و امکانات فنی خیلی زیادند و نمی‌توان روی همه آنها سرمایه‌گذاری کرد، بلکه باید بهترین آنها را با توجه به اهداف جامعه انتخاب نمود. یعنی باید تکنولوژی تحت تسلط جامعه و در خدمت جامعه باشد.

تکنولوژی جدید و کم‌مصرف منطبق با نظام انرژی جدید، صنایع پویا و پیشرفته که تحت کنترل از نظر آثار اجتماعی و زیست‌بومی قرار دارند و بر پایه دانش استوارند همراه صنایع نه‌چندان پویا ولی پیشرفته که در مقیاس کوچکتر و انسانی‌تر عمل می‌کنند، برج فرماندهی فردا را تشکیل دادند.

موج اول افراد در محدوده خود (خانه، مدرسه، کلیسا، مزرعه،...) اطلاعات محدود و هماهنگ از محیط خود دریافت می‌کردند. موج دوم این جنبه‌ها را گسترش داد و با کمک رسانه‌های جمعی حجم اطلاعات بیشتر، و تنوع و گسستگی آنها بیشتر شد و اطلاعات زود گذر شدند و هر روز باید به روز شویم وگرنه از اجتماع عقب می‌افتیم.

در نسل جدید رسانه‌های غیر توده‌ای (رسانه‌هایی که برنامه آنها برای عموم مردم نیست و برای عده‌ای خاص است) باعث کاهش استفاده از رسانه‌های توده‌ای شد.

سپهر اطلاعاتی تمایلی شد بدین مفهوم که افراد به میل خود به اطلاعات مورد نظر خود و در زمان مورد نظر خود به اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند و در محدودیت زمان و مکان قرار ندارند.

افراد و سازمانها برای شناخت یکدیگر احتیاج به اطلاعات دارند تا بتوانند باهم کار کنند و در مقابل هم عکس‌العمل مناسب انجام دهند و رقابت کنند. در نتیجه احتیاج به اطلاعات بیشتر شد.

در موج سوم کامپیوترها به صورت غیرمتمرکز و هوشمند طراحی شدند.

موج دوم در واقع قدرت عضلانی ما را افزایش داد و موج سوم قدرت مغز و تفکر و تصمیم‌گیری ما را افزایش داد.

از موج سوم نافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۶۵

حافظه فردی (فناپذیر)، اصولاً با کسب معلومات و حافظه اجتماعی (راز تکامل بشر) طی تعاملات بشر در سپهر اجتماعی بوجود می‌آید.

موج دوم حافظه را گسترش داد ولی آن را ایستا، فرسوده، منجمد و جامد کرد. (با انتقال از مغز روی کاغذ) ولی موج سوم هم آن را گسترش داد و هم دوباره جان داد. (کامپیوتر نیروی محرک تمدنها)

در کشورهای پیشرفته حجم کارگران کمتر شد زیرا اولاً صنایع معمولی به کشورهای در حال توسعه منتقل شدند، ثانیاً تکنولوژی باعث کاهش استفاده از کارگر و افزایش تولید شد.

دوره تولید در موج دوم طولانی مدّت بود ولی در موج سوم کوتاه مدّت شد و کالاها عموماً سفارشی شدند.

در کشورهای پیشرفته، تولید کالاهای کلیدی با حجم کم ولی تخصصی همراه با هزینه پژوهش سنگین انجام می‌پذیرد. (مانند IC ها)

پیشرفت انبوه‌زدایی باعث تولید کالاها برای هر شخص و به میل وی شد. در حقیقت دوباره به کار انداختن نظام تولیدی موج اول با ابزارهای موجود در موج سوم. یکی از بارزترین نشانه‌های موج سوم حذف منشیها در ادارات، بدلیل مکانیزه شدن کارها بود.

موج سوم باعث دگرگونی ماهیت کار گردید یعنی دیگر کارها به مکان وابسته نیستند و در هر مکانی شخص می‌تواند کارهای خود را انجام دهد (تکنولوژی ارتباطات و کنترل از راه دور یا دور کاری) بنابراین، کارها دوباره به محیط خانواده برگشتند. کارمندان بیش از کارگران به سنت و خانواده پایبندند و از نظر فکری و روانی تحرک بیشتری دارند.

فرهنگ خانواده‌های موج سوم افزایش مجردها، فرهنگ بدون بچه و خانواده‌های چند والدی شد.

در موج سوم انتقال کارها به خانه باعث اشتراک بیشتر زن و مرد در کارهای یکدیگر و در نتیجه ایجاد صمیمیت بیشتر شده و باعث ادغام و تفکیک‌ناپذیری زندگی خصوصی و شغلی می‌گردد.

عشق بعلاوه آگاهی، مسئولیت، انضباط و خصوصیات دیگری که شخص باید در محیط کار داشته باشد معیارهای جدید خانواده‌ها شد.

کودکان موج دوم، به واسطه مدرسه خود و کار والدین از کار جدا بودند ولی کودکان موج سوم از بچگی در جریان کارها خواهند بود و می‌توانند در کارها پیشرفت کنند. تسریع در امر تصمیم‌گیری برای رقابت و انتقال اطلاعات از دیگر ویژگی‌های موج سوم بود. تنوع و تغییر سریع محصولات در حقیقت، تلاش شرکتها برای دست آموز کردن مشتریها، و ایجاد نیازهای کاذب در وی و در نتیجه سود بیشتر از طریق عرضه کالاهای گرانقیمت و اختصاصی می‌باشد. در حقیقت کارها در حال متنوع شدن (تخصصی تر شدن) می‌باشند و افراد فردیت بیشتری پیدا می‌کنند و دیگر به راحتی نمی‌توان کسی را جایگزین دیگری ساخت. تحول محصولات، باعث انبوه زدایی می‌شود.

در موج سوم شرکت نیز دوباره تعریف می‌شود و شرکتها علاوه بر سود آفرینی (تنها وظیفه شرکت‌های موج دومی) وظیفه دارند خود را در مقابل محیط زیست، مسائل اخلاقی، سیاسی، نژادی و اجتماعی مسئول بدانند.

درحقیقت فشارهای موجود از قبیل: تحول در محیط فیزیکی، در تجهیز نیروهای اجتماعی، در نقش اطلاعات، در تشکیلات دولتی و در اخلاق، باعث تعریف مجدد شرکت شدند.

مدیر موفق و خوب کسی است که اهداف چندگانه را تشخیص دهد و با وزن دادن به آنها، در آنها ایجاد ارتباط نماید. شرکتها باید بتوانند علاوه بر ارائه یک گزارش مالی در انتهای هر دوره، یک گزارش اجتماعی نیز ارائه دهند. بنابراین نیاز به معیارها و ابزار جدید برای تهیه یک گزارش اجتماعی می‌باشد. قوانین امروز بر پایه نظام اقتصادی انبوه زدایی شده، رسانه‌های غیر توده‌ای، خانه‌های جدید و موسسات اقتصادی با ساختاری نو تدوین شدند. (ضد قوانین موج دوم)

در موج سوم ساعت کاری شناور و انعطاف‌پذیر خواهد بود تا کارمندان بتوانند برای زندگی خود بهتر برنامه‌ریزی نمایند. در نتیجه کارآیی، افزایش خواهد یافت و غیبت‌ها کم می‌شود.

از موج سوم نافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۶۷

در موج سوم افزایش کار به صورت نیمه وقت و شب‌کاری خواهد بود. در حقیقت زمان در موج سوم انبوه‌زدایی و تخصصی‌می‌گردد. البته انبوه‌زدایی زمان باعث تشدید تنهایی و انزوای اجتماعی می‌شود و شخص باید برای دیدار دوستان خود برنامه‌ریزی دقیق کند.

در موج سوم افراد بیشتر مایل به حفظ شخصیت فردیشان هستند و تکنولوژی نیز در همین راستا می‌باشند. مانند لوازم صوتی و تصویری که می‌توان توسط آنها برنامه‌های مورد علاقه را انتخاب کرد. کامپیوتر ایجاد امکان ارتباطات همزمان و غیرهمزمان و دسترسی به اطلاعات را انجام می‌دهد.

در موج دوم ماشین‌ها همزمان بودند و انسان به قابلیت‌های ماشین وابسته بود ولی در موج سوم شاهد جداسازی زمانی ماشین‌ها هستیم. کامپیوتر یک زمان سنج دقیق است بنابراین واژه‌های جدیدی مانند وقت واقعی برای تنظیم سرعت جامعه تعریف شد. در موج سوم ذهن (تولید و مصرف) فراتر از استاندارد است و تولید و مصرف بصورت سفارشی در آمدند. در موج سوم شاهد عدم تمرکز سیاست، در مدارس و مدیریت هستیم. سازمانها به صورت ماتریسی در می‌آیند و هر نفر بیش از یک رئیس دارد (در موج دوم هر فرد فقط یک رئیس مسئول داشت). کوچک در چهارچوب بزرگ زیباست یعنی شرکت‌های بزرگ و واحدهای سیاسی تبدیل به شرکت‌های کوچک متصل به همدیگر می‌گردند. (یعنی تحول در بیشینه سازی)

در موج سوم شاهد عدم تخصص‌گرایی خواهیم بود یعنی برای اینکه بدانیم چه می‌خواهیم لازم نیست حتماً متخصص باشیم. درکل موج سوم متحول‌کننده همسان‌سازی، تمرکز، بیشینه‌سازی، تخصص‌گرایی و تراکم شد.

در موج دوم دیوانسالاری مرسوم صنعتی یک سازمان غول پیکر، سلسله مراتبی، تغییرناپذیر و دستوری‌پذیر از بالا به پائین برای انجام امور تکراری و محصولات مشابه بود. در موج سوم راس هرم قدرت کم اهمیت‌تر شد و دیگر لازم نیست اجزا از طریق مرکز با یکدیگر در ارتباط باشند و سازمانهای دوگانه یا چندگانه می‌توانند ساختار خود را بر حسب شرایط تغییر دهند.

پیدایش نظام تولید برای مصارف شخصی مانند رواج معاینات معالجات ابتدایی توسط خود شخص در موج سوم رایج گردید.

تولد اقتصاد نامرئی، کارهایی و تولیداتی که بدون داشتن دستمزد و برای خود شخص یا خانواده‌اش انجام می‌شود مانند کار زنان در خانه در موج دوم تسری یافت. همچنین اقتصاد نامرئی کمتر از اقتصاد مرئی بود ولی اقتصاد نامرئی در موج سوم بیشتر می‌شود (تولید برای مصرف شخصی) و کم‌کم رابطه تولید نامرئی و مرئی متحول می‌شود.

انجمن‌ها و گروه‌های قارچ مانند برای کمک به یکدیگر در راستای خودیاری (اقتصاد نامرئی) ایجاد شدند و سپهر اجتماعی را از نو تشکیل شد. در موج سوم کاهش هزینه‌های کارهای خودکار و افزایش هزینه‌های کارها و خدمات دستی را شاهد هستیم.

کالاهای درون به بیرون که کارخانه طراح آن می‌باشد در موج دوم و کالاهای بیرون به درون که مشتری طراح است (بسیار سودآور) در موج سوم مرسوم شد همچنانکه بازار نه سرمایه داری است (با پول مبتنی بر سود) نه سوسیالیستی (معاملات پایاپای) بلکه براساس جدایی تولید از مصرف پدیدار شد.

متفکرین موج دوم معتقد بودند انسان به اوج فراگرد تکامل رسیده است. در حالی که متفکرین موج سوم با داشتن تکنولوژی ژنتیک، خود به طراح تکامل تبدیل شده اند. یعنی مفهوم تکامل از بنیاد در حال تحول است.

در موج سوم پیشرفت بشر بر پایه تکنولوژی یا ارتقاء سطح مادی نیست. درحقیقت پیشرفت یک راه مشخص نیست و معیار کاملی برای انتخاب پیشرفته‌تر نداریم لذا پیشرفت دوباره تعریف شد. (شاخص پیشرفت تنوع فراوان و غنای فرهنگهای بشری است) تعریف دوباره طبیعت، تکامل و پیشرفت باعث تعریف دوباره فرضیات بنیادی فضا، زمان، ماده و علیت شده است.

این موج معتقد به جامعه‌گرایی و کل‌گرایی است برخلاف موج دوم که فرد‌گرا بود و دید سیستمی و یکپارچه به مسائل دارد برخلاف موج دوم که تحلیل و تجزیه‌گر بود.

از موج سوم نافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۶۹

همه علوم و مسائل یک کل واحدند و ما همه بخشی از یک سیستم واحد طبیعتیم. درحقیقت تعریف دوباره علیت یعنی عصیان فرهنگی علیه اصول فکری موج دوم حادث شد.

افزایش بازخورد مثبت در یک مجموعه لزوماً باعث تزلزل و از هم پاشیدگی آن نمی‌شود بلکه باعث تولید یک نظام و سیستم عالی‌تر و کامل‌تر می‌گردد (تکامل).

فشار بر روی دولت‌ها در موج سوم از دو جهت است: از بالا به پائین، تجزیه دولت‌ها به دولت‌های کوچک‌تر و خود مختار و آزادیخواه و از پائین به بالا، جای گرفتن در غالب موسسات و سازمانهای فراملیتی چراکه در تجارت جدید مرزهای سیاسی برداشته شد و قانون تجارت آزاد تسری یافت. این دو عامل با هم باعث تجزیه دولت‌ها می‌شوند.

جامعه روز به روز متنوع‌تر و گروه گروه‌تر می‌شود و نیازهای فردی و محلی مهم‌تر می‌شوند بنابراین سیاست کلی دولت‌ها که با همه یکسان برخورد می‌کنند، باعث خشم و انزجار مردم و طلب جدایی خواهی می‌گردد و وحدت ملی دولت‌ها را به خطر می‌اندازد. این تنوع‌ها و اختلاف‌ها به قدری کوچکند که دولت مرکزی نمی‌تواند از همه آنها آگاه شود و با آنها مبارزه نماید. از طرفی برخی از مسائل نیز به قدری بزرگند که یک دولت به تنهایی نمی‌تواند آنها را کنترل کند مانند اقتصاد به هم پیوسته، تورم، سیاستهای پولی، آب و هوا و... که اثرات فرامرزی هستند. حتی فرهنگ (تلویزیون) نیز در این دسته از امور قرار دارد.

شرکت‌های فراملیتی و جهانی برای حفظ منافع خود و فرار از قوانین محلی، فعالیت‌های خود را از یک کشور به کشور دیگری انتقال می‌دهند و کشورهای میزبان را بجان هم می‌اندازند و همچنین به دلیل دارا بودن پول و تکنولوژی زیاد قادرند بر روی دولت‌ها اثر بگذارند.

آیا صنعتی شدن به طریق مرسوم، تنها راه به سوی پیشرفت است؟ (درحالی که خود تمدن صنعتی به سگرات افتاده است).

پیش فرض ضمنی در تمدن موج دوم این بود که، ابتدا توسعه پیدا کن در نتیجه ثروتمند خواهی شد. ولی در کشورهای نفتی، تحریم اوپک باعث سرازیر شدن میلیون‌ها دلار به سمت کشورهای نفتی گردید. یعنی اول پول و سپس انگیزه برای توسعه ایجاد شد.

با وارونه کردن احتیاجات موج دوم (تشویق به ماندن در روستاها به جای کوچ به شهرهای صنعتی، خودکفایی و غذایی و تولیدات روستایی به جای تولیدات صنعتی در کشورهای فقیر)، ثابت شد که انتقال تکنولوژی به کشورهای فقیر فاجعه آمیز است (بدلیل کمبود نیروی متخصص و احتیاج به مواد خام گرانبیقیمت و غالباً وارداتی) در نتیجه تکنولوژی جایگزین یا تکنولوژی نیمه پیشرفته برای کشورهای فقیر ابداع شد (مثلاً چیزی مابین داس و کمباین برای جمع آوری محصولات)

برخی مشخصات موج سوم همچون، تولید نامتمرکز، اندازه متناسب، انرژی احیا پذیر، از شهر بریدن، کار در خانه، تولید برای مصارف شخصی در حقیقت با موج شباهت داشت ولی همه این‌ها با تکنولوژی ممزوج بود. درحقیقت موج اول و سوم با هم متجانس ترند تا با موج دوم. زیرا برای انتقال از موج اول به سوم، احتیاجی به صرفنظر از فرهنگ و سنت خود نیست در حالیکه شیوه‌های موج دوم باعث خرابی سنت و فرهنگ و آداب و رسوم گردید.

استفاده از منابع احیاءپذیر و متنوع انرژی (انرژی هسته‌ای، انرژی خورشیدی و...) بجای سوختهای فسیلی. کامپیوتری کردن (اطلاعاتی کردن) جامعه از دیگر ویژگیهای موج سوم است.

از آنجاییکه نیازهای اساسی هر فرد، تعلق اجتماعی و توجه به ساختار معنی است لذا هر جامعه باید احساس تعلق فرد به اجتماعش را ایجاد کند، در غیر اینصورت فرد احساس تنهایی می‌کند. در انبوه زدایی، تاکید بر روی تفاوتهاست نه شباهتها در نتیجه فردیت افراد افزایش یافته و ارتباطات اجتماعی آنها کاهش می‌یابد.

ساختار یعنی داشتن یک روال برای زندگی کردن، و معنی یعنی هدفدار بودن زندگی. تنهایی، فقدان ساختار و معنی و پوچی باعث روال بی‌سابقه کیش‌ها و فرقه‌های مذهبی گردیده است.

افراد احتیاج به یک زندگی منظم و با هدف دارند. بنابراین نیاز به سازمانهایی با هدف کمک به افراد برای بهتر زندگی کردن و رفع مشکلات اجتماعی آنها، بجای روان درمانی یا بستری کردن آنها، احساس می‌گردد.

از موج سوم تافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۷۱

منش اجتماعی عبارتست از آن بخش از ساختار شخصیتی افرادی که بین اکثر افراد جامعه مشترک می‌باشد.

کارمندان موج سوم نیازهای چند بعدی دارند: پول، فاصله منزل و محل کار، نگهداری از فرزندان و...

سیاست در همه جنبه‌ها (انرژی، محیط زیست، آموزش و پرورش و...) بی ثبات و بدون برنامه مشخص فعالیت می‌کند در نتیجه اعتبار حکومتها و طرفداران و رای دهندگان کمتر می‌شود.

اصول سه گانه جوامع سیاسی موج سوم: [۱]

قدرت اقلیت - در موج دوم حکومت به خواست اکثریت توجه داشت ولی در موج سوم اقلیت‌های متنوع بوجود آمدند که خواست‌های متنوع نیز داشتند. افزایش تنوع باعث کاهش تنش و تعارض خواهد بود. اگر همه یک چیز مانند طلا را بخواهند سر آن دعوا می‌شود ولی اگر هر کس چیزی بخواهد زندگی مسالمت‌آمیز و همزیستی خواهیم داشت.

در جامعه قدیم، اقلیت‌ها فاقد قدرت استراتژیک لازم، جهت درهم شکستن نظام اجتماع بودند ولی در جامعه امروز که همه اقلیت هستند دیگر این امر صادق نیست.

دموکراسی نیمه مستقیم و بدون اتکاء به نمایندگان افراد - هر فرد خود نماینده خود است لذا باید مراقب بود که مردم احساسات نباشند و دوم اینکه بصورت دایم آنها را آموزش داد تا از سطح دانایی بیشتری برخوردار باشند.

توزیع تصمیم‌گیری - انتقال تصمیم‌گیری از دولت مرکزی به سطوح بالاتر مانند شرکت‌های فراملیتی و انتقال تصمیم‌گیری از دولت مرکزی به سطوح پایین‌تر مانند اقلیت‌ها.

۴. برخی ویژگی‌های بارز آینده

با توجه به زمان‌بندی تافلر در کتاب موج سوم، قاعدتاً بشر پس از سال ۲۰۱۰ وارد عصر دیگری از تکامل تمدن می‌شود که برخی از آن تحت عنوان موج چهارم نام برده‌اند و برخی آنرا ادامه موج سوم و در تکمیل آن می‌دانند.

با اشاره به برخی ویژگی‌های این عصر می‌توان به پیشران‌های آینده دست یافت. در ادامه این مقاله سعی می‌شود به برخی این خصوصیات اشاره شود و مثالهایی از آینده انتخاب و ارایه گردد.

۵. جنگ‌های آینده [۲]

جنگ‌های آینده همواره از جذابیتی خاص برخوردار بوده‌اند و همواره دست مایه فیلم‌سازان معتبر جهان قرار داشته و از این طریق سودهای سرشاری را به سوی کمپانی‌های فیلم‌سازی سوق دادند.

جنگ‌های ویژه: جنگ‌هایی هستند که در آن‌ها از افرادی خاص که از آموزشهای نظامی بالا و ابزارهای تکنولوژی بالا برخوردارند استفاده می‌شود و بنابراین به جای اینکه یک کشور برای رسیدن به مقاصد خود از یک لشکر استفاده کند با هزینه‌های بسیار زیادی که این در بردارند از یک گروه خاص برای کارهای خود استفاده می‌کند.

جنگ‌های روباتی: روز به روز روبات‌ها نیز وارد میدان جنگ می‌شوند. با بالا رفتن هزینه‌های نیروی کار، روباتی کردن از مزیت رقابتی خاصی برخوردار می‌شود. اگر ارتشها از افراد حرفه‌ای تشکیل یافته باشند که دستمزد بالاتری دریافت کنند خرید روبات‌ها برای میدان نبرد بمنظور و کاهش هزینه‌ها و تلفات انسانی معامله‌ی خوبی خواهد بود. گسترش سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و هسته‌ای در جهان نیز عامل تشویق‌کننده‌ی روباتی شدن می‌باشد.

روباتها پیوستاری از کارها را از بازیافت کلاهکهای عمل نکرده و خنثی کردن آنها گرفته تا فراهم آوردن پشتیبانی تدارکاتی، پاکسازی محیط‌های سمی و آلوده، جاسازی گیرنده‌ها زیر خاک یا دریا، پاکسازی میدان از مین، تعمیر باندهای بمباران شده فرودگاه و امثال آن را انجام می‌دهند.

جنگ‌های فضائی: آنسون و کامینگر می‌گویند « فضا به جنگ بعدی چهارم افزود و بر جهت کلی نبرد تأثیر گذاشت و جان‌های بسیاری را نجات داد »

از موج سوم تافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۷۳

اهمیت نظامی فضا تنها به مراقبت ماهواره‌ای محدود نمی‌شود. پرتاب‌های فضایی غیر از ابر قدرتها طی یک دوره دو ساله، ده برابر شد. نه تنها جنگ موج سوم، بلکه ضد جنگ موج سوم نیز بیش از پیش به اقداماتی وابسته است که فراسوی زمین جریان دارد. اقدام بازدارنده برای تأمین صلح ما را می‌دارد تا با دقت به فراتر از حال بنگریم.

۶. موج چهارم (عصر مجازی)

عصر مجازی نهایت توسعه و پیشرفت فناوری اطلاعات در فضای سه بعدی و در محیطی مبتنی بر دانش است. بطور یقین گسترش عصر اطلاعات همراه با فناوری‌های پیشرفته موجود، چهارمین موج تغییر را در آینده نزدیک در جهان به همراه خواهد داشت. [۲] برای آموختن دانش، نیاز به رفتن به مدارس سنتی و یا دانشگاه‌های فعلی نخواهد بود. یک استاد در آن واحد می‌تواند در منزل دانشجو و در دهها روستا، شهر و کشور و مکان دلخواه آموزش مجازی دهد. این حضور به قدری طبیعی خواهد بود که دانشجو حضور استاد را در منزلش درک می‌کند و احساس تخیلی حقیقی در دانشجو بوجود می‌آید. [۳] پول فیزیکی وجود نخواهد داشت، پول مجازی جایگزین آن خواهد شد. دوربین‌های مخصوصی که به سیستم فتومتریک مجهز هستند از روی قرنیه چشم، افراد را شناسایی می‌کنند و لذا نیاز به داشتن کارت شناسایی و کارت اعتباری نیز نخواهد بود و بصورت خودکار بسیاری از مسائل روزمره بشر انجام می‌شود. بازرگانی مجازی رونق زیادی خواهد یافت و امکان عرضه کالا به هرکس در هر زمان و در هر جا در اولین فرصت ممکن امکان‌پذیر خواهد شد. تولید انبوه کالاهای فیزیکی محدود می‌شود و تولید کالاهای غیر فیزیکی - مانند اطلاعات، موسیقی و فیلم، افزایش چشم‌گیری خواهند یافت و اقتصاد جدید را خواهند ساخت.

تمام اموری که این روزها در عصر اطلاعات و موج سوم با پیشوند "E" مطرح می‌شوند، در عصر مجازی دارای پسوند مجازی خواهند شد. مثلاً بانکداری مجازی جایگزین بانکداری الکترونیکی، تجارت مجازی جایگزین تجارت الکترونیکی، سرویسها و

خدمات مجازی جایگزین سرویسها و خدمات الکترونیکی خواهند شد و نهایتاً دولت مجازی جایگزین دولت الکترونیکی خواهد شد. هزاران شغل جدید مجازی جایگزین شغل‌های سنتی و الکترونیکی امروزه خواهند شد و تعداد مشاغل مورد نیاز بشر بیشتر از جمعیت روی کره زمین خواهد شد. نتیجه ابتدایی این تحول وسیع، که ابعاد معنوی نیز به همراه دارد، آن است که فردگرایی و دیکتاتوری (به علت دو سویه بودن رسانه‌ها) از جوامع حذف و کار گروهی و تفکر جمعی که از طریق رسانه‌ای بر روی شبکه تار عنکبوتی امروزه شکل خواهد گرفت جایگزین می‌شود. «دانش محوری» اساس اداره جوامع مجازی خواهد شد و آموزش در طول عمر به عنوان نیاز اولیه بشر مطرح و جایگزین آموزش فعلی خواهد شد. تقریباً تمام امور اداره جوامع امروزی تغییر خواهد کرد و جهان جدیدی جایگزین جهان فعلی خواهد شد که در آن امکان برقراری عدالت و داشتن رفاه بیشتر حداقل بصورت مجازی برای همه فراهم می‌شود.

در این عصر همچنین تغییرات اساسی در رفتار و اخلاق بشر بوجود خواهد آمد و جو معنویت جو غالب بر جوامع خواهد شد. بعضی از صفتهای بد بعضی از انسانها مانند دروغگویی، کلاهبرداری، قتل، غارت و تجاوز به حقوق دیگران و امثال آنها به دلیل علنی، و یا قابل پیگیری بودن، تا حدود زیادی از جامعه رخت بر خواهد بست. مردم در جهان مجازی فرصت شناخت بهتری از جهان و فلسفه وجودی انسان خواهند داشت و با شکل بهتری تربیت خواهند شد. چون از نظر تئوری در عصر مجازی مشکلات معیشتی و تهیه ابزار کار و دسترسی به دانش و اطلاعات وجود ندارد، شرایط برای توجه بیشتر به مسائل معنوی و مذهب افزایش خواهد یافت.

برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که هنوز در اواسط موج دوم یا عصر صنعت قرار دارند و موج سوم را درک نکرده و بکار نگرفته‌اند، اطلاع از تغییر جهان به سوی عصر مجازی، از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است. شاید مسئولین اداره این دسته از کشورها با اطلاع از پیدایش عصر مجازی به بحرانی بودن و عقب افتادگی وضعیت کشورهاشان در این زمینه پی ببرند و با حرکتی پرشتاب، حداقل توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را جدی بگیرند و با وارد شدن به موج سوم، عصر مجازی را چشم‌انداز برنامه‌های ICT دراز

از موج سوم تافلر تا موج چهارم و پیشران‌های موثر بر عصر مجازی ■ ۷۵

مدت خود قرار دهند. از طرف دیگر با مشخص شدن عصر مجازی به عنوان چشم‌انداز، شانس اقدامات پرشی و برنامه‌های متحرانه در کشورهای در حال توسعه بیشتر خواهد شد و تلاش برای کاهش فاصله دیجیتالی نیز افزایش می‌یابد. برای گذر از موج سوم، عصر صنعت به موج چهارم باید مسیر را خوب شناخت و برنامه‌های زیادی را یکی پس از دیگری اجرا کرد. کره جنوبی از جمله کشورهای موفق است که در این زمینه برنامه نسبتاً مناسبی را دنبال می‌کند. در صورت موفقیت کشورهای در حال توسعه در تهیه برنامه‌ای که چشم‌انداز آن عصر مجازی باشد، می‌توان بخشی از عقب ماندگی دیجیتالی را جبران و حتی از بسیاری از کشورهایی که هنوز با این مفاهیم آشنایی ندارند، جلو هم افتاد. [۳]

۷. نتیجه‌گیری

عصر جدید با سازمانهای پیچیده، پویا و متحول همراه خواهد بود. در این سازمانها، مرزهای سنتی موجود از بین خواهد رفت، فرهنگ‌های مختلف در هم خواهند آمیخت و در زیر پای فرهنگهای غنی‌تر ناپدید خواهند شد. بسیاری از مشاغل دوباره طراحی می‌شوند و ورود فناوری اطلاعات تغییراتی در ساختار سازمانها به وجود خواهد آورد. مشکلات گذر از موج سوم به موج چهارم مربوط به مسائل فرهنگی، طبیعت بشر که در مقابل تغییرات جدید مقاومت می‌نماید، محدودیتهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری می‌باشد که باید با درایت و تلاش مداوم حل شود.

عناصر مهمی که عصر مجازی را خواهند ساخت شامل CPU، گسترش شدید حافظه و ابزارهای پیشرفته انتقال داده با سرعت بسیار بالا می‌باشند که در کنار نرم‌افزارهای حقیقت مجازی و سه بعدی سرعت در حال پیشرفت می‌باشند. با توجه به محدودیت‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، فرهنگی و اجتماعی پیش‌بینی می‌شود تا دو دهه دیگر مراحل اولیه ورود به عصر مجازی و آغاز موج چهارم محقق شود. موج چهارم یا عصر مجازی باعث تغییر بسیار زیادی در امور بشر خواهد شد.

این تغییرات در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی به شکلی کاملاً متفاوت با وضعیت فعلی جهان می‌باشد. با دیدگاه ایده‌آل، رسیدن به جامعه جهانی سالم که

معنویت و انسانیت در آن حاکمیت داشته باشد جزء اهداف اصلی عصر مجازی خواهد بود. زیرا در جامعه ایده‌آل عصر مجازی مشکل، غذا، ابزار و اطلاعات که در دسترس نبودن یا کمبود آنها باعث مشکلات جوامع گذشته و حال بوده دیگر وجود نخواهد داشت و بنابراین عدالت و معنویت می‌تواند در هر جا و در هر موضوع و برای هر چیز وجود داشته باشد. به منظور شناخت عمیق از عصر مجازی باید فضای مجازی در ذهن ایجاد نمود و در آن فضا موضوعات مختلف از جمله آموزش، تجارت، تفریح و سایر امور زندگی را در فضای جدید تخیل نمود تا واقعیت موضوع بیشتر شناخته شده و در محدوده تخیل شکل گیرد. برای رسیدن به عصر مجازی و موج چهارم باید تاکید بیشتر، بر نرم‌افزارهای سه بعدی باشد. به تمام عوامل ذکر شده در بالا، که هر یک به نوعی باعث شکل‌گیری و بوجود آمدن موج چهارم تمدن بشر می‌شوند را پیشران‌های این عصر گویند.

فهرست منابع و مآخذ

[۱] تافلر، الوین؛ موج سوم، شهیندخت خوارزمی، تهران، سیمرخ، ۱۳۷۳، چاپ نهم.

[۲] جلالی، علی‌اکبر؛ عصر مجازی: چهارمین موج، (www.iranwsis.org)

[3] http://www.princetonreview.com/cte/articles/cre_search/profileEinstein.asp

[4] Ali A. Jalali, "The Effect of Information Technology on Virtual Education and Virtual Life", The World Electronic and Internet Cites Conference, Kish Learning Process and Outcome", IEEE transaction on education, vol. 45, pp.350-356, Nov. 2002.

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا (نمونه‌پژوهی: قطر)

محسن خلیلی*، جهانگیر حیدری**، حسین اصغری‌ثانی***

تاریخ وصول: ۹۲/۷/۸ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۳

چکیده

در محیط نظام بین‌الملل، هر قدر توان‌مندی ژئوپلیتیک کشورها بیش‌تر باشد با تعارضات کم‌تری مواجه می‌گردند. به‌منظور افزایش توان ژئوپلیتیک و کاهش تعارضات در سیاست‌خارجی، مؤلفه‌هایی هم‌چون هوشیاری ژئوپلیتیک تصمیم‌گیران سیاسی و بستر مناسب جغرافیایی اتخاذ راهبردهای فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌آفرین، تأثیرگذار به‌شمار می‌آیند. قطر امروزه با اتخاذ راهبردهایی، علاوه بر خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا مانند ضعف عقبه‌ی استراتژیک، کمبود جمعیت، کمبود منابع آبی، قرارگیری در میان قدرت‌های منطقه‌ای، و اختلافات مرزی با همسایگان، توانسته است شرایط پیش‌رفت فراتر از پتانسیل‌های عمومی یک «ریزکشور» را مهیا نماید. سؤال مقاله این است که راهبردهای فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌آفرین و خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا، ژئوپلیتیک قطر کدام‌اند و نتیجه‌ی آن‌ها چه بوده است؟ برندسازی، دیپلماسی‌های سه‌گانه‌ی ورزشی، توریستی، رسانه‌ای و بهره‌گیری از سیاست دخالت‌های فعالانه و مطابق با مؤلفه‌های واقعی موجود در نظام بین‌الملل، فعال شده‌اند؛ و، سستی‌های برآمده از اختلافات ارضی و مرزی، ضعف

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده‌ی مسئول (khalilim@um.ac.ir)

** دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران (jahanheydari@yahoo.com)

*** دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد

(h.asghari.sani@gmail.com)

عقبه‌ی استراتژیک، نوع نظام سیاسی، بافت و کمبود جمعیت، و خصومت با همسایگان و کشورهای منطقه، دچار کاهش شده و خاموش گردیده‌اند. نتیجه‌ی آن، توسعه‌ی نفوذ قطر در عرصه‌ی سیاست خارجی و بازی‌گری فراتر از نقش یک کشور کوچک است.

واژه‌های کلیدی: ژنوم ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، قطر، فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین، خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا.

مقدمه

تحلیل‌های ژئوپلیتیک شکل‌گرفته براساس راهبردگزینی به‌منظور فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زا و خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا، این امکان را مهیا می‌سازد که تصمیم‌سازان سیاسی بینش لازم را برای شناخت نیازهای واقعی متقابل، درک درست سیاست بین‌الملل، دلایل وقوع پدیده‌های سیاسی موجود در منطقه و پیش‌بینی روندهای آتی آن‌ها را کسب نمایند. از آن‌جاکه برای درک درگیری یا رقابت ژئوپلیتیک کافی نیست که فقط به ترسیم منافع و ادعاها بپردازیم، بل که باید تلاش نماییم تا ریشه‌های پیچیده، علت‌ها و اندیشه‌های نقش‌آفرینان اصلی را درک کنیم (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۸: ۵)، اتخاذ راهبرد فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌آفرین و خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا خواهد توانست سیاست‌مداران را به ابزارهایی که واقعیت‌های ملموس و اوضاع سیاسی را بهتر تحلیل می‌کنند، مجهز نماید. عدم توجه به مزیت‌ها و محدودیت‌های ژئوپلیتیک مانع شناخت دقیق فرصت‌های بالقوه و بالفعل در عرصه‌ی سیاست خارجی گشته و منجر به نوعی بیگانگی و بی‌خبری جغرافیایی می‌گردد؛ رشد بی‌خبری جغرافیایی نیز منجر به محدودشدن توسعه‌ی دایره‌ی نفوذ می‌گردد. ژئوپلیتیک فرزند جغرافیا، خوانده شده است که هرکسی به مطالعه‌ی آن بپردازد قادر خواهد بود نکات لازم و اصول جغرافیایی را برای سیاست‌گزینی و تصمیم‌گیری سیاسی فراگیرد (اتوتایل و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۴).

از جمله کشورهای موفق دوران جدید، قطر است؛ علی‌رغم فقدان عمق سرزمینی، جمعیت کم، درصد بالای مهاجرین، قرارگیری در بین دو قدرت منطقه‌ای، ضعف و ابهام

عقبه‌ی تاریخی، سابقه‌ی درگیری و اختلافات ارضی با همسایگان، قدرت پایین نظامی، نظام سیاسی موروثی، توانسته است در سیاست خارجی، در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به موفقیت‌های گوناگون دست یابد. آگاهی دولت‌مردان این کشور از ماهیت فعالیت ژنوم‌های ژئوپلیتیک، موجب اولویت‌بندی منطقی در سیاست خارجی این بازی‌گر شده است. توسل به دیپلماسی میانجی‌گری، جایگاه‌یابی در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل، فعال‌سازی توان دیپلماسی رسانه‌ای، ورزشی، مذهبی، تنش‌زدایی با کشورهای همسایه و حل و فصل اختلافات ارضی، و میزبانی از کنفرانس‌های علمی و سیاسی از عوامل بسترساز توسعه‌ی نفوذ این کشور محسوب می‌گردند. نگارندگان به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال می‌باشند که راهبردهای فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌آفرین و خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا، کشور قطر کدام‌اند و نتیجه‌ی آن‌ها چه بوده است؟ به نظر می‌رسد فعال‌سازی برخی از ژنگان‌ها (برندسازی، دیپلماسی ورزشی، توریستی، رسانه‌ای، هم‌پیوندی تولید انرژی با اقتصاد سیاسی بین‌الملل) و خاموش‌سازی برخی از ژنوم‌ها (اختلافات مرزی، ضعف عقبه‌ی استراتژیک، نوع نظام سیاسی، بافت و کمبود جمعیت، توان پایین نظامی) سبب گسترده‌سازی جایگاه قطر در سیاست بین‌الملل تا حد فراتر رفتن از نقش‌های یک ریزکشور شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

پیشینه‌ی این تحقیق، دو مقوله‌ای است: ژنوم‌های ژئوپلیتیک و قطر. در ارتباط با ژنوم‌های ژئوپلیتیک با توجه به سبک نوآرانه‌ی تحقیق در قالب سازه‌ی مفهومی ابداعی «ژنوم ژئوپلیتیک»، تاکنون مقاله‌ای بدین سیاق نگاشته نشده است. اما مبدعان این مفهوم، خلیلی و همکاران، در قالب چند مقاله، تأثیر و پیوند ژنوم‌های ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی ایران و همسایگان را بررسی نموده‌اند: پیوند ژنگان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی، «نمونه‌پژوهی: پاکستان و ایران» (۱۳۹۲)؛ آینده‌پژوهی سیاست خارجی: کُد/ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران و همسایگان (۱۳۹۱)؛ ژنگان ژئوپلیتیک منطقه‌ی خلیج فارس، سنجش همگرایی/واگرایی درون منطقه‌ای با بهره‌گیری از تکنیک سوآت (۱۳۹۲)؛ ژنوم‌های

ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان (۱۳۹۱)؛ پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی، «مطالعه‌ی موردی: افغانستان و ایران» (۱۳۹۲)؛ پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی، «نمونه‌پژوهی: ترکیه و ایران» (۱۳۹۱)؛ مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق (۱۳۹۱). اما تاکنون مقاله‌ای که راهبردهای فعال‌سازی و خاموش‌سازی ژنوم‌ها را در کشوری بررسی نماید، نگاشته نشده است. در پیوند با کشور قطر، مطالعاتی انجام شده است که هر کدام، منظوری را برآورده نموده‌اند؛ ارزیابی قدرت نرم قطر (اصغری‌ثانی، ۱۳۹۲)، کتاب سبز قطر (سهرابی، ۱۳۹۲)، راهنمای تجارت با کشور قطر (شریفی، ۱۳۸۹)، سیاست خارجی قطر و تحولات عربی: مبانی و مؤلفه‌ها (اسدی، ۱۳۹۰)، نگاهی به اختلافات مرزی قطر با عربستان (جعفری‌ولدانی، ۱۳۷۱)، انتقال پایگاه هوایی آمریکا از عربستان به قطر (ناداری قطب‌الدینی، ۱۳۸۲). پیشینه‌ی پارسی پژوهش حاکی از آن است که دامنه‌ی مطالعات مرتبط با کشور قطر محدود می‌باشد؛ اما، در زبان انگلیسی، با توجه به سرعت و حجم موفقیت‌های کشور قطر، تألیفات متعددی وجود دارد؛ از جمله تشریح سیاست خارجی کشور قطر (Akhmetov, 2012)، الجزیره به مثابه‌ی ابزار سیاسی مخالفت‌های قطر (Anzawa, 2011)، کنکاش‌های امنیتی کشور قطر (Roberts, 2009)، قطر: پیشینه و روابط با آمریکا (Blanchard, 2014)، میانجی‌گری و برندسازی: بر ساخته‌های کشور قطر (Dickinson, 2012)، قطر: رسانه‌های ژئواستراتژیک و سیاست خارجی (Hroub, 2013)، سیاست خارجی قطر: محدودیت‌های پراگماتیسم در قطر (Khatib, 2013) اشاره نمود. از آن میان، دغدغه‌ی ذهنی موجود در یکی از نوشتارها، مانند آن چیزی است که نویسندگان نوشتار پیش‌رو، مدنظر داشته، ولی کوشش کرده‌اند از مسیری متمایز و با در نظر داشتن مفاهیمی ناهمانند، بدان دست یابند: «آنچه مهم است خلق این پرسش در ذهن خواننده است که چرا کشور کوچک و جدیدالتأسیس قطر با منابع بسیار محدود و با تکیه بر منابع اقتصادی، به خصوص کسب درآمد از منابع مشترک گازی با ایران، می‌تواند تصویری نیکو و چندبرابر از خود را نشان دهد، اما بسیاری از کشورهای بزرگ با منابع سرشار نرم/فزارانه، نتوانسته‌اند جایگاهی درخور و شأن تاریخی، تمدن و فرهنگ خود داشته باشند»

(اصغری‌ثانی، ۱۳۹۲: ۶). در این مقاله، کوشش شده است این مقوله نشان داده شود که ژئوپلیتیک ژنتیک یک کشور، ایستا و غیرقابل تغییر نیست که نتوان آن را متحوّل ساخت؛ بلکه، با در نظر آوردن نمونه‌ی قطر، به‌مثابه‌ی یک «ریزکشور»، قائل به مدیریت ژنگان ژئوپلیتیک یک کشور شده‌ایم و بر این باور ابرام ورزیده‌ایم که می‌توان و می‌بایست با در نظر آوردن واقعیت‌های ملموس جامعه‌ی بین‌المللی، ضعف‌ها را به قوت مبدل ساخت، همان کاری که قطر انجام داده است: «بررسی سیاست خارجی قطر نشان می‌دهد این کشور کوچک برخلاف رویه‌ی جاری در سیاست بین‌المللی، توانسته با بسیج منابع خود در حوزه‌های نرم‌افزاری، جایگاه خود را در نظام بین‌الملل، ارتقا ببخشد. آنچه در سیاست خارجی قطر برجسته‌تر می‌نماید، برآمدن آن از دل واقعیات ژئوپلیتیک قطر و ساختار قدرت در نظام بین‌الملل است. قطر با ارزیابی خود و درک تحولات جهانی توانسته نقش مناسبی برای خود در نظام بین‌الملل طراحی کند» (اصغری‌ثانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

مبانی نظری

ژنوم ژئوپلیتیک

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه‌ی جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور است که تأثیر بسزایی در شکل‌بخشیدن به رفتارهای نظام سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همان‌گونه که انسان‌ها، مطابق با نقشه‌ی ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راهبری می‌نمایند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۰). ژنوم ژئوپلیتیک یا نقشه‌ی ژنگان یک کشور به‌عنوان کدهایی ژئوپلیتیک، از جانب کشورهای رقیب و همسایه قلمداد گشته و برنامه‌های تصویری و ذهنی سیاست خارجی یک کشور نسبت به کشور هدف را راهبری می‌نمایند. یعنی یک کشور براساس نقشه‌ی ژنگانی خود، سیاست خارجی خود را سازماندهی می‌کند و کشور رقیب با توجه به کدهای ژئوپلیتیک موجود در آن کشور، سعی بر خنثی‌سازی سیاست‌های خارجی آن کشور دارد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰). همان‌طور که هر ماده‌ای دارای یک طیف تعیین‌شده‌ی مشخصه‌ها می‌باشد که همچون اثر انگشت برای آن ماده منحصر به فرد است و با توجه به این طیف می‌توان ویژگی‌های آن

ماده‌ی مجهول را شناسایی کرد، کشورها نیز بر اساس ژنوم‌های ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد خود، دارای یک شخصیت سیاسی و طیفی از توان تأثیرگذاری در عرصه‌ی سیاست خارجی خود هستند.

هم‌پیوندی سیاست خارجی و جغرافیا

سیاست خارجی به‌عنوان مجموعه‌ی اعمال از پیش طرح‌ریزی‌شده‌ی تصمیم‌گیران، شامل دست‌یابی به اهدافی معین در چارچوب محیط بین‌المللی است. دسترسی به اهداف سیاست خارجی در بستر نظام بین‌المللی صورت می‌گیرد و استراتژی‌های سیاست خارجی در بستر نظام بین‌المللی به انجام می‌رسد (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). مهم‌ترین پیش‌نیاز برخورداری از یک سیاست خارجی موفق، آگاهی و شناخت عمیق از صحنه است. ژئوپلیتیک با بررسی عوامل تشکیل‌دهنده‌ی قدرت ملی کشورها، علائق گوناگون بازی‌گران، ریشه‌یابی بحران‌های منطقه‌ای و تحلیل جایگاه منطقه در ژئواستراتژی قدرت‌ها، درک لازم برای تدوین سیاست خارجی آگاهانه و سنجیده را فراهم می‌نماید (حافظ‌نیا و افشردی، ۱۳۸۱: ۱۹)؛ بنابراین، موقعیت جغرافیایی هر کشور با سیاست خارجی آن پیوند خورده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۷۶). ارتباط بین موقعیت جغرافیایی و سیاست خارجی به قدری اهمیت دارد که به صورت یک موضوع مهم در مطالعات ژئوپلیتیک در آمده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۷۷). به‌عنوان مثال، مورگان‌تا منافع ملی را لزوماً در ارتباط با مسائل ژئوپلیتیک و جغرافیایی می‌بیند (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۶۳). با پایان دوران جنگ سرد، ژئوپلیتیک بیش از گذشته به‌عنوان عاملی برای واقع‌گرایانه نمودن سیاست خارجی کشورها، مورد توجه قرار گرفته است (حافظ‌نیا و افشردی، ۱۳۸۱: ۲۰)، چراکه تنها ژئوپلیتیک است که می‌تواند به رهبران سیاسی، بصیرت لازم را برای شناخت نیازهای واقعی برای درک درست جهان بدهد و به آن‌ها اجازه دهد که خود را مطرح نمایند. این علم، ارتباط سیاست با جغرافیا را برقرار می‌کند و سیاست‌ها را از نظریه‌های بی‌حاصل و عبارات بی‌معنی، که ممکن است رهبران سیاسی را در مخمصه‌ی آرمان‌های بی‌فایده و غیرواقعی گرفتار سازد، رها می‌کند (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۴).

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۸۳

محیط‌شناسی پژوهش

کشور قطر در جنوب‌غربی قاره‌ی آسیا و در منطقه‌ی خاورمیانه و در میانه‌ی حاشیه‌ی ساحل جنوبی خلیج فارس واقع شده است، شکل شبه‌جزیره‌ای دارد و حلقه‌ی اتصال بین شمال و جنوب خلیج فارس است. این سرزمین به دلیل موقعیت مناسب خود، اتصال‌دهنده‌ی سواحل شرقی و غربی جنوب خلیج فارس است. طول سواحل قطر تقریباً ۷۴۸ کیلومتر است. وسعت قطر کم و تنها بیش از ۱۱ هزار کیلومتر مربع است که در مقابل وسعت همسایه‌ای مانند عربستان با ۲ میلیون و هفت صد هزار کیلومتر مربع، بسیار اندک است، از این رو بخشی از رفتارهای قطر تحت تأثیر تهدیدات امنیتی عربستان سعودی نسبت به این کشور شکل می‌گیرد (سهرابی، ۱۳۹۲: ۲۱).

نقشه‌ی شماره‌ی ۱- نقشه‌ی کشور قطر و اطلاعات پایه



QATAR AT A GLANCE	
جمعیت: ۲/۰۴ میلیون (July 2013)	مساحت: ۱۱۵۸۶ کیلومتر مربع
85 درصد جمعیت غیرقطری	نرخ باسوادی: ۹۶۳ درصد
مذهب: ۷۷/۵٪ مسلمان، ۸/۵٪ مسیحی، دیگر ادیان ۱۴٪	گروه‌های قومی: ۴۰٪ عرب، ۱۸٪ پاکستانی، ۱۸٪ هندی، ۱۰٪ درصد ایرانی، ۱۴٪ دیگر ملیت‌ها
GDP: 103900 \$ per capita (based on 191 \$ billion GDP PPP)	نرخ تورم: ۱/۹٪
میزان منابع نفتی: ۲۵/۴ میلیارد بشکه	منابع گازی: ۲۵/۲ تریلیون متر مکعب
نیروی نظامی: ۱۱۸۰۰ پرسنل، 30 main battle tanks, 18 Fighter aircraft	مذهب رسمی: اسلام (سنی وهابی)
زبان رسمی: عربی	

برگرفته از (Blanchard, 2014: 5)

مؤلفه‌ها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی قطر

نقش کشورها در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیک است و جغرافی دانان سیاسی معتقدند که قدرت هر کشور به شدت از محیط جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. نیز عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیک، از نظر تاریخی همواره نقش یک عامل محرک و ترغیب‌کننده را در ذهن سیاست‌مداران، فرمان‌روایان و راهبردی‌پردازان ایفا کرده است. این اصل در مورد دولت‌مردان کشور قطر نیز صادق است، به‌صورتی که کنش‌های آن‌ها در عرصه‌ی سیاست خارجی ماهیتی جغرافیایی و ژئوپلیتیک داشته است. مؤلفه‌های ژئوپلیتیک شش‌گانه‌ای، که حاوی ژنوم‌های ژئوپلیتیک متعددی می‌باشند، سیاست خارجی و کنش‌های ژئوپلیتیک این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. با اتخاذ سیاست‌های متناسب با ماهیت این ژنوم‌ها، تعدادی چند از آن‌ها فعال و تعدادی خاموش گشته‌اند.

جدول شماره ۱- مؤلفه‌های ژنگانی مؤثر بر کنش‌های ژئوپلیتیک قطر

ردیف	مؤلفه‌های کلان ژئوپلیتیک	ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی قطر
۱	طبیعی	موقعیت راهبردی و سواحل‌محدب و فرورفته در مرکز سواحل جنوبی خلیج فارس موقعیت نسبی جغرافیایی، همسایگی با عربستان و نزدیکی به ایران (دو قدرت رقیب منطقه‌ای) ضعف عقبه‌ی استراتژیک و عدم برخورداری از وسعت جغرافیایی قابل توجه و مطمئن ضعف توان کشاورزی و کمیابی منابع آب شیرین وجود منابع طبیعی نفت و گاز قابل توجه جزایر راهبردی با کاربری نظامی، توریستی و اقتصادی
۲	انسانی	ویژگی‌های کیفی جمعیت کشور و رشد سواد، مهارت، سطح بهداشت، رفاه، نرخ پایین بیکاری ترکیب جمعیت بومی کشور قطر و یک‌دستی نسبتاً رضایت‌بخش چالش کمی جمعیت بومی به‌صورتی که کم‌تر از یک‌سوم جمعیت کشور بومی می‌باشند

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۸۵

<p>نیروی کار غیربومی زیاد، ۹۶ درصد نیروی کار موجود در کشور غیربومی هستند</p> <p>تجانس مذهبی با عربستان و تضاد با ایران به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای</p> <p>تجانس فرهنگی، زبانی و مذهبی با نوار جنوبی خلیج فارس</p> <p>درصد بالای شهرنشینی و مصرف فزاینده‌ی آب آشامیدنی</p>		
<p>جایگاه رضایت‌بخش در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌المللی</p> <p>سرمایه‌گذاری‌های کلان در خارج از کشور (نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار)</p> <p>موفقیت در فرایند جذب سرمایه‌های خارجی به‌نسبت کشورهای منطقه به‌ویژه ایران</p> <p>عدم وابستگی زیاد به تجارت با کشورهای منطقه (برخلاف امارات متحده عربی)</p> <p>کسب عنوان سریع‌ترین اقتصاد در حال رشد</p> <p>درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی بالا (ثروت‌مندترین کشور دنیا)</p> <p>برخورداری از منابع عظیم گازی (سومین ذخایر گاز دنیا)</p> <p>برخورداری از زیرساخت‌های ارتباطی هوایی و فرودگاه‌های استاندارد</p> <p>مهیابودن زیرساخت‌های توسعه‌ی صنعت توریسم</p>	اقتصادی	۳
<p>نوع نظام سیاسی، موروثی و پادشاهی (تجانس با سواحل جنوب خلیج فارس و تفاوت با سواحل شمالی خلیج فارس)</p> <p>انجام اصلاحات سیاسی و فضای سیاسی بازتر نسبت به دیگر امیرنشینان منطقه</p> <p>اتخاذ سیاست خرید مشروعیت و توسعه‌ی رفاه اجتماعی و زیرساخت‌های رفاهی و آموزشی</p> <p>عدم فعالیت و عدم وجود گروه‌های معارض و اپوزیسیون داخلی</p> <p>ثبات سیاسی نسبتاً قابل قبول‌تر نسبت به دیگر امیرنشینان منطقه</p> <p>توسعه و حمایت از مذهب سیاست‌زده‌ی وهابیت</p>	سیاسی داخلی	۴
<p>اتخاذ سیاست میانجی‌گری و واسطه‌گری در منطقه و جهان</p> <p>توسل به قدرت نرم در راستای توسعه‌ی نفوذ سیاسی در منطقه و جهان</p> <p>توسل به دیپلماسی رسانه‌ای و توسل به راهبردهای دیپلماسی ورزشی</p> <p>اقدام به برندسازی و سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی</p>	سیاسی بین‌المللی	۵

<p>عضویت در شورای همکاری خلیج فارس و عضویت در همکاری‌های دفاعی - نظامی موسوم به سپر جزیره ائتلاف‌سازی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای عدم ورود جدی به رقابت تسلیحاتی مانند عربستان و امارات متحده همکاری‌های امنیتی و اقتصادی با رژیم صهیونیستی (استقرار دفتر متعلق به این رژیم در قطر)</p> <p>همکاری با نیروهای نظامی آمریکایی و میزبانی نیروهای فرماندهی مرکزی آمریکا</p> <p>ضعف نیروهای نظامی از نظر تجهیزات و نفرات و اتخاذ راهبرد پیوند استراتژیک با قدرت‌های فرامنطقه‌ای</p>	<p>نظامی - امنیتی</p>	<p>۶</p>
--	-----------------------	----------

(نگارندگان)

راهبردهای فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت آفرین

پشتوانه‌ی مالی و توان اقتصادی کشور قطر، موتور محرکه و فراهم‌کننده‌ی شرایط راهبردگزینی به‌منظور فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت آفرین محسوب می‌گردد. این هوشیاری ژئوپلیتیک بستر را برای فعالیت‌های دیپلماتیک و ایفای نقش در قالب عضویت در اتحادیه‌ها و سازمان‌ها در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم نموده است.

راهبرد برندسازی (Branding)

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، سیاست و خصلت برندسازی را در عرصه‌های مختلف با رویکرد رقابت‌جویانه‌ی دنبال می‌نمایند. به‌طور مثال این کشورها وارد میدان مسابقه‌ی ساخت بلندترین آسمان‌خراش‌های دنیا شده‌اند؛ چراکه این امر را منبع غرور ملی و هویت فرهنگی و شکوفایی اقتصادی خود می‌دانند. کشور قطر نیز در این رقابت به‌شدت فعال است و دارای برج‌های متعددی در الدفان و غرب دوحه می‌باشد. موفقیت در کسب میزبانی بازی‌های آسیایی در سال ۲۰۰۶، یکی از عواملی بود که فرایند برج‌سازی در کشور قطر را تسریع بخشید، به‌طوری‌که ساخت ۱۸۰ برج در دستور کار برنامه‌ریزان و مسئولین قرار گرفت که ساخت آن‌ها باید در سال ۲۰۰۹ به اتمام می‌رسید

(Mahgoub,2012:640). علاوه بر مسابقه‌ی برج‌سازی، شبکه الجزیره‌ی قطر نیز یک برند رسانه‌ای عربی است و صنایع گاز قطر یک برند گازی بین‌المللی به‌شمار می‌رود. این نهادهای شناسایی‌شده‌ی بین‌المللی، ضمن این‌که استمرار حاکمیت و تمامیت ارضی قطر را تعمیق می‌بخشند، به قطر اجازه می‌دهد تا نقشی فراتر از توان خود ایفا کند و به تدریج دوحه به پایتخت دیپلماسی منطقه تبدیل شود (رضاه‌خواه، ۱۳۹۰: rezakhah.blogfa.com). همچنین بخشی از استراتژی برندسازی کشور قطر، ایجاد خطوط هوایی این کشور بوده است. خطوط هوایی نشان‌دهنده‌ی پرواز هواپیماها با نام قطر در فرودگاه‌های سراسر جهان برای تبلیغات است (Peterson,2006: 748). ۹۵ درصد مسافران، با هدف تجارت و یا شرکت در اجلاس‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی یا نمایشگاه‌ها به قطر سفر می‌نمایند. قطر سرمایه‌گذاری‌های زیادی را در زیرساخت‌ها، مکان‌های گردش‌گری، اجلاس‌ها، کنفرانس‌ها و نمایش‌گاه‌ها انجام داده است.

در میان پروژه‌های زیرساختی عمده که قرار بود در سال ۲۰۱۲ گشایش شود، فرودگاه بین‌المللی جدید دوحه بخشی از استراتژی برندسازی آن است. این فرودگاه به‌عنوان مکانی جدید برای خطوط هوایی قطر قادر است برای ۱۲ میلیون مسافر در سال، خدمات لازم را ارائه دهد. انتظار می‌رود این فرودگاه به یکی از دروازه‌های بین‌المللی ورود به منطقه مبدل شود. همچنین راه‌های هوایی قطر، یکی از شش راه هوایی در جهان با رتبه‌ی پنج ستاره برای ارائه‌ی خدمات و دریافت درجه‌ی عالی از سازمان مستقل نظارت بر صنعت حمل‌ونقل هوایی است (Hazime,2011:739). خطوط هواپیمایی قطر شبکه‌ی پروازی خود را به‌نحو گسترده‌ای در اقصی نقاط دنیا گسترش داده است. در حال حاضر این شرکت به ۹۳ نقطه جهان پرواز می‌کند. قطر ایز با افزایش ۱۵ هواپیما از نوع بوئینگ ۷۷۷ به ناوگان حمل‌ونقل خود تعداد هواپیماهای خود را به ۹۰ فروند رساند. با برنامه‌ریزی صورت‌گرفته، این شرکت قصد دارد تعداد هواپیماهای خود را به ۱۲۰ هواپیما تا سال ۲۰۱۲ برساند و خود را به بزرگ‌ترین و سریع‌ترین خطوط هواپیمایی جهان تبدیل کند (سهرابی، ۱۳۹۲: ۷۹). استفاده از الگوی برندسازی Branding (همچون تأکید بر خطوط هوایی قطر)، بهره‌گیری از دیپلماسی رسانه‌ای، مطرح‌شدن به‌عنوان یک میانجی موفق

منطقه‌ای و همچنین فعال‌سازی دیپلماسی مذهبی تنها نمونه‌هایی از دیپلماسی عمومی موفق قطر در این سال‌ها بوده است. خیزش ملت‌های عرب در آغاز سال ۲۰۱۱ این فرصت را به سیاست‌مداران قطری داد تا با بهره‌گیری از پیشینه‌ی سیاسی مذهبی خود و با اتکا به قدرت رسانه‌ای شبکه‌ی الجزیره، سیاست‌خارجی فعالی را در قبال بیداری اسلامی در پیش گیرند.

راهبرد خرید مشروعیت در عرصه‌ی داخلی

در میان قطری‌ها، به دلیل رفاه کافی، معضلات اجتماعی خاصی وجود ندارد و سایر اتباع خارجی به دلیل ترس از اخراج، مجبور به رعایت انضباط اجتماعی هستند و بزهکاری در این کشور، حداقل می‌باشد (علوی، ۱۳۷۴: ۲۲). همچنین نفت و گاز در ثبات سیاسی، رفاه اقتصادی و نهایتاً بقای کشورهای خلیج فارس نقش کلیدی ایفا می‌کند (شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۰۵)؛ چراکه رژیم‌های موروثی منطقه توجه چندانی به اخذ مالیات از شهروندان خود ندارند و درآمدهای مالیاتی رقم مهمی را در بودجه دولت‌های مذکور تشکیل نمی‌دهد (ارسیا و احمدی، ۱۳۹۲: ۲۳). در جریان بروز جنبش‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به سرعت در صدد برآمدن تا از نفوذ این جریان به مرزهای سیاسی خود جلوگیری کنند. در فوریه و مارس ۲۰۱۱، ملک عبدالله خبر از اختصاص ۱۳۰ میلیارد دلار به منظور ارتقاء سطح خدمات‌دهی اجتماعی و عمومی نمود تا موجبات رضایت و سکوت شهروندان سعودی را فراهم کند. در کویت، حکومت در فوریه ۲۰۱۱ تصمیم گرفت به منظور فرونشاندن ناآرامی‌ها، به هر نفر کویتی مبلغ ۳۵۰۰ دلار در سال به اضافه‌ی سایر کمک‌ها و اعانه‌ها پرداخت نماید (Jaffe, 2013: 24). افزایش رفاه اقتصادی برای شهروندان، در جهت کاهش نارضایتی‌های مردم، بخشی از تلاش‌های کشورهای عضو شورای همکاری است؛ حتی کمک‌هایی برای بهبود شرایط در کشورهای فقیرتر عضو شورا مانند بحرین و عمان، که نقاط بحرانی نیز هستند، اختصاص یافته است (اسدی، ۱۳۹۱: ۹).

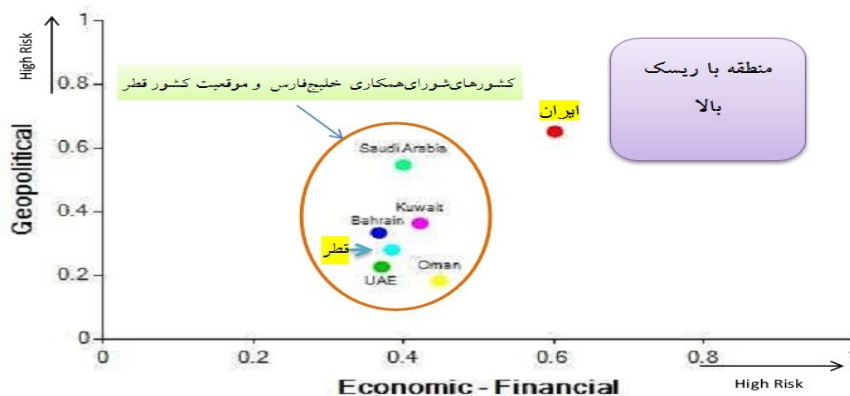
قطر نیز که نمونه‌ای کامل از یک دولت رانتیری است بالاترین رانت سرانه منابع (درآمد سرانه) در جهان را دارا می‌باشد. همچنین قطر کشوری کوچک با مساحت ۱۱۴۳۷ کیلومترمربع و شهروندانی نسبتاً همگن می‌باشد. از طرفی دارای شکاف‌های ساختاری اجتماعی / سیاسی نیز هست. این کشور حداقل تأثیر را از قیام‌های محبوب اعراب در دیگر کشورها که به‌منظور تغییرات سیاسی یا براندازی بوده‌اند پذیرفته است (Justin, 2013: 18). ناآرامی‌های خشونت‌پایه‌ای که در کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۰ شکل گرفتند، به عرصه‌ی جغرافیایی این کشور سرایت نکرد. این عدم سرایت تا حد زیادی به‌خاطر ثروت بسیار زیاد این کشور بود. مصون‌بودن از تحت‌تأثیر قرارگرفتن این ناآرامی‌ها، فرصتی برای قطر فراهم نمود تا دوحه در قالب حمایت از بسیاری از این انقلابات مانند انقلاب مردم لیبی و سوریه و یا در نقش مخالف این انقلابات مانند آنچه در بحرین اتفاق افتاد نقش‌آفرینی کند (www.cia.gov, 2014). همچنین، دولت قطر این موضوع را که محدودسازی منافع مادی، تأثیر بسزایی بر دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی شهروندان دارد، درک نموده و بدین منظور سیاست افزایش نرخ حقوق و دستمزدها به‌میزان ۶۰ تا ۱۲۰ درصد در دستور کار قرار داده است (Justin, 2013: 18). از آن‌جا که قطر بالاترین شاخص توسعه‌ی انسانی بین کشورهای جهان عرب را داراست، و مجله فوربس نیز، قطر را ثروتمندترین کشور جهان معرفی کرده است، و از طرفی تمام موقعیت‌های حساس حکومتی در قطر توسط خاندان آل‌ثانی یا افراد نزدیک به آنان اداره می‌گردد (نفت و انرژی، ۱۳۹۲: ۴) فرایند خرید مشروعیت داخلی، هدفی است که دولت مردان قطری به‌راحتی می‌توانند شرایط حصول آن را فراهم نمایند.

راهبرد خرید وجهی بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

بر اساس ارزیابی‌های انجام‌شده توسط مراجع بین‌المللی، قطر در میان کشورهای آسیایی و به‌ویژه منطقه‌ی خاورمیانه از ثبات نسبی برخوردار است. برابر ارزیابی‌هایی که صندوق ضمانت صادرات ایران انجام داده، این کشور در طبقه‌بندی ریسک، رتبه‌ی ۲ را داراست (شریفی، ۱۳۸۹: ۲۲). نمودار زیر، وضعیت کشورهای منطقه و قطر را از نظر چشم‌انداز

ریسک مالی در جغرافیای سیاسی و اقتصادی نشان می‌دهد و نشان‌گر آن است که موقعیت کشور قطر نسبت به بقیه به مراتب بهتر می‌باشد.

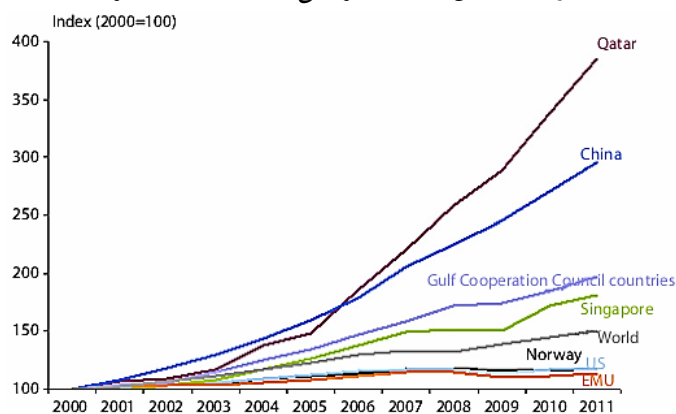
نمودار شماره ۱- چشم‌انداز ریسک مالی (موقعیت قطر و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس)



برگرفته از (Toukan & cordsman, 2011: 8)

ذخایر گاز و نفت و انباشت ثروت عظیم برآمده از فروش این حامل‌های انرژی موجب افزایش هرچه بیشتر درآمد سرانه‌ی این کشور شده است که در راستای مشروعیت‌سازی و حفظ ثبات داخلی و منطقه‌ای به نفع خود از آن بهره می‌جوید.

نمودار شماره ۲- روند افزایشی رشد (GDP) در قطر



برگرفته از (Ibrahim, 2012: 12)

فعال‌سازیِ ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازیِ ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۹۱

این نمودار نشان می‌دهد که رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از متوسط جهانی به مراتب بالاتر و در مورد کشور قطر، نرخ و میزان این رشد به صورتی است که در دنیا مقام اول را دارد. قطر به برکت وجود ذخایر عظیم گازی (سومین کشور دارنده‌ی ذخایر عظیم گازی در دنیا)، دارای بالاترین نرخ رشد GDP در سال ۲۰۱۰ در دنیا بوده است و شواهد نشان می‌دهد که این کشور رشد اقتصادی بالایی دارد (AI-64: Ansary, 2012). به پشتوانه‌ی این رشد درآمدی، دولت قطر به امر افزایش رفاه عمومی در راستای جلوگیری از شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی اقتصادی در شهروندان، به صورت جدی مبادرت ورزیده و از طرف دیگر، از منابع مالی برای اقناع‌سازی و کسب مشروعیت در عرصه‌ی بین‌المللی در قالب دیپلماسی ورزش، رسانه، کمک به مناطق جنگ‌زده و میزبانی سران مخالف کشورها و گروه‌ها، استفاده‌ی به موقع می‌نماید. سخن حمد بن خلیفه آل ثانی در صدر چشم‌انداز ملی قطر که می‌گوید: توسعه‌ی همه‌جانبه هدف اصلی ما است و تلاش برای پیش‌رفت و رفاه مردم در رأس برنامه‌های ما قرار دارد (Hamad bin Khalifa Al-Thani, Qatar National Vision 2030) گواه این مدعاست. کشور قطر با بهره‌گیری از دوره‌ی رونق استثنایی پیش‌رفت اقتصادی، در افزایش استانداردهای زندگی مردم موفقیت‌های بی‌نظیری داشته است. همچنین در عرصه‌ی سیاسی نیز به پیش‌رفت‌هایی از قبیل تصویب قانون اساسی دائمی و برگزاری انتخابات شوراها، نائل آمده است (Qatar National Vision 2030).

راهبرد توسل به کنش‌های میانجی‌گرایانه در سیاست خارجی

در منطقه‌ای که بحران‌ها و منازعات حزبی و قومی و فرقه‌ای و گروهی، در بین کشورها و ملت‌های آن معروف است و منطقه‌ای واقعاً بحرانی است، قطر به سرعت خود را به‌عنوان عامل حل این مناقشات مطرح کرده است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۶). جدول زیر، چند مورد از میانجی‌گری‌های قطر و نتایج حاصله را نشان می‌دهد که حکایت از تحرک دیپلماتیک بسیارخوب این کشور دارد.

جدول شماره ۲- کنش‌های میانجی‌گرایانه کشور قطر

کنش‌های میانجی‌گرایانه	دستاورد
میانجی‌گری در بحران دارفور و سودان	برنده‌شدن در رقابت با مصر
میانجی‌گری میان گروه حوثی‌ها و دولت یمن	خاتمه‌دادن به شورش و اعتراض عربستان
میزبانی و میانجی‌گری بین گروه‌های مخالف لبنانی	انقعاذ «توافق‌نامه‌ی دوحه» و کسب پرستیژ بین‌المللی
میانجی‌گری در جریان تنش بیروت - دمشق	کسب پرستیژ بین‌المللی
میانجی‌گری در جریان تنش پاریس - دمشق	کسب پرستیژ بین‌المللی
میانجی‌گری در جریان تنش طرابلس - واشنگتن	کسب پرستیژ بین‌المللی

برگرفته از (Green, 2009) و نگارندگان

گاهی اوقات «قدرت‌های متوسط» مانند برزیل و ترکیه سعی می‌کنند تا خود را در مسائل بین‌المللی وارد کنند، اما کم‌تر اتفاق افتاده است که کشوری کوچک به‌عنوان یک میانجی در مسائل بین‌المللی عمل کند. تلاش‌های فراوان قطر در زمینه‌ی برقراری صلح هم در منطقه، با در نظر گرفتن کوچکی کشور، در جهان، منحصر به فرد است (Kamrava, 2011: 540). ایفاء این نقش فقط به خاطر حفظ ظاهر و یا خودبینی و غرور قطر نیست؛ بلکه می‌توان به آن به‌عنوان جزء ضروری استراتژی امنیت ملی قطر نگاه کرد. در واقع، افزایش اهمیت و محبوبیت قطر به‌عنوان «واسطه‌ای بی‌طرف» می‌تواند از تعداد مخالفان جهانی و منطقه‌ای آن بکاهد. به دیگر سخن، قطر کشورهای مخالف خود را به‌گونه‌ای دیگر شکست می‌دهد (بدون نیاز به نیروهای انسانی زیاد، مساحت زیادی از زمین یا ارتش). بنابراین، این امر به قطر اجازه می‌دهد تا در نواحی استراتژیک نفوذ و تأثیر داشته باشد. همچنین با ظاهر شدن در صحنه‌ی سیاسی جهان، قطر به دنبال پیش‌گیری از خطرات احتمالی از جانب رقباء بزرگ‌تر از خود است (Dickinson, 2012). طبق صحبت‌های یک دیپلمات قطری، این کشور به‌دقت و با وسواس خاصی مناقشاتی را برای انجام اقدامات میانجی‌گرانه انتخاب می‌کند که از قبل، شانس موفقیت و یا نتایج مثبت این اقدامات، اثبات شده باشد. این بدین معناست که قطر به دنبال سرمایه‌گذاری بر روی فرصت‌هایی است که در

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۹۳

همسایگان مجاور خود به چشم می‌خورد (Kamrava, 2011:544). مسئولان این کشور همواره سعی در ایجاد توازن و تعادل در سیاست خارجی خود داشته‌اند و با پی‌گیری سیاست «بی‌طرفی مثبت یا سازنده» و «دیپلماسی فعال»، در صدد ایفای نقش میانجی‌گر در مسائل مختلف منطقه هستند (سهرابی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). این کنش در عرصه‌ی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، موجبات توسعه‌ی نفوذ سیاسی قطر را فراهم نموده است.

راهبرد جایگاه‌یابی در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل

از آن‌جاکه اقتصاد کشورهای مختلف جهان به یک‌دیگر پیوند خورده است (نکته‌دان، ۱۳۸۶: ۲۹) یکی از متغیرهایی که موقعیت کشورها را به چالش کشیده و دولت‌ها را ملزم به ملحوظ نگه‌داشتن مؤلفه‌ی ساختار نظام بین‌الملل در تصمیم‌گیری سیاست‌خارجی می‌کند، وضعیتی است که «ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل» بر آن‌ها تحمیل کرده است (سجادپور و همکاران، ۱۳۹۰: ۹). کشور قطر در درک این ساختار و اتخاذ سیاست‌ها و کنش‌های هم‌راستا با آن موفق عمل نموده است. سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی به‌منظور ارتقای توان تولیدی خود در عرصه‌ی بازار رقابتی انرژی به انجام رسانده است. در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، انرژی، پاشنه‌ی آشیل بسیاری از مناطق و کشورهای صنعتی جهان و از جمله اتحادیه‌ی اروپا، چین، هند، آسیای جنوب شرقی و آمریکای شمالی است؛ از این‌رو، انرژی، یکی از ابزارهای مهم کسب ثروت و اعمال قدرت در عرصه‌ی سیاست‌خارجی و بین‌المللی تلقی شده و در این راستا، سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز)، همچنان کالایی با اهمیت استراتژیک در تجارت جهانی باقی خواهد ماند؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌گزینه‌ی دیگری برای رهایی از آن، دست‌کم تا چند دهه‌ی آینده وجود ندارد (Cornelius & Story, 2007:10). روندهای موجود در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، حکایت از آن دارد که بنیان قدرت از وجه نظامی به وجه اقتصادی و فن‌آوری، انتقال یافته است و محور دیپلماسی، نه صرف تمرکز بر امور و مسائل سیاسی و نظامی، بلکه تمرکز بر روی مراودات اقتصادی است (Luttwak, 1998: 126). در این ساختار، قطر، به‌دلیل واقع شدن در جنوب بیضی استراتژیک انرژی و دارا بودن ذخایر عظیم گازی از موقعیت ممتازی برخوردار است.

جدول شماره ۳- وضعیت منابع انرژی کشور قطر

نفت (میلیون بشکه)			
نسبت تولید به منابع	میزان مصرف عمومی ۲۰۱۲ (هزار bbi/d)	میزان عرضه عمومی ۲۰۱۲ (هزار bbi/d)	منابع اثبات شده (۲۰۱۴)
57	190	1,579	25,240
گاز طبیعی (میلیارد متر مکعب)			
نسبت تولید به منابع	میزان مصرف عمومی ۲۰۱۲	میزان تولید گاز خشک طبیعی ۲۰۱۲	منابع گاز اثبات شده ۲۰۱۳
160	1,257	5,523	885,000
الکتریسیته			
توزیع تلفات انرژی ۲۰۱۰ (میلیارد کیلووات/ساعت)	میزان مصرف الکتریسیته ۲۰۱۰ (میلیارد کیلووات/ساعت)	تولید الکتریسیته ۲۰۱۱ (میلیارد کیلووات/ساعت)	ظرفیت تولید ۲۰۱۱ (گیگاوات)
1.8	20.5	32.3	7.8

برگرفته از (U.S. Energy Information Administration, January 30, 2014)

جدول شماره ۴- میزان تولید نفت در کشور قطر (بر حسب هزار بشکه در روز)

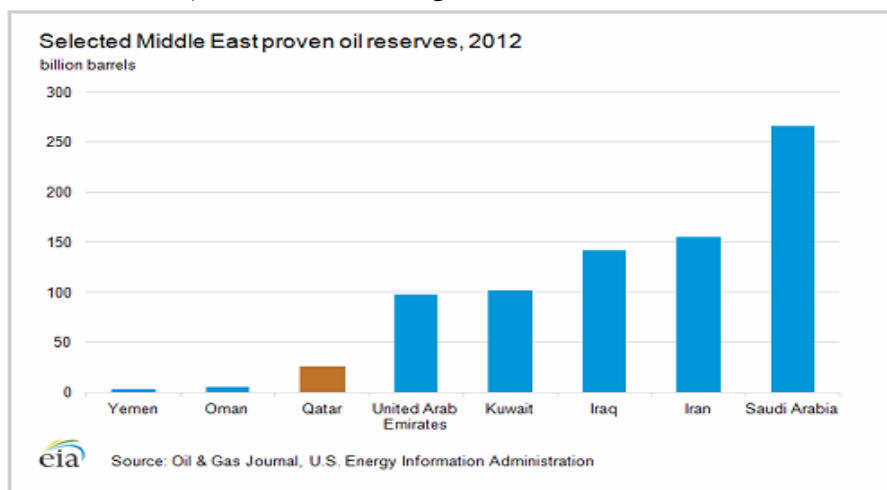
سال	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	درصد تغییرات ۲۰۱۲ به ۲۰۱۱
کشور قطر	۸۰۳	۹۴۹	۱۰۸۲	۱۱۴۹	۱۲۴۱	۱۲۷۹	۱۴۴۹	۱۴۱۶	۱۶۷۶	۱۸۳۶	۱۹۶۶	۶۳ درصد

برگرفته از (BP Statistical Review of World Energy June 2013)

قطر از اعضای اوپک است که یک سازمان تولیدکننده بزرگ نفتی است (U.S. Energy Information Administration, January, 30, 2013). نمودار زیر، موقعیت قطر را در میان کشورهای خاورمیانه‌ای اوپک از لحاظ میزان ذخایر نفتی نشان می‌دهد.

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۹۵

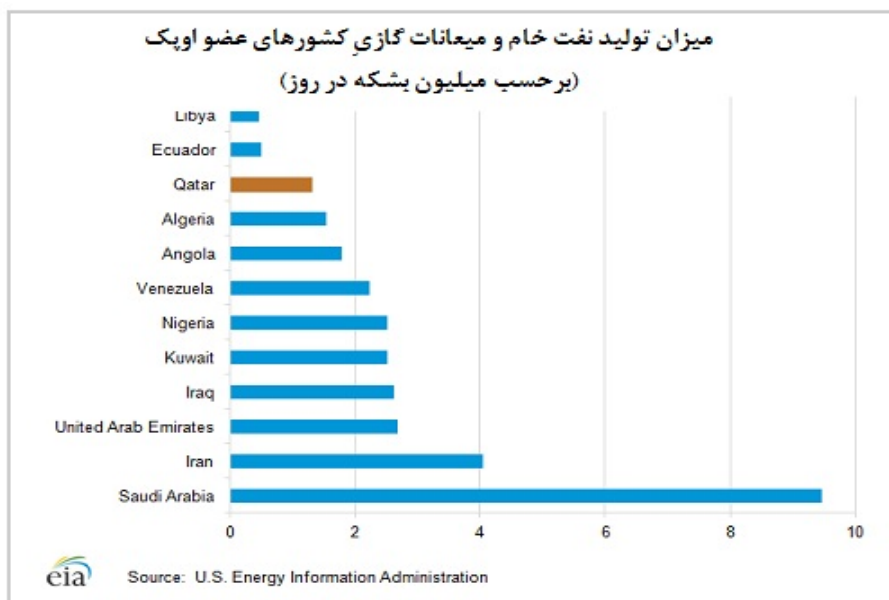
نمودار شماره‌ی ۳- میزان ذخایر نفتی کشورهای خاورمیانه‌ای اوپک



برگرفته از (U.S. Energy Information Administration, January, 30, 2013)

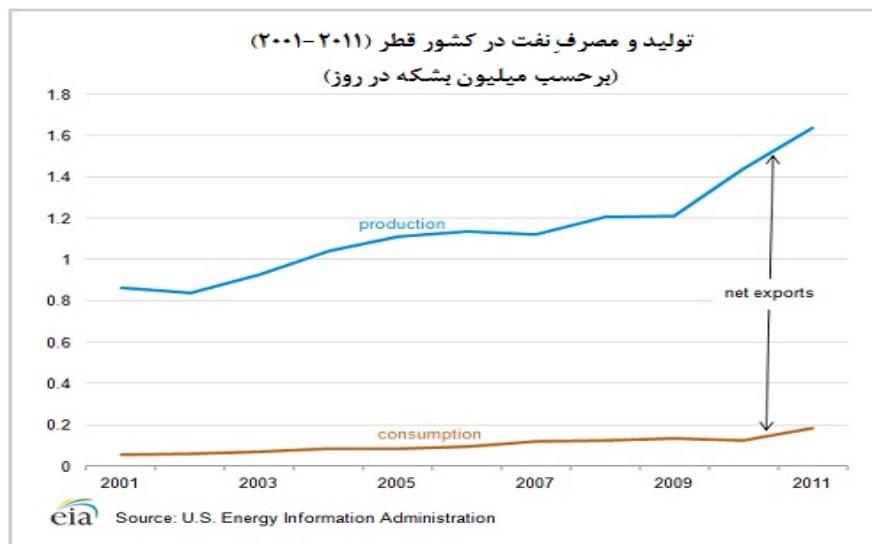
انرژی از ملزومات اساسی توسعه در جهان به‌شمار می‌رود و از چنان اهمیتی برخوردار است که عدم تأمین تقاضای آن باعث بحران در جهان خواهد شد. نگاهی به تاریخ جهان به‌خصوص در چند قرن اخیر به‌خوبی نشان می‌دهد که انرژی چگونه در روند تحولات سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار بوده است. در حقیقت، انرژی نیروی محرکه‌ی جهان به‌شمار می‌رود و توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان وابسته به آن می‌باشد. انرژی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا نموده است. اهمیت انرژی بدان حد است که دولت‌های مصرف‌کننده، مکان‌های تولید انرژی و دولت‌های تولیدکننده، مکان‌های مصرف انرژی، و هر دو، مسیرهای انتقال و تکنولوژی‌های مربوط به انرژی را جزو اهداف ملی و امنیت ملی خود محسوب می‌کنند. همین اعتبار، انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). نمودارهای زیر، میزان تولید نفت خام به انضمام میعانات گازی کشورهای عضو اوپک و موقعیت قطر و نیز میزان مصارف داخلی انرژی در قطر را نشان می‌دهد.

نمودار شماره‌ی ۴- میزان تولید نفت خام و میعانات گازی کشورهای اوپک



برگرفته از (U.S. Energy Information Administration, January, 30,2013)

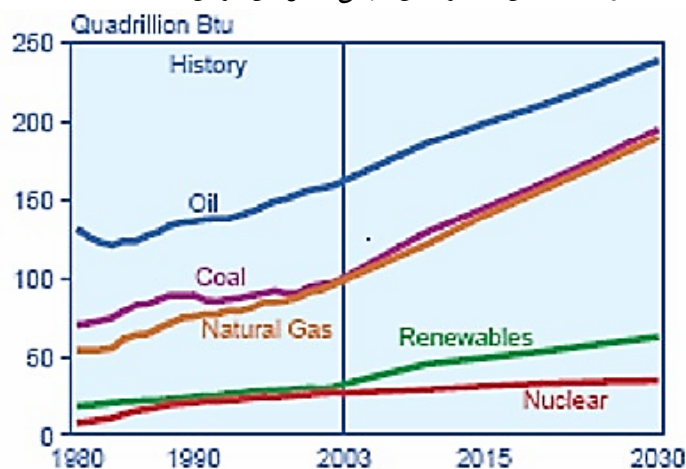
نمودار شماره‌ی ۵- تولید و مصرف نفت در کشور قطر (۲۰۰۱-۲۰۱۱)



برگرفته از (U.S. Energy Information Administration, January, 30,2013)

ژئوپلیتیک گاز طبیعی و موقعیت کشور قطر در این ساختار امنیت ملی ارتباطی تنگاتنگ با انرژی و تأثیری مستقیم بر رشد اقتصادی و به تبع آن رفاه و امنیت ملی کشورها دارد. منابع انرژی برای استقلال و امنیت ملی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده آن حائز اهمیت است. در میان حامل‌های انرژی در دهه‌های اخیر، گاز طبیعی به دلیل ویژگی‌های مثبت و سازگاری با محیط‌زیست از اقبال بیش‌تری برخوردار گشته است. براساس آمارهای ارائه‌شده بین‌المللی در سال‌های آتی از بیش‌ترین تقاضا در میان سایر سوخت‌های مصرفی برخوردار خواهد بود و به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم در تعاملات بین‌المللی محسوب می‌شود. بنا به یک تعبیر، زغال‌سنگ انرژی برتر در قرن نوزده بوده است، نفت انرژی مسلط در قرن بیست و گاز طبیعی انرژی برتر در قرن بیست‌ویکم می‌باشد (Banks, 2007:2).

نمودار شماره ۶ - عرضه جهانی حامل‌های انرژی (۱۹۸۰-۲۰۳۰)



برگرفته از (Woertz, 2008:5)

همچنین نگرانی نسبت به آلودگی محیط‌زیست و ضرورت تنوع‌بخشیدن به منابع انرژی، گاز طبیعی را به‌منزله‌ی یک منبع انرژی برتر و مطمئن در اقتصاد جهانی مطرح کرده است (قدیانی و کرباسی، ۱۳۸۸:۳). از دیگر دلایل اهمیت گاز طبیعی که به پادشاه سوخت‌های فسیلی مشهور است، می‌توان به ارزش کالری بسیار زیاد آن اشاره کرد

(Cunningham, 2010: 2). لیکن روشن‌ترین دلیل افزایش اهمیت گاز طبیعی و ورود آن به بازار رقابت با دیگر منابع انرژی، آماری است که از وابستگی روزافزون بخش صنعتی جهان به گاز طبیعی حکایت دارد (میرزاد و یوسفی، ۱۳۸۷: ۱). بیش‌تر گاز طبیعی جهان در بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد، به طوری که در سال ۲۰۰۴ بخش صنعت با ۴۴ درصد بیش‌ترین مصرف گاز طبیعی را در جهان دارا بوده است (International Energy outlook, 2007:39). بیش‌ترین تخمین‌ها از مصرف جهانی گاز طبیعی این است که تا سال ۲۰۳۰ مصرف آن دو برابر می‌شود و انتظار می‌رود که آمریکای شمالی، اروپا، چین و آسیای شرقی و جنوبی بالاترین تقاضا را داشته باشند (Victor & Jaffe & Hayes, 2006). روند روبه‌رشد مصرف گاز در میان جامعه‌های مختلف در طول چند دهه‌ی اخیر به همراه رشد روزافزون صنایع در دنیا، نیاز شدید به انرژی و اجرای طرح‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی، گاز را به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم در صحنه‌ی سیاست بین‌الملل درآورده است. گاز طبیعی به‌سرعت، اهمیت ژئوپلیتیک کسب می‌کند و از یک سوخت مصرفی حاشیه‌ای در بازارهای منطقه‌ای، به سوختی که در فواصل زیادی منتقل و در بخش‌های مختلف اقتصادی مصرف می‌شود، رشد کرده است. گاز طبیعی سوختی برای مصرف‌کنندگان با تأثیرات زیست‌محیطی پایین به‌ویژه برای تولید نیروی الکتریکی می‌باشد و پیش‌بینی می‌شود در بسیاری از صنایع اقتصادی بزرگ از نفت سبقت گیرد. گاز طبیعی برای اقتصاد مدرن یک نیروی تازه در مورد امنیت انرژی می‌باشد (Hartly & Kenneth, 2005:5). در واقع از نظر ژئوپلیتیک، گاز طبیعی به‌آرامی دارد از نفت پیشی می‌گیرد. به همین خاطر ژئوپلیتیک گاز طبیعی بر روی روابط سیاسی و اقتصادی متأثر از تجارت گاز طبیعی متمرکز شده است (<http://www.rice.edu>).

ژئوپلیتیک گاز به نقش تعیین‌کننده‌ی گاز طبیعی در شکل‌دادن به روابط اقتصادی، سیاسی و استراتژیک میان کشورها اشاره دارد و اهمیت این نوع انرژی را در رقابت‌های ژئوپلیتیک کشورها و تأثیر گاز طبیعی بر سیاست خارجی کشورها را دربرمی‌گیرد. گاز طبیعی مهره‌ای جغرافیایی می‌باشد که با توجه به ویژگی‌های مثبت زیست‌محیطی‌اش که آن

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۹۹

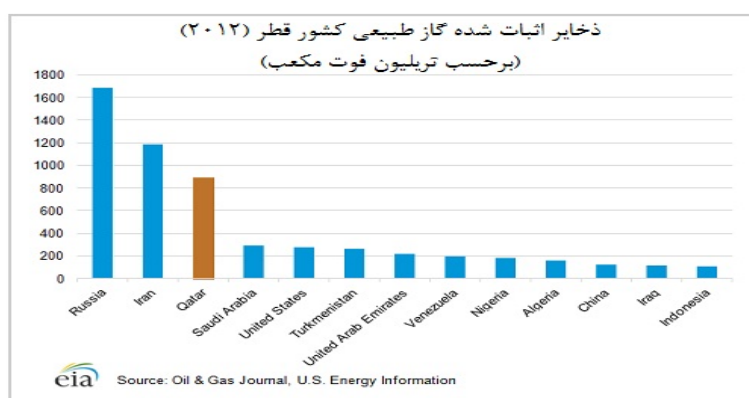
را به عروس سوخت‌های فسیلی معروف کرده و قرن ۲۱ را قرن گاز نامیده‌اند، نقش بی‌بدیلی در روابط کشورها ایفاء می‌کند و تمام کشورها سعی می‌کنند که با بازی درست با این مهره، در ژئوپلیتیک گاز طبیعی خوب عمل کنند. کشورهای دارنده و صادرکننده عمده‌ی گاز جهان در این زمینه تمام کوشش خود را به‌کار برده‌اند تا منزلت خود را در ژئوپلیتیک گاز طبیعی ارتقاء دهند و بازارهای مهم مصرف گاز جهان را که مناطق توسعه‌یافته جهان می‌باشند، در دست گیرند. قطر که سومین کشور دارای ذخایر اثبات‌شده‌ی گاز طبیعی بعد از روسیه و ایران می‌باشد، به‌خوبی در این عرصه بازی‌گری نموده و ارتقای موقعیت خود را در عرصه‌ی سیاست اقتصادی بین‌الملل نسبتاً تضمین کرده است.

جدول شماره ۵- میزان ذخایر گاز طبیعی در کشور قطر

سال	اواخر سال ۱۹۹۲	اواخر سال ۲۰۰۲	اواخر ۲۰۱۱	اواخر ۲۰۱۲ بر حسب تریلیون فوت مکعب	اواخر ۲۰۱۲ بر حسب تریلیون متر مکعب	نسب سهم از کل منابع دنیا به درصد	میزان تولید به ذخیره
کشور	قطر	قطر	قطر	قطر	قطر	قطر	قطر
سال	۶/۷	۲۵/۸	۲۵/۰	۸۸۵/۱	۲۵/۱	۱۳/۴	بیش‌تر از ۱۰۰ سال

برگرفته از (BP Statistical Review of World Energy June 2013)

نمودار شماره ۷- میزان ذخایر اثبات‌شده‌ی گاز طبیعی قطر



برگرفته از (U.S. Energy Information Administration, January, 30, 2013)

جدول شماره ۶- میزان تولید گاز طبیعی قطر (برحسب میلیارد مترمکعب)

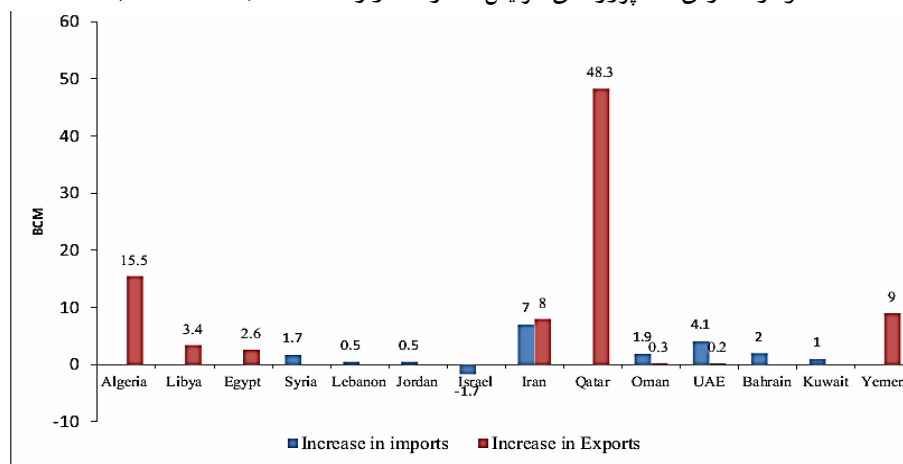
سال	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	درصد تغییرات ۲۰۱۲ به ۲۰۱۱	سهم در تولید جهانی
قطر	۲۹/۵	۳۱/۴	۳۹/۲	۴۵/۸	۵۰/۷	۶۳/۲	۷۷/۰	۸۹/۳	۱۱۶/۷	۱۴۵/۳	۱۵۷/۰	۷۸ درصد	۴/۷ درصد

برگرفته از (BP Statistical Review of World Energy June 2013)

همچنین چندی پیش امیر قطر بهره‌برداری از بزرگ‌ترین کارخانه‌ی تبدیل گاز به فرآورده‌های نفتی (GTL) جهان، موسوم به پروژه Pearl GTL را رسماً افتتاح کرد. به این ترتیب قطر که قبلاً بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی گاز طبیعی مایع شده‌ی (LNG) جهان بود، به بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی GTL نیز تبدیل شد. پروژه‌ی پرل (Pearl) همچنین بزرگ‌ترین پروژه‌ی انرژی قطر نیز هست و میزان بهره‌برداری قطر از میدان مشترک گازی با ایران (پارس جنوبی) را نیز به میزان قابل توجهی افزایش داده است. پروژه‌ی پرل که با مشارکت شرکت دولتی نفت قطر و شرکت شل اجرا شده است، به صورت یک پروژه‌ی یک پارچه از بالادست تا پائین دست است؛ یعنی از حفرچاه در میدان موسوم به گنبدشمالی در قطر تا تولید و بارگیری فرآورده‌های حاصله را شامل می‌شود. تولید چاه‌ها مانند همه‌ی فازهای پارس جنوبی یا پروژه‌های قبلی قطر، شامل گاز و میعانات یا مایعات گازی است (BP Statistical Review of World Energy June 2013). از آن‌جا که نفت و گاز از صورت یک کالای اقتصادی خارج شده و به صورت یک ارزش استراتژیک درآمده است (شیرازی، ۱۳۸۶:۱۹۱)، قطر پروژه‌های زیادی را در دست اجرا و ساخت دارد که بدین وسیله میزان قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در منطقه را نیز جذب نموده است.

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۱۰۱

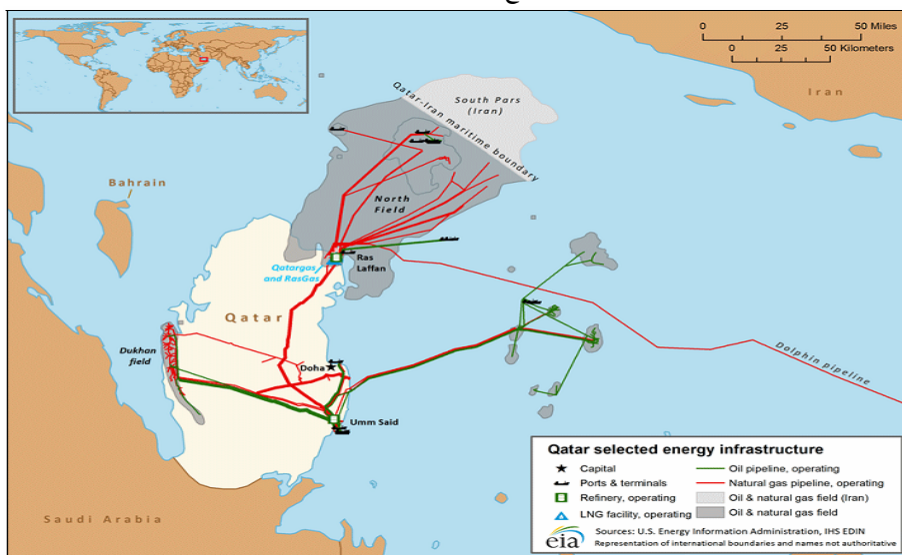
نمودار شماره‌ی ۸ - پروژه‌های افزایش صادرات / واردات LNG (۲۰۰۸-۲۰۱۵)



برگرفته از (Fattouh,2012:147)

در مورد میزان استخراج پروژه‌ی جدیدالتأسیس اطلاعات دقیقی منتشر نشده است، اما قطری‌ها و شرکت شل میزان میعانات تولیدی این پروژه را معادل ۱۲۰ هزار بشکه در روز اعلام کرده‌اند و از این طریق با مقایسه با فازهای پارس جنوبی می‌توان حدس زد که میزان گاز تولیدی آن حدود ۷۵ تا ۸۰ میلیون مترمکعب در روز و درواقع معادل سه فاز از فازهای معمول پارس جنوبی است. اهمیت خاص این پروژه در آن است که گاز آن به کارخانه یا پالایشگاه GTL می‌رود و به فرآورده‌های تقطیر نفتی و عمدتاً بنزین و گازوئیل تبدیل می‌شود (حسن‌تاش، ۱۳۹۰: ۲). صادرات این کشور با روش‌ها و ابزارهای متعددی انجام می‌گیرد، به‌عنوان مثال، قطر در سال ۲۰۱۲ میزان ۱۷/۳ هزار میلیارد مترمکعب گاز مایع به امارات متحده و ۲ هزار میلیارد مترمکعب به دیگر کشورهای خاورمیانه به‌وسیله‌ی خطوط لوله صادر نموده است. نقشه‌ی شماره‌ی ۲ مسیرها و لوله‌های انتقال گاز و نفت کشور قطر به کشورهای منطقه را نشان می‌دهد (BP Statistical Review of World Energy June 2013). همچنین صادرات گاز مایع کشور قطر به دیگر کشورهای دنیا، در قالب جدول ۷ نشان داده شده است. نمودار ۹ میزان صادرات (LNG) کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را نشان می‌دهد که حکایت از سهم بالای قطر نسبت به دیگر رقبا دارد.

نقشه‌ی شماره‌ی ۲- منابع انرژی کشور قطر و لوله‌های انتقال



برگرفته از (U.S. Energy Information Administration, Qatar Country Analysis Brief, January 2014)

جدول شماره‌ی ۷- تجارت میعانات گازی کشور قطر در سال ۲۰۱۲

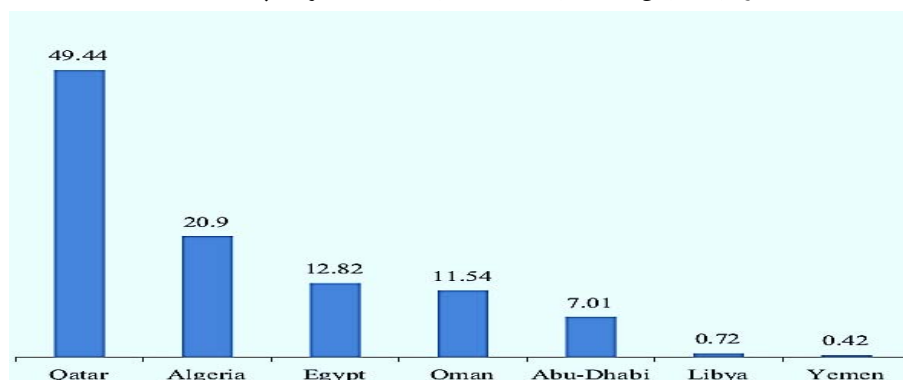
کشورهای واردکننده‌ی میعانات گازی از قطر	میزان واردات هر کشور بر حسب (میلیارد متر مکعب)
ایالات متحده آمریکا	۱/۰
کانادا	۱/۰
مکزیک	۱/۷
آرژانتین	۰/۱
برزیل	۱/۱
دیگر کشورهای آمریکای مرکزی	۰/۲
بلغارستان	۴/۵
فرانسه	۱/۸
ایتالیا	۵/۸
اسپانیا	۴/۳
ترکیه	۱/۲

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۱۰۳

۱۳/۳	انگلستان
۰/۲	دیگر کشورهای اروپا و اوراسیا
۶/۸	چین
۱۶/۱	هند
۲۱/۳	ژاپن
۱۴/۲	کره جنوبی
۷/۹	تایوان
۰/۳	تایلند
۱۰۵/۴	میزان کل صادرات کشور قطر در سال ۲۰۱۲

برگرفته از (BP Statistical Review of World Energy June 2013)

نمودار شماره‌ی ۹- صادرات (LNG) در سال ۲۰۰۹ برحسب (103 bcm)



برگرفته از (Fattouh,2012:146)

دیپلماسی ورزشی قالبی دیگر از کنش‌های خارجی قطر

ورزش و مسابقات ورزشی به‌طور گسترده‌ای وارد زندگی خصوصی مردم جهان شده و بر رفتار افراد، جوامع، دولت‌ها و رسانه‌ها تأثیرگذار است. این پدیده دارای پیامد سیاسی نیز می‌باشد و روابط دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و با مفاهیمی چون قدرت ملی، رقابت، هم‌گرایی، واگرایی، ستیز و منازعه، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، اتحاد و وحدت ملی و نظایر آن پیوند می‌خورد و بر نگرش و رفتار دولت‌ها و ملت‌ها

نسبت به هم‌دیگر تأثیر می‌گذارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۸). دیپلماسی ورزشی به معنای استفاده از ورزش برای مقاصد سیاسی و تأمین منافع ملی است. امروزه رقابت زیادی برای میزبانی مسابقات ورزشی بین‌المللی و جهانی بین کشورها وجود دارد. قطر با تصمیم فدراسیون فوتبال (FIFA) این شانس را پیدا کرد که میزبان پربیننده‌ترین رویداد ورزشی دنیا باشد. قطر برنده‌ی دیپلماسی ورزشی‌ای شد که تقریباً از دو دهه قبل شروع کرده بود. از زمانی که امیرحمد در سال ۱۹۹۵ به قدرت رسید، این فکر را داشت تا متناسب با اندازه‌ی کوچک این شبه‌جزیره‌ی عربی، به یک رنسانس جهانی برسد (Kessous, 2011). پیام قطر از بُرد مزایده‌ی جام جهانی این بود که: «ما خواهان تغییر نگاه‌های منفی نسبت به کشورهای کوچک با جمعیت محدود و تبدیل آن به نگاه مثبت بودیم» (F.Cooper and Momani, 2006: 8). علاوه بر این که قطر میزبانی بازی‌های جام جهانی ۲۰۲۲ را برنده شده، رسماً برای میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ نیز اقدام و در مزایده شرکت نموده است. قطر برای میزبانی بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ نیز مبلغ ۲/۸ میلیارد دلار هزینه کرد. به یک سخن: پول نیروی محرکه‌ی سیاست خارجی قطر نیست. تمام این هزینه‌ها برای پایداری بیش‌تر قطر انجام می‌شود و اگر این نتیجه‌بخش نباشد؛ قطر دیگر هیچ پولی مصرف نخواهد کرد (Doherty, 2012).

از دیگر سرمایه‌گذاری‌های ورزشی قطر خرید ۷۰ درصد تیم «پاری سن ژرمن» از فرانسه به وسیله‌ی شرکت «سرمایه‌گذاری ورزشی قطر» به مبلغ ۱۳۰ میلیون دلار و تیم «مالاگای اسپانیا» می‌باشد (fa.alalam.ir). از آن‌جا که دولت قطر اخیراً میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ را تصاحب کرده است، نسبت به ساخت و بازسازی ۱۲ استادیوم، با استانداردهای جهانی و ابعاد عظیم و حجیم، ساخت فرودگاه جدید بین‌المللی، ساخت بندرگاه بین‌المللی و ساخت سیستم مترو و قطار شهری جامع، در راستای برگزاری هرچه باشکوه‌تر این بازی‌ها اقدام نموده است. علاوه بر این دولت قطر ۱۷ میلیارد برای ساخت هتل و سایر ساختارهای مرتبط با توسعه‌ی توریسم هزینه کرده است (Al-Ansary, 2012: 65). قطر ثروت‌مندترین کشور جهان است. در نتیجه برای تأمین هزینه‌ی رویدادهای ورزشی و توریستی مشکلی ندارد. این امیرنشین کوچک، به محلی

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۱۰۵

برای تماشای وقایع ورزشی تبدیل شده است و میزبان بسیاری از مسابقات ورزشی با اعتبار نظیر فوتبال، فرمول ۱، تنیس، گلف، راگبی، و ورزش‌های پهلوانی بوده است. علاوه بر این، قطری‌ها سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در ورزش اروپا انجام داده‌اند؛ از جمله صرف ۶۰ میلیون دلار برای پیراهن تیم بارسلونا. قطر در چند سال اخیر مبلغی حدود ۲۲۵ میلیارد دلار صرف پروژه‌های زیربنایی کرده است که بخشی از آن صرف هزینه‌های جام جهانی می‌شود؛ از جمله ۳ میلیارد دلار برای آماده‌سازی زمین مسابقات و ۱۷ میلیارد دلار برای ساخت هتل‌ها (Kessous, 2011). بنابراین استفاده از دیپلماسی ورزش، کانالی برای ورود قطر به عرصه‌ی سیاست خارجی است.

دیپلماسی رسانه‌ای کشور قطر (شبکه‌ی الجزیره)

شبکه‌ی الجزیره توسط امیر قطر که در سال ۱۹۹۵ بعد از یک کودتا به قدرت رسید به وجود آمد. این شبکه به سمبل آزادی‌خواهی رسانه‌های عربی تبدیل و باعث ظهور نوعی آزادی بیان شده است. این شبکه در طی چند سال به چهره‌ای بین‌المللی و به خصوص بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به وزنه‌ی تعادلی در برابر برتری طلبی رسانه‌ای آمریکا در جهان عرب تبدیل شد. عملکرد این شبکه در برابر تروریست‌های بنیادگرای اسلامی، جنگ در افغانستان (۲۰۰۱)، جنگ عراق (۲۰۰۳) و امروزه موضع‌گیری آن در قبال ناآرامی‌های خاورمیانه و شمال آفریقا، باعث شهرت بیش‌تر این شبکه شد. الجزیره بیش‌تر تمرکز خود را به سه وجه اسلامی، عربی و آزادی‌خواهی گذاشته است (Oifi, 2004: 649). روایت داستان موفقیت الجزیره بدون در نظر گرفتن حامیان آن ممکن نیست. در واقع، الجزیره امری لازم برای تحقق و شکل‌دهی برند ملی قطر و حیات سیاست خارجی آن است (Hroub, 2012). شبکه‌ی الجزیره برنامه و تصویر دقیقی از درآمد و مخارج خود ارائه نمی‌دهد، ولی دارای بودجه‌ی عملیاتی حدوداً ۴۰ میلیون دلار در سال است و در سال ۲۰۰۲، عواید این شبکه از تبلیغات، حدود یک پنجم این مبلغ بوده است (Gareeb, 2000: 409).

الجزیره با این‌که دارای ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون مخاطب است، یک نهاد تجاری نیست تا برای مشتری‌ها و قطر منبع درآمد باشد، بلکه یک ابزار برای پیش‌برد اهداف سیاسی و

افق‌افکار عمومی است. بنابراین، قطر تمایل به حفظ این شبکه دارد و این به دلیل تأثیرات این شبکه بر روی جهان است. قطر با حمایت مالی انحصاری خود به این هدف نایل شده است (Anzawa, 2011: 18)؛ به طوری که یکی از کشورهایی که نقش پررنگی در حمایت از حرکت‌های تغییرطلبانه در منطقه داشت، امیرنشین قطر بود. کشور قطر به‌ویژه با اتکا بر قدرت رسانه‌ای خود که مدیون عملکرد حرفه‌ای شبکه‌ی الجزیره است، توانست خود را به‌عنوان بازوی رسانه‌ای انقلاب‌های عربی یا کاتالیزور قیام‌های مردمی منطقه معرفی کند (رضاه‌خواه، ۱۳۹۰: arezakhah.blogfa.com). نقش رسانه‌ها موجب ظهور بازی‌گران سیاسی جدیدی شده است. نگاهی گذرا به نقش شبکه‌ی الجزیره، ظهور بازی‌گران جدیدی در منطقه را نمایندگی می‌کند. الجزیره که از ریزکشور قطر برای کل دنیای عرب پخش می‌شود به یکی از اصلی‌ترین منابع تعیین‌کننده‌ی اطلاعات تبدیل و به تبع آن، یکی از اصلی‌ترین بازی‌گران عرصه‌ی تصمیم‌گیری در دنیای عرب شده است (نکته‌دان، ۱۳۸۶: ۴۳). الجزیره ابزاری مناسب برای تبلیغ و پیش‌برد اهداف و عقاید دولت‌مردان قطر می‌باشد. توان تأثیرگذاری این شبکه بر روی مخاطبین داخلی و خارجی، حاشیه‌ی امنی برای امنیت ملی و تسهیل دست‌یابی به اهداف در عرصه‌ی سیاست خارجی فراهم نموده است.

راهبردهای خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا

عوامل ثابت و متغیر بسیاری در پیکره‌ی کوچک کشور قطر قابل تشخیص می‌باشند که به‌صورت بالقوه، پتانسیل بسترسازی برای قدرت‌زدایی، ضعف و تحلیل قدرت این کشور را دارا هستند؛ اما از آن‌جاکه پیش‌رفت انسان در ساختن راه‌های جدید و اتخاذ روش‌های نوین مطمئن، در راستای غلبه بر کاستی‌ها، مرهون تصمیم و اراده‌ی انسان می‌باشد، هوشیاری ژئوپلیتیک سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران سیاسی دولت قطر، موجب خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا مانند ضعف عقبه‌ی استراتژیک، کمبود منابع آب، و اختلافات ارضی شده است.

پیوندسازی استراتژیک با قدرت‌های فرامنطقه‌ای

از اوایل سال ۱۹۶۰، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده و عمان ترجیح داده‌اند که قدرت‌های خارجی، تأمین‌کننده‌ی امنیت این کشورها باشند. اما از سال ۱۹۷۱ که انگلستان از این منطقه عقب‌نشینی کرد، همه‌ی کشورهای عربی این حوزه، سیاست چرخش به سمت آمریکا را در پیش گرفتند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۰۹). ضعف نظام‌های پادشاهی کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس و استمداد سران آن‌ها از قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای مقابله با تهدیدها، موجب حضور نظامی درازمدت آمریکا و کشورهای غربی در خلیج فارس شده است (افشردی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). یکی از ابعاد عمده‌ی پیوندهای استراتژیک کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا، به تحولات منطقه مربوط می‌شود که در سال‌های اخیر، موجب ایجاد توازن بیش‌تر در مقابل ایران شده است. این توازن‌سازی بر مبنای این تصور قرار دارد که تحولات منطقه‌ای، به‌ویژه تغییر رژیم در عراق، موجب شده است که نفوذ منطقه‌ای ایران افزایش یابد (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۵). اما در مورد قطر علاوه بر موضوع ایران‌هراسی و تهدید ایران، (که از جانب رسانه‌ها، دیپلمات‌ها و محافل خصوصی و علنی آمریکایی و صهیونیستی تقویت و فرافکنی می‌گردد)، موضوعات دیگری در منطقه، بسترهای تمایل کشور قطر به برقراری پیوندهای استراتژیک با کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای را فراهم می‌سازد. کشورهای کوچک همیشه در مقابل عوامل خارجی مربوط به امور بین‌الملل آسیب‌پذیرترند. حمله‌ی عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و حوادث روی داده در اولین جنگ خلیج فارس، درس باارزشی برای کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس بود (Kamrava, 2009: 411). مطمئناً خطر عربستان سعودی، بحرین و مدعیان داخلی خانواده‌ی سلطنتی تهدید کوچکی برای قطر نیست. از نظر امیر حمد، آسیب‌پذیری در مقابل تهدیدات داخلی و بین‌المللی بزرگ‌ترین چالشی بوده است که باید به‌طریقی آن را حل نمود (Peterson, 2006: 741). تهدیدات خارجی باعث شد قطر بر روی استراتژی‌های تکمیل‌کننده از قبیل تکیه بر حامیان قدرت‌مند در برابر همسایگان بزرگ‌تر، اعتماد کند (Anzawa, 2011: 52). در جنگ خلیج فارس قطر به نیروهای ائتلاف اجازه داد تا از خاک این کشور برای حمله به عراق استفاده کنند. در ۱۹۹۲ قطر با آمریکا

توافق‌نامه‌ای امنیتی امضا کرد (M.Blanchard, 2010:12). برپایه‌ی این توافق دو کشور از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ بیش از یک میلیارد دلار صرف توسعه و ساخت پایگاه العدید کردند. بعد از امضای توافق‌نامه‌ی همکاری‌های دفاعی با آمریکا، امنیت قطر به دلیل حضور سربازان آمریکایی تأمین شد (Akhmetov, 2012).

در سال ۲۰۰۱ قطر، رایزنی‌های نتیجه‌بخشی جهت انتقال پایگاه نیروهای آمریکا که برای نظارت بر منطقه پرواز ممنوع جنوب عراق ایجاد شده بود به پایگاه العدید قطر انجام داد (نادری قطب‌الدینی، ۱۳۸۲: ۶۸). این پایگاه در جنوب دوحه، پایتخت قطر واقع شده و مرکز فرماندهی و پشتیبانی و پایگاه هوایی اصلی عملیات‌های جنگی ایالات متحده در افغانستان و عراق است. دولت اواما در سال مالی ۲۰۱۰ مجدداً درخواست ۶۰ میلیون دلار برای بازسازی و تجهیز بیش‌تر این پایگاه کرد. این پایگاه طولانی‌ترین باند هوایی خاورمیانه را دارا می‌باشد (M.Blanchard, 2010:3). به‌نظرمی‌رسد که نزدیکی نظامی قطر با آمریکا و جای‌دادن پایگاه نظامی آمریکا در خاک خود به دلیل ترس آن از نقشه‌های عربستان سعودی باشد. امیرحمد می‌خواست برای آمریکا وفادارتر از عربستان سعودی باشد (AbuKhalil, 2011/11/21). امیر قطر با جای‌دادن بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در خاک قطر، دست بعضی از کشورها مانند سعودی‌ها را که در تلاش برای کنترل کشورهای کوچک حاشیه‌ی خلیج فارس هستند، کوتاه کرده و از این طریق از خود و کشورش دفاع می‌کند (Hroub, 2012).

همچنین قطری‌ها به دلیل ترس از انتقال قدرت‌های بزرگ صورت‌گرفته در گذشته و برای ایجاد تنوع در وابستگی امنیتی خود، به‌دنبال ضمانت‌هایی از جانب هند بودند. به‌این ترتیب در نوامبر ۲۰۰۸، به‌دنبال بازدید نخست‌وزیر هند از قطر، روابط هند و قطر محکم‌تر و نزدیک‌تر شد. این روابط شامل امکان کمک نظامی هند به قطر در صورت درخواست قطر بود. این توافقات نظامی در واقع نوعی پدافند سخت‌افزاری است که در هسته‌ی امنیت قطر قرار دارد و باید گفت که یکی از جنبه‌های اساسی و پایه‌ای سیستم امنیتی قطر است. این امنیت سخت‌افزاری به‌وسیله سیاست‌هایی که تقویت‌کننده‌ی امنیت نرم‌افزاری قطر است کامل می‌شوند (B.Roberts, 2009:248). هند نیز به این ارتباط

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۱۰۹

استراتژیک نیازمند است چراکه از سال ۱۹۹۲ که این کشور اقدام به اصلاحات اقتصادی بزرگی نموده است، رشد و اصلاح اقتصادی، نیازمندی به بازارهای سوخت فسیلی در ماورای مرزها را به‌عنوان یک ضرورت در راستای ادامه‌ی فرایند توسعه‌ی اقتصادی مطرح می‌سازد. قطر با صادرات سالانه ۵ میلیون تن گاز مایع طبیعی به کشور هند، در تأمین انرژی این کشور نقشی اساسی دارد (Alterman, 2012: 81).

ائتلاف‌سازی با کشورهای متجانس منطقه (شورای همکاری خلیج فارس) تنگنای امنیت در روابط بین‌الملل، موضوعی کلیدی و امری اجتناب‌ناپذیر است (پورا احمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۷)؛ تا جایی‌که، امنیت مهم‌ترین دل‌مشغولی واحدها در سیستم بین‌الملل بوده و به همین جهت، اغلب الگوهای رفتاری واحدها، معطوف به تأمین آن است. در این راستا امنیت واحدها تحت تأثیر متغیرهای مختلفی بوده است که سطح منطقه‌ای از جمله سطوح تأثیرگذار بر آن در نظر گرفته می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹: ۵۸). در منطقه‌ی خلیج فارس افزایش روند نظامی‌گری، احساس بدبینی کشورها را به یک‌دیگر افزایش داده و احتمال درگیری‌های نظامی را قوت بخشیده است. امروزه، مفروض روابط خارجی بین دولت‌های منطقه، احساس تهدید از طرف مقابل است (یکتا، ۱۳۷۵: ۷). در این منطقه، کشورها نسبت به یک‌دیگر در فضای ادراک متضاد قرار داشته و با نشانه‌هایی از «عدم اطمینان» روبرو هستند (ملک‌محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۷). یکی از مواردی که موضوع امنیت خلیج فارس را چالش‌زده جلوه‌گر می‌نماید، مباحث مرتبط با پدیده‌ی ایران‌هراسی می‌باشد که به‌نوعی این مسأله در کنار خطر عراقِ زمان بعثی‌ها، موجبات تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را فراهم نمود. از آن‌جاکه تفکر ملی‌گرایی عرب بر این اساس است که ایران تمایل دارد تا حلقه‌ی امنیتی اعراب در منطقه را از بین ببرد، و تفکر ایرانیان نیز بر این متمرکز است که اعراب منطقه می‌کوشند تا منافع ایران را در خلیج فارس انکار نمایند، نظرات متفاوتی از جانب کشورهای منطقه در باره‌ی سیاست امنیتی خلیج فارس بروز نموده است؛ به‌صورتی که پرداختن هر کشور به مسأله‌ی امنیت خود، به‌منزله‌ی تهدید علیه کشور دیگر و مغایر با استقرار امنیت در خلیج فارس تلقی می‌گردد (افشردی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). این

عامل موجب تمایل کشورهای منطقه به کنش‌های امنیتی یک‌جانبه و چندجانبه‌ای شده است که شورای همکاری خلیج فارس دستامد آن است. ایجاد شورای همکاری خلیج فارس بدون حضور ایران و عراق (ارسیا و احمدی، ۱۳۹۲: ۳) حکایت از یک اقدام امنیتی ناقص در منطقه دارد (اسدی، ۱۳۹۱: ۵).

شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ و با عضویت عربستان، کویت، امارات متحده، قطر، بحرین و عمان، با تأکید بر این هدف که کشورهای کوچک حوزه‌ی جنوبی با پیوستن امکانات خود به یک دیگر می‌توانند در مسائل امنیتی، بیش از پیش به خود متکی باشند، تأسیس شد. تعهد و هماهنگی با سیاست‌ها و اهداف شورای همکاری خلیج فارس یکی از اصول سیاست خارجی قطر است. این کشور در ۲۵ مه ۱۹۸۱ به همراه سایر شیخ‌نشین‌های عربی حوزه‌ی خلیج فارس در تشکیل شورای همکاری مشارکت کرد (سهرابی، ۱۳۹۲: ۱۳۱). از مشخصه‌های شورای همکاری، توان مالی و اقتصادی کشورهای عضو آن است. توان مالی و اقتصادی می‌تواند در عرصه‌ی داخلی منجر به خرید مشروعیت و ثبات سیاسی گردد و در عرصه‌ی منطقه‌ای توان چانه‌زنی و تأثیرگذاری آن‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین تسلط این کشورها بر منابع عظیم گازی و نفتی و همراهی آن‌ها با ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل (Bachelier, 2012: 21)، موجبات افزایش پرستیژ این کشورها در جهان گردیده و از طرفی شرایط نفوذ و دخالت کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این کشورها را مهیا نموده است.

سرمایه‌گذاری در صنعت آب

آب از جمله منابعی است که به‌طور گسترده در روی زمین وجود دارد، با این حال فقط ۰/۸۴ درصد این منبع، آب شیرین قابل دسترسی می‌باشد (Simonovic, 2009). در این میان، رشد جمعیت و توسعه‌ی اقتصادی نیز باعث افزایش تقاضا برای آب شده و موجودیت آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدولی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). کشورهای نفت‌خیز عربی نظیر کویت، قطر، عربستان و امارات متحده جزو پنج کشور از ۹ کشوری هستند که در سطح دنیا کم‌ترین منابع آب سرانه را در اختیار دارند. در این کشورها تقریباً تمام

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۱۱۱

آب‌خانه‌های زیرزمینی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و منابع جدیدی برای رفع نیازهای آتی وجود ندارد (بزی، ۱۳۸۹: ۸). کشورهای منطقه‌ی خلیج‌فارس با مشکل فزاینده‌ی کم‌آبی مواجه هستند؛ افزایش روزافزون جمعیت نیز همواره این مشکل را تشدید می‌نماید. در حال حاضر به‌منظور حل مشکلات ناشی از بحران آب در منطقه‌ی خاورمیانه و حوزه‌ی خلیج‌فارس و به‌ویژه کشورهای عربی، به‌طور وسیعی از شیرین‌کردن آب دریا استفاده می‌شود (بزی، ۱۳۸۹: ۱۰). در جدول ۷ فهرست کشورهای منطقه‌ی خلیج‌فارس که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۲۵-۱۹۹۰ در طبقه‌ی «کم‌یابی آب» قرار دارند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ در این طبقه قرار گیرند، نمایش داده می‌شود (براساس کم‌تر از ۱۰۰۰ مترمکعب منابع تجدیدشونده برای هر نفر در سال) که نشان‌دهنده‌ی وضعیت حادّ قطر است.

جدول شماره‌ی ۷- کشورهای خلیج‌فارس (وضع کنونی و آینده در موضوع کم‌یابی آب)

کشورهای موجود در طبقه‌ی کم‌یابی در سال ۱۹۹۵	کشورهای موجود در طبقه‌ی کم‌یابی در سال ۱۹۹۰	کشورهای جزء طبقه‌ی کم‌یابی آب در سال ۲۰۲۵ افزون بر کشورهای از پیش کم‌یابی آب
بحرین	قطر	عمان
کویت	عربستان	ایران
	امارات عربی متحده	
	یمن	

برگرفته از (صادقی، ۱۳۸۷: ۲۰۳)

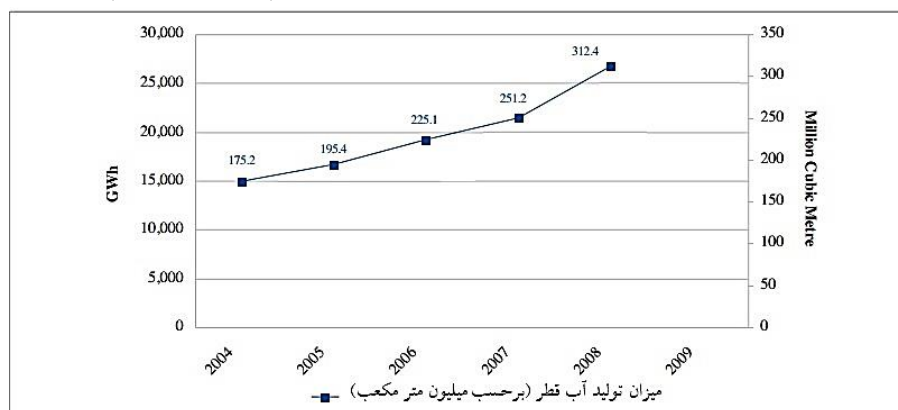
قطر از سال ۱۹۹۰ در طبقه‌ی کشورهای کم‌یابی که در معرض کم‌یابی و معضل تأمین آب آشامیدنی هستند، قرار دارد. این معضل از آن‌جا ناشی می‌گردد که همه‌ی مساحت قطر، خشکی بوده و رودخانه یا آب‌های انباشته مانند دریاچه در آن وجود ندارد (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۴). کل ظرفیت تولید آب از تمام منابع قطر ۱۱/۲۵ میلیون گالن در روز است؛ در حالی‌که آب ضروری روزانه این کشور ۹۰ میلیون گالن است (قاسمی،

www.sabteahval.ir). از طرف دیگر با توجه به جدول، کشورهای همسایه‌ی قطر نیز با این مشکل دست‌وپنجه نرم می‌کنند که این امر موجب رقابت، تعارض و تعاملات در راستای غلبه بر مشکل می‌گردد.

وضعیت منابع آبی در قطر

مطالعات نشان می‌دهد که قطر با تنش‌های برخاسته از کمبود منابع آب مواجه است و به تعداد متعددی از چالش‌ها در زمینه‌ی عرضه‌ی مستمر آب و برآوردن نیازهای روبه‌رشد باید پاسخ دهد. قسمت اعظمی از منابع آبی کشور در بخش کشاورزی به مصرف می‌رسد. اما افزایش جمعیت شهرنشین و توسعه‌ی صنایع نیز به این بخش مصرف‌کننده‌ی اعظم پیوسته‌اند. از آن‌جاکه نیاز به آب در عرصه‌ی مصارف خانگی و صنعتی در وهله‌ی اول از طریق تأسیسات آب شیرین‌کن برآورده می‌گردد، ظرفیت تولیدی قطر از سال ۲۰۰۴ تا به حال دو برابر گشته و به‌طور متوسط سالانه این ظرفیت ۱۵ درصد افزایش می‌یابد (Bachelier, 2012: 102).

نمودار شماره‌ی ۱۰- میزان رشد تولید آب در کشور قطر (برحسب میلیون متر مکعب)



برگرفته از (Bachelier, 2012: 102)

در حال حاضر آب شیرین‌کن‌ها جهت تأمین نیمی از کل مصرف آب و ۹۹ درصد از آب آشامیدنی شهروندان مورد استفاده قرار می‌گیرند. انتظار می‌رود که تولید آب بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ حدود ۹ درصد افزایش یابد (Bachelier, 2012: 102). شهر دخان واقع

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۱۱۳

در ساحل غربی قطر با فاصله‌ی ۸۴ کیلومتری دوحه مرکز بزرگ تقطیر و شیرین‌سازی آب دریاست (قاسمی، www.sabteahval.ir) که با این حساب یکی از کدهای ژئوپلیتیک این کشور قلمداد می‌گردد. شرکت برق و آب قطر (QEWC)، بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی انرژی و آب در قطر، امکانات توسعه‌ای و تحقیقی خود را با همکاری مرکز آب کشور ژاپن (WRPC) راه‌اندازی نموده‌است. فعالیت‌های تحقیقی - توسعه‌ای این مرکز در دُخان، شامل مطالعه در مورد امکان‌سنجی دستیابی به تکنولوژی‌های جدید نمک‌زدایی از آب - برعکس نمودن نفوذ و جریان آب شور - است که مستلزم مصرف زیادی از انرژی نیست و توان تبدیل آبی را که از سطح بالایی از شوری برخوردار است، دارا است. از دیگر اقدامات ارزش‌مند QEWC، امضای قرارداد با شرکت تعاونی آب‌شور سعودی (SWCC)، به‌منظور توسعه‌ی شرکت پیوند نانو، تصفیه‌ی آب، معکوس‌سازی جریان آب‌شور و تجاری‌سازی دیگر پروژه‌های مربوط به تکنولوژی نمک‌زدایی از آب می‌باشد (Bachelier, 2012: 105).

حل اختلافات ارضی و مرزی

کنترل مطلوب مرزها از حیث تأثیر مهمی که بر امنیت کشور دارد، مورد توجه حکومت‌ها بوده است (Glassner, 2004: 80). کنترل مرزهای سیاسی، همواره از دغدغه‌های اصلی حکومت‌ها می‌باشد (زرقانی، ۱۳۹۲: ۴). مرز ابزار پایه‌ی یک دولت است و مفهوم مرزها برای اثبات حاکمیت و روابط آن با دولت‌های دیگر ضروری است (شوتار، ۱۳۸۶: ۱۹۱). در خلیج فارس تحت تأثیر عوامل متعددی از قبیل ماهیت استعماری و تحمیلی مرزها، اختلافات ارضی زیادی وجود دارد که موجبات تولید تنش‌هایی در امنیت منطقه است. اگر میان کشورهای مختلف شورای همکاری خلیج فارس روابط نامنی وجود دارد ناشی از اختلافات مرزی و مسائل و مشکلات عقیدتی و سیاسی است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۴). نتایج جغرافیایی هر اختلاف مرزی به نوع قدرت دو طرف مخاصمه برای رسیدن به راه‌حل بستگی دارد. اگر اختلاف مرزی با توافق کامل دو کشور به‌طور دایم به حل و فصل بینجامد، منجر به افزایش تعاملات مرزی خواهد شد. اما اگر اختلاف مرزی به‌صورت

موقت و با رضایت نسبی طرفین یا یکی از دو کشور حل شود، مانند آتش زیرخاکستر است و نه تنها در افزایش تعاملات مرزی چندانی نخواهد داشت، بلکه با کوچک‌ترین تنش بین دو کشور، بار دیگر اختلاف مرزی باعث درگیری دو کشور می‌شود (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). شرایط منحصر به فرد خلیج فارس که بر روی فلات قاره قرار گرفته و حضور دیرینه انگلستان در منطقه و بهره‌گیری از مرزبندی‌های سیاسی مصنوعی، تاکنون به‌عنوان یک منشاء اولیه در ایجاد و توسعه اختلافات ارضی / مرزی کشورهای منطقه عمل کرده؛ چنین است که تمامی کشورهای خلیج فارس با یک‌دیگر اختلافات سرزمینی دارند و در هیچ منطقه‌ای از جهان به‌میزان خلیج فارس، اختلافات ارضی / مرزی وجود ندارد (اسدی، ۱۳۸۰: ۳۴۵). ژن دائم‌فعال اختلافات، به‌عنوان عامل امنیتی‌کردن فضای استراتژیک منطقه عمل می‌کند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵). تحمیلی بودن مرزها از نظر جغرافیای سیاسی و دخالت مستقیم و غیرمستقیم انگلستان در راستای تأمین منافع خود، کشف و استخراج نفت، موقعیت استراتژیک برخی نقاط یا جزایر منطقه، سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی برخی کشورها، دخالت‌های غیرقانونی برخی دولت‌های خارجی، و برداشت‌های نادرست برخی منابع و احتمالاً سوءاستفاده از شرایط موجود پس از جنگ دوم خلیج فارس در جهت تأمین هدف‌ها و منافع خود (اسدی، ۱۳۸۰: ۳۵۱)، حکایت از ژرفای اختلاف‌انگیز بودن وضعیت مرزی کشورهای خلیج فارس دارد.

جدول شماره‌ی ۸. ژنوم ژئوپلیتیک اختلافات ارضی قطر با همسایگان

طرفین	موضوع مورد اختلاف
عربستان و قطر	ادعای عربستان به مالکیت بر ۲۳ مایل از سواحل جنوب شرقی قطر، منطقه‌ی ابوالخفوس
قطر و بحرین	اختلاف بر سر جزایر حواری و نوار زباره
قطر و ابوظبی	بر سر مالکیت جزیره‌ی حالول، آب‌های ساحلی فلات قاره، بندر نفتی ام‌السعید و خورالعدید

برگرفته از (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

همان‌طور که مضمون جدول ۸ نشان می‌دهد در فضای مملو از اختلافات ارضی و مرزی منطقه‌ی خلیج فارس، سهم کشور قطر از این اختلافات کم نیست و با کشورهای بحرین، عربستان و ابوظبی اختلافاتی داشته که تا حدودی در حل آن‌ها موفق شده است؛ اما، این اختلافات هم‌چنان به‌عنوان آتش زیر خاکستر وجود دارند و در صورت بروز تعارضات در دیگر عرصه‌های سیاست خارجی، این اختلافات ارضی و مرزی، دوباره فعال خواهند شد، چراکه سابقاً تنش میان دوحه و ریاض اولین بار در سال ۱۹۹۲ با تجاوز عربستان به قطر حالت جدی به خود گرفت. تنش‌های مرزی بار دیگر در سال ۱۹۹۴ تکرار شد. به‌دنبال آن قطر قرارداد مرزی ۱۹۶۵ با عربستان سعودی را به حالت تعلیق درآورد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱: ۵۲-۵۸). تنش‌های بلندمدت قطر با بحرین نیز بر سر جزایر حواری، با تصمیم دادگاه بین‌المللی لاهه، در سال ۲۰۰۱ به نفع بحرین حل شد (Akhmetov, 2012). این ژنوم به‌صورت موقت خاموش است و دلیل خاموشی آن، به سیاست‌های تنش‌زای قطری‌ها در منطقه برمی‌گردد.

دیپلماسی منطقه‌ای مذهبی

عربستان و قطر دو دولت وهابی شبه‌جزیره‌ی عربستان را تشکیل می‌دهند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۶) و قطر به‌عنوان دومین کشوری که دارای مذهب رسمی وهابی است، به‌علت همسایگی با عربستان و روابط فرهنگی دیرینه‌ای که با هم دارند نوعی تبعیت مذهبی نسبت به عربستان دارد (سهامی، ۱۳۹۲: ۳۱). قطری‌ها به‌لحاظ اجتماعی و مذهبی، تداوم عربستان‌اند. این کشور پس از عربستان سعودی، دومین کشوری است که مذهب آن وهابیت است (اسدی، ۱۳۹۰: ۵). بر اساس قانون اساسی قطر، این کشور یک حکومت و کشور مستقل عربی است و اسلام مذهب رسمی و شریعت (قوانین اسلامی) منبع اصلی قانون‌گذاری در آن به‌شمار می‌رود (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۹). بیش‌تر جمعیت قطر را پیروان دین اسلام تشکیل می‌دهند. در حدود ۷۷٫۵ درصد از مردم این کشور مسلمان، ۸٫۵ درصد مسیحی و ۱۴ درصد نیز پیرو سایر ادیان هستند. بیش از پنجاه درصد جمعیت اهل سنت قطر، از جمله خاندان آل‌ثانی، پیرو مذهب وهابی هستند. با توجه به وهابی‌بودن حاکمیت

در قطر، عملاً مذهب وهابی بیش‌ترین نفوذ را در فضای سیاسی و فرهنگی جامعه داراست. شیعیان قطر نفوذ قابل‌توجهی در بازار این کشور دارند. دیگر ادیان مانند مسیحیت در مجموع از نفوذ بسیار کم‌تری برخوردارند. سنن مذهبی در میان مردم قطر از ارزش بالایی برخوردار است و به فرایض دینی اهمیت بسیاری داده می‌شود (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۶). حمدبن خلیفه آل‌ثانی، امیر قطر در حالی بزرگ‌ترین مسجد دوحه را افتتاح کرد که بر آن نام شیخ محمدبن عبدالوهاب، امام سلفی‌ها و وهابی‌ها را نهاده است. حرکتی که شباهت بسیاری درباره‌ی آینده نقش قطر در نقشه‌ی سیاسی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس ایجاد کرده است. شیخ حمد هنگام افتتاح این مسجد بزرگ که ۱۷۵ هزار مترمربع وسعت دارد، گفت: «جد ما شیخ جاسم هم‌زمان هم حاکم بود هم عالم دینی. او کسی بود که به دعوت شیخ ابن عبدالوهاب لبیک گفت و اندیشه‌ها و مکتب او را در کشورمان و خارج از آن در سراسر جهان اسلامی ترویج و منتشر کرد. او مسئولیت بزرگی در نشر کتاب‌های اهل دعوت داشت و حتی برای چاپ آن‌ها در هند شخصاً سرمایه‌گذاری کرد». کارشناسان بر این اعتقادند که افتتاح این مسجد و متعاقب آن سخنرانی امیر قطر درباره‌ی آن در حقیقت اعلام این موضع دوحه به سلفیون است که وهابی‌ها می‌توانند بر روی آن حساب کنند؛ به‌ویژه که قطر سابقه‌ی چند دهه‌ای در حمایت از وهابیون، سلفی‌ها و اخوان‌المسلمین داشته است (رضاه‌خواه، ۱۳۹۰: arezakhah.blogfa.com). به‌نظر می‌رسد این راهبرد به‌منظور خاموش‌سازی ژنوم قدرت‌زدای همجواری با عربستان مفید بوده‌است، چرا که هم‌راستایی با سیاست‌های مذهبی عربستان را نمایان می‌سازد.

نتیجه‌گیری

دولت‌مردان و تصمیم‌گیران سیاست در قطر، با درک ماهیت ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در ساختار کشور، اقدام به گزینش راهبردها و کنش‌هایی در سیاست خارجی نموده‌اند که ماحصل کار، فعال‌سازی دسته‌ای از ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌آفرین است. از آن‌جاکه هم‌پیوندی دائم بین این ژنوم‌ها وجود دارد، تأثیرات مثبت یا منفی یک اقدام، به دیگر عرصه‌ها نیز سرایت می‌نماید. به‌طور مثال با درک سیاست‌مداران این کشور از میزان تأثیری که در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تأمین امنیت جهانی انرژی می‌تواند داشته باشند، در این عرصه اقداماتی انجام شده که نتیجه‌ی آن افزایش توان اقتصادی دولت بوده است. در مراحل بعدی، توان اقتصادی حاصله، پشتیبان درایت‌های دیپلماتیک و سیاسی آن‌ها گردیده و عرصه را برای فعال‌سازی دیپلماسی ورزشی، میانجی‌گری و دیگر کنش‌های قدرت‌زا و پرستیژ‌آور فراهم نموده است.

جدول شماره‌ی ۹- راهبردهای فعال‌سازی/خاموش‌سازی ژنوم‌ها و دستامد آن‌ها

دستاوردها	راهبردهای فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌آفرین
پیوند امنیت ملی با امنیت انرژی در جهان و وابسته‌سازی بازیگران	جایگاه‌یابی در ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل
جلب توجه بین‌المللی و کسب معروفیت	برندسازی
ثبات سیاسی از راهرو ایمن‌سازی کشور از سرایت اعتراضات	خرید مشروعیت در عرصه‌ی داخلی
کسب پرستیژ بین‌المللی، نمایش قدرت اقتصادی، جلب همراهی، میزبانی	خرید وجهه‌ی بین‌المللی
اقتناع و تسلط بر افکار عمومی، انجام تبلیغات منفی علیه رقبا	فعال‌سازی دیپلماسی رسانه‌ای
نمایش قدرت اقتصادی، رونق صنعت توریسم و زیرساخت‌سازی‌های گوناگون	فعال‌سازی دیپلماسی ورزشی
کسب مشروعیت بین‌المللی، تقویت موضع بی‌طرفی، غلبه بر رقبا	فعال‌سازی دیپلماسی میانجی‌گری

دستاوردها	راهبردهای خاموش‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک قدرت‌زدا
دفع تهدیدات منطقه‌ای و اضطراب‌های سیاسی	رضایت به حل اختلافات ارضی و مرزی
پوشش ضعف عقبه‌ی استراتژیک، افزایش توان چانه‌زنی با قدرت‌های منطقه‌ای، تحریک حساسیت قدرت‌های منطقه‌ای	پیوند استراتژیک با قدرت‌های فرامنطقه‌ای
پوشش ضعف توان نظامی، تجانس‌سازی وضعیت با شرایط منطقه، عدم تحریک حساسیت کشورهای عرب و سنی‌مذهب	ائتلاف استراتژیک با کشورهای متجانس منطقه
هم‌راستایی با سیاست‌ها و حساسیت‌های مذهبی عربستان، جلب نظر یک قدرت منطقه‌ای، حمایت از گروه‌های افراطی	توسل به دیپلماسی مذهبی/منطقه‌ای
خنثی‌سازی موقت ضعف کمبود منابع آبی با دریافت تکنولوژی	سرمایه‌گذاری در صنعت آب

فهرست منابع و مآخذ

- اتوتایل، ژناروید، سیمون دالبی و پاول روتلج (۱۳۸۰) اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه‌ی محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: وزارت امور خارجه.
- ارسیا، بابک و حسین احمدی (۱۳۹۲) «مسائل ژئوپلیتیک، امنیتی، اقتصادی و دفاعی حوزه‌ی خلیج فارس»، مجموعه مقالات نهمین همایش خلیج فارس، تهران: مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران و جهاد دانشگاهی، جلد اول.
- اسدی علی‌اکبر (۱۳۹۰) «سیاست خارجی قطر و تحولات عربی: مبانی و مؤلفه‌ها»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۲، شماره‌ی ۴۷، زمستان.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۱) «شورای همکاری خلیج فارس و تحولات جهان عرب: دگر‌دیی در اهداف و منافع»، گزارش راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره‌ی ۴۲۵، مرداد.
- اصغری‌ثانی، حسین (۱۳۹۲) ارزیابی قدرت نرم قطر، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۹۱) «شناسایی ظرفیت‌های حقوقی محدودکننده‌ی تحرکات نظامی نیروهای فرمانطقه‌ای در هوا و آب‌های خلیج فارس»، راهبرد دفاعی، سال ۱۰، شماره‌ی ۳۹، پاییز.
- بزی، خدارحم و همکاران (۱۳۸۹) «بحران آب در خاورمیانه، چالش‌ها و راهکارها»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره‌ی بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام، زاهدان: ۲۵ فروردین.
- پوراحمدی، حسین و مسعود رضائی (۱۳۹۲) «ارزیابی و تبیین ابعاد حمله‌ی نظامی احتمالی به ایران»، راهبرد دفاعی، سال ۱۱، شماره‌ی ۴۳، پاییز.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و مریم امیدی آوج (۱۳۸۸) «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، ژئوپلیتیک، سال ۵، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱) «نگاهی به اختلافات مرزی قطر با عربستان»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌ی ۶۳ و ۶۴، آذر و دی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پایلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و محمدحسین افشردی (۱۳۸۱) «تحلیل ژئوپلیتیک قفقاز بستری برای تدوین سیاست خارجی مناسب‌تر در منطقه»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره‌ی ۴۲، بهار.
- خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری و منیر یاری (۱۳۹۱) «آینده‌پژوهی سیاست خارجی: کُد/ ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران و همسایگان»، مطالعات آینده‌پژوهی، سال ۱، شماره‌ی ۳، پاییز.
- خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری و هادی صیادی (۱۳۹۱) «پیوند کُد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (نمونه‌پژوهی: ترکیه و ایران)»، مطالعات اورآسیای مرکزی، سال ۵، شماره‌ی ۱۱، پاییز و زمستان.

۱۲۰ ■ فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، شماره ۸

- خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری، هادی صیادی و حسین اصغری ثانی (۱۳۹۱) «ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۱، شماره ۳، پاییز.
- خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری و منیر یاری (۱۳۹۲) «ژنگان ژئوپلیتیک منطقه‌ی خلیج فارس، سنجش همگرایی/واگرایی درون منطقه‌ای با بهره‌گیری از تکنیک سوات»، راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۸، پاییز.
- خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری و هادی صیادی (۱۳۹۲) «پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران و افغانستان»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۹، پاییز.
- خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری، هادی صیادی و حسین اصغری ثانی (۱۳۹۲) «پیوند ژنگان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی، نمونه پژوهی: پاکستان و ایران»، مطالعات شبه‌قاره، سال ۵، شماره ۱۷، زمستان.
- خلیلی، محسن، جهانگیر حیدری، هادی صیادی و حسین اصغری ثانی (۱۳۹۲) «مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق»، مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۳، پاییز.
- زرقانی، سیدهادی و همکاران (۱۳۹۲) «تعیین موقعیت دقیق مسیر حرکت کشتی‌ها در مرزهای دریایی با استفاده از شبکه‌ی حس‌گر بی‌سیم»، ششمین کنگره‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران: موضوع پدافند غیرعامل، ۷ و ۸ آبان‌ماه ۱۳۹۲، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم و همکاران (۱۳۹۰) «ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌المللی و ژئوپلیتیک انرژی ایران (بررسی موردی: حوزه‌ی دریای خزر)، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۸، زمستان.
- سهرابی، عبدالله (۱۳۹۲) قطر، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- شریفی، کیومرث (۱۳۸۹) راهنمای تجارت با قطر، تهران: شرکت چاپ و بازرگانی ایران.
- شوتار، سوفی (۱۳۸۶) شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی، ترجمه‌ی سیدحامد رضیعی، تهران: سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶) نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی، تهران: قومس.
- قاسمی، فرهاد و احمد ماله‌میر (۱۳۹۱) «تأثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازاریابی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، سال ۱۰، شماره ۴۰، زمستان.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا و مهدی داوودی (۱۳۹۱) «تأثیر ایران‌هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان.
- نادری قطب‌الدینی، عباس (۱۳۸۲) «انتقال پایگاه هوایی آمریکا از عربستان به قطر»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۶۹، خرداد.
- نکته‌دان، حوریه و حافظه سیفی آتشگاه (۱۳۸۶) «اینترنت و تأثیر آن بر فعالیت‌های القاعده، علوم سیاسی، شماره ۷، پاییز.

فعال‌سازی ژنوم‌های قدرت‌آفرین / خاموش‌سازی ژنوم‌های قدرت‌زدا ■ ۱۲۱

- واعظی، محمود (۱۳۸۹) «نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه‌ی خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا»، روابط خارجی، سال ۲، شماره‌ی ۶، تابستان.

- یکتا، حسین (۱۳۷۵) «تهدیدهای امنیتی خلیج فارس»، تاریخ جنگ، شماره‌ی ۱۱، تابستان.

- Abukhalil, Asad (2011) Determinants of Qatar's Foreign Policy (Part 2), Thu, November 24. <http://english.al-akhbar.com/blogs/angry-corner/determinants-qatari-foreign-policy-part-ii>
- Akhmetov, Timur (2012) Explaining Qatar's foreign policy, February 27.
- Al-Ansary, Marawa (2012) Geological and physiochemical characterisation of construction
- Alterman, Jon B. & others (2012) Gulf Kaleidoscope, Reflection on the Iranian Challenge, A Report of the CSIS Middle East program, may 2012.
- Anzawa, Munehiro (2011) AlJazeera as a Political Tool Within the Contradictions of Qatar, The American University in Cairo, School of Global Affairs and Public Policy, A Thesis Submitted to the Department of Middle East Studies.
- B.Roberts, David (2009) Qatar's Search for Security ,Proceedings of the Postgraduate Symposium , Building Bridges in Social Science ,University of Plymouth , www.ppgs-research.org
- Bachelier, Imen Jeridi (2012) Renewable Energy in the GCC Countries, Resources, Potential and Prospects, First published March 2012 by Gulf Research center.
- Banks, Ferdinand (2007) a long introduction to economic theory and natural gas. The University of Uppsala, Uppsala Sweden, P: 2. <http://www.ambientediritto.it/dottrina/Politich>
- Blanchard, Christopher M. (2014) Qatar: Background and U.S. Relations, Congressional Research Service, Informing the Legislative debate since 1914, Specialist in Middle Eastern Affairs, January 30, 2014.
- BP Energy Outlook 2035 (2014); bp.com/energyoutlook #BPstats.
- BP Statistical Review of World Energy (June 2013); bp.com/statisticalreview, June 2013.
- Dickinson, Elizabeth (2012) Qatar builds a brand as mediator, Christian Science Monitor. at: <http://www.minnpost.com/christian-science-monitor/2012/03/qatar-builds-brand-mediator>.
- Doherty, Regan (2012) Tiny Qatar stands tall in int'l affairs, Reuters January 19. <http://www.gmanetwork.com/news/story/245123/news/world/tiny-qatar-stands-tall-in-int-l-affairs>.
- Fattouh, Bassam (2012) The Geopolitics of Natural Gas in the Middle East and North Africa, Oxford Institute for Energy Studies, Oxford, UK, 2009–2012 Triennium Work Report, June 2012.
- Ghareeb, Edmund (2000) New Media and the Information Revolution in the Arab World: An Assessment, Middle East Journal, Vol. 54, No. 3, pp 409.
- Glassner, M. & Fahrer, C. (2004) Political Geography, USA: John Wiley and Sons.
- Green, R. (2009) Solving the Darfur Crisis: The U.S Prefers Qatar to Egypt as Mediator, the Middle East Media Research Institute, August 19. At: <http://www.memri.org/report/en/0/0/0/0/0/3572.htm>.
- Greer, William (2013); Trends and projections of annual birth volumes in the State of Qatar: 1970-2025, Qatar Foundation Journals, 03 July 2013.
- Hroub, Khaled (2013) Qatar: geostrategic media and foreign policy, Norwegian Peacebuilding Resource Center, Policy Brief, February 2013.
- Hroub, Khaled (2012) How AlJazeera's Arab spring advanced Qatar's foreign policies, autumn, Sunday, 08 April. at: http://www.europesworld.org/NewEnglish/Home_old/Article/tabid/191/ArticleType/ArticleView/ArticleID/21877/HowAlJazeerasArabspringadvancedQatarsforeignpolicies.aspx

- Ibrahim, Frank Harrigan (2012) Qatar's economy: Past, present and future, Department of Economic Development, General Secretariat for Development Planning, Doha, Qatar, 17 September 2012.
- International Energy outlook 2007(2008) Energy information Administration, Office of Integrated Analysis and forecasting, U.S. Department of Energy, P: 39.
- Jaffe, Amy Myers & others(2013) The Gulf Cooperation Council Natural Gas Conundrum: Geopolitics Drive Shortages amid Plenty, Harvard University's Belfer Center and Rice University's Baker Institute Center for Energy Studies October 2013.
- Justin, Gengler (2013) Does Economic Satisfaction Really Cause Political Apathy in the Gulf? The Social & Economic survey Research Institute, (معهد البحوث الاجتماعيه و الاقتصاديه)

المسحيه), Qatar university.

- Kamrava , Mehran (2011) Mediation and Qatari Foreign Policy ,Middle East Journal, V 65,No.4, Autumn , <http://dx.doi.org/10.3751/65.4.11>.
- Kessous, Mustapha (2011) Sports as Diplomacy: How Small Gulf Countries Use Big Sports to Gain Global Influence, Monday, June 2011.
- M.Blanchard, Christopher (2010) Qatar: Background and U.S. Relations, CRS Report for Congress, May 5.
- Mahgoub, Yasser & Bothayna Abbara(2012) Tall Buildings Legislations in Doha, Qatar, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, Savoy Homann Bidakara Bandung Hotel, Bandung, Indonesia, 15-17 June 2011.
- Toukan, Abdullah and Anthony H. Cordesman (2011) The Iranian Nuclear Challenge: GCC Security, Risk Assessment, and US Extended Deterrence, The Geo-Strategic Importance of the GCC States, Center For strategic International Studies, Arleigh A. Burke Chair in Strategy, February 1, 2011.
- U.S. Energy Information Administration (2013) Countries Qatar, Last Updated: January, 30, 2013.
- U.S. Energy Information Administration, Qatar Country Analysis Brief, January 2014
- Woertz, Eckart (2008); Alternative Energy Trends and Implications for GCC Countries, Gulf research Center, GRS Report, July 2008.
<http://fa.alalam.ir/news/341004>

گسترش بی‌سابقه سرمایه‌گذاری قطر در فرانسه، یک‌شنبه، ۴ تیرماه ۱۳۹۱

www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/.../qa.pdf

مزگان قاسمی، آشنایی با کشور قطر

[http://www.rice.edu/energy/research/LNG%20\(GeoPol%20NG\)/geopoliticsofLNGt](http://www.rice.edu/energy/research/LNG%20(GeoPol%20NG)/geopoliticsofLNGt)

آینده‌پژوهی روابط جنبش امل و حزب الله لبنان

هادی معصومی زارع*

تاریخ وصول: ۹۲/۷/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۸

چکیده

جنبش امل و حزب الله لبنان از میانه‌های دهه ۱۹۸۰م تاکنون دو تجربه متفاوت از حیات مشترک را تجربه کرده‌اند. تجربه نخست در دهه ۱۹۸۰ میلادی و متضمن خشونت بارترین شکل مناسبات بود. اما از اوایل دهه ۱۹۹۰م به این سو طرفین به سوی همگرایی فزاینده‌ای گام برداشته‌اند.

در خصوص آینده دو جنبش و کیفیت مناسبات و تعاملات فی‌مابین ایشان، سه سناریو محتمل است. نخست بازگشت به سطح واگرایی حداکثری دهه ۱۹۸۰م و بروز درگیری‌های خشونت بار و خونین میان طرفین، عادی شدن روابط میان دو گروه و کاسته شدن از سطح روابط راهبردی کنونی و در نهایت استمرار سطح راهبردی مناسبات فعلی و حتی تشدید آن، سه گزینه مورد بحث است که به باور تحقیق جاری در ذیل تحولات جاری منطقه‌ای و داخلی لبنان، سناریوی سوم، تنها گزینه حیاتی و الزامی برای حزب الله و امل است.

واژه‌های کلیدی: امل، حزب الله، آینده‌پژوهی، روابط، همگرایی، واگرایی

* دانش پژوه دکترای علوم سیاسی؛ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

پیشگفتار

یکی از علومی که به ویژه در یک دهه اخیر با اقبال فراوانی در میان محافل علمی مواجه شده است، بحث آینده‌پژوهی است. نخستین جرقه‌های تاسیس این رشته علمی در واقع از دهه‌های نخستین قرن بیستم میلادی و توسط گروهی از جامعه‌شناسان امریکایی زده شد که در آن بر پیش‌بینی تحقق افزایش نرخ مهاجرت و ازدیاد طلاق در فضای اجتماعی آن روز ایالات متحده و به ویژه تغییرات اجتماعی حاصل از پیشرفت تکنولوژیک تاکید شده بود. همچنین پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم، اختراع تکنولوژی‌هایی همچون رادارها، موشک‌های بالستیک قاره پیما و... نیز از قبل پیش‌بینی گردیده بود.

در هر صورت در دوره جنگ سرد، الگوهای پیش‌بینی رخدادهای آینده، بیش از آن که در مراکز دانشگاهی پیش برود در موسسات وابسته به پنتاگون و وزارت دفاع امریکا به پیش می‌رفت. نظریه بازی‌های جنگی^۱ که با هدف پیش‌بینی تحولات احتمالی مرتبط با یک رویارویی هسته‌ای میان امریکا و شوروی سابق طراحی شده بود را می‌توان نخستین مدل روشمند آینده‌پژوهی و آینده‌بینی عنوان نمود.

از نیمه‌های دهه ۱۹۶۰م آینده‌پژوهی به مثابه یک رشته علمی وارد حوزه‌های مختلف علمی شده و توسط دانشمندان آن رشته‌ها مورد توجه قرار گرفت. از آن زمان تاکنون دوره‌های مختلف آینده‌پژوهی در مقاطع مختلف و در دانشگاه‌های متفاوت برگزار شده و نیز انجمن‌های جهانی آینده‌پژوهی نیز تاسیس شده اند. هم اینک بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌های راهبردی کشورهای مختلف بر پایه آینده‌پژوهی و رصد نیازها، اهداف و چشم اندازهای پیش رو طراحی می‌شوند.^۲

در این بین ضرورت آینده‌پژوهی از چند جهت امروزه بیش‌تر از پیش ملموس و آشکار شده است. سرعت بسیار شتابنده تغییرات و تحولات اجتماعی، پیدایش و گسترش ابزارهای ارتباط جمعی، گسترش فناوری‌ها و در نهایت فرایند رو به رشد جهانی شدن و بروز پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی از مهمترین دلایلی است که موجب شده است تا

1. War Games

2. James Allen Dator, *Advancing futures: futures studies in higher education*, p.p. 2-4.

توجه به رشته آینده‌پژوهی در جوامع گوناگون با استقبال مواجه شود. به ویژه آن که برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی‌های کلان و دراز مدت موفقیت آمیز به طور تعیین کننده‌ای با درکی صحیح از آینده و مناسبات حاکم در آن، در تریابط است.

بررسی تاریخچه سی ساله روابط امل و حزب (۱۹۸۴-۲۰۱۳م) که دارای فراز و نشیب‌های مختلفی بوده است، بیانگر آن است که در محیط پرتلاطم لبنان که از تحولاتی شتابنده برخوردار است، بررسی آینده‌پژوهانه روابط این دو جریان اصلی شیعی بسیار پراهمیت است. چه آن که به درستی می‌توان ادعا کرد که آینده طائفه شیعه در گروهی نحوه تعامل میان این دو گروه برجسته است.

هدف از این سناریوپردازی در واقع، کشف چالش‌ها و فرصت‌های ممکن الوقوع فراروی طرفین در آینده و نیز تحدید دایره عدم قطعیت و عدم شفافیت الگوهای روابط به یک حد و مرز محدود و با هدف تدوین استراتژی‌های مناسب و برنامه‌ریزی‌های ضروری و به منظور هدایت مناسب و صحیح امور برای رسیدن به نقطه مطلوب و تحکیم روابط راهبردی کنونی است.

۱. تعریف واژگان

برای تبیین بهتر و فهم شفاف‌تر تحقیق می‌بایست مراد از واژه‌های اصلی بحث یعنی آینده‌پژوهی^۱، و نیز اصطلاحات واگرایی^۲ و همگرایی^۳ که به دو مقطع تاریخی عمده در روابط امل و حزب الله اشاره دارد، را روشن ساخت.

۱-۱. آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی علمی است که با بهره‌گیری از روش‌های تجزیه و تحلیلی و نیز بررسی الگوها و منابع متغیر و باثبات موجود، می‌کوشد تا وضعیت آینده را ترسیم نموده و بر اساس آن برنامه‌ریزی مناسب را صورت دهد.

1. Futures studies / futurology
2. disintegration
3. integration

اساساً آینده‌پژوهی با سه هدف اساسی صورت می‌پذیرد.^۱

کشف آینده «ممکن»^۲

کشف آینده «محتمل»^۳

کشف آینده «مطلوب»^۴

همچنین تکنیک‌ها و الگوهای متفاوتی برای کشف تحولات و رویدادهای آینده از سوی دانشمندان این رشته ارائه شده است که به عنوان مثال می‌توان از آن جمله به موارد ذیل اشاره نمود:

دلفی (Delphi method)

سناریو پردازی (Scenario analysis)

کاوش محیطی (Environmental scanning)

تحلیل شبکه اجتماعی (Social network analysis)

تجزیه و تحلیل روندها (Trends analysis)

تحلیل‌های ریخت شناسانه (Morphological analysis)

نقشه راه (Road mapping)

پیش‌بینی تکنولوژی (Technology forecasting)

مهندسی سیستم‌ها (Systems engineering)

مدل‌سازی (Modelling)

شبیه‌سازی (Simulation)

روش‌های ترکیبی (Mixed methods)^۵

در تحقیق جاری تلاش می‌شود با هدف کشف آینده محتمل^۶ و با استفاده از روش «سناریوپردازی»^۱ سه سناریوی متصور در خصوص آینده مناسبات امل و حزب الله را

1. Wendell Bell, *Foundations of futures studies: human science for a new era*, p. 73.

2. possible futures

3. Probable futures

4. preferable futures

5. Peter C Bishop & Andy Hines, *Teaching about the future*, p.p. 52-57.

6. Probable futures

مورد بررسی قرار داده و میزان احتمال شکل‌گیری هر یک، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۲-۱. واگرایی

فرهنگ لغت انگلیسی «آکسفورد» این واژه را به «فرایند گسست همبستگی»^۱ و نیز «فرایند تجزیه شدن و تبدیل به چند قطعه»^۲ تعریف کرده است.^۳ واژه نامه «وبستر» نیز این کلمه را به معانی‌ای چون «گسیختگی یا تجزیه به عناصر و اجزای تشکیل دهنده»^۴ «از میان رفتن وحدت و یکپارچگی...»^۵ عنوان کرده است.^۶

اما در حوزه علوم سیاسی این واژه بیشتر به عنوان یکی از کلیدواژه‌های مهم مکتب رئالیسم^۷ در تعریف وضعیت موجود در صحنه بین‌المللی و حالتی ثابت در فضای تعاملات و مناسبات میان بازیگران بین‌المللی (دولت - ملت‌ها)^۸ شناخته شده است که در آن فرایند واگرایی، محصول گرایش کشورها به افزایش قدرت ملی خود است که زمینه ساز تعارضات و در نهایت واگرایی میان ایشان می‌شود. در نتیجه جوهره و شاخصه اصلی روابط بین‌الملل از دید رئالیست‌ها واگرایی و در نتیجه آنارشی است.^۹

در نتیجه این واژه (همچون دیگر همنشین خود یعنی همگرایی) بیش از آن که مرتبط با مبانی سیاست و فلسفه سیاسی باشد، در حقیقت از اصطلاحات مورد کاربرد در علم روابط بین‌الملل است و در نتیجه سریان دادن آن به روابط دو گروه «درون فرقه‌ای» نیازمند شفاف‌سازی معنایی آن است.

1. Scenario analysis
2. the process of losing cohesion ...
3. the process of coming to pieces
4. *Oxford Dictionary*/ Disintegration
5. to break or separate into constituent elements or parts
6. to destroy the unity or integrity of
7. *Merriam-Webster Dictionary*/ Disintegrate
8. Realism
9. Nation-states

۱۰. سیدعبدالعلی قوام، روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، صص ۸۲-۸۳. و حمیرا مشیرزاده، تحول

در نظریه‌های روابط بین‌الملل، صص ۹۶-۹۷.

در هر صورت مراد از واگرایی در این پژوهش عبارت است از فرایندی که بازتاب‌دهنده گونه‌ای از رفتار میان دو بازیگر سیاسی است که بیانگر وجود اختلاف در طیفی از مسائل مهم (از راهبردها و خط‌مشی‌های کلان تا مسائل عادی سیاسی) است. این فرایند می‌تواند از صرفِ عدم همکاری و همسازی در موضوعات مشترک آغاز شده و حتی به درگیری‌ها و نبردهای خشونت‌بار مسلحانه منتهی شود.

۳-۱. همگرایی

همگرایی نیز همانند اصطلاح واگرایی از واژه‌های بسیار کاربردی روابط بین‌الملل است که از سنت فکری لیبرال‌ها منتزع شده است.

واژه‌نامه انگلیسی «آکسفورد» دو تعریف «اقدام یا فرایند یکپارچگی»^۱ و نیز «ادغام افرادی که سابقاً از یک دیگر جدا بودند»^۲ را برای این واژه پیشنهاد کرده است.^۳

همان‌طور که گذشت همگرایی در مکتب لیبرالیسم در روابط بین‌الملل به عنوان یکی از پرکاربردترین مفاهیم مورد استفاده قرار گرفته و از درون این مکتب به حوزه اندیشه‌ای و نظری روابط بین‌الملل تسری پیدا کرده است. از بارزترین نظریه پردازان همگرایی در عرصه بین‌الملل می‌توان به کارل دویچ، دیوید میترا نی و ارنست هاس اشاره داشت.

البته این مفهوم در حقیقت به عنوان یک رویکرد و نیز یک دستورالعمل سیاسی برای ایجاد اقتراب و همبستگی میان واحدهای مختلف سیاسی در عرصه بین‌الملل (و به ویژه دولت‌ها) با کاستن از اقتدار شخصی خود و بخشیدن آن به نوعی از اقتدار جمعی و مرکزی، و به منظور ایجاد نوعی از ثبات، آرامش و صلح در عرصه بین‌المللی و حل اختلافات و منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است.^۴ مساله‌ایکه نمونه آشکار آن در همگرایی کشورهای اروپایی در قالب اتحادیه‌ایسیاسی، اقتصادی و نظامی بروز کرده است.

1. the action or process of integrating

2. the intermixing of people who were previously segregated

3. *Oxford Dictionary*/ Integration

۴. رک: سیدعبدالعلی قوام، همان، صص ۴۲-۴۹. و حمیرا مشیرزاده، همان، صص ۹۶.

مراد از همگرایی در پژوهش جاری نیز عبارت است از فرایندی که بازتاب‌دهنده گونه‌ای از رفتار میان دو بازیگر سیاسی است که بیانگر وجود تفاهم و همبستگی در طیفی از مسائل مهم (از مسائل عادی سیاسی تا راهبردها و خط‌مشی‌های کلان) است. این فرایند می‌تواند از صرف همسازی و همراهی زبانی در موضوعات مشترک آغاز شده و به راهبردی‌ترین سطح از مناسبات سیاسی، اقتصادی و نظامی منتهی شود.

در نتیجه تعاریف یادشده از واگرایی و همگرایی که ذکر شد، روشن می‌شود که این تعاریف در معنایی اعم از آن چه نظریه‌پردازان رئالیست و لیبرال استعمال کرده‌اند، به کار رفته‌اند. چه آن که در تحقیق جاری این تعریف بیانگر توصیف مناسبات و تعاملات دو گروه درون فرقه‌ای (امل و حزب الله لبنان) است که در سطحی بسیار خردتر از یک «دولت - ملت» به حساب می‌آیند.

۲. ادوارشناسی تعاملات میان امل و حزب الله (۱۹۸۲-۲۰۱۳م)

از آن‌جا که عموماً طرح‌های آینده‌پژوهانه با لحاظ وضعیت و موقعیت تاریخی کشورها، گروه‌ها، جریان‌ها و... صورت می‌پذیرند، لذا در این بین به اختصار تاریخچه روابط میان دو جنبش اصلی شیعی لبنان از سال ۱۹۸۲م تاکنون مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد.

در یک نگاه کلان تاریخی می‌توان دوره‌های تعامل میان امل و حزب الله را به شش دوره اساسی تقسیم‌بندی نمود. ملاک و ضابطه تقسیم‌بندی جاری در واقع نحوه تعامل ورزی طرفین در منظومه دوگانه‌ای از واگرایی‌ها و همگرایی‌ها و تنش‌ها و همکاری‌هاست.

۲-۱. دوره تغافل و تجاهل (۱۹۸۲-۱۹۸۵م)

دوره میانه سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵م (سال اعلان رسمی حزب الله) را می‌توان دوره تغافل و تجاهل امل و حزب الله نسبت به یکدیگر عنوان نمود. به دیگر بیان در این دوره نه حزب الله قدرت و انگیزه چندانی برای برخورد با امل داشت و نه امل تصور می‌کرد که در کمتر از چندسال یک گروه تازه تاسیس ناشناخته بتواند گوی سبقت از این جنبش را ربوده و به سرعت به محبوبیت فراوانی در میان توده‌های مردمی دست یافته و تبدیل به مهم‌ترین رقیب آن در داخل طائفه شیعه شود.

اتخاذ سیاست و خط مشی‌ای پنهان‌کارانه و مخفیانه و بدور از هر گونه اصطکاک با امل از سوی حزب الله و نیز شعارها و پیام‌های آن مبنی بر ضرورت مبارزه با اشغالگری اسرائیل، مبارزه علیه امیرالیسم جهانخوار، دفاع از انقلاب اسلامی ایران و... که به واسطه همسویی با سیاست‌های کلان امل، حساسیت این جنبش را بر نمی‌انگیخت، در شکل‌دهی به این دوره نقش بسزایی ایفا نمود.

۲-۲. دوره جنگ سخت و نظامی (۱۹۸۵-۱۹۹۰م)

با اعلام رسمی موجودیت حزب الله در سال ۱۹۸۵م روابط میان امل و حزب الله به زودی شاهد آغاز تنش‌هایی - هرچند اندک - است. اولین جرقه تنش و درگیری میان دو طرف در ۳۱ آگوست ۱۹۸۵م یعنی درست کمتر از شش ماه از اعلان رسمی تاسیس حزب الله در شهر صور رخ داده و در ادامه با بازداشت برخی از اعضای حزب الله توسط امل در شهرهای رفتا، دیر قانون النهر، رأس العین و صدیقین بر شدت تنش‌ها افزود.^۱

اما به واسطه ضعف حزب الله در این مرحله و نیز تلاش آن برای عدم انحراف از سیاست راهبردی و اصولی مبارزه با اشغالگران، مقابله به مثل گسترده‌ای از سوی حزب الله علیه امل صورت نپذیرفت. در سال‌های بعد اما درگیری‌های میان طرفین شکل گسترده‌تر و خشونت‌بارتری به خود گرفته و منجر به کشته و زخمی شدن صدها نفر از نیروهای طرفین و در نتیجه غفلت از مبارزه همه جانبه علیه ارتش اشغالگر اسرائیل گردید.

این درگیری‌ها مشتمل بر سه دوره اساسی بوده و در مجموع بیش از هفت درگیری بزرگ (که هر یک تحت بهانه‌ای خاص آغاز می‌گردید) را میان سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰م دربر می‌گیرد.^۲ در ادبیات سیاسی لبنان از این جنگ‌های تلخ به «جنگ برادران»^۳ تعبیر می‌شود. این جنگ‌ها در نهایت با عقد توافق نامه دمشق ۲ در سال ۱۹۹۰م به پایان رسید.

۱. وضاح شرارة، همان، ص ۳۴۷.

۲. ماغناس رانستروب، همان، ص ۱۰۲.

۳. حرب الإخوة

۲-۳. دوره جنگ سرد (۱۹۹۰-۱۹۹۶م)

با پایان یافتن درگیری‌های نظامی میان دو گروه در سال ۱۹۹۰م که به همت ایران و سوریه و با تقسیم نقش میان دو گروه همراه بود، دوره جدیدی از حیات سیاسی دو جنبش آغاز گردید که در نوع خود فصل نوینی از نقش‌آفرینی شیعیان در حوزه سیاسی - نظامی لبنان را نیز رقم زد.

در این دوره که در حقیقت دوره بازنگری حزب الله در ساختار تشکیلاتی و هرم فرماندهی خود و نیز دوره درک امل به ضعف و کاستی خود در برابر حزب الله قدرتمند است، هر چند درگیری‌های نظامی میان طرفین تقریباً به آتش بس و نوعی از همکاری امنیتی - نظامی تبدیل گردید اما شاهد نوعی از جنگ سرد و رقابت گسترده میان طرفین به ویژه در حوزه‌های تبلیغاتی و سیاسی است. به عنوان نمونه حملات لفظی کنایه آمیزی از سوی هر دو گروه خطاب به یکدیگر مشاهده شده و چالش‌های متعددی به ویژه در خصوص ائتلاف میان ایشان به ویژه در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶م مشاهده می‌شود.^۱ در هر صورت بارزترین ویژگی این دوره را می‌توان استمرار درگیری غیرنظامی میان طرفین البته در حوزه سیاسی و تبلیغاتی عنوان نمود.

۲-۴. دوره تنش‌زدایی (۱۹۹۶-۲۰۰۰م)

با پایان یافتن انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۶م و پیروزی فهرست ائتلاف مشترک دو گروه که با فشارهای سوریه و توصیه‌های ایران صورت پذیرفته بود،^۲ روابط حزب الله و امل وارد مرحله نوینی گردید که می‌توان آن را پایه و بنیان روابط راهبردی طرفین دانست که در یک دهه بعد به طور کامل ظهور کرد.

هر چند نقش فشارهای سوریه و نیز فتنه‌گری برخی جریان‌های ضد مقاومت همچون رفیق حریری در درون لبنان را نمی‌توان در بروز این ائتلاف بی‌سابقه میان دو گروه (که

۱. ر.ک: الوحدة الإعلامية المركزية، الكتاب السنوي؛ ۱۹۹۵/۱۹۹۶، صص ۳۶۰-۳۹۲. و جمع من

الباحثین، الانتخابات التیابیه ۱۹۹۶ و أزمة الديمقراطية فی لبنان، ص ۳۷۱.

۲. الوحدة الإعلامية المركزية، بیروت: همان، ص ۴۳.

البته قبل از هر چیز به سود امل تمام می‌شد) نادیده انگاشت اما در هر صورت تحولات بعدی به خوبی بر ضرورت همگرایی بیشتر دو جریان شیعی خاطرنشان کرد. مساله‌ای که در کنار آشفته خاطرکردن فتنه‌گران داخلی، خشم و غضب اسرائیلی‌ها و غربی‌ها و به ویژه امریکایی‌ها را که مترصد بازگشت دو گروه به اختلافات دهه قبل بودند را برانگیخت.^۱ این ائتلاف زمینه‌های خوبی را برای تقریب دیدگاه‌های دو طرف در حوزه‌های مختلف فراهم نموده و در نتیجه طرفین را به تلاش برای تنش‌زدایی حداکثری در حوزه‌های مربوطه واداشت. در هر صورت این وضعیت تا عقب نشینی ارتش رژیم اسرائیل در ماه می ۲۰۰۰م استمرار یافته و دو گروه را به وضعیت نسبتاً با ثباتی از تعاملات رسانید.

۲-۵. دوره همزیستی مسالمت‌آمیز (۲۰۰۰-۲۰۰۵م)

پیروزی حزب الله بر اسرائیل در سال ۲۰۰۰م را می‌بایست نقطه عطف و پیچی تاریخی در حیات این جنبش تصور کرد. این موفقیت باعث شد تا مقاومت اسلامی در طرازی بسیار بالاتر از دیگر احزاب لبنانی مورد پذیرش طوایف و گروه‌های مختلف قرار گرفته و به اعتبار و احترام بی‌بدیلی در جهان اسلام و به طور طبیعی در جهان عرب نائل آید. مقبولیت خدشه‌ناپذیر داخلی و منطقه‌ای حزب الله در این وضعیت و نیز آغاز شدن زمزمه‌هایی از سوی برخی جناح‌های غرب‌گرای لبنانی مبنی بر ضرورت خلع سلاح مقاومت، در کنار تحولات مهم بین‌المللی در این دوره همچون حوادث یازده سپتامبر، اشغال افغانستان و عراق از سوی امریکا و همپیمانانش باعث شد تا جنبش امل به درک ضرورت طراحی هندسه‌ای جدید از روابط با حزب الله افتاده و تلاش کند تا هر چه سریع‌تر به فضایی از همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان بستر شکل دهی به روابط راهبردی با حزب الله وارد شود.

در نتیجه در استمرار تحولات دهه نود میلادی، در این سال‌ها نیز چالش‌های محیطی (اعم از محیط داخلی لبنان و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی) اقتضات خود را بر طرفین تحمیل نموده و دو طرف را به سمت سطح بالایی از همگرایی سوق داد.

۱. کمال ذبیان، «السیفیر الامریکی از عجه ائتلاف امل و حزب الله: تفاؤل جونز باقضاء القوة الإسلامية الأصولية فی الانتخابات تبخر فی الجنوب و البقاع!»، الدیار، ۱۲/۹/۱۹۹۶.

مهم‌ترین تحول تاثیرگذار در این دوره صدور قطع نامه ۱۵۵۹ از سوی شورای امنیت سازمان ملل (مبنی بر لزوم خروج سوریه از لبنان و خلع سلاح گروه‌های شبه نظامی لبنانی و غیرلبنانی موجود در خاک لبنان) است که نقطه عزیمت راهبردی شدن مناسبات حزب الله و امل به حساب می‌آید. در نهایت ترور رفیق حریری در فوریه ۲۰۰۵ م پایان بخش این دوره از حیات مشترک دو طرف و آغازگر اوج همگرایی بی سابقه میان آن‌ها است.

۲-۶. دوره تعامل و همگرایی راهبردی (۲۰۰۵-۲۰۱۳ م)

ترور رفیق حریری در فوریه ۲۰۰۵ م سرآغاز سلسله تحولات بزرگی در لبنان شد که دیگر هیچ بهانه‌ای برای برقراری روابط آشکار استراتژیک میان دو جریان بزرگ شیعی لبنان باقی نگذاشت. چه آن که این رویدادها در واقع به مثابه تهدیدی حیاتی برای دو طرف قلمداد شده و دلخوش کردن به هر سطحی از مناسبات غیر از همگرایی راهبردی می‌توانست دو طرف را برای همیشه از صحنه سیاسی لبنان خارج نماید. زیرا این ترور و پیامدهای آن بیش از هر چیز به مثابه توطئه‌ای برای هدف قرار دادن کل طائفه شیعه و موجودیت مقاومت مورد تحیل قرار می‌گرفت.^۱

در نتیجه فهم این مساله از سوی رهبران دو طرف، مرحله‌ای جدید از روابط بر اساس تعامل استراتژیک و یکسان‌سازی مواضع در همه موضوعات حساس و مهم لبنان در قالب جریان ۸ مارس و یا خارج از آن، میان دو گروه آغاز گردید. به گونه‌ای که پس از آن حتی یک مورد اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه میان ایشان در هیچ مساله‌ای در رسانه‌ها و فضای سیاسی لبنان منتشر نشده است.^۲

این دوره اخیر که حدود بیش از هفت سال از آغاز آن می‌گذرد مشتمل بر تحولات مهمی چون ترور رفیق حریری، خروج نیروهای سوریه از لبنان، حمله اسرائیل به لبنان در

۱. گفتگو اختصاصی نویسنده با دکتر کامل وزنه؛ کارشناس مسائل سیاسی و استراتژیک، بیروت، ۱۵

مرداد ۱۳۹۱.

۲. گفتگو اختصاصی نویسنده با سرتیپ دکتر امین حطیط؛ از فرماندهان سابق ارتش لبنان، بیروت، ۲۴

مرداد ۱۳۹۱.

سال ۲۰۰۶م، توطئه‌های داخلی و بین‌المللی برای خلع سلاح مقاومت لبنان، متهم‌سازی مقاومت به ترور حریری از سوی دادگاه بین‌المللی ترور رفیق حریری، تلاش‌های جریان غرب‌گرای ۱۴ مارس برای ضربه زدن به تشکیلات نظامی حزب الله با اقدام به برچیدن شبکه مخابراتی حزب الله و در نتیجه حوادث ۸ می ۲۰۰۸م، اسقاط دولت سعد حریری در سال ۲۰۱۱م و در نهایت آغاز بحران سوریه از همان سال بوده است.

واقعیت آن است که برآمده از تحولات تهدیدزای سالیان اخیر، دو جریان شیعی لبنانی برای نخستین بار در طول حیات خود در تمامی موارد فوق به طور یکپارچه و منسجم عمل نموده و گونه‌ای از عقلانیت راهبردی را در روابط فیما بین از خود نشان داده است.

۳. سناریوپردازی

با ذکر تاریخچه روابط طرفین می‌توان موضوع سناریوپردازی آینده‌پژوهانه روابط میان ایشان را به نحو مناسب‌تری مورد بحث و کنکاش قرار داد.

در هر صورت در ذیل به سه سناریوی محتمل که می‌تواند در ارزیابی روابط میان امل و حزب الله در آینده مورد توجه قرار بگیرد، اشاره می‌شود. در حقیقت این سه سناریو به سه حالت مختلف محتمل الوقوع در روابط میان طرفین اشاره دارد که به نظر می‌رسد به‌طور کافی می‌تواند بیانگر پازل آینده پژوهانه مناسبات طرفین باشد.

سناریوی اول به صورت کاملاً بدبینانه طراحی شده است که مطابق آن پیش‌بینی می‌شود که روابط متقابل دو طرف، تجربه‌ای همانند آن چه در دهه ۱۹۸۰م گذشت را مجدداً تجربه کند. در این حالت موج خشونت‌ها دوباره به فضای طائفه شیعه بازگشته و دو طرف می‌کوشند تا با بهره‌گیری از فاکتورهای نظامی و قدرت فیزیکی طرف مقابل را حذف و یا لاقلاً منزوی‌سازی ساخته و خود به تنهایی زمام امور طائفه شیعه را به دست گیرد.

سناریوی دوم راه میانه را در پیش گرفته و همچون سناریوی نخست، به چشم انداز آینده روابط امل و حزب الله چندان بدبین نیست اما از طرف دیگر پیش‌بینی می‌کند که سطح روابط میان طرفین از سطح روابط راهبردی کنونی به سطح روابط عادی و معمولی تقلیل یابد.

سناریوی سوم اما به آینده روابط طرفین بسیار خوشبین بوده و پیش‌بینی می‌کند که تعاملات میان ایشان در سطح راهبردی کنونی باقی و یا حتی رو به رشد خواهد بود. اما نکته‌ای که پیش از ورود به بحث تفصیلی از سه سناریوی یادشده می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، فرض وحدت دو جنبش و شکل‌گیری یک جنبش واحد در میان طائفه شیعه است که به طوری که جامعه شیعیان دیگر شاهد دو جریان اصلی سیاسی در میان خود نباشند.

به باور پژوهش جاری هر چند چنین فرضی ذاتاً، عقلاً و حتی وقوعاً محال نخواهد بود اما به واسطه تمایزاتی که کماکان از حیث بینشی و اعتقادی و حتی التزامی میان طرفین وجود دارد، فرض اتحاد این دو جنبش بسیار بعید به نظر می‌آید. البته احتمال تضعیف فزاینده یک طرف و قدرت‌گیری جریان دیگر در دهه‌های آینده چندان غیرمحمّل نبوده و شاید از احتمال بالایی نیز برخوردار باشد، اما در هر صورت فرض اندماج و وحدت طرفین از قرائن و دلایل محکمی برخوردار نمی‌باشد.

در نتیجه سناریوپردازی‌های سه‌گانه در این بخش بر فرض وجود دو جنبش در آینده (بدون در نظر گرفتن میزان قوت و ضعف هر یک و یا برتری هر یک بر دیگری) و عدم اندماج دو جنبش در یک حزب سوم و واحد بنیان نهاده شده است.

۳-۱. بازگشت به سطح واگرایی حداکثری دهه ۱۹۸۰م و بروز درگیری‌های خشونت‌بار و خونین میان طرفین

نخستین سناریوی محتمل در خصوص آینده روابط امل و حزب الله را می‌توان بازگشت به سطح مناسبات دهه ۱۹۸۰م میان ایشان عنوان کرد. به بیان دیگر می‌توان چشم‌اندازی از روابط میان طرفین ترسیم نمود که درگیری، خشونت، تفرقه، کشتار متقابل و اختلاف نظر در بسیاری از مسائل حساس و حیاتی مرتبط با محیط داخلی و خارجی لبنان از شاخصه‌های اصلی آن به شمار می‌آید.

در این سناریو دو طرف به عقب (سال‌های دهه ۱۹۸۰م) بازگشته و مجدداً درگیری‌های خونین خود را از سر می‌گیرند. در نتیجه فضای عمومی طائفه شیعه مجدداً با انقسام و

تفرقه مواجه شده و طرفین به جای تلاش برای اتحاد با یکدیگر با دیگر گروه‌های غیرشیعی لبنانی علیه موجودیت یکدیگر متحد می‌شوند.

در این میان مناطق جنوب، بیروت و بقاع از نو صحنه زدوخوردهای متقابل شده و در عرصه سیاسی نیز رهبران دو جنبش اقدام به اتهام پراکنی و موضع‌گیری علیه یکدیگر می‌نمایند. در این بین می‌توان نقش برخی قدرت‌های غربی حاضر در صحنه لبنان و همپیمانان داخلی ایشان و نیز دلارهای نفتی سرازیر شده برخی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را مشاهده نمود که خرج ایجاد تفرقه میان ایشان می‌شود.

این سناریو هر چند که از حیث عقلی و ذاتی ممتنع نبوده و امکان (اگر چه اندک) شکل‌گیری آن در آینده وجود دارد، اما واقعیت آن است که تحولات سیاسی و امنیتی لبنان از سوئی و نیز تحولات منطقه‌ای از دیگر سو این سناریو را تا اندازه‌ای بسیار زیاد دور از ذهن نگه می‌دارد.

به عنوان نمونه در حوزه محیط داخلی لبنان تا زمانی که فشارهای بی در پی برای خلع سلاح مقاومت و نیز اتهام زنی جریان غرب گرای ۱۴ مارس به مقاومت در خصوص ترور رفیق حریری و ماهیت سلاح مقاومت وجود داشته باشد، نمی‌توان به تحقق چنین سناریویی امید داشت. چه آن که هم اکنون دو طرف از سوی این جریان در داخل لبنان، در معرض تهدید هستند.

در حوزه محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نیز عوامل متعددی مانع از شکل‌گیری سناریوی اول می‌شود. به‌طور خلاصه این دسته از عوامل محیطی را می‌توان به صورت ذیل فهرست نمود:

۱-۱-۳. تلاش‌های گسترده کشورهای غربی - عربی برای خلع سلاح حزب الله (از طریق اقتدار نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت، دادگاه بین‌المللی ترور رفیق حریری و...) این تلاش‌ها به ویژه از دوم سپتامبر ۲۰۰۴ م و با صدور قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت شتاب فزاینده‌ای به خود گرفته است. یکی از مهمترین بندهای این قطعنامه بر خلع سلاح

تمام نیروهای شبه‌نظامی لبنانی و غیرلبنانی موجود در خاک لبنان تاکید دارد^۱ که به طور طبیعی در درجه اول موجودیت مقاومت اسلامی لبنان را نشانه گرفته است.^۲ تحركات داخلی و خارجی برای خلع سلاح مقاومت همچنين در ذیل جنگ سی و سه روزه ۲۰۰۶م، قطعنامه ۱۷۰۱، ۱۶۵۵، ۱۹۷۳ و ۱۶۸۰، حوادث هشتم می ۲۰۰۸م و نیز گنجاندن حزب الله در فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳م پی گرفته شده است.

۲-۱-۳. تهدیدهای مکرر رژیم اسرائیل علیه لبنان و مقاومت

این تهدیدها به ویژه از زمان جنگ ۳۳ روزه به این سو روند شتابنده‌ای به خود گرفته و به خصوص پس از بروز بحران سوریه از سال ۲۰۱۱م تاکنون گزارش‌های فراوانی تحركات گسترده ارتش رژیم اسرائیل در مرزهای جنوبی لبنان و حمله احتمالی اسرائیل به مقاومت در رسانه‌های غربی به چاپ رسیده است.^۳

به ویژه در ذیل تحولات جاری سوریه و نیز ورود نیروهای زبده حزب الله به درگیری‌های این کشور با جریان‌های تکفیری و در نتیجه عطف توجه حزب به مرزهای شمالی لبنان و حفظ امنیت مرزهای جغرافیایی خود با سوریه، لذا احتمال حمله رژیم اسرائیل به این جنبش با این توجیه که حزب الله امکان حضور همزمان در دو جبهه نظامی را ندارد، بیش از هر زمان تقویت می‌شود.

۳-۱-۳. بحران جاری سوریه که به طور مستقیم خطرناک‌ترین تهدید برای دو طرف و نیز طائفه شیعه به شمار می‌رود.

زنجیره اقدامات و تحولات منطقه‌ای مرتبط با سوریه که از سال ۲۰۰۵م به این سو در خصوص سوریه از سوی کشورهای غربی، برخی نهادهای بین‌المللی و در نهایت برخی

1. Calls for the disbanding and disarmament of all Lebanese and non-Lebanese militias
2. UN Official site, *Security Council declares support for free, fair presidential election in Lebanon; calls for withdrawal of foreign forces there*, 02/09/2004. (<http://www.un.org/News/Press/docs/2004/sc8181.doc.htm>)
3. Russia today news agency site, Israel threatens to attack Lebanon in case of Hezbollah 'provocations' - report, August 27, 2012, (<http://rt.com/news/israel-lebanon-hezbollah-netanyahu-676/>)

کشورهای عربی منطقه، صورت پذیرفته است، از عوامل بسیار کلیدی در همگرایی بسیار مستحکم و ناگسستگی میان امل و حزب الله بوده است.

بازی خطرناک علیه سوریه از چندماه پیش از ترور حریری و با صدور قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت آغاز شده و تاکنون نیز استمرار یافته است. مجموع این حوادث که در مجموع تاکنون ۸ سال به طول انجامیده است، موجب شده تا سوریه ضربه‌های سختی را متحمل شود.

در این میان می‌توان مجموع توطئه‌های صورت گرفته علیه سوریه را به صورت ذیل فهرست نمود:

۱. بروز تحرکات تجزیه طلبانه و قومیتی در مناطق کردنشین سوریه (۱۲ مارس ۲۰۰۴م)
۲. قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت سازمان ملل که خواهان خروج نیروهای ارتش این کشور از لبنان بود. (۲ سپتامبر ۲۰۰۴م)
۳. متهم کردن سوریه به طراحی و اجرای ترور رفیق حریری از سوی جریان‌های غرب گرای داخل لبنان (فوریه ۲۰۰۵م)
۴. صدور قطعنامه ۱۵۹۵ از سوی شورای امنیت به منظور تشکیل کمیته بین‌المللی ترور رفیق حریری (۷ آوریل ۲۰۰۵م)
۵. متهم کردن سوریه به دست داشتن در این ترور از سوی کمیته بین‌المللی ترور رفیق حریری در اولین گزارش خود (۱۹ اکتبر ۲۰۰۵م)^۱
۶. تلاش غرب برای جداسازی برخی رهبران سیاسی سوریه از حکومت بشار اسد (مانند پناهندگی عبدالحلیم خدام به غرب در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۵م)
۷. بمباران راکتور اتمی در دست ساخت سوریه توسط نیروی هوایی رژیم اسرائیل (۶ سپتامبر ۲۰۰۷م)
۸. آغاز بحران گسترده سوریه از سال ۲۰۱۱ تا کنون (۲۰۱۳م)

1. Claudia Tofan, *Special Tribunal for Lebanon, The establishment of the Hariri Tribunal*, p.171.

در هر صورت مجموعه تحولات فوق که سوریه را با توطئه‌ای جهانی و مخاطره‌انگیز مواجه ساخته بود، جریان مقاومت در لبنان را هراسان ساخته و در نتیجه به طور بی‌سابقه‌ای به یکدیگر نزدیک نموده است.

مهم‌ترین دلیل این همگرایی را می‌بایست در دو نکته اساسی پیگیری نمود. نخست نقش سوریه در حمایت و پشتیبانی مقاومت و دوم در نقش جریان‌های سلفی ضد شیعی در تحولات سوریه از سال ۲۰۱۱م به بعد که موجب بروز شورش‌های مسلحانه گسترده در سوریه و نگرانی عمیق دو جریان شیعی و هراس ایشان از سرایت موج خشونت‌های سلفی به داخل لبنان و علیه سلاح مقاومت است.

۳-۱-۳. نقش سوریه در پشتیبانی نظامی و سیاسی از مقاومت

همان طور که گذشت نخستین علت نگرانی مشترک امل و حزب الله در واقع به نقش بی‌نظیر سوریه در تجهیز و تسلیح مقاومت اسلامی در لبنان بازمی‌گردد. واقعیت آن است که از بدو برقراری رابطه میان طائفه شیعه با نظام حافظ اسد در سال ۱۹۷۳م که به همت شخص سیدموسی صدر صورت گرفته است،^۱ این رابطه علیرغم فراز و فرودهایی همچنان مستحکم مانده است. در این میان سوریه از همان سال‌های میانی دهه ۱۹۷۰م آموزش نظامی چریک‌های شیعی ضد اسرائیلی را آغاز نموده و در سال ۱۹۸۲م یعنی حتی سه سال پیش از اعلان رسمی حزب الله نیز راه را پیش روی سپاه پاسداران ایران برای آموزش و تجهیز حزب الله هموار نمود.

در این میان علیرغم آن که در آن دوره ایران اصلی‌ترین نقش در آموزش مقاومت اسلامی و حمایت از آن را ایفا می‌نمود اما در واقع این مساله بدون مجوز سوریه هیچ‌گاه میسر نمی‌بود. چه آن که از لحاظ جغرافیایی، ایران مرزی با لبنان نداشته و نیز به صورت هوایی نیز به هیچ‌عنوان نمی‌توانست برای ارسال نیرو و تجهیز جوانان مقاومت اقدام کند.

۱. سیدعلی مرتضی، همان، الجزء الأول، ص ۲۷۷.

در حقیقت این سوریه بود که با داشتن بیش از ۳۷۰ کیلومتر مرز مشترک با لبنان،^۱ اجازه تردد نیروهای سپاه به دره بقاع را صادر می‌نمود. عمده تجهیزات مقاومت همانند موشک‌های میان برد و موشک اندازه‌های کاتیوشا و... در طی سال‌های ۱۹۷۳م تا کنون نیز از طریق همین مرزهای زمینی مشترک با سوریه و از مسیر کوهستان‌های بقاع به جنوب لبنان انتقال می‌یافت.

اهمیت ژئوپلیتیک استراتژیک و مرزهای راهبردی لبنان و سوریه برای حزب الله به ویژه در جنگ سال ۲۰۰۶م میان امل و حزب الله مشخص شد که طی آن اصلی‌ترین مسیر استراتژیک حمایت تسلیحاتی از مقاومت، مسیرهای منتهی به مرزهای سوریه و دره بقاع بود. از همین رو تنها جاده بیروت منتهی به دمشق و نیز مرزهای مختلف سوریه بارها از سوی نیروهای هوایی ارتش اسرائیل بمباران شد تا مانع از دستیابی حزب الله به تسلیحات پیشرفته جدید و دیگر تجهیزات لجستیکی گردد.^۲

همچنین گزارش‌های معتبر از آن حکایت دارد که در حین جنگ سی و سه روزه و نیز پس از جنگ سی و سه روزه و علیرغم حضور نیروهای یونیفیل در مرزهای مشترک سوریه و لبنان، نیز اصلی‌ترین معبر دستیابی حزب الله به موشک‌های پیشرفته‌تر از قبل و دیگر تجهیزات نظامی، مرزهای سوریه بوده است.^۳

در این میان پس از آغاز بحران سوریه از سال ۲۰۱۱م یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های جریان‌های تکفیری، قطع عقبه استراتژیک مقاومت و به ویژه اشغال نوار مرزی مشترک لبنان و سوریه بوده است تا از این طریق از روند انتقال تسلیحات بیشتر به مقاومت اسلامی لبنان، پیشگیری نماید. از همین رو به ویژه در یک ساله گذشته، شورشیان مسلح کوشیدند تا با حمله به این مناطق، کنترل آن‌ها را برعهده بگیرند.

برای درک بهتر علت چنین تلاشی، می‌بایست به این نکته توجه کرد که اساساً لبنان تنها با دو کشور بیشتر مرزهای زمینی ندارد. نخست از سمت جنوب با فلسطین اشغالی که

1. Anthony H Cordesman, *Arab-Israeli military forces in an era of asymmetric wars*, p. 331.

2. Stockholm International Peace Research Institute, *SIPRI yearbook 2007: armaments, disarmament and...*, p.69.

3. Anthony H Cordesman, *Iranian weapons of mass destruction: the birth of a regional nuclear arms race?*, p. 86.

حدود ۷۹ کیلومتر مرز مشترک را در بر می‌گیرد. دوم از سمت شمال و شرق، با سوریه که دربردارنده ۳۷۵ کیلومتر مرز با این کشور است. در این میان لبنان از سمت غرب به دریای مدیترانه محدود شده و در نتیجه ۲۲۵ کیلومتر مرز ساحلی دارد.^۱

در این میان به طور طبیعی مسیر فلسطین اشغالی نمی‌تواند برای انتقال تسلیحات به حزب الله مورد استفاده قرار گیرد. از سمت غرب لبنان نیز دریای مدیترانه به واسطه حضور گشت‌های دریایی اسرائیل و نیروهای یونیفیل، نمی‌تواند به صورت عمده برای دسترسی حزب به تسلیحات پیشرفته چندان مورد اعتماد باشد. در نتیجه تنها مسیر ارسال سلاح و تجهیزات به مقاومت، مرزهای سوریه است. در این بین مرزهای شمالی سوریه با لبنان نیز به دلیل حضور اکثریت سنی در این مناطق از لبنان، مسیری امن به حساب نیامده و نمی‌تواند مورد اعتماد ارسال کنندگان و دریافت کنندگان تسلیحات باشد. در نهایت تنها مسیر امن و مطمئن، مرزهای شرقی لبنان با سوریه است که به کوهستان‌های شیعه نشین بقاع و بعلبک منتهی می‌شود.

این مسیر از اواسط دهه ۱۹۷۰م راهبردی‌ترین مسیر مقاومت و اصلی‌ترین مسیر تامین مایحتاج و نیازهای لجستیکی و نظامی آن محسوب می‌شود. از همین رو اشغال شهر استراتژیک القصیر توسط گروه‌های مخالف حکومت سوریه که در مقابل شهرهای هرمل، بعلبک و دره بقاع لبنان قرار گرفته است، دقیقاً به منظور قطع راه‌های ارتباطی و تدارکاتی حزب الله به خارج از کشور بود.

نکته دیگر در خصوص اهمیت مرزهای سوریه برای مقاومت در مساله پناه دادن به دهها هزار آواره لبنانی در جنگ‌های مختلف این حزب با رژیم صهیونیستی و به ویژه در جنگ‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۶م بود. چه آن که هزاران پناهنده لبنانی از روزهای آغازین جنگ، از جنوب لبنان و بیروت به سوی دمشق و دیگر شهرهای مرزی سوریه با لبنان حرکت نموده و تا پایان درگیری‌ها در آن باقی ماندند.^۲

1. Anthony H Cordesman, Ibid, p. 238.

2. Guita G Hourani, *The impact of the summer 2006 war on migration in Lebanon: emigration, remigration, evacuation and return: a preliminary study*, p. 54.

از همین رو سقوط سوریه و مرزهای مشترک آن با لبنان، به طور حتم در جنگ‌های احتمالی آینده می‌تواند مشکلات زیادی را برای دسترسی مقاومت به تجهیزات مورد نیاز جنگی خود و نیز دسترسی پناهندگان شیعه جنوب لبنان به مکانی امن، پدید آورد. در هر صورت سقوط مرزهای شرقی سوریه برای امل و حزب الله به منزله تهدید حیاتی به حساب آمده و از همین رو واکنش‌های مشترک ایشان را در پی داشت.

۳-۱-۲. نگرانی مقاومت از ارتقای نقش منفی جریان‌های سلفی و تکفیری در سوریه و لبنان

از جمله نگرانی‌های مشترک امل و حزب الله در خصوص بحران سوریه، سیطره گروه‌های تکفیری و وهابی بر سوریه و به ویژه مرزهای مشترک این کشور با لبنان است. تلاش گسترده جریان‌های تکفیری برای سیطره بر سوریه که از سال ۲۰۱۲م این کشور را صحنه خشونت‌های گسترده و خونینی نموده است، از سوی حزب الله و امل به عنوان بزرگترین تهدید منطقه‌ای مقاومت اسلامی تلقی شده است.

با سقوط شهر استراتژیک القصیر به دست جریان‌های تکفیری، مقاومت اسلامی لبنان که خود را در محاصره اسرائیل از سوئی و جریان‌های تکفیری از سوی دیگر می‌دید، چاره‌ای جز اعلان جنگ علیه تکفیری‌های سوریه و حضور مستقیم نظامی در برابر ایشان در شهر القصیر نمی‌دید. از همین رو دبیرکل حزب الله در بیاناتی در سیزدهمین سالگرد آزادسازی جنوب لبنان در تاریخ ۲۵ می ۲۰۱۳م در خصوص تهدید جریان‌های تکفیری برای مقاومت و کل لبنان اعلان کرد: «... تسلط این گروه‌ها [جریان‌های تکفیری] بر سوریه یا استان‌های مشخصی از سوریه - مخصوصاً این استان‌های هم‌مرز با لبنان - برای لبنان و همه لبنانیان خطری بزرگ است. فقط برای حزب الله خطرناک نیست... فقط برای شیعیان لبنان خطرناک نیست. برای لبنان، لبنانیان، حکومت لبنان، مقاومت لبنان و همزیستی حاکم بر لبنان خطرناک است.»^۱

۱. پایگاه رسمی مقاومت اسلامی لبنان، بیانات سید حسن نصرالله در عید مقاومت و آزادسازی، سیزدهمین سالگرد آزادسازی جنوب لبنان، به آدرس ذیل: (<http://www.moqawama.ir/?speech=920304&title>)

آینده پژوهی روابط جنبش امل و حزب الله لبنان ■ ۱۴۳

از این رو دبیرکل حزب الله به طور علنی از مشارکت حزب الله در نبردهای آزادسازی القصیر خبر داده و صدها تن از نیروهای زبده خود را برای همراهی ارتش سوریه در نبردها علیه تروریست‌های وهابی به این شهر اعزام نمود.^۱ عمده‌ترین دلیل حضور مقاومت در این درگیری‌ها شکست محاصره جغرافیایی و درهم شکست مرزهای تنگ ژئوپلیتیک خود بود که در واقع تهدید کننده موجودیت مقاومت به شمار می‌آمد.

در هر صورت از مهم‌ترین عوامل همگرایی میان امل و حزب الله در هشت ساله اخیر توطئه‌های پی در پی و بسیار خطرناک علیه سوریه است که یکی از مهمترین حامیان مقاومت و نیز تنها مرز جغرافیایی شیعیان لبنان و مقاومت اسلامی به خارج از کشور برای دریافت تجهیزات و امکانات دفاعی برای مقابله با توسعه طلبی‌های اسرائیل به شمار می‌آید. به ویژه سیر تحولات یک ساله اخیر بیانگر آن است که امل و حزب الله همه تلاش‌های خود را برای پیشگیری از سقوط بشار اسد به کار بسته اند. چه آن که سقوط دولت بشار اسد به معنای قطع عقبه استراتژیک مقاومت و محاصره آن توسط جریان‌های تکفیری و اسرائیل خواهد بود.

۳-۱-۴. وحدت نظر و تلاش‌های مشترک ایران و سوریه برای استمرار تحکیم بخشی به اتحاد کنونی دو گروه

شرایط حساس منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایران و سوریه به عنوان دو متحد استراتژیک که هر یک با مخاطرات مشترکی مواجه هستند، به طور طبیعی ایشان را به سمت تحکیم و تقویت روابط دو گروه منسوب به خود در لبنان سوق داده و از بروز اصطکاک و برخورد میان ایشان ممانعت به عمل خواهد آورد.

واقعیت آن است که گروه‌های شیعه لبنانی همواره به عنوان بخشی از جبهه خارجی سوریه و ایران عمل نموده و به مثابه اهرم فشار نظامی و سیاسی بر امریکا و رژیم اسرائیل

مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از این رو با توجه به وضعیت بحران جاری سوریه و نیز پرونده هسته‌ای ایران، طرفین تمامی تلاش‌های خود را برای حفظ انسجام و هماهنگی میان متحدان لبنانی خود به کار بسته و در نتیجه مانع از بروز تعارض و درگیری میان ایشان خواهند گردید.

در کنار دلایل یادشده در فوق، پدیدآمدن درک مشترک و بینش یکسان میان طرفین در تمامی مسائل کلان مربوط به منطقه، لبنان و طایفه شیعه آن و نیز شناخت متقابل دو طرف از نیات و اهداف یکدیگر و در نهایت تحقق سطح مطلوبی از روابط شخصی دوستانه و علائق فردی میان رهبران دو گروه در ممانعت از بازگشت به مناسبات دهه ۱۹۸۰م سهم بسزائی ایفا خواهد کرد.

فاکتورهای یادشده، هرگونه تلاش برای ایجاد واگرایی میان دو طرف را در شرایط کنونی عقیم خواهد گذاشت. چرا که دو طرف به این بلوغ رسیده‌اند که با تن دادن به اختلاف داخلی در چنین صحنه آرایبی خطرناکی، اصل موجودیت خود را با خطر و تهدید مواجه کرده و ممکن است چنین رویه‌ای به قیمت نابودی هر دو گروه، مقاومت و کیان جامعه شیعه تمام شود. در نتیجه احتمال تحقق چنین سناریویی بسیار اندک خواهد بود. بسیاری از تحلیلگران سیاسی لبنانی و نیز برخی از اعضای برجسته جنبش حزب الله و امل نیز در گفتگو اختصاصی با نگارنده بر این نکته تأکید و پافشاری نموده و بازگشت به گذشته، حتی به دوره تجاهل (۱۹۸۲-۱۹۸۵م) را نیز غیرممکن عنوان می‌کنند.^۱

۱. گفتگو اختصاصی نویسنده با سرتیپ دکتر امین حطیط، از فرماندهان سابق ارتش لبنان، بیروت: ۲۴ مرداد ۱۳۹۱. و گفتگو اختصاصی نویسنده با حاج محمود قماطی، نائب رئیس شورای سیاسی حزب الله، بیروت: دفتر شورای سیاسی حزب الله، ۱۵ مرداد ۱۳۹۱. و گفتگو اختصاصی نویسنده با دکتر علی فیاض، نماینده پارلمان لبنان از فراکسیون حزب الله، بیروت: ساختمان پارلمان لبنان، ۱۸ مرداد ۱۳۹۱. و گفتگو اختصاصی نویسنده با ابو جعفر محمد نصرالله، رئیس شورای اجرای جنبش امل، بیروت: طریق المطار الجدی، دبیرستان شهید حسن قصیر، ۱۳ مرداد ۱۳۹۱.

۲-۳. عادی شدن روابط میان طرفین

دومین سناریوی محتمل در تبیین آینده‌پژوهانه روابط امل و حزب الله در واقع به کاهش روابط میان ایشان از سطح راهبردی فعلی به حالت عادی و اکتفا به سطحی از همکاری مشترک در مسائل مورد علاقه دوطرف است. مطابق این سناریو، در آینده روابط حزب و جنبش از سطح کنونی خود فاصله گرفته و روند نزولی خود را طی خواهد کرد.

بر این اساس مناسبات دو طرف به سطح تعاملات میان دو حزب ذینفع کاهش یافته و همکاری‌های میان ایشان عموماً در مسائل عادی سیاسی و نه امور راهبردی خواهد بود. این بدان معناست که طرفین ضمن در پیش گرفتن یک همزیستی مسالمت آمیز، در مسائل روزمره طائفه شیعه با یکدیگر تعامل داشته و همکاری می‌کنند؛ اما این بدان معنا نیست که حوزه همگرایی و یا همفکری ایشان همانند سال‌های ۲۰۰۵م تا زمان حاضر (۲۰۱۳م) در عالی‌ترین سطح و راهبردی‌ترین حوزه‌ها باشد.

بهترین مثال از چنین دوره‌ای از روابط میان طرفین را می‌توان میان سال‌های ۲۰۰۰م تا ۲۰۰۵م جستجو نمود که در عین حال که دو طرف با یکدیگر همکاری داشته و در موضوعات مختلف با یکدیگر رایزنی می‌نمودند، اما سطح روابط از کیفیت و ارتقای کافی برخوردار نبوده و احیاناً تعارضاتی میان ایشان در خصوص خط مشی‌های کلان مشاهده می‌شد. به گونه‌ای که برخی تحلیل‌گران سطح روابط در برهه‌ای از زمان در این دوره را حتی سردتر از دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰م ارزیابی می‌کنند.^۱

بررسی‌ها بیانگر آن است که هر چند ضریب احتمال وقوع چنین سناریویی از سناریوی اول بیشتر است اما با توجه به موارد یادشده در همان سناریو (تحولات محیطی و عامل شناختی) تحقق سناریوی دوم نیز از شانس کمتری برخوردار است. چه آن که عوامل یادشده، در حقیقت، فرصت هرگونه اختلافی - که به کاهش سطح روابط راهبردی کنونی میان طرفین بیانجامد - را از ایشان سلب خواهد نمود.

۱. گفتگو اختصاصی نویسنده با دکتر ولید سکریه، نماینده پارلمان لبنان از فراکسیون حزب الله، بی‌روت:

۳-۳. استمرار و یا تقویت ائتلاف راهبردی کنونی

سومین و آخرین سناریوی متصور در خصوص آینده روابط دو جریان اصلی جامعه شیعی لبنان، استمرار تحالف و ائتلاف راهبردی کنونی است. مطابق این سناریو، در آینده نیز سطح روابط استراتژیک فی‌مابین که از سال ۲۰۰۵م آغاز شده و تاکنون (۲۰۱۳م) ادامه یافته است، مشاهده خواهد شد.

به باور محققان پایه چنین تحالفی و استمرار راهبردی آن، بیش از هر چیز ریشه در تحولات منطقه‌ای و داخلی لبنان دارد. و اساساً مهم‌ترین عامل همگرایی استراتژیک میان حزب الله و امل به ویژه از سال ۲۰۰۵ تاکنون را می‌بایست در تحولات و رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی جست.

در نتیجه به نظر می‌رسد تا زمانی که وضعیت رایج منطقه و تحولات داخلی لبنان بر سیر کنونی جریان داشته باشد، نمی‌توان هیچ نوع تقلیلی در سطح روابط دو طرف را انتظار داشت. برعکس روند موجود می‌بایست بیش از پیش بر تحکیم روابط دوسویه ایشان اثرگذار باشد.^۱

برای درک صحیح از این مساله کافی است به فضای محیطی داخل لبنان و منطقه خاورمیانه نگاهی دوخت. در داخل لبنان، طرفین درگیر پروژه‌ای خطرناک هستند که از سال ۲۰۰۵م علیه سلاح مقاومت کلید خورده و استمرار یافته است. قطعنامه‌های مختلف شورای امنیت (همانند قطعنامه‌های ۱۵۵۹، ۱۷۰۱، ۱۹۷۳، ۱۶۵۵، ۱۶۸۰ و...)، خروج نیروهای سوریه از لبنان و ایجاد خلاء امنیتی در کشور، جنگ ۳۳ روزه، تقویت جریان‌های سلفی تندروی ضد مقاومت در شمال لبنان و نیز در شهر جنوبی صیدا، بروز انفجارهای مکرر تروریستی در سال ۲۰۱۳م در مناطق شیعه نشین ضاحیه جنوبی بیروت، تلاش‌های

۱. گفتگو اختصاصی نویسنده با حاج محمود قماطی، نائب رئیس شورای سیاسی حزب الله، بی‌روت: دفتر شورای سیاسی حزب الله، ۱۵ مرداد ۱۳۹۱. و گفتگو اختصاصی نویسنده با دکتر غالب قنديل، مدیر مرکز مطالعات عربی و بین‌المللی لبنان و تحلی‌لگر سیاسی و استراتژی‌ک، بی‌روت: ۱۲ مرداد ۱۳۹۱.

آینده‌پژوهی روابط جنبش امل و حزب الله لبنان ■ ۱۴۷

جریان غرب گرا برای ایجاد جریان سوم در میان شیعیان با بهره‌گیری از برخی چهره‌های شیعی ضد مقاومت و... همگی در راستای نابودی مقاومت و اساساً موجودیت طائفه شیعه و تحدید نقش آن در حیات سیاسی - امنیتی لبنان و منطقه تفسیر می‌شوند. همچنین در حوزه محیط منطقه‌ای نیز تهدیدات برآمده از اشغالگری رژیم صهیونیستی، تلاش‌های غربی برای ترسیم خاورمیانه جدید، تحرک ضد شیعی گسترده جریان‌های سلفی در منطقه (از مالزی تا مصر و لیبی)، نقش تحالف راهبردی ایران و سوریه و در نهایت بحران جاری سوریه از مهم‌ترین عواملی است که نه تنها مانع از تقلیل سطح روابط راهبردی طرفین خواهد شد که به طور قطع بر تحکیم و ارتقای مناسبات ایشان نیز خواهد افزود.

در این میان به ویژه بحران جاری سوریه که از سال ۲۰۱۱م آغاز شده است، بزرگ‌ترین مخاطره و تهدید پیش روی مقاومت اسلامی و جنبش امل است. چه آن که این بحران موجب تحرک گسترده جریان‌های سلفی و حضور دهها هزار نفری ایشان از کشورهای مختلف جهان در داخل سوریه و نیز اطراف مرزهای لبنان شده است.^۱ این مساله جدا از مخاطراتی که به طور مستقیم برای مقاومت در پیش دارد، موجب تحرکات ضد شیعی جریان‌های سلفی لبنان نیز شده است به گونه‌ای که در ماه‌های اخیر این قبیل اقدامات تحریک‌آمیز در صحنه داخلی لبنان به اوج خود رسیده است. خطری که به طور خاصی حیات مقاومت را با خطر مواجه ساخته و ضرورت استمرار تحالف راهبردی طرفین را دوچندان نموده است.

دبیرکل حزب الله نیز با درک شرایط حساس منطقه و لبنان و آگاهی از تلاش‌ها برای بروز شکاف میان دو جنبش مهم شیعی لبنان و نیز با اطلاع از وجود بالاترین سطح مفاهمه و همگرایی میان طرفین در تمامی حوزه‌های سیاسی و امنیتی، نظر خود در خصوص آینده روابط دو طرف این گونه اظهار می‌دارد:

1. Aron Lund, *Syria's salafi insurgents: The rise of the Syrian Islamic Front*, p. 23.

«نگران نباشید زیرا همانطور که در طول ۲۰ سال گذشته این تلاش‌های تفرقه افکنانه و تلاش‌های دشمن در ۱۰ سال گذشته ناکام مانده است، در آینده هم ناکام خواهد بود و روابط [میان امل و حزب الله] همواره در آینده نیز سازنده و حسنه و خوب خواهد بود و این روابط راهبردی است.»^۱

نبیه بری نیز در خصوص چالش‌های پیش روی طرفین و تلاش‌های دشمنان دو طرف برای ایجاد تفرقه و شکاف میان ایشان با همراهی با دیدگاه نصرالله، آینده روابط را مستحکم‌تر از وضعیت فعلی عنوان نموده و می‌گوید:

«چالش‌هایی که گاه و بیگاه در روند روابط ما [امل و حزب الله] پیش می‌آید، هر بار موجب توجه بیشتر ما به حفظ و تقویت بیشتر روابطمان می‌شود...»^۲

البته همان طور که ذکر شد مهم‌ترین دلیل و عامل همگرایی دو گروه، نه وحدت اعتقادی، بینشی و ایدئولوژیک و اتحاد هندسه ارزشی و جهان‌بینی دو طرف که تحمیل‌های برآمده از محیط متخاصم را می‌بایست دلیل اصلی همگرایی استراتژیک دو طرف بر شمرد. در نتیجه می‌توان در ذیل شرایط بحران زای کنونی، در آینده نیز همچنان شاهد همگرایی راهبردی و در عین حال رقابت پنهان اما مدیریت شده درون طائفه‌ای دو گروه در سطح جامعه شیعیان لبنان بود.^۳

۱. موقع القنائة المنار، كلمة السيد حسن نصرالله حول آخر التطورات السياسية، ۹ مارس ۲۰۱۱.

(<http://www.almanar.com.lb/adetails.php?cid=61&eid=31893&fromval=1>)

۲. عماد مرمول، بری: هناك أسراراً كبرى «لا يعرفها أحد» وحسن نصرالله بمثابة نفسه، جريدة السفير، ۱۱ أبريل ۲۰۱۱.

۳. گفتگو اختصاصی نویسنده با استاد یونس عوده، سردبیر سابق مجله الكفاح العربی و روزنامه‌نگار لبنانی، بیروت: ۱۱ مرداد ۱۳۹۱.

نتیجه‌گیری

۱. در تحقیق جاری با هدف کشف آینده محتمل و با استفاده از روش «سناریو پردازی» سه سناریوی متصور در خصوص آینده مناسبات امل و حزب الله را مورد بررسی قرار داده و میزان احتمال شکل‌گیری هر یک را بحث و بررسی قرار گیرد.
۲. بازگشت به سطح واگرایی حداکثری دهه ۱۹۸۰م و بروز درگیری‌های خشونت بار و خونین میان طرفین، نخستین سناریوی محتمل در خصوص آینده روابط دو گروه است. این سناریو به چهار دلیل از شانس بسیار اندکی برخوردار است. نخست تلاش‌های غربی-عربی برای خلع سلاح مقاومت، دوم تهدیدهای مکرر رژیم اسرائیل علیه لبنان و حزب الله، سوم بحران جاری سوریه و در نهایت تلاش‌های مشترک ایران و سوریه برای تحکیم بخشی روابط فیما بین امل و حزب الله از این جمله اند.
۳. عادی شدن روابط دو گروه دومین سناریوی محتمل است که این مساله نیز اگر چه از شانس بیشتری نسبت به سناریوی نخست برخوردار است اما به نظر می‌آید در ذیل شرایط محیط داخلی لبنان و نیز شرایط بحرانی منطقه ای، تحقق این سناریو نیز با مشکلات زیادی مواجه است.
۴. استمرار و یا تشدید همگرایی راهبردی کنونی میان امل و حزب الله به عنوان سومین سناریوی محتمل در خصوص آینده‌پژوهی امل و حزب الله است.
۵. به نظر می‌آید در ذیل شرایط کنونی منطقه‌ای همچون بحران سوریه و موج خشونت‌های فرقه‌ای و نیز چالش‌های برآمده از محیط لبنان همچون تلاش‌های جریان غربگرای ۱۴ مارس برای خلع سلاح مقاومت و نیز تلاش‌های جریان‌های سلفی برای ضربه زدن به طائفه شیعه و جایگاه مقاومت، این سناریو محتمل‌ترین گزینه آینده‌پژوهی مناسبات فیما بین امل و حزب الله باشد.

فهرست منابع و مآخذ

فارسی و عربی

١. قوام، سیدعبدالعلی، روابط بین الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت، چاپ اول، ١٣٨٤.
٢. مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: سمت، چاپ چهارم، ١٣٨٨.
٣. شرارة، وضاح، دولة حزب الله؛ لبنان مجتمعاً إسلامياً، بیروت: دارالنهار، طبعة أربعة، ٢٠٠٦.
٤. الوحدة الإعلامية المركزية، الكتاب السنوی (١٩٩٥/١٩٩٦)، بیروت: الوحدة الإعلامية المركزية التابعة لحزب الله، ١٩٩٩.
٥. جمع من الباحثین، الإنتخابات النيابية ١٩٩٦ و أزمة الديمقراطية في لبنان، بیروت: المركز اللبناني للدراسات، ١٩٩٨.
٦. مرتضى، سیدعلی، حركة أمل؛ السيرة و المسيرة، الجزء الأول و الثاني، بیروت: داربلال للطباعة و النشر، بی تا.
٧. رانستروب، ماغناس، حزب الله في لبنان، ترجمة مروان حمزة، بیروت: مركز الإستشارات و البحوث، ١٩٩٨.

انگلیسی

1. Oxford Dictionary.
2. Dator, James Allen, Advancing futures: futures studies in higher education, Westport, Conn.: Praeger, 2002.
3. Bell, Wendell, "Foundations of futures studies: human science for a new era", Volume 1 History, purposes, and knowledge, New Brunswick [u.a.] Transaction Publ. 2003.
4. Bishop, Peter C & Andy Hines, Teaching about the future, Basingstoke: New York: Palgrave Macmillan, 2012.
5. Merriam-Webster Dictionary.
6. Lund, Aron, Syria's salafi insurgents: The rise of the Syrian Islamic Front, Stockholm: Swedish Institute of International Affairs, March, 2003.
7. Cordesman, Anthony H, Arab-Israeli military forces in an era of asymmetric wars, Westport, Conn: Praeger Security International, 2006.
8. Cordesman, Anthony H, Iranian weapons of mass destruction: the birth of a regional nuclear arms race?, Westport, CT: Praeger Security International; Washington, 2009.
9. Hourani, Guita G, The impact of the summer 2006 war on migration in Lebanon: emigration, remigration, evacuation and return: a preliminary study, Louaize, Lebanon: Notre Dame University, Lebanese Emigration Research Center, 2006.
10. Tofan, Claudia, Special Tribunal for Lebanon, The establishment of the Hariri Tribunal, Oosterwijk, The Netherlands: Wolf Legal Pub, 2008.

گفتگوها

۱. گفتگوی اختصاصی نویسنده با *ابوجعفر محمد نصرالله*، رئیس شورای اجرایی جنبش امل، بیروت: طریق المطار الجديد، دبیرستان شهید حسن قصیر، ۱۳ مرداد ۱۳۹۱.
۲. گفتگوی اختصاصی نویسنده با *استاد یونس عوده*، سردبیر سابق مجله الکفاح العربی و روزنامه نگار لبنانی، بیروت: ۱۱ مرداد ۱۳۹۱.
۳. گفتگوی اختصاصی نویسنده با *حاج محمود قماطی*، نائب رئیس شورای سیاسی حزب الله، بیروت: دفتر شورای سیاسی حزب الله، ۱۵ مرداد ۱۳۹۱.
۴. گفتگوی اختصاصی نویسنده با *دکتر علی فیاض*، نماینده پارلمان لبنان از فراکسیون حزب الله، بیروت: ساختمان پارلمان لبنان، ۱۸ مرداد ۱۳۹۱.
۵. گفتگوی اختصاصی نویسنده با *دکتر غالب قنديل*، مدیر مرکز مطالعات عربی و بین المللی لبنان و تحلیلگر سیاسی و استراتژیک، بیروت: ۱۲ مرداد ۱۳۹۱.
۶. گفتگوی اختصاصی نویسنده با *دکتر کامل وزنه*؛ کارشناس مسائل سیاسی و استراتژیک، بیروت، ۱۵ مرداد ۱۳۹۱.
۷. گفتگوی اختصاصی نویسنده با *دکتر ولید سکریه*، نماینده پارلمان لبنان از فراکسیون حزب الله، بیروت: ۱۳ مرداد ۱۳۹۱.
۸. گفتگوی اختصاصی نویسنده با *سرتیپ دکتر/امین حطیط*؛ از فرماندهان سابق ارتش لبنان، بیروت، ۲۴ مرداد ۱۳۹۱.

پایگاه‌های اینترنتی

1. <http://www.almanar.com.lb>
2. <http://www.moqawama.ir>
3. <http://www.un.org>
4. <http://www.Rt.com>

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران به منظور دستیابی به چشم‌انداز آینده بر اساس مدل برایشون

احسان شریفی*، آیدا مهاجری**

تاریخ وصول: ۹۲/۷/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۰

۱. چکیده

شناسایی صحیح و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک سازمان‌های بخش عمومی و غیرانتفاعی علاوه بر آنکه می‌تواند تمرکز مدیران را بر موارد کلیدی موفقیت و عوامل اثربخش سازمانی معطوف سازد، در استفاده و به کارگیری منابع محدود برای نیل به اهداف اساسی نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند. این پژوهش تلاش دارد با شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک در حوزه برنامه‌ریزی شهری کلانشهر تهران گامی رو به جلو در راستای ارتقای برنامه‌ریزی‌های این حوزه و دستیابی به چشم‌انداز شهر تهران بر دارد.

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی از شاخه پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش به منظور بررسی مسائل استراتژیک پیش روی شهرداری تهران، در این پژوهش ابتدا از مطالعات کتابخانه‌ای به جمع‌آوری ادبیات تحقیق پرداخته شد. سپس برای استخراج مسائل استراتژیک حوزه برنامه‌ریزی شهری مطابق با مدل برایشون به بررسی و تحلیل اسناد بالادستی برنامه‌ریزی استراتژیک کشور و تحلیل محیط خارجی، محیط داخلی و... پرداخته، فهرستی از مسائل استخراج و سپس برای تکمیل مسائل و حذف محدودیت‌ها و نیز توجه ویژه به برخی از ارکان مدل همچون "تحلیل ذینفعان و منابع کلیدی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه تهران

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه تهران (a.mohajeri7000@yahoo.com)

کنترل‌کننده"، مصاحبه اکتشافی با ۳ نفر با پست سازمانی "معاون مدیرکل" و ۵ نفر با پست سازمانی "رئیس اداره" در شهرداری تهران انجام شد و در پایان مصاحبه‌ها به کمک تست لیتموس به تفکیک مسائل استراتژیک از مسائل عملیاتی پرداخته شد که در پایان ۶۹ مسئله استراتژیک نهایی شد. همچنین به منظور روایی سنجی و انجام ۲ راند روش دلفی و پس از حذف ۱۲ مورد از مسائل، پرسشنامه‌ای با ۵۷ شاخص در ۷ بعد آماده و در بین جامعه آماری توزیع گردید، که در آن برای تعیین میزان اهمیت هریک از مسائل، از طیف لیکرت ۵ درجه‌ای "بسیار کم تا بسیار زیاد" استفاده شد. در مرحله بعد، با استفاده از آزمون t زوجی فاصله وضعیت موجود آن‌ها در شهر با وضعیت مطلوب مشخص شد و بدین ترتیب مسائل استراتژیک از مسائل عملیاتی شهر تهران تفکیک گردید. در گام بعد، با استفاده از آزمون فریدمن، ابعاد مسائل استراتژیک شهر تهران و نیز خود مسائل جداگانه اولویت‌بندی شدند و به شناسایی وضعیت موجود و اولویت‌بندی آن‌ها پرداخت شد.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی استراتژیک، مسائل استراتژیک، کلانشهر، شهرداری تهران

۲. مقدمه

رهبران و مدیران در مؤسسات دولتی، سازمان‌های غیر انتفاعی و نهادهای اجتماعی با چالش‌های متعدد و دشواری مواجه‌اند؛ دولت الکترونیک، کاهش شدید سرمایه اجتماعی، سلامت جامعه و... با این اوصاف دور از ذهن نیست که طراحی، مدیریت، عملکرد و مسئولیت سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی به عنوان متولیان حل این مشکلات نیازمند توجه ویژه‌ای است. در واقع بروز تغییر در بخش‌های عمومی با در نظر گرفتن سرعت و شدت آن‌ها مسئله‌ای دائمی است.

در حالی که راه حل‌های آسانی برای معضلات شهری وجود ندارد، برنامه‌ریزی استراتژیک می‌تواند به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در جهت مقابله سیستماتیک با معضلات، درک فرصت‌ها، تخصیص منابع کمیاب و دستیابی به نتایج مورد نظر، کمک نماید. به ویژه تأکید بر انجام اقدامات و استفاده از طیف وسیعی از مکانیزم‌های اجرایی در قالب یک چارچوب جامع و وسیع، موجب دستیابی به تعادل مورد نیاز بین نتایج کوتاه مدت و بینش بلند مدت می‌شود. شهرداری‌ها در اقصی نقاط جهان، محیط فعلیتی خود را در شرایط تغییرات روزافزون، پیچیدگی و تناقضات اداره می‌کنند. در عرصه‌های گوناگون، قدرت تصمیم‌گیری قابل ملاحظه‌ای به سطوح شهرداری واگذار شده و این امر در دوران تغییرات بی‌سابقه صورت می‌پذیرد لذا منابع مالی و دیگر منابع شهرداری‌ها هر روز محدودتر می‌شوند.

در کشورهای در حال توسعه، شهرنشینی و رشد شهرهای بزرگ از یک طرف فرصت‌های بالقوه و مفیدی عرضه کرده و از طرف دیگر این کشورها را با مسائل و چالش‌های بزرگی درگیر کرده است. این موضوع برای کشورهای در حال توسعه اهمیتی حیاتی دارد تا به گونه‌ای پیشگراانه و به شکل کاملاً مؤثر و کارآ با پدیده شهرنشینی شتابان و کلانشهر شدن مواجه شوند. از این رو شناخت ابعاد و ویژگی‌های کلانشهر در این‌گونه کشورها، نحوه برنامه‌ریزی و هدایت توسعه در هر کدام از آن‌ها مستلزم شناخت دقیق و جامع‌نگری از همه ابعاد پدیده است.

در همین ارتباط بانک جهانی در سال ۱۹۹۶ چنین جمع‌بندی کرده است که در حالی که در جستجوی راه حل برای مسئله شهرهای بزرگ هستیم، بایستی این نکته را در ذهن داشته باشیم که تأثیرات جهانی، ملی و محلی، هر کلانشهری را در درون بستر خاص خود کاملاً منحصر به فرد نموده، بنابراین راه‌های ایده‌آل (که فرض بر کارآیی آن‌ها در همه جا است) برای برنامه‌ریزی و مدیریت کلانشهری یک خیال باطل است (World Bank, 1996, 9).

۳. بیان مسأله

برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان‌های تجاری، عمومی و غیر انتفاعی بر مبنای رویکردهای گوناگونی صورت می‌پذیرد. رویکردهایی همچون عوامل کلیدی موفقیت، مسائل استراتژیک، تناسب استراتژیک، موقعیت‌یابی، اقیانوس آبی، دلتا و... در دنیای مدیریت استراتژیک مطرح هستند که هر کدام ممکن است در شرایط گوناگون و برای سازمان‌های مختلف مشخصاً مؤثرترین نتیجه را در پی داشته باشد. رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک شهرداری تهران در پژوهش حاضر - به دلایلی که در بخش بعدی تشریح خواهد شد - مبتنی بر رویکرد مسائل استراتژیک می‌باشد.

مسائل استراتژیک همان سوالات بنیادین در مورد خط مشی یا چالش‌های اساسی سازمان است که الزامات سازمانی، مأموریت‌ها، ارزش‌ها، ترکیب و نوع خدمات یا محصولات، مشتریان، هزینه‌ها، امور مالی، ساختارها، فرآیندها و شیوه مدیریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافتن بهترین راه به منظور تدوین این موضوعات مستلزم درک عمیق عملکرد اجزا، منافع ذی‌نفعان، نیازهای خارجی و فلسفه وجودی سازمان است.

مفهوم مسائل استراتژیک برای اولین بار زمانی مطرح شد که برنامه‌ریزان استراتژیک، بین تحلیل SWOT مدل هاروارد و تدوین استراتژی‌ها با مرحله‌ای فراموش شده یا حلقه‌ای مفقوده مواجه شدند. این مرحله عبارت بود از شناسایی مسائل استراتژیک! کانون تمرکز برنامه‌ریزی استراتژیک با این رویکرد، ایجاد تناسب میان سازمان و محیط پیرامونش است. بنابراین توجه به الزامات محیط خارجی می‌تواند به عنوان نوعی

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۵۷

برنامه‌ریزی خارج به داخل قلمداد شود. توجه به مأموریت، ارزش‌ها و وضعیت داخلی سازمان نیز به عنوان برنامه‌ریزی از داخل به خارج تلقی می‌شود. در کنار موارد ذکر شده، بقاء سازمان در گرو توجه و برنامه‌ریزی جدی در مسائل استراتژیک پیش روی آن است. سازمانی که در مقابل این موضوعات واکنش مناسبی از خود بروز ندهد، باید در انتظار نتایج ناخوشایندی به واسطه تهدیدات محیطی و فرصت‌های از دست رفته و یا هر دو باشد. (پرایسون، ۱۳۸۸).

بنابراین شناسایی مسائل و موضوعات استراتژیک قلب فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک می‌باشد. لازم به ذکر است که موضوعات استراتژیک بر مأموریت‌ها، الزامات، ارزش‌ها، ترکیب محصولات، مشتریان، ساختار سازمانی، فرآیندها، مدیریت و به عبارت دیگر بر تمامی شئون سازمان مؤثر خواهد بود. (نات و بکاف، ۱۹۹۲) نحوه پاسخگویی به این سؤالات تأثیرات عمیقی بر جهت‌گیری ایده‌های جدید و آغاز حکمت‌های استراتژیک سازمانی دارد. پاسخ به این سؤالات موجب تشریح فعالیت‌ها و علل وجودی سازمان و در نهایت موجب افزایش مشروعیت آن در محیط بیرونی به ویژه نزد افکار عمومی خواهد شد (مانگهام، ۱۹۸۷).

معمولاً استراتژی‌ها به منظور پاسخگویی به موضوعات استراتژیک تدوین می‌شوند. به بیان دیگر آن‌ها پاسخ سازمان به چالش‌های اساسی پیش رو را تعیین می‌کنند. مسائل و موضوعات استراتژیک نشان می‌دهند که در چه نقاطی پل ارتباطی (استراتژی) نیاز است. از این رو به منظور کمک به تدوین برنامه‌های استراتژیک اثربخش در شهرداری تهران نیاز مبرمی به شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک احساس می‌گردد، بدین ترتیب با مبنا قرار دادن مسائل استراتژیک، اسناد استراتژیک شهرداری دقیقاً به چالش‌ها و موضوعات کلیدی مدیریت شهری تمرکز خواهد نمود. لهذا طرح اساسی این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک در حوزه برنامه‌ریزی شهری کلانشهر تهران می‌باشد.

۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت برنامه‌ریزی استراتژیک شهرداری‌های کلانشهرها مبتنی بر رویکرد مسائل استراتژیک را می‌توان از منظرهای گوناگون مورد توجه قرار داد؛ امروزه در مدیریت سازمان‌های محلی نکته مهم آن است که مرز میان بخش خصوصی، عمومی و غیرانتفاعی به تدریج کمرنگ شده است، به عنوان مثال برای اجرای طرح‌های محلی به نحو گسترده‌ای از بخش‌های خصوصی کمک گرفته می‌شود و بسیاری از فعالیت‌های اساسی برون سپاری می‌شود. حذف این مرزها بدان معناست که در جهان کنونی هیچ سازمان یا مؤسسه‌ای مسئولیت کامل یک فعالیت را بر عهده نخواهد داشت و در عین حال نیز نمی‌تواند منکر نقش تأثیر گذار خود بر روی عناصر فعال جامعه باشد. از این رو برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان‌های محلی به یک رویکرد مبتنی بر یک فرماندهی سیاسی کل‌گرا نیازمند است تا بتواند شرایط را به‌طور گسترده و همه‌جانبه‌نگری تحلیل نماید (برایسون، ۱۳۸۸). علاوه بر آن، برنامه‌ریزی استراتژیک شهرداری‌ها با رویکرد مسائل استراتژیک با دو خاصیت از تفکر استراتژیک - به عنوان آخرین پارادایم حاضر در مدیریت استراتژیک - ارتباط تنگاتنگی دارد؛

◆ خاصیت غیر متوازن

یعنی به جای آن که سازمان توان و تجربه خود را به صورت متوازن و مساوی بین حوزه‌های مختلف تقسیم کند، به صورت غیر متوازن بدان‌ها می‌پردازد. ب‌نا بر این خروجی آن یک سند مفصل برای همه امور سازمان نیست، بلکه چند ایده مشخص، جذاب و خلاق برای بخش مهمی از سازمان است که مزیت رقابتی، سودآوری و ماندگاری را در پی خواهد داشت.

◆ دوراندیشی مبتنی بر زمان واقعی

مفهوم زمان واقعی در مقابل مفهوم دیراندیشی مطرح می‌شود (که گریبان برنامه‌ریزی استراتژیک سنتی را گرفته است). برجسته‌ترین استراتژی‌ها در صورت عدم توجه به عامل زمان و تغییراتی که در متغیرها روی می‌دهد، یا بدون استفاده مانده یا این که با ناکامی روبه‌رو می‌گردد. بنابراین بر خلاف برنامه‌ریزی استراتژیک سنتی که صرفاً براساس

مأموریت و چشم انداز بوده و در بلند مدت به آن‌ها نگریسته می‌شود و اساساً کیفی، کلی و انتزاعی می‌باشند، برنامه‌ریزی استراتژیک بر مدار مسائل استراتژیک، ملموس و انضمامی بوده و در زمان واقعی و براساس دغدغه‌های موجود صورت می‌گیرد (الشکر بلوکی، ۱۳۹۰).

اما آنچه که اهمیت مسائل استراتژیک در شهرداری تهران را مورد توجه قرار می‌دهد توسعه تعامل مؤثرتر میان ذی‌نفعان متعدد است. تمرکز بر ذی‌نفعان محلی در فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک در فراهم آوردن گستره وسیعی از گزاره‌ها که در نهایت متغیرهای کلیدی عملکرد را متأثر خواهد نمود، مبنایی حیاتی است.

این نکته در کشور ما اهمیت دوچندانی دارد، چرا که با بررسی قانون شهرداری‌های کشور ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار مسئولیت‌های اندکی را بر عهده شهرداری‌ها گذارده است در حالی که در مناسبات سیاسی و مدیریتی کشور و نیز افواه عمومی، فعالیت‌های گسترده‌تری از مجموعه مدیریت شهری مورد انتظار است که برنامه‌ریزی و پاسخگویی بدان‌ها صرفاً با در نظر گرفتن قوانین و مقررات میسر نیست (رحمتی، ۱۳۹۱). بنابراین در حالی که در قانون الزامات رسمی بسیار اندکی برای مدیریت شهری دیده شده است، الزامات غیر رسمی بسیاری از سوی ذی‌نفعان وجود دارد.

علاوه بر آن، از آنجا که شهرداری تهران در زمینه مدیریت سازمان‌های محلی پیشرو بوده و خصوصاً نقش الگو را برای سایر شهرداری‌ها ایفا می‌کند توجه به تغییر مدل‌های مرسوم در برنامه‌ریزی استراتژیک شهری می‌تواند سرمنشا تحولی اساسی در برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان‌های محلی در کشور شود.

همچنین وجود تنگناهای مالی در سال‌های اخیر در کشور ما، موجب تقویت ایده تغییر نگاه در مدل‌های سنتی برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان‌های عمومی شده است تا بتوان به صورت متمرکزتر و اثربخش به مسائل و موضوعات حیاتی موفقیت دست پیدا کرد.

۵. اهداف پژوهش

۱-۵. هدف اصلی پژوهش

شناسایی مسائل استراتژیک در حوزه برنامه‌ریزی استراتژیک شهری کلانشهر تهران و اولویت‌بندی آن جهت کاربرد در برنامه‌ریزی استراتژیک شهرداری تهران

۲-۵. اهداف فرعی پژوهش

شناسایی مسائل ناشی از الزامات رسمی و غیر رسمی
شناسایی مسائل ناشی از تحلیل محیط داخلی و خارجی
تفکیک مسائل استراتژیک از مسائل عملیاتی
اولویت‌بندی اهمیت مسائل استراتژیک در برنامه‌ریزی استراتژیک شهرداری

۶. سؤالات پژوهش

۱-۶. سؤال اصلی پژوهش

- شهرداری تهران با چه مسائل استراتژیکی روبرو است و اولویت هر یک چگونه است؟

۲-۶. سؤالات فرعی

- شهرداری تهران در تحلیل الزامات رسمی و غیر رسمی و مأموریت‌ها با چه مسائلی روبرو است؟
- شهرداری تهران در تحلیل محیط خارجی با چه مسائلی روبرو است؟
- شهرداری تهران در تحلیل محیط داخلی با چه مسائلی روبرو است؟
- کدامیک از این موارد در حوزه مسائل استراتژیک شهرداری‌ها قرار می‌گیرد؟
- ضرورت و اولویت هر یک از این مسائل استراتژیک در چه سطحی است؟

۷. نی نظری

۱-۷. مسائل استراتژیک

مسائل استراتژیک همان سوالات بنیادین در مورد خط مشی یا چالش‌های اساسی سازمان است که الزامات سازمانی، مأموریت‌ها، ارزش‌ها، ترکیب و نوع خدمات یا محصولات،

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۶۱

مشتریان، هزینه‌ها، امور مالی، ساختارها، فرآیندها و شیوه مدیریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲-۷. مدیریت استراتژیک در حکومت‌های محلی

«حکومت محلی نوعی سازمان عمومی است که به واسطه قانون در یک محدوده جغرافیایی مشخص، از سوی مردم محل، با هدف ارائه انواع خدمات عمومی انتخاب شده و ضمن برخورداری از آزادی و استقلال نسبی در امور اداری و مالی، تحت نظارت حکومت مرکزی، امور اساسی همان منطقه (محل) را اداره می‌نماید.» (رحمتی، ۱۳۹۱، ۲۲) شهرداری‌ها چگونه می‌توانند کیفیت زندگی شهروندان را بهبود دهند؟ این پرسش را می‌توان به طور همزمان هدف دولت محلی شایسته و رویکرد مدیریت استراتژیک، جهت اصلاح سیاست‌های شهرداری نامید. هدف کلی، حمایت و بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. (Schöler & Walther, 2003, 23)

۱-۲-۷. توسعه

«توسعه فرایندی است که موجب رشد کمی تولیدات و کالا و خدمات می‌شود و در روند آن پدیده‌های نامطلوب اجتماعی مانند محرومیت و فقر از بین می‌روند. ضمن این که با حصول استقلال اقتصادی و تقویت بنیه مالی و مادی جامعه، تحقق عدالت اجتماعی، ترقی فرهنگی، علمی و فنی صورت می‌پذیرد» (Rajvanshi, 2006, 25)

۲-۲-۷. پایداری

پایداری^۱، به معنای تداوم در امری همچون فعالیت و ایجاد "موازنه پویا" میان عوامل مؤثر فراوان نظیر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی مورد نیاز نوع بشر می‌باشد. اما آنچه در این بحث مدنظر است عبارتند از مجموعه شرایطی که منجر به وضعیت مطلوب می‌گردد به طوری که باعث تداوم حیات جوامع انسانی از جمله روستاها از جنبه‌های اجتماعی - اقتصادی، کالبدی و محیطی شده و با برخورداری از شرایط مطلوب به توسعه ملی و منطقه‌ای دست یابد.

مفهوم پایداری بسته به شرایط زمان و مکان جوامع مختلف، متفاوت است و به همین جهت امکان تسری و تعمیم یک برداشت خاص از مفهوم پایداری وجود ندارد. برای تحلیل وضعیت پایداری باید سه بعد را در نظر گرفت: سیاست‌های عمومی، جنبه‌های تاریخی و ارزش‌های جایگزین. (رادکلیف، ۲۰۰۰، ۲۲)

۷-۲-۳. توسعه پایدار شهری^۱

لازمه توسعه پایدار شهر به عنوان محل سکونت مردم، توجه به نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روحی، روانی، آموزشی، بهداشتی، زیست محیطی و غیره مردم است. با توجه به این که پیامدهای زیان بار توسعه، تابعی از متغیرهای جمعیت، سرانه و الگوی مصرف است، شهرنشینان عامل اصلی تعیین کننده این پیامدهای جهانی اند. در توسعه شهری پایدار، شهر به مرکزی برای سرزندگی، فرصت و ثروت بدل می‌شود. در این میان، به راهکارهایی نیاز است که بتوانند کارآمدترین استفاده ممکن از فضا را پیشنهاد کنند و از تخصیص اضافی زمین به امور توسعه شهری بکاهند. (حاتمی‌نژاد، ۷۹، ۱۳۸۰). به‌منظور پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهر تهران را در راستای ایفای نقش‌های مطلوب و قابل قبول آن مدیریت و هدایت نمود، نگاهی به ادبیات جهانی و تجارب دیگر کلان شهرها در مدیریت نقش‌های چندگانه شان می‌تواند راهگشا باشد (عندلیب، ۱۳۹۰). لذا در این بخش به مرور توسعه پایدار در ادبیات جهانی می‌پردازیم.

۷-۲-۳-۱. پایداری فرهنگی

به گفته «هابرماس» وجود قلمرویی عام که «گفتمان عمومی» را حمایت نماید، برای هر اجتماع پیشرفته ضروری است. از طرف دیگر ارزشمندترین قلمروی عمومی، «فضای شهری» است؛ فضای شهری انعکاس نابی از خصوصیات فرهنگی در قالب محیط ساخته شده است و یا چنانکه «راپاپورت» می‌گوید: «هدف اصلی، هماهنگی محیط با فرهنگ و بطور خاص با ظواهر محسوس آن همچون شیوه زندگی، نظام فعالیتی، نقش‌ها و شبکه‌های اجتماعی است». پایداری فرهنگی در قالب توانایی حفظ هویت فرهنگی و رواداری تغییر در انطباق با ارزش‌های فرهنگی مردمان تعریف می‌شود. (Rapoport, 1990, 23).

1. Sustainable urban development

۲-۳-۲-۷. پایداری اقتصادی

بعد اقتصاد پایداری به مفهوم برآیند تخصیص بهتر و مدیریت کارآمدتر منابع و جریان مستمر سرمایه گذاری خصوصی و دولتی است. در این بعد، غنی شدن یک گروه نباید موجب فقیر شدن گروهی دیگر گردد. توسعه پایدار نباید موجب جدا شدن بخش‌های عمده جامعه از منافع حاصله توسعه گردد. همچنین در این بعد لازم است شهروندان فرصت‌های اشتغال و درآمد داشته باشند و اقتصاددانان شهر بتوانند این فرصت‌ها را حفظ کند و متناسب با افزایش نیاز، فرصت‌های جدیدی به وجود آورد. این بعد از پایداری بر این مبناست که یک نظام اقتصادی باید حداقل به اندازه مجموع کاهش ارزش مصنوعی و سرمایه‌های طبیعی ذخیره داشته باشد (Pearce & Atkinson, 1992,32).

۳-۳-۲-۷. پایداری اجتماعی

توانایی یک جامعه در دنبال کردن ابعاد پایداری، تا حدود زیادی به توانایی اجتماع یعنی مردم، نهادها و اوضاع جغرافیایی و بوم شناختی آن جامعه بستگی دارد. توسعه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی فرایند توسعه و بیانگر کیفیت اجتماعی برای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت و ارتقای زندگی مردم و کاهش تبعیض و عدم تعادل بین افراد جامعه است. برنامه‌ی عمران ملل متحد دیدگاه توسعه اجتماعی را در قالب توسعه انسانی مطرح و تکمیل کرد. در این دیدگاه، فقر صرفاً به معنای فقدان کالا و خدمات اساسی نیست، بلکه نبود فرصت‌های انتخاب و زندگی کامل‌تر و ارزشمندتر را نیز در برمی‌گیرد (اجلالی، ۱۳۷۹، ۴۶).

۴-۳-۲-۷. پایداری اکولوژیک

توسعه‌ی پایدار باید به کمک یک مدیریت قوی و مناسب در نگهداری و تجدید حیات و ذخیره منابع طبیعی از محیط‌هایی که بیشترین سطح تولید را دارند و مناطق حاشیه‌ای تخریب نشده، نقش اساسی داشته باشد. پایداری بوم شناختی را می‌توان با استفاده از اهرم‌های زیر تقویت کرد؛

محدود کردن مصرف انواع سوخت و تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر، کاهش حجم ضایعات و آلودگی‌ها و بازیافت منابع، ترویج امساک در مصرف منابع و تغییر در الگوی مصرف،

تلاش برای یافتن فناوری‌هایی که ضایعات کمتری به بار می‌آورند و تعیین قوانین و دستگاه و نظام قانونی مناسب و از طرفی، یک شهر پایدار از نظر وضعیت زیست محیطی و بوم‌شناختی باید محیطی عاری از آلودگی، سرو صدا، ازدحام، تصادفات و بزهکاری باشد. فضای باز خصوصی و شخصی برای هر واحد مسکونی داشته باشد. (زنگی‌آبادی، ۱۳۷۲، ۳۸)

۵-۳-۲-۷. توسعه فیزیکی و کالبدی شهر

به افزایش کمی و کیفی کاربری‌ها و فضاهای کالبدی یک شهر در ابعاد افقی و عمودی که در طول زمان انجام می‌گیرد می‌توان توسعه فیزیکی اطلاق نمود (زنگی‌آبادی، ۱۳۷۲، ۳۸). توسعه شهر، پیامدهای نامطلوب زیست محیطی را بر اراضی پیرامون شهری به بار آورده است. (Hess, 2004, 4). این نوع توسعه ناموزون شهری اصولاً در اراضی آماده‌سازی نشده شهرها اتفاق افتاد (تقوایی و سرایی، ۱۳۸۵، ۱۳۳).

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که باید عنوان شود هویت شهری است. به گفته عالمان، خویشتن‌شناسی را می‌توان گامی اساسی در راستای هویت‌سازی فرهنگی به حساب آورد، هویتی که فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی است که بر دیگر منابع معنایی الویت دارد. معماری را نیز باید مدلی از تاریخ و گذشته دانست (حجت، ۱۳۷۲، ۶۱). که نمایانگر فرهنگ و ساخت اجتماعی یک قوم فرهنگ یا نژاد خاص است که در بستری کالبدی و فضایی خود را می‌نمایاند. (لینچ، ۱۳۸۱، ۵)

۶-۳-۲-۷. مدیریت شهری

یک دولت محلی تنها بخشی از سیستم حکمرانی است. اما بهتر است هرگز میزان اهمیت یک دولت محلی شایسته را برای یک شهر موفق دست کم نگیریم. (Schöler & Walther, 2003, 21).

۷-۳-۲-۷. بعد فناورانه‌ی پایداری

بسیاری از اقتصاد دانان و طرفداران حفظ محیط زیست معتقدند که افزایش توان فناورانه، بهترین درمان بحران‌های پایداری در منابع طبیعی است. این عقیده، با عنوان بیشترین بازدهی با حداقل امکانات، سرچشمه می‌گیرد و این معنای ضمنی را در بر دارد که

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل برایسون ■ ۱۶۵

دستاورد‌های بهره‌وری به‌طور خودکار موجب حفظ منابع و کاهش مصرف می‌گردند. (Wakernagle & Rees, 1996, 146).

۷-۲-۸. دسترسی شهری پایدار

حمل و نقل در شهرهای پایدار باید روی چند اصل کلیدی دسترسی از طریق نزدیک کردن مراکز فعالیت و کاربری‌ها، وارونه کردن سلسه مراتب کنونی حمل و نقل و کاهش تقاضا استوار باشد. موفقیت شهرها در نیل به دسترسی شهری پایدار، دسترسی آسان به منابع و عناصر شهری، جا به جایی و تحرک مردم، کالا و اطلاعات است. همچنین، افزایش دسترسی به تسهیلات و خدمات حمل و نقل عمومی از وابستگی به اتومبیل کاسته، ازدحام، آلودگی و مصرف انرژی را تقلیل می‌دهد و سطح بالایی از مصرف بهینه انرژی و سازگار از نظر زیست محیطی را در داخل شهر و بین شهرها به وجود می‌آورد. (ساسان پور، ۱۳۹۱).

مدل مفهومی پژوهش در شکل ۲-۲ نشان داده شده است. این شکل نظر بر/ایسون را در برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های عمومی، غیرانتفاعی و نهادهای اجتماعی ارائه می‌کند. این فرایند، که چرخه استراتژی نام دارد بر دیدگاه پویستر و/ستریب منطبق است.

۸. روش پژوهش

۸-۱. قلمرو پژوهش

قلمروی موضوعی این تحقیق در حوزه مباحث برنامه‌ریزی استراتژیک، از لحاظ قلمرو مکانی، کلانشهر تهران و از لحاظ قلمرو زمانی مربوط به بازه زمانی نیمه دوم سال ۱۳۹۲ است.

۸-۲. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش متشکل از معاونین شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران می‌باشد و با احتساب ۷ معاون برای مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران مجموعاً برابر ۱۵۴ نفر می‌باشد. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول ککران، حجم نمونه تقریباً برابر ۶۰ نفر برآورد می‌شود.

$$n = \frac{N \times Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 \times P \times (1-P)}{d^2 \times (N-1) + Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 \times P \times (1-P)}$$

N: اندازه نمونه، با احتساب ۷ معاون برای مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران مجموعاً برابر ۱۵۴ نفر می‌باشد.
 P: با توجه به عدم در اختیار داشتن واریانس جامعه، مقدار نسبت را برابر ۰.۵ قرار می‌دهیم که در این صورت مقدار $P*(1-P)$ یا همان واریانس حداکثر است.
 Z: با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصدی توزیع نرمال، برابر ۱.۹۵ خواهد بود.
 d: معمولاً با در نظر گرفتن خطای ۱۰ درصدی در برآورد پارامتر مورد بررسی این مقدار برابر ۰.۱ در نظر گرفته می‌شود.

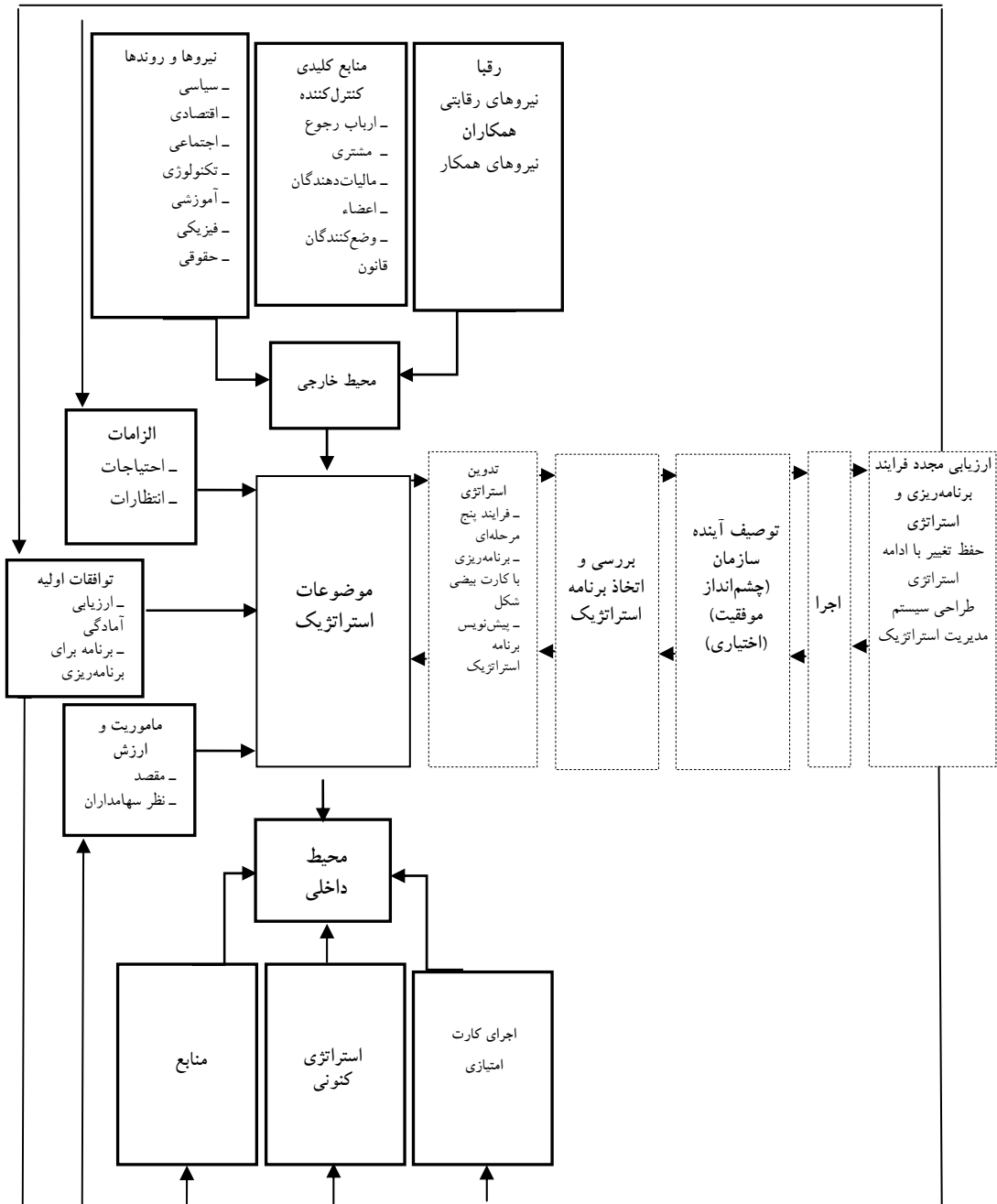
۳-۸. ابزار گردآوری داده‌ها و روایی و پایایی آن

ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به استخراج مسائل استراتژیک حوزه برنامه‌ریزی شهری مطابق با مدل برایشون به بررسی و تحلیل اسناد بالادستی برنامه‌ریزی استراتژیک کشور و تحلیل محیط خارجی، محیط داخلی و... پرداخته شد. در ابتدا فهرستی از مسائل استخراج شد، سپس برای تکمیل مسائل و حذف محدودیت‌ها و نیز توجه ویژه به برخی از ارکان مدل همچون "تحلیل ذینفعان و منابع کلیدی کنترل‌کننده" از مصاحبه اکتشافی با ۵ نفر با پست سازمانی "معاون مدیرکل" در شهرداری تهران استفاده شد و در پایان مصاحبه‌ها به کمک تست لیتموس به تفکیک مسائل استراتژیک از مسائل عملیاتی پرداخته شد که در پایان ۶۹ مسئله استراتژیک نهایی شد.

پایایی به معنای قابلیت اعتماد و سازگاری است. پایایی به معنای تکرار و تداوم یک چیز در شرایط یکسان و مشابه است. (نیومن، ۱۳۹۰، ۳۸۲) ضریب پایایی محاسبه شده برای پرسش‌نامه پژوهش حاضر که حاوی ۵۷ سوال می‌باشد، بر اساس آزمون آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار SPSS به صورت کلی برابر با ۰.۸۰۶ به دست آمد.

مدل مفهومی پژوهش

شکل ۱-۸- مدل برنامه‌ریزی استراتژیک برایشون برای سازمان‌های عمومی و غیرانتفاعی



۱-۳-۸. تست لیتموس:

برای ایجاد معیارهای ارزیابی استراتژیک بودن یا نبودن مسائل از آزمون لیتموس استفاده می‌کنیم. یک مسئله‌ی استراتژیک مسئله‌ای است که در تمامی ابعاد دارای نمره بالا باشد و یک مسئله عملیاتی در تمام ابعاد دارای نمره پایین خواهد بود. (برایسون، ۱۳۸۸).

جدول ۱-۸- تست لیتموس

مسئله	عملیاتی	استراتژیک
۱. آیا این موضوع در فهرست موضوعات شورای شهر وجود دارد؟	خیر	بله
۲. آیا این موضوع در فهرست موضوعات شهردار وجود دارد؟	خیر	بله
۳. درچه زمانی شهرداری با چالش یا فرصت مرتبط با این موضوع روبرو می‌شود؟	هم اکنون	سال بعد دو سال بعد یا بیشتر
۴. وسعت اثر این موضوع چقدر است؟	یک واحد یا یک بخش خاص	کل سازمان
۵. فهرست یا ریسک مالی سازمان در مورد این موضوع چقدر است؟	کم (کمتر از ۱۰٪ بودجه)	متوسط (۱۰٪ تا ۱۵٪ از بودجه) زیاد (بیش از ۲۵٪ از بودجه)
۶. چه راه‌حلهایی برای مقابله با موضوع نیاز است: الف) تغییر در ماموریت ب) تعریف تعدادی هدف عملیاتی و برنامه ج) ایجاد تغییر بنیادی در منابع درآمدی و میزان آن د) اصلاح جدی در وضعیت قوانین ه) اعمال تغییر عمده در نیروی انسانی، فناوری و تسهیلات	خیر خیر خیر خیر خیر	بله بله بله بله بله

کاملاً وسیع	دارای پارامترهای زیاد و جزئیات کم	آشکار، آماده اجرا	۷. ماهیت رویکردهای معطوف به حل مسائل و موضوعات
معاونین شهردار		سرپرستان، کارکنان صفی	۸. پایین ترین سطح مدیریت که می‌تواند در مورد این موضوع تصمیم‌گیری کند کدام است؟
اختلال عمده و بلند در سیستم، افزایش بسیار زیاد هزینه و کاهش عائدی‌ها	اختلال در سیستم، ضرر مالی	زحمت و دردسر، ناکارآمدی	۹. پیامدهای ناشی از عدم توجه به موضوع چیست؟
۴ گروه و بیشتر	۱ تا ۳ گروه	هیچ گروهی	۱۰. چه تعداد از گروه‌های کاری (معاونت‌ها) از این موضوع تاثیر می‌پذیرند یا با آن درگیر هستند؟

۴-۸. فرآیند شناسایی مسائل استراتژیک شهرداری تهران

در این بخش مبتنی بر مدل پرایسون، گام به گام به بررسی مراحل و استخراج مسائل مربوط به شهرداری تهران خواهیم پرداخت.

۱-۴-۸. الزامات و مأموریت سازمان

الزامات، مأموریت و ارزش‌ها نشان دهنده «ارزش عمومی» تولید شده توسط سازمان هستند و وجود سازمان را از نظر اجتماعی توجیه کرده و مشروعیت می‌بخشند.

۱-۱-۴-۸. الزامات

قبل از تعریف مأموریت و ارزشها، بایدها و نبایدهای رسمی و غیر رسمی تحمیل شده از قدرت‌های خارج از سازمان، شناسایی می‌شوند. الزامات رسمی از طریق قوانین، مقررات و... شناخته می‌شوند. علاوه بر این به طور معمول سازمان‌ها باید الزامات غیر رسمی متعددی را برآورده کنند. منشاء این الزامات، هنجارها و انتظارات ذی نفعان کلیدی است.

در بیشتر موارد این الزامات غیر رسمی به اندازه الزامات رسمی اهمیت دارند. بر داشتن این گام دو مزیت بالقوه دارد:

- ✓ شفاف شدن الزامات (آنچه باید انجام شود و آنچه که باید از انجام آن اجتناب شود) احتمال رعایت آن‌ها و خلق ارزش عمومی را افزایش خواهد داد.
- ✓ احتمال تعریف یک مأموریت جزئی نگر را بر مبنای یک سری الزامات محدود، کاهش می‌دهد.

۱-۱-۱-۴-۸. الزامات رسمی

برای بررسی الزامات رسمی شهرداری تهران به برنامه پنج ساله توسعه کشور برگرفته از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نیز قانون شهرداری‌ها پرداخته شده است (جدول ۳-۲).

۱-۱-۱-۴-۸. وظایف شهرداری در قانون

ماده ۵۵، ۵۶ و ۵۷ قانون شهرداری‌ها به تشریح وظایف شهرداری‌ها می‌پردازد و بطور کلی وظایف شهرداری‌های ایران را می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی کرد:

حقوق و ضوابط شهری، نظارت و کنترل، برنامه‌ریزی شهری، عمران شهری، تجهیز و ایجاد زیرساخت‌های شهری، خدمات شهری، خدمات فرهنگی و اجتماعی

گرچه همه وظایف شهرداری‌ها دارای اهمیت هستند، اما با توجه به این که هدف سازمان‌های محلی، ارائه خدمات عمومی در کلیه ابعاد و جنبه‌های آن به شهروندان می‌باشد، بهتر است این وظایف توسط شهرداری‌ها انجام شود و می‌توان آن‌ها را از طریق تدوین و تصویب ضوابط و قوانین به شهرداری‌ها واگذار کرد. می‌توان کل وظایف قابل واگذاری را در چند محور زیر خلاصه نمود: فعالیت‌های کالبدی، فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های زیست محیطی و بهداشتی (رحمتی، ۱۳۹۱)

از آنجا که مسائل استراتژیک حاصل از قوانین و نیز مسائل قابل واگذاری به شهرداری‌ها در سایر بخش‌ها بررسی می‌شود به سبب پرهیز از تکرار از تفصیل آن در این بخش خودداری می‌شود.

جدول ۲-۸- تحلیل الزامات رسمی سازمان

الزامات		
مسئله	سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه	
تقویت ارزشهای دینی و انقلابی	تکمیل و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم	تقویت و توسعه
تقویت ارزشهای اجتماعی (قانون‌گرایی، کار جمعی و..)	زننده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه ریزی	
	تقویت قانون‌گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، ابتکار، درستکاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقاء کیفیت در تولید	
	مقابله با جریان‌ات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات و موهومات استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام	
	ایجاد درک مشترک از چشم‌انداز بیست ساله و تقویت باور و عزم ملی برای تحقق	
حمایت از گسترش پژوهش	تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش	تقویت علمی و پژوهشی
	نیازها و اولویتهای کشور در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان.	
	تحول و ارتقاء علوم انسانی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیتهای پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی.	
	گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری از طریق: ارتقاء منزلت اجتماعی، ارتقاء سطح علمی و مهارتی، رفع دغدغه خطرپذیری مالی در مراحل پژوهشی و آزمایشی نوآوری‌ها، کمک به تجاری‌سازی دستاوردهای آنان.	

	تکمیل و اجرای نقشه جامع علمی کشور.	
تقویت هویت ملی جوانان و رفع دغدغه‌های آنان	تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.	
پیشگیری از فساد اداری	تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان.	
تقویت نهاد خانواده	اداره‌ی اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت: افزایش تحرک و کارآیی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریتهای موازی، تأکید بر تمرکز زدایی در حوزه‌های اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز.	
تأمین کرامت و معیشت کارمندان	هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، باز آفرینی و روزآمد سازی معماری ایرانی - اسلامی، رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها.	۳۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰
هویت شهری	تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت، اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی.	
گسترش گردشگری	اولویت دادن به ایتارگران انقلاب اسلامی در عرضه منابع مالی و فرصتها و امکانات و مسؤولیت‌های دولتی در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی.	
توسعه ورزش همگانی	اهتمام به توسعه ورزش و حمایت از گسترش فعالیت‌های گردشگری با تأکید بر سفرهای زیارتی.	
ارتقاء سلامت شهروندان	تأکید بر رویکرد انسان سالم و سلامت همه جانبه	
کاهش آلودگی ها		
برطرف کردن ناهنجاری‌های امنیتی ناشی از حریم	ارتقاء امنیت اجتماعی	

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۷۳

توسعه سرمایه گذاری	تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸٪ نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی
برون سپاری فعالیت‌ها و کاهش تصدی گری	تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول برنامه پنجم و برنامه ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین دستی وابسته بدان
کاهش شکاف میان سطوح شهر و اجرای عدالت اجتماعی	اصلاح ساختار نظام بانکی با اجرای کامل و روزآمد قانون بانکداری بدون ربا و نهادینه کردن نظام‌های قرض‌الحسنه، تأمین اعتبارات خرد و اعتبارات لازم برای سرمایه گذاری‌های بزرگ.
حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار	ارتقاء کمی و کیفی بازارهای مالی (سرمایه، پول و بیمه) با تأکید بر کارایی، شفافیت و سلامت.
	<p>تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و الزامات مربوط به هر یک از بندها</p> <p>توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست محیطی آب با تسریع در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن و مهار آبهایی که از کشور خارج می‌شود با اولویت استفاده از منابع آبهای مشترک.</p> <p>سرمایه گذاری در استحصال و استخراج گاز و نفت و معادن مشترک با کشورهای همسایه با رعایت سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.</p> <p>حفظ ذخایر راهبردی ارزی به مقداری که اطمینان از تأمین نیازهای اساسی کشور در مدت معین (براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی) حاصل گردد.</p> <p>تأکید بر راهبرد توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا به نحوی که کسری تراز بازرگانی بدون نفت کاهش یافته و توازن در تجارت خدمات ایجاد گردد.</p> <p>گسترش همه جانبه همکاری با کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا در تجارت، سرمایه‌گذاری و فناوری.</p>

اولویت‌بندی

	<p>ارتقاء و هماهنگی میان اهداف توسعه‌ای: آموزش، بهداشت و اشتغال به طوری که در پایان برنامه پنجم، شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا برسد.</p> <p>تبدیل نظام بودجه ریزی کشور به بودجه ریزی عملیاتی.</p> <p>گسترش عدالت اجتماعی</p> <p>تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد</p> <p>اقدامات لازم برای جبران عقب ماندگی‌های حاصل از دوران‌های تاریخی گذشته</p> <p>برقراری ارتباط کمی و کیفی میان برنامه پنج‌ساله و بودجه‌های سالیانه با سند چشم‌انداز با رعایت شفافیت و قابلیت نظارت.</p>	
<p>افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری</p>	<p>تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.</p>	
<p>حمایت از آزادی‌های مشروع در سطح شهر</p>	<p>جهت دهی جریان‌ات سیاسی به پایبندی به ارزش‌های اسلامی - انقلابی، دفاع از منافع ملی، دشمن‌ستیزی، قانون‌پذیری و اصول اخلاقی.</p>	
<p>تقویت تعامل و دیپلماسی شهری</p>	<p>حمایت از آزادی‌های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت.</p>	<p>توسعه روابط بین‌المللی</p>
<p>گسترش پدافند غیر عامل</p>	<p>اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل به منظور تحکیم امنیت ملی و پیشبرد منافع ملی</p>	
	<p>حضور فعال و هدفمند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تلاش برای ایجاد تحول در رویه‌های موجود بر اساس ارزشهای اسلامی.</p> <p>ارتقاء نقش مدیریتی ایران در توزیع و ترانزیت انرژی، افزایش فرصت‌های صادراتی، جذب سرمایه و فناوری‌های پیشرفته و کمک به استقرار نظام پولی، بانکی و بیمه‌ای مستقل با کمک کشورهای منطقه‌ای و اسلامی و دوست با هدف کاهش وابستگی به سیستم پولی نظام سلطه.</p>	

تقویت تعامل فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی با جهان بویژه حوزه تمدن اسلامی - ایرانی
تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج خط و زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی.
تحکیم و ارتقاء امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی
ارتقاء توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به منظور دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای

منبع: محقق ساخته

۸-۴-۱-۱-۲. الزامات غیر رسمی

با توجه به اینکه عامل کلیدی موفقیت در بخش عمومی و غیر انتفاعی رضایت ذی نفع است، این تجزیه و تحلیل نیز دارای اهمیتی حیاتی است. اگر سازمانی ذی نفع خود را نشناسد، بالطبع معیار قضاوت آن‌ها را نیز در زمینه عملکرد سازمانی نخواهد شناخت؛ از این رو نخواهد توانست ذی‌نفعان خود را راضی کند و با مرور زمان با توجه به ناتوانی در خلق ارزش عمومی از میان خواهد رفت. (بوسکن، ۱۹۹۴) فن تجزیه و تحلیل بنیادین شامل سه مرحله است: ۱) شناسایی دقیق ذی‌نفعان سازمان، ۲) شناسایی معیارهای مورد نظر ذی‌نفعان و ۳) قضاوت درباره چگونگی عملکرد سازمان با توجه به معیارهای مورد نظر ذی‌نفعان. در ادامه تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان شهرداری تهران مشاهده می‌شود (جدول ۳-۳).

جدول ۸-۳- تجزیه و تحلیل ذی نفعان

تجزیه و تحلیل ذی نفعان	
ذی نفعان	انتظارات (مسئله)
شورای شهر	پیروی از قوانین و مصوبات شورای شهر
	شفافیت و پاسخگویی در قبال اعضاء
	کارآمدی در حوزه اجرا و مدیریت فعالیت‌ها
	جلوگیری از فساد اداری
	عدم انحراف از بودجه‌های مصوب شورا
شهروندان	مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها
	پاسخگویی ارکان شهرداری در قبال مردم
	تسریع فعالیت‌ها و فرایندهای شهرداری و جلوگیری از بروکراسی
	برقراری عدالت در انجام فعالیت‌های شهرداری در میان همه مناطق و نواحی
	تلاش در تسریع توسعه پایدار شهری (اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی)
	برطرف کردن مشکلات ترافیکی (کمبود پارکینگ، سلسه مراتب دسترسی‌ها)
	تسهیل حمل و نقل همگانی بویژه مترو
ایجاد محیط‌های شاد و سرگرم‌کننده	
دولت	انطباق و همسویی با برنامه‌های توسعه‌ای دولت
	ایجاد درآمد پایدار و عدم درخواست کمک مالی
نسل‌های آینده	توسعه پایدار
اتحادیه کارگری	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کارمندان و کارگران شهرداری
	تصویب قوانین در دفاع از شرایط کارکنان
حاکمیت و نظام	همسویی با اسناد بالا دستی و چشم‌انداز ۱۴۰۴ نظام
	توسعه و ترویج فرهنگ و اندیشه‌های انقلاب اسلامی
رسانه‌ها	پاسخگویی ارکان شهرداری به رسانه‌ها

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۷۷

بخش خصوصی	برون سپاری بیشتر فعالیت‌ها توسط شهرداری انجام به موقع تعهدات شهرداری به بخش خصوصی
بخش علمی و دانشگاهی کشور	تعامل بیشتر با جوامع و مراکز علمی و آموزشی در جهت تصمیم‌گیری‌ها، سیاستگذاری و اجرای فعالیت‌ها
	توسعه مراکز علمی، تحقیقاتی و پارک‌های فناوری
	برگزاری سمینارها و همایش‌های علمی بین‌المللی
فعالان حوزه کسب و کار	ایجاد مراکز تجاری
	ارتقاء جایگاه بین‌المللی شهر تهران به عنوان شهری تجاری
پلیس	مشارکت پلیس در طراحی و اجرای طرح‌های ترافیکی
	تغییر کابری و کالبدی مناطق جرم‌خیز
	ایجاد مراکز تفریحی، سرگرمی برای کودکان، جوانان و خانواده‌ها
کارمندان	آموزش و توسعه کارمندان
	ایجاد شرایط رفاهی مناسب برای کارمندان
	ارتقاء کارمندان متناسب با سابقه و توانمندی‌های آنان
	مشارکت کارمندان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری شهرداری

منبع: محقق ساخته

۸-۴-۱-۲. مأموریت

بیانیه مأموریت احساس هدفمندی را در سازمان فراهم می‌کند. این چشم‌انداز به نوبه خود تلاش‌های بعدی را برای شناسایی مسائل استراتژیک و توسعه استراتژی‌های سازمانی هدایت می‌کند. وجود یک چشم‌انداز، باعث تقویت ارزش‌ها، حس هدفمندی و زمینه‌های مشترک سازمانی می‌شود. (ویلدنز، ۲۰۰۳) در این بخش برای بررسی مأموریت و چشم‌انداز شهرداری تهران، به بررسی و تحلیل طرح راهبردی - ساختاری (طرح جامع) شهر تهران پرداخته‌ایم (جدول ۳-۴).

جدول ۸-۴- تحلیل مأموریت سازمان

بخش مأموریتها: (مبتنی بر طرح جامع شهر تهران)		
مسئله	راهبرد توسعه	
گسترش شهر تهران و عدم تثبیت مرز و محدوده آن	ساماندهی و صیانت از محدوده و جلوگیری از هرگونه گسترش شهر	۱
ساخت وساز و فعل و انفعال غیر رسمی و غیر قانونی در حریم پایتخت	ساماندهی و صیانت از حریم پایتخت	۲
تامین فضا، زیر ساخت و ارتباطات لازم برای ارتقای زیست پذیری و فعالیت پذیری در سطح جهانی و منطقه‌ایی	ارتقاء و جایگاه شهر تهران در سطوح فراملی، ملی و منطقه‌ایی	۳
توسعه برنامه‌ریزی شده، هدایت شده و حمایت شده شهرهای اقماری کلانشهر تهران	سازماندهی یکپارچه مجموعه شهری	
تعامل بخشی و تمرکز زدایی در ارتباط با وظایف حکومت مرکزی و انتقال دستگاه‌های دولتی		
برنامه‌ریزی برای تامین خدمات شهری جمعیت ساکن و مشاغل (جمعیت روزانه) بر مبنای پیش‌بینی جمعیتی معادل ۱/۹ میلیون نفر در افق طرح ۱۴۰۴	توسعه اجتماعی و ساماندهی اسکان جمعیت	۴
کمیبود وسعت کاربری‌های خاص مسکونی در محدوده شهر		
توزیع نامتناسب جمعیت در سطح نواحی شهر		
وجود نابرابری در خدمات و فضاهای عمومی مورد نیاز جمعیت شهری		
عدم مشارکت عمومی گسترده مردم		
شبکه‌های دسترسی و حرکت پیاده و معلولین		
توسعه برند شهر تهران	توسعه اقتصادی و رونق فعالیت شهر تهران	۵
عدم وجود مراکز خدمات اداری و تجاری - اعلام مدد جهانی برای حضور شرکتهای فرا ملی		
ایجاد کریدورهای فناوری (پارک‌های علمی، فناوری، مراکز خدمات کسب و کار)		
سوداگری و کسب و کار غیر مولد در مسکن و زمین شهری		
توسعه فعالیت SME بجای صنایع بزرگ آلاینده		
توسعه سیستم حمل و نقل همگانی بویژه سیستم‌های حمل و نقل ریلی	بهبود وضعیت شبکه‌های ارتباطی و نظام حمل و نقل و ترافیک	۶
سازماندهی شبکه بزرگراهی برون شهری و درون شهری و ارتباط محلات با شبکه‌های اصلی شهر		
مناسب‌سازی شهر برای حرکت پیاده، دوچرخه، معلولین		

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۷۹

	توسعه پارکینگ	
	تعدیل تقاضای سفر در شهر	
۷	حفاظت از محیط زیست	وجود حداکثر آلاینده و پایانه‌های حمل بار و وجود کاربری‌ها و فعالیت‌های تشدیدکننده ترافیکی توسعه فضای سبز و پایداری تنوع زیستی اکوسیستم‌ها مدیریت پسماندهای خانگی، بیمارستان‌ها، ساختمانی و...
۸	ایمن‌سازی در برابر سوانح طبیعی	وجود گسل‌های متعدد فرعی و اصلی در شهر تهران قابلیت سیل خیزی در سیلاب روهای اصلی شهر جمع آوری و انتقال آب‌های سطحی
۹	بهبودسیستم مدیریت بحران و ارتقاء کیفیت دفاع غیر عامل شهر تهران	ایجاد مراکز امن برای اداره حکومت در شرایط بحران ایمن‌سازی شهر در مقابل آتش‌سوزی مقاوم نمودن شهر در برابر تهدیدات طبیعی و غیر طبیعی یا گسترش زیر ساخت
۱۰	تامین آب مورد نیاز و توسعه و تجهیز شبکه تاسیسات آب و فاضلاب تهران و ساماندهی حریم بستر رودخانه‌ها و مسیل‌ها	تکمیل تأسیسات و شبکه‌های جمع‌آوری فاضلاب تقویت مسیرهای آب زیرزمینی و جلوگیری از الودگی آن‌ها
۱۱	بهبود و ارتقاء وضعیت و سازماندهی کالبدی شهر تهران	ساماندهی کالبد شهر تهران هویت بخشی به کالبد شهر تعادل بخشی به الگوی استقرار سکونت توزیع متعادل خدمات و کاهش تقاضای سفر
۱۲	ارتقاء کیفیت کارایی محیط شهری با بهینه‌بندی نحوه استفاده از اراضی و ساماندهی ساخت و ساز در انواع کاربری‌ها	بهینه‌بندی سطح شهر به منظور جلوگیری از تداخل نامناسب کاربری‌ها
۱۳	احیاء و حفاظت فعال از میراث طبیعی، تاریخی و فرهنگی شهر تهران	حفاظت و ساماندهی کوهساران و کوهپایه‌ها پیرامون شهر حفاظت و ساماندهی جریان‌های طبیعی آب احیا مراکز و ساماندهی بافتها و بهینه‌های تاریخی شهری

ساماندهی و توسعه و تجهیز مساجد		
ارتقای کیفیت شهری (مبلمان، تجهیزات شهری و...)	ساماندهی و ارتقاء هویت سیما و منظر شهری تهران در جهت احیاء معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی	۱۴
ارتقای محیط شهری (ساماندهی نما و منظر شهر)		
احیای معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی		
توسعه متعادل فضای سبز	توسعه فضاهای سبز، عمومی، تفرجگاهی و گردشگری	۱۵
حفاظت و ساماندهی از پارکهای جنگلی و بهره برداری از جنگلها برای ایجاد فضاهای مناسب تفریح، اوقات فراغت و...		
ساماندهی رودخانه‌ها و مسیل ها		
توسعه تسهیلات گردشگری		
توسعه فضاهای تفریح و گردشگری	تامین نیازها و ساماندهی خدمات شهری تهران	۱۶
افزایش سرانه مجموعه خدمات شهری (آموزشی، درمانی، فرهنگی، مذهبی و...)		
توزیع متعادل خدمات شهری ساماندهی و یا جابجایی مراکز نظامی، صنایع آلاینده و...		
حمایت و نظارت بر بافتهای فرسوده	بهرسازی، نوسازی و بازسازی بافتهای فرسوده	۱۷

منبع: محقق ساخته

۸-۴-۲. تحلیل محیط:

کانون تمرکز برنامه‌ریزی استراتژیک ایجاد تناسب میان سازمان و محیط پیرامونش است. بنابراین با توجه به الزامات محیط خارجی می‌تواند به عنوان نوعی برنامه‌ریزی خارج به داخل قلمداد شود. توجه به مأموریت و وضعیت داخلی سازمان نیز به عنوان برنامه‌ریزی از داخل به خارج تلقی می‌شود. در کنار موارد ذکر شده، بقاء سازمان در گرو توجه به برنامه‌ریزی جدی در زمینه مسائل استراتژیک پیش روی آن است. سازمانی که در مقابل این مسائل واکنش مناسبی از خود نشان ندهد، باید در انتظار نتایج ناخوشایند به واسطه تهدیدات محیطی و فرصت‌های از دست رفته و یا هردو باشد. (برایسون، ۱۳۸۸، ۶۵)

۸-۴-۱. ارزیابی محیط خارجی:

بررسی محیط خارجی سازمان به منظور شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی آن است. سه بخش ذیل، تمرکز اصلی محیط خارجی را در هر نظام ارزیابی نشان می‌دهند:

۸-۴-۱-۱. نیروها و روندها:

بررسی مجموعه نیروها و روندهای محیطی، می‌تواند به برنامه ریزان و تصمیم‌گیران کلیدی در جهت شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو کمک شایانی نماید. در این بخش به وسیله تحلیل *PESTEL* به بررسی محیط کلان شهرداری تهران پرداخته، با ارزیابی روندهای موثر بر عملکرد این نهاد، مسائلی که هم اکنون و یا در آینده به واسطه حضور این روندها باید مدنظر قرار گیرند مورد بررسی قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۵-۳).

جدول ۵-۸- تحلیل روندهای موثر

روندها	
مسئله	روند
افزایش مشارکت مردم	افزایش مطالبات عمومی برای مشارکت
افزایش شفافیت و پاسخگویی	افزایش فشار برای شفافیت
افزایش برون سپاری فعالیت‌ها	توانمندی بازیگران غیر دولتی
حمایت از فعالیت NGO	کاهش اقتدار و گستره حکمرانی دولت‌ها
توسعه مراکز تجاری بین‌المللی	رقابت پذیری از طریق نوآوری
توسعه درآمد پایدار	افزایش فشار برای ارتقای سطح استانداردهای خدمات
افزایش سطح نوآوری در ارائه خدمات شهری	افزایش همکاری‌ها به جای رقابت
	رشد میل به کارآفرینی
	افزایش میل مصرف‌گرایی
	هدفمندی یارانه‌ها
جمع‌آوری و بازیافت زباله‌ها	تاکید بر منابع تجدیدپذیر انرژی
کاهش آلودگی هوا	فناوری بازیافت محصولات
جمع‌آوری و برنامه ریزی برای آب‌های جاری	کمبود آب آشامیدنی سالم
برنامه ریزی برای آب آشامیدنی سالم	افزایش آلودگی زیستی، صوتی و...
توسعه خدمات الکترونیکی به شهروندان	رشد اینترنت، تسهیل و گسترش به اشتراک‌گذاری دانش و تکنولوژی‌های جدید
هوشمندسازی شهر	پیوند و همگرایی میان مراکز دانشگاهی و صنایع

ارتباط بیشتر با مراکز دانشگاهی به منظور استفاده از تکنولوژی و دانش روز		
افزایش مشارکت بانوان	افزایش حضور زنان در جامعه	س. ۱
تقویت باورهای مذهبی و سنتی شهروندان	افزایش مهاجرت از روستا به شهر	
افزایش امکانات تفریحی و سرگرمی	تأکید بر یادگیری عمومی	
افزایش سطح بهداشت شهر و شهروندان	توسعه جامعه مدنی	
افزایش سرمایه اجتماعی شهر	توجه به سبک زندگی توسط شهروندان	
تامین مسکن	افزایش فرهنگ «عدم اطمینان»	
	فاصله گرفتن از فرهنگ سنتی و تمایل به تنوع فرهنگی	
	افزایش میل به فردگرایی	
تغییر در قوانین مدیریت شهری	تغییر و تصویب اسناد بالا دستی و قوانین جدید در مجلس شورای اسلامی	س. ۲

منبع: محقق ساخته

۸-۴-۲-۱-۲. کنترل‌کنندگان منابع کلیدی:

سازمان‌ها باید علاوه بر توجه به نیروها و روندهای موثر، برخی ذی‌نفعان مهم مانند مشتریان، مالیات‌دهندگان و... را به دقت بازشناسی کند. در این بخش منابع کلیدی کنترل‌کننده شهرداری تهران و مسائل نظیر آن‌ها بررسی شده‌اند. (جدول ۳-۶).

جدول ۳-۶- تحلیل منابع کلیدی کنترل‌کننده

منابع کلیدی کنترل‌کننده		
مسئله	عامل کنترل‌کننده	منابع کلیدی کنترل‌کننده
بهبود سیستم پرداخت عوارض	پرداخت‌کنندگان عوارض و مالیات به شهرداری	شهروندان
افزایش اعتماد شهروندان به شهرداری	اعتماد و همکاری با شهرداری در راستای اجرای طرح‌های مورد نظر	

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۸۳

آموزش عمومی شهروندان	عدم تخطی از قوانین و مقررات شهرداری	
افزایش تعامل با مجلس	تخصیص بودجه مورد نظر از بودجه سالانه کشور	مجلس شورای اسلامی
آموزش و توسعه کارکنان	همراهی و انجام بهینه وظایف و سیاستگذاری‌های مورد نظر	کارمندان
افزایش سطح همکاری و تعملات میان شهرداری و دولت	پرداخت به موقع سهم شهرداری از بودجه، عوارض و مالیات‌ها همکاری ارکان و نهادهای دولتی در راستای تحقق برنامه‌ها	دولت

منبع: محقق ساخت

۸-۴-۲-۱-۳- شرکا و رقبای بالقوه و بالفعل و موثر بر هماهنگی و رقابت از آنجا که شهرداری‌ها به عنوان یک حکومت محلی، بر مبنای ماهیت و وظایف خود در بخش حاکمیتی، دارای رقیبی نمی‌باشند و تفاوتی ماهوی با سازمان‌ها و بخش‌های تجاری دارند و نیز ذی نفعان، نیروها و سایر مسائل در بخش‌های دیگر بررسی شده‌اند در این بخش به دلیل همپوشانی مسائل با سایر بخش‌ها از تکرار پرهیز شده است.

۸-۴-۲-۲- ارزیابی داخلی:

سه بخش عمده‌ای که باید در این بخش بررسی شوند، در حقیقت همان عناصر اصلی یک سیستم ساده هستند:

۸-۴-۲-۱- منابع (ورودی‌ها)

این قسمت به بررسی منابع در اختیار شهرداری تهران اختصاص دارد، منابع و یا سرمایه‌هایی که در گذر زمان در سازمان به صورت دانش ضمنی و یا صریح و یا بصورت سرمایه‌ای فیزیکی موجود می‌باشد، که بر پایه این منابع و توانمندی‌ها می‌توان برای رسیدن به اهداف حساب ویژه‌ای باز کرد. سرمایه مالی، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، سرمایه طبیعی، سرمایه ارتباطی (لشگر بلوکی، ۱۳۹۰)

۸-۴-۲-۲. استراتژی فعلی (فرآیند)

تشریح استراتژی فعلی کمک می‌کند تا به طور دقیق، ارزش‌هایی را که سازمان برای ذی‌نفعان خود می‌آفریند درک کنند، به بیانی دیگر سازمان به طور دقیق مشخص می‌کند ورودی‌های خود را چگونه به خروجی تبدیل می‌کند تا الزامات خود را برآورده ساخته، مأموریتش را انجام داده، رضایت ذی‌نفعان را جلب کرده و ارزش عمومی خلق کند. بیان دقیق آنچه که وجود دارد مقدمه بسیار خوبی برای تشریح آنچه که باید به وجود آید فراهم می‌کند. بر این اساس در این مرحله به بررسی راهبردهای موجود در برنامه استراتژیک میان مدت شهرداری تهران و مسائل مرتبط با آن پرداخته شده است (جدول ۳-۷).

جدول ۸-۷. تحلیل استراتژی فعلی سازمان

استراتژی فعلی (فرآیند)	
(مبتنی بر برنامه میان مدت شهرداری تهران)	
مستله	چشم‌انداز
احیای و حفاظت فعال از میراث طبیعی، تاریخی و فرهنگی شهر تهران	تهران؛ شهری با اصالت و هویت ایرانی-اسلامی
ساماندهی و ارتقای هویت سیما و منظر شهری (طراحی شهری) تهران در جهت احیاء شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی	
توسعه اجتماعی شهر و شهروندان	
ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی و ارتقای سرمایه اجتماعی فرهنگی شهروندان	تهران؛ شهری دانش پایه، هوشمند و جهانی
ارتقای نقش و جایگاه شهر تهران در سطوح فراملی، ملی و اقتصادی	
توسعه حکمروایی الکترونیکی و شهر هوشمند	
تحول سازمانی - ساختاری در نظام مدیریت شهری تهران	تهران؛ شهری سرسبز و زیبا، شاداب و سرزنده با فضاهای عمومی متنوع و گسترده
حفظ و ارتقای کیفیت محیط زیست شهری	
ایمن‌سازی شهر در برابر سوانح طبیعی و انسان ساز	تهران؛ شهری امن و مقاوم در برابر انواع

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۸۵

آسیب‌ها، مخاطرات و سوانح	بهبود سیستم مدیریت بحران و ارتقای کیفیت پدافند غیر عامل شهر تهران
	بهبود، نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران
	حفاظت از محدوده و حریم تهران و جلوگیری از هرگونه گسترش شهر
تهران؛ شهری پایدار و منسجم با ساختاری مناسب برای سکونت، فعالیت و فراغت	بهبود و ارتقای وضعیت و ساماندهی کالبدی شهر تهران (سازمان فضایی شهر)
	ارتقای کیفیت و کارآیی محیط شهری
تهران؛ روان با رفاه عمومی و زیر ساخت‌های مناسب، همراه با تعدیل نابرابری‌ها و تأمین عادلانه کلیه حقوق شهروندان	بهبود وضعیت شبکه‌های ارتباطی و نظام حمل و نقل و ترافیک
	تأمین نیازها و ساماندهی خدمات شهری
تهران؛ کلان شهری با عملکردهای ملی و جهانی و با اقتصادی مدرن و مرکزیت امور فرهنگی - پژوهشی و سیاسی در سطح کشور و حداقل یکی از سه شهر مهم و برتر منطقه آسیای جنوب غربی	توسعه اقتصادی و رونق فعالیت شهر تهران حرکت در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری اصلاح نظام درآمد و هزینه و تکیه بر درآمدهای پایدار

منبع: محقق ساخته

۸-۴-۲-۳. عملکرد (خروجی)

در خصوص سنجش عملکرد چارچوب‌های متعددی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به چارچوب ارزیابی عملکرد در برنامه NHS، کارت امتیاز بخش عمومی (Moulin, 2004)، کارت امتیاز متوازن تعدیل یافته کاپلان و نورتون برای استفاده در سازمان‌های عمومی، مدل 3P عملکرد و منشور عملکرد (Neely, 2002) اشاره نمود. براساس پژوهش انجام گرفته (وردی‌نژاد و یمینی، ۱۳۸۷) مبتنی بر کارت امتیاز متوازن، ۲۵ شاخص برای ارزیابی عملکرد شهرداری تهران یاد شده است که در این پژوهش نیز با مد نظر قرار دادن این شاخص‌ها به بررسی مسائل منتج از آن‌ها خواهیم پرداخت (جدول ۸-۳).

جدول ۸-۸- تحلیل شاخص‌های عملکرد سازمان

شاخص‌های عملکرد (خروجی)		
مسئله استراتژیک	شاخص	بعد
تطبیق با بودجه	کاهش هزینه‌ها	بعد مالی
رشد درآمد پایدار	بهره‌برداری هزینه	
کاهش هزینه‌ها	رشد درآمد پایدار	
	تطبیق با بودجه	
	برگشت سرمایه بکار گرفته شده	
	درصد رشد خدمات و درآمد	
افزایش نوآوری و خلاقیت در ارائه خدمات	کاهش مراحل انجام کار	بعد فرایندهای کاری
افزایش سرعت انجام پروژه‌ها و ارائه خدمات	سرعت و نحوه انجام کار	
	میزان نوآوری و خلاقیت	
	زمان تحویل خدمات	
بهبود کیفیت و اثر بخشی دوره‌های آموزشی برای کارمندان	بهبود مهارت‌ها	بعد رشد و یادگیری
افزایش سطح شایستگی‌های کارمندان	میزان معرفی شایسته خدمات جدید و طرح‌های نو	
	کیفیت دوره‌های آموزشی	
	اثر بخشی دوره‌های آموزشی	
	هزینه‌های مصروفه در زمینه تحقیق و توسعه	
	میزان آگاهی کارکنان در زمینه تحقیق و توسعه	
	میزان آگاهی کارکنان از حقوق شهروندی	
	میزان بازخورد گرفتن از شهروندان	
افزایش سرمایه اجتماعی	مشارکت شهروندان	بعد شهروند
افزایش مشارکت شهروندان	ایمنی شهروندان	

	رضایت شهروندان
	ارتقای تصویر سازمان در اذهان شهروندان
	ارتباط مستقیم با شهروندان
	تقویت حس شهروندی
افزایش ایمنی شهروندان	پاسخگویی به شهروندان

منبع: (وردی‌نژاد و یمینی، ۱۳۸۷)

۳-۴-۸. مسائل استراتژیک

ماهیت تکراری فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک در این مرحله کاملاً ملموس است؛ به این علت که اغلب اطلاعات و مسائلی که در مراحل قبل جمع‌آوری شده است، در این مرحله مجدداً به عنوان مسائل استراتژیک مطرح می‌شوند. (برایسون، ۱۳۸۸، ۶۶) براساس پژوهش صورت گرفته در حوزه مدیریت شهری (مجابی و دیگران، ۱۳۹۰)، ۴۰ مسئله شهر تهران به تفکیک حوزه‌های تخصصی مربوطه جمع‌آوری شده است که در جدول زیر آمده است (۹-۳).

جدول ۹-۸- مسائل شهر تهران

مسائل شهری	حمل و نقل و ترافیک	معماری و شهرسازی	خدمات شهری	زیست محیطی	مدیریت بحران	اجتماعی و فرهنگی	مالی و سرمایه گذاری	مدیریت، فناوری و حکمرانی شهری	فنی و عمران
وجود عناصر غیر شهری مانند اراضی تحت کاربری‌های نظامی، زندان، پارک‌ها، کارخانه و... منجر به ایجاد تراکم‌های زیست محیطی، اجتماعی و...	□	□		□		□		□	
ناکارآمدی مدیریت بحران و عدم مقاومت این شهر در مقابل میزان زلزله خیزی و منجر به خسارات جانی و مالی ناشی از وقوع زلزله احتمالی					□			□	□

مسائل شهری	حمل و نقل و ترافیک	معماری و شهرسازی	خدمات شهری	زیست محیطی	مدیریت بحران	اجتماعی و فرهنگی	مالی و سرمایه گذاری	مدیریت، فناوری و حکمرانی شهری	فنی و عمران
تراکم زیاد در مقابل ظرفیت محدود مانند پهنای معابر، خدمات شهری، فضای سبز و... و در نتیجه کاهش سهم سرانه ظرفیتها		<input type="checkbox"/>							
نابسامانی لبه‌های شهری مماس بر حریم شهر		<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	
نابسامانی در نگهداری و بهره برداری از عناصر شهری شاخص مانند فضاهای طبیعی، ابنیه تاریخی، مکان‌های عمومی و...						<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	
مکانیابی نادرست ابنیه شهری و بی انضباطی در توسعه	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>				
ضعف در سازماندهی زیرمنطقه‌ای مانند عدم تناسب در تقسیمات، عدم توسعه و توزیع مناسب تشکلهای و...						<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	
دفع نادرست فاضلاب شهری و غیره شهری مانند چاه‌های جذبی، جاری کردن به آب‌های سطحی و...				<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>	
ناهمگونی ساکنین از مناظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و...					<input type="checkbox"/>				
وجود بافت روستایی	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	
وجود بافت حاشیه ای	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	
وجود مجتمع‌های انبوه تعاونی ساز		<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>			
مهاجرپذیری		<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	
سوداگری در خرید و فروش زمین و تراکم مسکن		<input type="checkbox"/>					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
ناپایداری درآمد شهری							<input type="checkbox"/>		
گسترده‌گی زیاد محدوده جغرافیایی		<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	
توزیع نامتعادل خدمات شهری		<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۸۹

مسائل شهری	حمل و نقل و ترافیک	معماری و شهرسازی	خدمات شهری	زیست محیطی	مدیریت بحران	اجتماعی و فرهنگی	مالی و سرمایه گذاری	مدیریت، فناوری و حکمرانی شهری	فنی و عمران
گسستگی کابندی عناصر شهری مانند فضاهای سبز، بخشهای مسکونی، معابر سواره رو و...	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		
کمبود پارکینگ	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>
نابسامانی زیاده‌های غیرشهری مانند نخاله‌های ساختمانی، پسماند بیمارستانی و...			<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>					
ناکارآمدی حمل و نقل عمومی	<input type="checkbox"/>								
فشار الگوی اداری، تجاری و صنعتی به الگوی مسکونی و فراغتی		<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		
نابسامانی در حفظ رودخانه‌ها و رود دره‌ها و مسیله‌ها			<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>	
تجاوز از حریم جغرافیایی شهر			<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>				
نابسامانی معابر پیاده روماند عدم ایوستگی، امنیت، امکانات و...	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>
فشار الگوی معماری نامتناسب با هویت ایرانی - اسلامی		<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>			
توسعه اقتصادی بیش از ظرفیت موجود	<input type="checkbox"/>					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		
کمبود خدمات شهری و رفاهی			<input type="checkbox"/>						
وجود پروژه‌ها و کاربری‌های فرامنطقه‌ای	<input type="checkbox"/>					<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>
کمبود مراکز کار و فعالیت اشتغال‌زا						<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
ناهماهنگی با ارگان‌های دولتی مستقر								<input type="checkbox"/>	
مشکلات ویژه زنان مانند عدم مشارکت، سرپرست خانوار، خیابانی و...						<input type="checkbox"/>			
نقش عبوری بزرگراهی، ریلی و...	<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>			
پهنه بلا تکلیف و مستعد برای توسعه غیر قانونی		<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	
سرمایه گذاری با اهدافی دور از چشم انداز		<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	

مسائل شهری	حمل و نقل و ترافیک	معماری و شهرسازی	خدمات شهری	زیست محیطی	مدیریت بحران	اجتماعی و فرهنگی	مالی و سرمایه گذاری	مدیریت، فناوری و حکمرانی شهری	فنی و عمران
تفاوت فاحش جمعیت روز و شب	<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>			
ریزدانگی قطعات زمین		<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>				<input type="checkbox"/>
کمبود و توزیع نامتعادل فضای سبز		<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>			
آلودگی صوتی	<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>			
مشکلات ساختاری در درون شهرداری								<input type="checkbox"/>	

منبع: (مجابی و دیگران، ۱۳۹۰)

۵-۸. مدل مفهومی پژوهش

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین ذکر شد پس از گردآوری مسائل بر اساس مدل برایسون و با بهره‌گیری از مصاحبه‌های اکتشافی و تست لیتموس به ۶۹ مسئله نهایی دست یافتیم. در گام بعدی و با برگزاری ۲ راند دلفی با حذف ۱۲ مسئله، به مدل مفهومی پژوهش در ۷ بعد و ۵۷ شاخص دست یافتیم (جدول ۳-۱۰).

جدول ۳-۱۰-۸- مدل مفهومی پژوهش

شاخص	بعد
۱. ضرورت حیات شهردر شب	پایداری اقتصادی
۲. ضرورت افزایش میزان سرمایه گذاری و جذب سرمایه گذار	
۳. ضرورت بهبود سیستم دریافت عوارض	
۴. ضرورت رشد درآمد پایدار و اصلاح نظام درآمد و هزینه	
۵. ضرورت تطبیق هزینه‌ها با بودجه مصوب	
۶. ضرورت ایجاد تسهیلات و فرصت برای خانه دار شدن عموم مردم	
۷. ضرورت توسعه توریسم و گردشگری	
۸. ضرورت توسعه مراکز خدمات اداری و تجاری برای حضور شرکتهای فراملی	

۹. ضرورت افزایش تعاملات و دیپلماسی شهری	زیست محیطی	
۱۰. ضرورت توسعه برند مطلوب شهری		
۱۱. ضرورت جمع آوری و انتقال آبهای سطحی		
۱۲. ضرورت تکمیل تاسیسات و شبکه‌های جمع آوری فاضلاب		
۱۳. ضرورت مدیریت پسماندهای خانگی، بیمارستانی و ساختمانی		
۱۴. ضرورت توسعه بازیافت زباله‌های شهری		
۱۵. ضرورت توسعه فضای سبز		
۱۶. ضرورت جلوگیری از آلودگی هوا و آلودگی صوتی		
۱۷. ضرورت افزایش سرمایه اجتماعی شهر		
۱۸. ضرورت افزایش تسهیلات تفریح، اوقات فراغت و گردشگری شهری		فرهنگی و اجتماعی
۱۹. ضرورت رسیدگی به افراد بی خانمان در سطح شهر		
۲۰. ضرورت رسیدگی به مشکلات حوزه بانوان (زنان سرپرست خانوار، خیابانی و...)		
۲۱. ضرورت تقویت ارزشهای اجتماعی (کار، قانون گرایی، احترام به دیگران و...)		
۲۲. ضرورت رسیدگی به مشکلات و چالش‌های حوزه جوانان		
۲۳. ضرورت افزایش آموزش عمومی شهروندان		
۲۴. ضرورت ایجاد مراکز امن برای اداره حکومت در شرایط بحران و سوانح		
۲۵. ضرورت تغییر کالبدی و کاربری مناطق جرم خیز		
۲۶. ضرورت پدافند غیر عامل و مدیریت بحران		
۲۷. ضرورت گسترش زیر ساختها به منظور مقاوم نمودن شهر در برابر سوانح طبیعی (زلزله و سیل)		
۲۸. ضرورت افزایش بهداشت و سلامت روحی و جسمی شهروندان		
۲۹. ضرورت تقویت باورهای دینی و هویت ملی		
۳۰. ضرورت احیاء مراکز و ساماندهی بافتها و پهنه‌های تاریخی شهر		
۳۱. ضرورت افزایش سرانه و توزیع متعادل مراکز فرهنگی و هنری در سطح شهر (فرهنگسرا، کتابخانه، مساجد و...)		
۳۲. ضرورت بهبود تسهیلات حمل و نقل همگانی	دسترسی	
۳۳. ضرورت اصلاح شبکه‌های ارتباطی و سلسله مراتب دسترسی‌ها (تونل و تقاطع و آزادراه		

	(... و)
	۳۴. ضرورت توزیع مناسب سرانه‌های خدماتی با هدف کاهش سفر
	۳۵. ضرورت مناسب‌سازی شهر برای حرکت افراد معلول، دوچرخه سوار و...
مکان و کالبد شهری	۳۶. ضرورت ساماندهی حریم و محدوده شهر و جلوگیری از پیشروی جغرافیایی آن
	۳۷. ضرورت ساماندهی و جابجایی مراکز نامتجانس از محدوده شهری (صنایع و نیروهای مسلح و واحدهای آلاینده و..)
	۳۸. ضرورت هویت بخشی به کالبد شهر
	۳۹. ضرورت تعادل بخشی به الگوی استقرار سکونت
	۴۰. ضرورت ارتقای کیفیت و کارآرایی محیط شهری (میلان، تجهیزات شهری و...)
	۴۱. ضرورت ارتقای نما و منظر شهری
	۴۲. ضرورت بهسازی، نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده
	۴۳. ضرورت احیای معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی
	۴۴. ضرورت احیای مصرانه طرح تفضیلی شهر تهران (به منظور پهنه‌بندی شهر و جلوگیری از تداخل نامناسب کاربری‌ها)
	۴۵. ضرورت کاهش گستردگی محدوده جغرافیایی برخی مناطق (مثلاً مناطق ۲۱ و ۲۲)
	۴۶. ضرورت مدیریت یکپارچه شهری
	۴۷. ضرورت تأکید بر محله محوری و برنامه ریزی شهروند مدار
	بعد مدیریتی
۴۹. ضرورت افزایش شفافیت و پاسخگویی در قبال مردم، شورای شهر و...	
۵۰. ضرورت افزایش مشارکت بخش خصوصی و NGOها و برون سپاری فعالیت‌ها	
۵۱. ضرورت افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری	
۵۲. ضرورت جلوگیری از فساد اداری	
۵۳. ضرورت آموزش و توسعه هدفمند کارمندان شهرداری	
۵۴. ضرورت بازنگری در قوانین و مقررات شهرداری‌ها	

۵۵. ضرورت افزایش خلاقیت و نوآوری در ارائه خدمات	فناوری
۵۶. ضرورت ایجاد کریدورهای فناوری (پارک‌های علمی، فناوری و مراکز خدمات کسب و کار)	
۵۷. ضرورت توسعه حکمروایی الکترونیک و شهر هوشمند	

۶-۸. تحلیل یافته‌ها

در این بخش برای پی بردن به این که کدامیک از مسائل را می‌توان جزء مسائل استراتژیک فعلی شهر تهران دانست با استفاده از آزمون t زوجی به بررسی فاصله وضعیت موجود آن‌ها در شهر با وضعیت مطلوب پرداخته ایم. چنانچه وضعیت موجود و مطلوب مسائل دارای فاصله معناداری باشند نشانگر نیاز به توجه ویژه و استراتژیک بودن در شرایط کنونی شهر است و اگر این فاصله معنادار نباشد نشانگر وضعیت نسبتاً مطلوب آن در شهر می‌باشد. برای آزمون وجود اختلاف بین پاسخ‌های یک سوال در دو وضعیت جداگانه از آزمون t زوجی استفاده می‌شود.

$$t^* = \frac{\bar{D}}{\sqrt{\frac{S_d^2}{n}}}$$

فرض صفر: میانگین اختلاف دو به دوی گزینه‌ها برابر صفر است ($\bar{D} = 0$)
 که در آن \bar{D} میانگین اختلاف مقادیر مشاهدات زوجی برای هر عامل می‌باشد S_d^2 انحراف معیار این اختلاف‌ها است.

ناحیه بحرانی: با توجه به دو طرفه بودن آزمون، مقدار این آماره از جدول توزیع t برابر $t_{\alpha/2, n-1} = 2$ می‌باشد. بنابراین در صورتی که مقدار قدر مطلق t^* کوچک‌تر از ۲ باشد فرض صفر رد می‌شود. البته به کمک t^* می‌توان مقدار p-value را نیز محاسبه نمود و در صورتی که مقدار p-value بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد می‌گوییم در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر پذیرفته می‌شود. (سرمد، بازرگانی و حجازی، ۱۳۸۰، ۱۱۷)

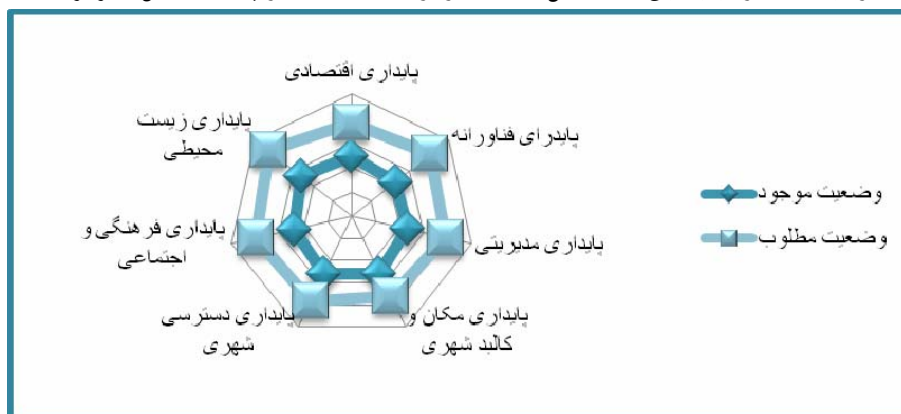
جدول ۸-۱۱- آزمون t زوجی میانگین امتیاز ابعاد مسائل

ابعاد مسائل استراتژیک	میانگین وضع مطلوب	میانگین وضع موجود	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
پایداری اقتصادی	۳/۸۱۶۷	۲/۴۶۱۷	۰/۰۰	رد فرض صفر
پایداری زیست محیطی	۴/۳۰۲۸	۲/۶۵۲۸	۰/۰۰	ردفرض صفر
پایداری اجتماعی و فرهنگی	۳/۹۸۶۷	۲/۴۱۱	۰/۰۰	ردفرض صفر
پایداری دسترسی شهری	۳/۸۳۷۵	۲/۶۲۰۸	۰/۰۰	ردفرض صفر
پایداری کالبدی	۳/۶۳۵۰	۲/۵۸۵۰	۰/۰۰	ردفرض صفر
پایداری مدیریتی	۳/۹	۲/۳۰۸۳	۰/۰۰	ردفرض صفر
پایداری فناورانه	۴/۰۸۳۳	۲/۲۴۱۷	۰/۰۰	ردفرض صفر

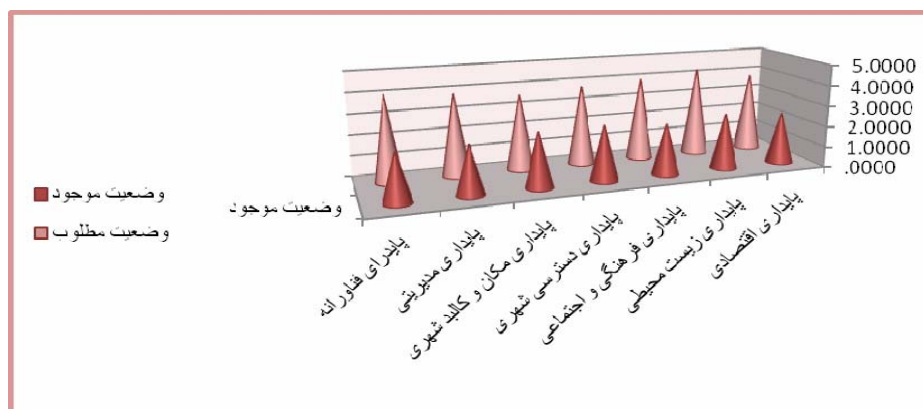
بنابر نتایج جدول فوق فرض صفر در کلیه ابعاد رد گردیده و رد فرض صفر به معنای وجود اختلاف میان وضع مطلوب و وضع موجود عوامل و در نتیجه لزوم توجه به این ابعاد در برنامه‌ریزی استراتژیک به عنوان مسائل استراتژیک می‌باشد. در نمودار زیر به نمایش میزان تفاوت وضعیت موجود و وضعیت مطلوب ابعاد مسائل می‌پردازیم.

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۹۵

نمودار ۱-۸- نمودار راداری مقایسه بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب ابعاد مسائل استراتژیک



نمودار ۲-۸- نمودار مخروطی مقایسه بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب ابعاد مسائل استراتژیک



برای بررسی دقیق‌تر، آزمون تزوجی را برای ۵۷ مسئله مورد نظر اجرا می‌کنیم تا وجود اختلاف بین وضع موجود و وضع مطلوب هر یک از مسائل را نیز تشخیص دهیم.

جدول ۸-۱۲- آزمون t زوجی میانگین امتیاز مسائل

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره t زوجی	مسئله استراتژیک	نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره t زوجی	مسئله استراتژیک
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۸,۴۰۵	۳۰	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۸,۵۲۳	۱
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۴,۹۳۲	۳۱	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۰,۰۹۹	۲
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۷,۲۰۲	۳۲	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۵,۰۷۷	۳
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۶,۱۴۶	۳۳	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۹,۹۳۶	۴
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۵,۰۱۳	۳۴	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۶۲۸,۸	۵
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۰,۰۶۷	۳۵	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۸۱,۸	۶
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۶,۷۷۲	۳۶	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۰,۹۱۰	۷
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۸,۹۲۲	۳۷	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۵,۵۵۸	۸
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۴,۶۹۵	۳۸	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۷,۲۴۹	۹
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۵,۷۴۳	۳۹	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۶,۱۶۷	۱۰
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۸,۲۲	۴۰	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۹,۵۷۱	۱۱
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۸۲۴,۷	۴۱	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۹,۳۳۱	۱۲
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۱,۲۶۶	۴۲	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۱,۱۵۲	۱۳
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۵,۰۵۲	۴۳	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۰,۰۰۹	۱۴

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۹۷

رد فرض صفر	۰,۰۰	-۶,۳۱۵	۴۴	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۲,۳۳۹	۱۵
رد فرض صفر	۰,۰۰۱	-۳,۵۳۱	۴۵	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۳,۴۰۸	۱۶
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۷,۹۶۷	۴۶	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۳,۱۵۱	۱۷
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۵,۳۴۹	۴۷	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۹,۶۹۶	۱۸
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۶,۰۷۱	۴۸	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۷,۳۵۹	۱۹
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۱,۸۸۱	۴۹	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۲,۳۶۹	۲۰
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۶,۴۱۶	۵۰	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۶,۳۸۲	۲۱
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۱,۲۹۹	۵۱	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۱,۸۸۴	۲۲
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۰,۳۸۵	۵۲	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۹,۳۳۱	۲۳
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۱,۵۷۵	۵۳	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۹,۳۲۷	۲۴
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۷,۵۵۲	۵۴	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۱,۵۶۴	۲۵
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۹,۷۸۶	۵۵	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۷,۵۵	۲۶
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۹,۶۴۳	۵۶	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۰,۶۸۳	۲۷
رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۱,۶۴۵	۵۷	رد فرض صفر	۰,۰۰	-۱۲,۶۶۲	۲۸
				تایید فرض صفر	۰,۱۸۵	-۱,۳۴۲	۲۹

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد جز مسئله "ضرورت تقویت باورهای دینی و هویت ملی"، با رد فرض صفر و تایید وجود فاصله معنی‌دار میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب بر اهمیت این مسائل به عنوان مسائلی استراتژیک در برنامه‌ریزی استراتژیک شهرداری تهران تأکید می‌شود. به بیانی دیگر تمامی مسائل به جز مسئله مذکور، استراتژیک محسوب می‌شوند.

مسائل استراتژیک شهرداری تهران از چه اولویتی برخوردار می‌باشند؟

برای پاسخ به این سوال با استفاده از آزمون فریدمن و امتیاز داده شده به رتبه‌بندی اهمیت هریک از مسائل استراتژیک می‌پردازیم. فرضیات این آزمون عبارتند از:

- H_0 : میانگین امتیاز مسائل برابر است
 H_1 : حداقل میانگین دو شاخص با یکدیگر برابر نیست

جدول ۸-۱۳- نتایج آزمون فریدمن برای ابعاد مسائل

آماره آزمون فریدمن (کای دو)	تعداد نمونه	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
۷۸/۱۷۶	۶۰	۶	۰/۰۰	رد فرض صفر

با توجه به جدول فوق و نیز سطح معنی‌داری آزمون که کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر آزمون مبنی بر یکسان بودن میانگین امتیاز اهمیت مسائل رد می‌شود. یعنی اهمیت ابعاد با یکدیگر متفاوت است. حال که دریافتیم اهمیت عوامل متفاوت است با استفاده از آزمون فریدمن به اولویت‌بندی ابعاد مسائل استراتژیک می‌پردازیم:

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۱۹۹

جدول ۸-۱۴- اولویت‌بندی ابعاد مسائل با استفاده از آزمون فریدمن

ابعاد مسائل استراتژیک	اولویت	میانگین نمره
پایداری زیست محیطی	۱	۵/۶۵
پایداری فناوریانه	۲	۴/۴۹
پایداری اجتماعی	۳	۴/۱۶
پایداری مدیریتی	۴	۳/۹۳
پایداری دسترسی شهری	۵	۳/۹۱
پایداری اقتصادی	۶	۳/۴۹
پایداری کالبدی	۷	۲/۳۷

بنابر نتایج فوق مهم‌ترین بعد مسائل استراتژیک شهرداری تهران «پایداری زیست محیطی» می‌باشد و به ترتیب، اولویت سایر ابعاد نیز مشخص گردیده است. حال بار دیگر آزمون فریدمن را برای تمامی مسائل استراتژیک اجرا نموده تا اولویت آن‌ها نیز مشخص گردد.

جدول ۸-۱۵- نتایج آزمون فریدمن برای مسائل استراتژیک

آماره آزمون فریدمن (کای دو)	تعداد نمونه	درجه آزادی	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
۴۹۶,۶۰۹	۶۰	۵۵	۰/۰۰	رد فرض صفر

باتوجه به جدول فوق و نیز سطح معنی‌داری آزمون که کمتر از ۰/۰۵ است؛ فرض آزمون، مبتنی بر یکسان بودن میانگین امتیاز اهمیت مسائل رد می‌شود، یعنی اهمیت مسائل استراتژیک با یکدیگر متفاوت می‌باشد و اولویت همه مسائل در جدول زیر مشخص شده است:

جدول ۸-۱۶- اولویت‌بندی مسائل استراتژیک با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه	شماره مسئله استراتژیک	Mean Rank	رتبه	شماره مسئله استراتژیک	Mean Rank	رتبه	شماره مسئله استراتژیک	Mean Rank
۱	۵۲	۴۲٫۷۲	۲۰	۲۵	۳۰٫۲۷	۳۹	۲۳	۲۶٫۶۶
۲	۱۳	۴۲٫۴۷	۲۱	۲۷	۲۹٫۹۵	۴۰	۴۰	۲۶٫۳۷
۳	۱۵	۴۱٫۰۱	۲۲	۵۱	۲۹٫۷۸	۴۱	۴۸	۲۶٫۰۲
۴	۱۴	۳۹٫۵۵	۲۳	۱۹	۲۹٫۷۶	۴۲	۳۰	۲۵٫۱۰
۵	۳۲	۳۹٫۴۴	۲۴	۳۷	۲۹٫۷۱	۴۳	۲۰	۲۴٫۸۴
۶	۵۷	۳۷٫۲۷	۲۵	۲۱	۲۹٫۶۶	۴۴	۳۱	۲۴٫۵۷
۷	۱۲	۳۶٫۰۹	۲۶	۵۶	۲۹٫۳۰	۴۵	۲۶	۲۴٫۰۸
۸	-۲	۳۴٫۹۹	۲۷	۱۷	۲۸٫۹۴	۴۶	۱۰	۲۳٫۸۲
۹	۴۹	۳۴٫۸۸	۲۸	۴۲	۲۸٫۷۷	۴۷	۴۷	۲۳٫۷۲
۱۰	-۴	۳۴٫۰۲	۲۹	۴۶	۲۸٫۶۴	۴۸	۰۳	۲۳٫۶۵
۱۱	۱۶	۳۳٫۹۳	۳۰	۵۴	۲۸٫۴۳	۴۹	۰۹	۲۳٫۵۷
۱۲	-۶	۳۳٫۳۴	۳۱	۴۱	۲۸٫۴۰	۵۰	۴۴	۲۲٫۷۸
۱۳	-۷	۳۳٫۱۲	۳۲	۵۰	۲۸٫۲۳	۵۱	۳۴	۲۱٫۴۳
۱۴	۲۸	۳۱٫۷۳	۳۳	۳۵	۲۷٫۴۷	۵۲	۴۳	۲۱٫۳۸
۱۵	۱۱	۳۱٫۵۱	۳۴	۵۵	۲۷٫۴۶	۵۳	۳۹	۲۱٫۰۷
۱۶	-۵	۳۱٫۳۷	۳۵	۰۱	۲۷٫۱۰	۵۴	۴۵	۲۱٫۰۵
۱۷	۵۳	۳۱٫۱۰	۳۶	۲۲	۲۷٫۰۳	۵۵	۰۸	۲۰٫۴۴
۱۸	۳۳	۳۰٫۷۶	۳۷	۲۴	۲۶٫۷۹	۵۶	۳۸	۱۹٫۶۰
۱۹	۱۸	۳۰٫۶۳	۳۸	۳۶	۲۶٫۶۹			

در جدول زیر مسائل استراتژیک ابتدا بر اساس اولویت ابعاد و سپس اولویت شاخص‌های هر بعد آورده شده است:

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۲۰۱

جدول ۸-۱۷- اولویت‌بندی مسائل استراتژیک

ابعاد	مسئله استراتژیک
پایداری زیست محیطی	مدیریت پسماندهای خانگی، بیمارستانی و ساختمانی
	توسعه فضای سبز
	توسعه بازیافت زباله‌های شهری
	تکمیل تاسیسات و شبکه‌های جمع‌آوری فاضلاب
	جلوگیری از آلودگی هوا و آلودگی صوتی
	جمع‌آوری و انتقال آبهای سطحی
پایداری فناوریانه	توسعه حکمروایی الکترونیک و شهر هوشمند
	ایجاد کریدورهای فناوری (پارکهای علمی، فناوری و مراکز خدمات کسب و کار)
	افزایش بهداشت و سلامت روحی و جسمی شهروندان
	افزایش تسهیلات تفریح، اوقات فراغت و گردشگری شهری
	تغییر کالبدی و کاربری مناطق جرم خیز
	گسترش زیرساخت‌ها به منظور مقاوم نمودن شهر در برابر سوانح طبیعی (زلزله و سیل)
	رسیدگی به افراد بی‌خانمان در سطح شهر
	تقویت ارزشهای اجتماعی (کار، قانون‌گرایی، احترام به دیگران و...)
	افزایش سرمایه اجتماعی شهر
	رسیدگی به مشکلات و چالش‌های حوزه جوانان
	ایجاد مراکز امن برای اداره حکومت در شرایط بحران و سوانح
	افزایش آموزش عمومی شهروندان
	احیاء مراکز و سازماندهی بافتها و پهنه‌های تاریخی شهر
	رسیدگی به مشکلات حوزه بانوان (زنان سرپرست خانوار، خیابانی و...)
افزایش سرانه و توزیع متعادل مراکز فرهنگی و هنری در سطح شهر (فرهنگسرا، کتابخانه، مساجد و...)	
گسترش پدافند غیرعامل و مدیریت بحران	
جلوگیری از فساد اداری	
پایداری مدیریتی	افزایش شفافیت و پاسخگویی در قبال مردم، شورای شهر و...
	آموزش و توسعه هدفمند کارمندان شهرداری
	افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری
	مدیریت یکپارچه شهری
	بازنگری در قوانین و مقررات شهرداری ها

افزایش مشارکت بخش خصوصی و NGOها و برون سپاری فعالیت‌ها		
افزایش خلاقیت و نوآوری در ارائه خدمات		
تحول سازمانی - ساختاری در نظام مدیریت شهری		
تاکید بر محله محوری و برنامه ریزی شهروند مدار		
بهبود تسهیلات حمل و نقل همگانی	پایداری دسترسی شهری	
اصلاح شبکه‌های ارتباطی و سلسله مراتب دسترسی‌ها (تونل و تقاطع و آزادراه و...)		
مناسب‌سازی شهر برای حرکت افراد معلول، دوچرخه‌سوار و...		
توزیع مناسب سرانه‌های خدماتی با هدف کاهش سفر		
افزایش میزان سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذار	پایداری اقتصادی	
رشد درآمد پایدار و اصلاح نظام درآمد و هزینه		
ایجاد تسهیلات و فرصت برای خانه‌دار شدن عموم مردم		
توسعه توریسم و گردشگری		
تطبیق هزینه‌ها با بودجه مصوب		
حیات شهر در شب		
توسعه برند مطلوب شهری		
بهبود سیستم دریافت عوارض		
افزایش تعاملات و دیپلماسی شهری		
توسعه مراکز خدمات اداری و تجاری برای حضور شرکتهای فراملی		
ساماندهی و جایجایی مراکز نامتجانس از محدوده شهری (صنایع، نیروهای مسلح، واحدهای آلاینده و..)		پایداری مکان و کالبد شهری
بهسازی، نوسازی و بازسازی بافتهای فرسوده		
ارتقای نما و منظر شهری		
ساماندهی حریم و محدوده شهر و جلوگیری از پیشروی جغرافیایی آن		
ارتقای کیفیت و کارآرایی محیط شهری (مبلمان، تجهیزات شهری و...)		
احیای مصرانه طرح تفضیلی شهر (به منظور پهنه‌بندی شهر و جلوگیری از تداخل نامناسب کاربری‌ها)		
احیای معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی		
تعادل بخشی به الگوی استقرار سکونت		
گسترده‌گی زیاد محدوده جغرافیایی برخی مناطق		
هویت بخشی به کالبد شهر		

۹. نتیجه‌گیری

این پژوهش برای نخستین مرتبه بصورت متمایز، در عرصه پژوهش‌های استراتژیک، به بررسی جامع و فراگیر مسایل استراتژیک شهرداری تهران پرداخته و مجموعه‌ای منسجم و نظام‌مند از این مسایل استراتژیک را در قالب ابعاد پایداری شهری ارائه می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر آنکه میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب هریک از ابعاد پایداری شهری در شهر تهران فاصله معناداری وجود داشته و مسایل استراتژیک مرتبط با هریک از این ابعاد نیز نیازمند بازبینی در برنامه‌ریزی و تمرکز منابع هستند. بر اساس نتایج تحلیل آماری، از میان ۵۷ مسئله احصا شده، تنها با رد مسئله "ضرورت تقویت باورهای دینی و هویت ملی" به عنوان یک مسئله استراتژیک، سایر موارد تایید گردیده است. به بیانی دیگر تمامی مسائل به جز مسوله مذکور، استراتژیک دانسته شده است.

در اولویت‌بندی ابعاد پایداری شهر تهران، "پایداری زیست محیطی" به عنوان اولویت اول و "پایداری کالبدی" به عنوان آخرین اولویت قلمداد شده است. در ادامه، در اولویت‌بندی مسایل استراتژیک نیز مسئله "جلوگیری از قساد اداری" مهم‌ترین و با اهمیت‌ترین مسئله استراتژیک امروز شهرداری تهران شناسایی شده است و مسئله "ضرورت هویت‌بخشی به کالبد شهر" در میان سایر مسایل از اولویت کمتری برخوردار است.

بدین ترتیب، همانگونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، اگر استراتژی‌ها را پاسخی به مسایل استراتژیک سازمان‌ها بدانیم با شناسایی این مسایل و نیز پی بردن به اهمیت هریک از آن‌ها می‌توان با تمرکز صحیح‌تر منابع و قابلیت‌های سازمانی در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و عملیاتی بر روی این‌گونه مسایل دستیابی به چشم‌انداز شهر تهران را تسهیل نمود.

فهرست منابع و مآخذ

- اجلالی، پرویز (۱۳۷۹). "سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران"، تهران، موسسه آن، چاپ اول.
- برایسون، جان مور (۱۳۸۴). "برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمانهای عمومی و غیر انتفاعی"، تهران، انتشارات آریانا، چاپ اول.
- رادکلیف، مایکل (۱۳۷۳). "توسعه پایدار"، ترجمه حسین نیر، تهران، انتشارات وزارت کشاورزی، چاپ اول.
- رحمتی، محمدحسین (۱۳۹۱). "اداره امور سازمانهای محلی در ایران"، تهران، مهربان نشر، چاپ اول.
- ساسان‌پور، فرزانه (۱۳۹۰). "مبانی پایداری توسعه کلانشهرها"، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهه (۱۳۸۵). "روش تحقیق در علوم رفتاری"، تهران، نشر آگه، چاپ دوازدهم.
- شهرداری تهران (۱۳۸۶). "طرح راهبردی - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران"، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- شهرداری تهران (۱۳۹۱). "برنامه عملیاتی میان مدت شهرداری تهران"، تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- لشکربلوکی، مجتبی (۱۳۹۰). "فرامین و فنون تفکر استراتژیک"، تهران، انتشارات نص، چاپ اول.
- لیتنج، لوین (۱۳۸۱). "سیمای شهر"، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- مجابی، سید محمد، محمدی، مهدی، فخر، بابک، پناهی، محمدعادل، پور موسوی، سید موسی، و نوازی، آزاده (۱۳۹۰). "مسئله یابی در مدیریت شهری"، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- نیومن، لاورنس (۱۳۹۰). "روشهای پژوهش اجتماعی"، ترجمه ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز، تهران، انتشارات ترمه، چاپ اول.
- وردی‌نژاد، فریدون، و یمینی، سارا (۱۳۸۷). "مدل ارزیابی متوازن و عملکرد شهرداری تهران"، پژوهش مدیریت شهری، شماره اول، صص ۲۰-۲۷.
- Maga, v., Pederson, J. (1998), "Urban sustainability indicators", Dublin: European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions.
- Mangham, I., and Overington, M. (1987) *Organization as Theatre: A Social Psychology of Dramatic Appearances*. New York, Wiley.

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل استراتژیک شهرداری تهران ... بر اساس مدل پرایسون ■ ۲۰۵

- Nutt, P. C. & Backoff, R. W. (1995), "Strategy for Public and Third-Sector Organizations", *Journal of Public Administration Research and Theory*, Vol. 5, No. 2, Pp. 189-211.
- Nutt, p. c., and Backoff, R. W. (1987) "A Strategic Management Process for Public and Third-Sector Organizations," *Journal of the American Planning Association*, 53, 44-57.
- Schöler, G., Walther, C., (2003), "A Practical Guide Book on Strategic Management for **Municipal Administration**", Washington: Bertelsmann Stiftung.
- Wackernagel, mathis and William E. Rees (1996), our ecological footprint, educating human impact on the earth.